



تاریخ

عمرم کاظمین
(علیہما السلام)

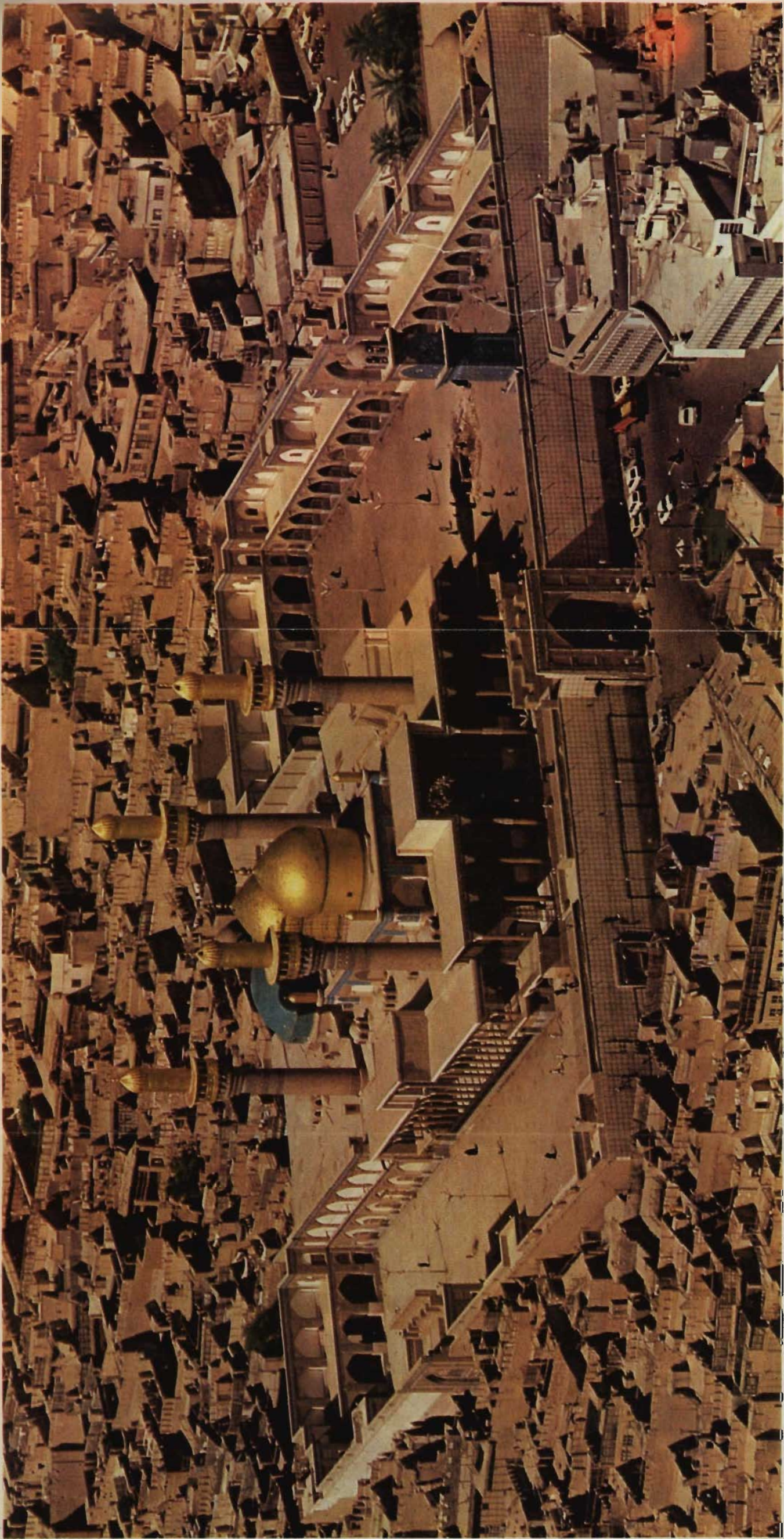
تألیف
شیخ محمد حسن آل یاسین

ترجمہ

غلامرضا اکبری

عنوان:	تاریخ حرم کاظمین
نویسنده:	محمد حسن آل یاسین
مترجم:	غلامرضا اکبری
ناشر:	کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام
نیراژ:	۳۰۰۰ نسخه
حروفچینی:	موسسه نشر نگارش
چاپ:	چاپخانه دقت
تاریخ نشر:	تابستان ۱۳۷۱
قیمت:	با جلد شمیز ۲۰۰۰ ریال
	با جلد گالینگور ۲۵۰۰ ریال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عراق - شهر کاظمین
حرم مطهر امام موسی کاظم و امام جواد علیهما السلام

مقدمه ناشر:

شهر کاظمین از نظر تاریخی و جغرافیائی یکی از شهرهای مهم تاریخ بشری است زیرا در این سرزمین کانون علم و عشق و هنر و صنعت نهفته شده است.

آرامگاه کاظمین علیهما السلام همچون خورشیدی در قلب شهر کاظمین قد برافراشته و بورافشانی می‌کند و عطر دل‌انگیز آوای توحید و صلابت عشق و معنویت از گلدسته‌های آن مشام جان‌عاشقان را همواره نوازش می‌دهد.

هنر اسلامی بر در و دیوار، صحن و رواق، روضه و سرداب، صندوق و حرم، کاشی کاری، نقاشی، مینا کاری، تذهیب و نهایت سلیقه و هنر در معماری و طراحی حرم مشاهده می‌شود.

این گنبد و بارگاه، خورشید درخشان زمین است و شکوه و جلال، عظمت و زیبایی از آن پرتوافکن است. نقاشیها، طلاکاریها، آئینه کاریها، مینا کاریها، تذهیب روضه و خاتم کاری صندوق، منبت کاری درهای مزین به فلزات قیمتی، چشم هر بیننده را خیره می‌سازد و بالاخره جمال این آستانه مقدس مانند سایر عتبات مقدسه دیدنی است نه شنیدنی.

آشنائی با حرم کاظمین و کیفیت ساختمانی آن در طول تاریخ و سیر تحولاتی که در آن بوقوع پیوسته، یکی از موضوعاتی است که هر مسلمان وارسته و شیعه عاشقی را مجذوب می‌نماید و او را مشتاق مشاهده و کسب اطلاعاتی از وضعیت گذشته و کنونی آن می‌گرداند.

کتاب (تاریخ المشهد الکاظمی) که به خامه اندیشمند بزرگ شهر کاظمین

جناب حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد حسن آل یاسین نگارش یافته است، اطلاعات وسیع و کاملی در این زمینه تقدیم خوانندگان علاقمند می سازد. از این رو تصمیم بر این شد کتاب فوق جهت استفاده فارسی زبانان شیفته اهل بیت عصمت و طهارت ترجمه گردد که این مهم توسط آقای غلامرضا اکبری انجام گرفته و هم اکنون تقدیم علاقمندان می شود.

کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام ضمن قدردانی از مترجم محترم و آرزوی توفیق بیشتر وی در ارائه آثار دیگر در جهت احیای امر ائمه معصومین، امیدوار است مورد توجه خوانندگان و عنایت ویژه امامان معصوم حضرت امام کاظم و حضرت رضا و امام جواد علیهم السلام قرار گیرد. انشاءالله

کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام

مقدمه مترجم:

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين
بی شک آشنائی با مسائل کاظمین مخصوصاً حرم مطهر امام کاظم و امام
جواد علیهما السلام یکی از خواسته های علاقمندان اهل بیت عصمت و طهارت
می باشد، چرا که مضجع منور آنان محبط ملائکه و مسجد ذکر خدا و مناره
ایمان و گلدسته نقوی و جایگاه تجلی انوار الهی است.

از این رو یکی از عناوین و موضوعاتی که برای بحث و بررسی در سومین
کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام ویژه بررسی ابعاد شخصیت امام
موسی بن جعفر علیهما السلام پیشنهاد شد، بررسی تاریخچه کاظمین و نهیه
کتابی در این زمینه بود.

بدین منظور کتاب (تاریخ المشهد الکاظمی) نوشته دانشمند معروف
جناب حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمدحسن آل یاسین که از محققان بنام شیعه
و اهل و ساکن کاظمین است، برای ترجمه انتخاب گردید.

کتاب فوق بلحاظ اینکه نویسنده آن سالیان درازی از عمر گرانقدر خود
را در راه تحقیق و تدوین تاریخ شهر کاظمین صرف کرده و سیر تحوّل و
رویدادهای آنرا به رشته تحریر درآورده است، از اهمیت خاصی برخوردار است و
خواننده را با چگونگی تکوّن حرم و وقایعی که در طول تاریخ بر آن گذشته و
کیفیت گسترش و آبادانی آن، آشنا می سازد.

نکاتی درباره ترجمه کتاب:

۱ - متن عربی کتاب دارای تصاویری از اماکن مختلف حرم مطهر بود که

امکان استفاده از تمامی آنها در ترجمه فارسی بلحاظ عدم کیفیت چاپی آنها نبود و نیز دسترسی به اصل تصاویر و یا تهیه تصاویر دیگر ممکن نبود، لذا در ترجمه فارسی فقط از تصاویری که امکان بهره برداری در چاپ دوباره بود استفاده گردید.

۲ - مؤلف محترم قریب هفتصد بیت شعر در قالب قصیده های طولانی از شعرای متعددی در متن عربی آورده است که ترجمه تمامی آنها ضروری نمی نمود لذا برگزیده ای از آنها که اهمیت ویژه ای داشت برای ترجمه انتخاب گردید.

۳ - مترجم تا آنجا که مقدور و میسر وی بود تلاش خود را برای ترجمه ای روان و قابل استفاده فارسی زبانان بکار برده است با این همه ممکن است خوانندگان عزیز به نقایص و کاستیهایی برخورد کنند که امید است با بزرگواری خود جبران نمایند.

سالیانی است که خیل مشتاقان ایرانی حرم باره، از زیارت کعبه آمال خود محروم و دست وصالشان ضریح پاک و مطهر کاظمین را لمس نکرده و چشم امیدشان بدان منور نگشته است. امید آنکه با یاری خداوند متان و عنایات و توجهات ویژه باب الحوائج امام کاظم علیه السلام و باب المراد امام جواد علیه السلام، دست ستمی که از آستین سفیانی زادگانی چون صدام بیرون آمده و صد عن سبیل الله نموده است کوتاه شود و وسیله زیارت دیده و دلهای مردم ایران عاشق جمال دل انگیز حرم کاظمین فراهم آید.

در خاتمه با تشکر از دبیر دانشمند کنگره جهانی حضرت رضا (ع) جناب حجة الاسلام و المسلمین فردوسی پور و سایر دست اندر کاران کنگره و نیز عزیزانی که متن عربی کتاب را در اختیار اینجانب گذاشتند و همچنین جناب حجة الاسلام و المسلمین محمدرضا عطائی که بزرگوارانه مشوق اینجانب بودند امیدوارم این اثر ناچیز مورد توجه و استفاده خوانندگان گرامی و عنایات خاصه ثامن الحجج علیه آلاف التحية والثناء قرار بگیرد.

مشهد مقدس فروردین ۱۳۷۱ (رمضان المبارک ۱۴۱۲)

غلامرضا اکبری

هیچ مشکلی برایم پیش نیامد که از حل آن ناتوان باشم مگر آنکه آهنگ زیارت قبر موسی بن جعفر کردم و بدو متوسل شدم و خدا مشکلم را آسان و خواسته ام را برآورده ساخت.

ابوعلی الخلال بزرگ حنبلیها

حرم کاظمین جای بزرگ و باشکوهی است و در آن قندیلهای طلایی و نقره ای و ائاثیه و فرشهای فراوانی وجود دارد.

ابن خلکان از علمای قرن هفتم هجری

(حرم کاظمین) مکانی است که فرشتگان در آن فرود می آیند و جایگاهی است که دلهای زائران در آن شاد و خرم می گردد.

از سروده های عبدالغفار اعرس: شاعر موصلی

(حرم کاظمین) باغی است که دلها با چشمداشت چیدن میوه ها، در آن مشتاقانه وارد می شوند.

از سروده های عبدالباقی عمری فاروقی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا محمد و اله
الطيبين الطاهرين

شهر کاظمین - یا آنچه در گذشته مقابر قریش نامیده می شده و سپس مشهد کاظمین - شهری است قدیمی که دارای گذشته ای ریشه دار و با کرامت و اصیل بوده و بخشی جدائی ناپذیر، از بغداد گذشته و حال می باشد. لکن جزء و بخش مهملی - بمفهوم ادبی آن - که هیچ اهتمام و توجهی حتی از جانب ساکنانش بدان نشده و نوشته قابل توجهی - جزء جزوه های مختصر کوچک که آنهم پیرامون تاریخ بارگاه حضرت کاظم (ع) - در آن باره منتشر نشده است این نوشته های معدود، از جهتی کم مایه و از جهتی دیگر دارای اشتباهات زیادی است، بعدی که نیاز خواننده را بر آورده نمی کند.

این سهل انگاری که شهر کاظمین دچار آن گشته است مرا بر آن داشت تا به نوشتن تاریخ وسیعی که در بر گیرنده سایر جوانب زندگی از زمانی که نشانه ها و علایم زندگی اجتماعی در آن ظاهر گشته است تصمیم بگیرم و از خداوند بزرگ آرزو دارم که به من توفیق و یاری دهد تا هر چه زودتر این مباحث را که سالهای طولانی از جوانی ام را صرف گرد آوری آن نموده ام منتشر سازم.

به امید اینکه این مباحث یاد آور شکوه و عظمت این شهر مقدس باشد و آثار و اخبار آن را که تاکنون مورد غفلت و نابودی قرار گرفته در تاریخ ثبت نماید و با تحقیقات دیگری که در جهت روشن ساختن صفحات تاریک و مجهول تاریخ بغداد و سایر شهرهای عراق صورت می‌گیرد، سهیم باشد.

خواننده اثر این غفلت و بی توجهی مورخین نسبت به کاظمین را، بطور آشکاری خواهد دید، چون این کار باعث بروز بعضی فاصله‌ها و شکافها شده که علت آن کمبود منابع اساسی که بیشتر از یادی مختصر و کوتاه و نگاهی گذرا، تجاوز نمی‌کند.

منطقه ای که امروز بخشی از آن کاظمین نامیده می‌شود در طول دهها قرن مورد توجه و اهتمام حکومتها بوده است از همین رو می‌بینیم که کوریکالزو اول یکی از پادشاهان سلسله کشی در ادامه عنایت به این قسمت از دایره حکومتش، شهر بزرگ عقرقوف را که «دیوار کوریکالزو» نامیده می‌شود، بنا کرد و آثار آن تا امروز نیز ثابت و پایدار باقی مانده و در فاصله شش مایلی غرب کاظمین واقع گردیده است آثار بجای مانده از این شهر گویای این مطلب است که مهارت زیاد در بنای آن و همچنین کاخ بسیار بلند و عالی آن بکار برده شده است. ضخامت و استواری ساختمانی شهر و زیبایی زیاد بناها، دلیل بر این است که روزگاران زیادی، مسکونی و دارای جمعیت بوده است احتمال زیاد می‌رود که این شهر پایتخت پادشاهان سلسله کشی از اوائل قرن ۱۵ قبل از میلاد تا پایان پادشاهی آن سلسله بوده است. با این وضع عقرقوف نمونه‌ای تاریخی از روزگاران عراق قدیم است که میزان منابع شناخت ما نسبت به آن واقعاً کم است، تا جایی که می‌توان این دوران را علی‌رغم اینکه از دوران‌های مهم تاریخ عراق است، دوران

تاریک و مجهول آن دانست^۱

تاریخ این منطقه از سرزمین عراق، در زمانهای بعد، یعنی روزگار سلجوقیان، اخمینیان، فرثیان، و ساسانیان، برای ما مجهول است گر چه به احتمال قوی مورد توجه و عنایت بوده و حداقل بخاطر زراعت و کشاورزی، خالی از سکنه و زندگی نبوده است.

اسم این منطقه قبل از بناء بغداد «شونیزی» بوده است. احتمال دارد که اطلاق این اسم بعد از دوران ساسانیان باشد. بعلت اینکه این نام عربی است و شونیز در لغت بمعنی دانه سیاه است که با اتصال یای نسبت به آخر آن شونیزی می شود.^۲ خطیب بغدادی سبب نامگذاری آن را به شونیزی روایت کرده و می گوید: از بعضی بزرگان شنیدم که می گفت: در قدیم مقابر قریش به قبرستان شونیزی کوچک شناخته می شد و گورستانی که در پشت «توئه» واقع است، به قبرستان «شونیزی» بزرگ معروف بوده است این دو، برادر بوده اند و به هر دو شونیزی گفته می شده و چون در این دو مکان بخاک سپرده شده اند، قبرستان به آن دو منسوب شده است^۳

و در سال ۱۴۵ هجری منصور دوانیقی، شروع به ساختن شهر بغداد نمود^۴ و بنا به روایت خطیب بغدادی کار آن در سال ۱۴۶ هجری^۵ به اتمام رسید لکن طبری در حوادث سال ۱۴۹ تصریح کرده

۱ - دلیل تاریخی علی مواطن الآثار فی العراق: ۲۷ - ۳۰.

۲ - تاریخ قبل و بعد از اسلام این منطقه را در کتابی بنام «تاریخ شهر کاظمین» که هنوز چاپ نشده است، بطور مشروح بحث کرده ام.

۳ - تاریخ بغداد: ۱/۱۲۲، و مانند آن در وفیات الاعیان: ۲/۱۰۳.

۴ - تاریخ طبری: ۶/۲۳۴، و تاریخ بغداد: ۱/۶۶.

۵ - تاریخ بغداد: ۱/۶۶.

است که: در این سال منصور دیوارکشی و خندق سازی و کارهای دیگر شهر را پایان رساند.^۱

بهر صورت منصور دوانیقی پس از پایان شهری که خود، در غرب بغداد ایجاد کرد مقبره شونیزی کوچک را جدا کرد و احتمالاً آنرا مخصوص دفن اموات خاندان خود و سایر خویشاوندانش قرار داد و مقابر قریش نامید.^۲

شاید انتخاب لفظ قریش، اشاره به شرکت عموم قریشیان بویژه عباسیان و علویان در استفاده از این گورستان باشد. گاهی از آن به مقابر بنی هاشم نیز تعبیر می کنند.

با گذشت زمان، اسم اول آن که شونیزی کوچک بود، فراموش گردید و به اسم جدید - مقابر قریش یا مقابر بنی هاشم - مشهور شد.^۳ اولین کسی که در این گورستان دفن گردید جعفر اکبر فرزند منصور دوانیقی بود که در سال ۱۵۰ هجری^۴ از دنیا رفت و پس از او هیثم بن معاویه در سال ۱۵۶ هجری^۵ در آنجا بخاک سپرده شد و از آن پس دفن اموات در آن قبرستان ادامه یافت.

ظاهراً اولین بنای اسلامی که در این گورستان بوجود آمده است بارگاه و گنبدی بود که بر روی قبر جعفر بن منصور بنا شد شاید این

۱ - تاریخ طبری: ۲۸۵/۶، و مانند آن در معجم البلدان.

۲ - معجم البلدان: ۱۰۷/۸.

۳ - تاریخ طبری: ۳۰۱/۶، و البدایه و النهایه: ۱۰۷/۱۰، اربلی در کشف الغمه صفحه: ۲۴۹ می گوید: «این مقبره بنی هاشم بوده است»، و شیخ مفید در ارشاد صفحه: ۳۲۳ می گوید: «آنجا مقبره بنی هاشم و اشراف مردم بوده است».

۴ - تاریخ طبری: ۲۸۸/۶ و تاریخ بغداد: ۱۲۰/۱ و معجم البلدان: ۱۰۷/۸.

۵ - تاریخ طبری: ۳۰۱/۶.

بارگاه، همان باشد که سایر مدفونین از بنی عباس را در بر گرفت و این مطلب از گفته ابن خلکان استفاده می شود آنجا که وفات امام کاظم (ع) را یاد آور شده و می گوید: «امام کاظم (ع) در مقابر شونیزیه بیرون از بارگاه دفن گردید»^۱ شکی نیست که مقصود ابن خلکان از بارگاه، مقبره جعفر بن منصور می باشد چون او اولین کسی است که در این گورستان بن خاک سپرده شده است و تا قبل از اینکه امام کاظم در آنجا دفن شود، از مشهورترین مدفونین این گورستان بود بخصوص که در زمان زندگی و خلافت پدرش منصور مرده بود.

بعد از شهادت امام کاظم (ع) و دفن آن حضرت در این گورستان و همچنین دفن امام جواد (ع) در کنار آن حضرت، بار دیگر اسم این منطقه تغییر کرد و منسوب به امام کاظم (ع) شد و از آن پس، محبوب دلهای مؤمنین و مورد نظر آنان قرار گرفت و سکونت مردم در آنجا شروع، و با گذشت زمان فزونی یافت و بعدها یکی از شهرهای مهم عراق گردید، که این تحقیق و نوشته و همچنین تحقیقات آینده مشتمل بر شرح و تفصیل آن است

با توجه به گستردگی بحث در تاریخ کاظمین و ابعاد و جوانب آن بررسی در این کتاب را مخصوص روضه مقدسه و حرم مطهر قرار دادیم و تاریخ آن را از روزگار آغاز دفن امام کاظم و امام جواد تا امروز بر حسب تسلسل تاریخی آوردیم و سعی کردم تا بطور تفصیل سیر تکاملی ساختمانی بناها و گسترش و توسعه آن و آنچه که از نظم و نثر در این باره گفته شده و همچنین عکسها و خطوطی که مبین این مطلب است تبیین و تشریح نمایم.

در پایان بحث، چهار بخش ضمیمه اضافه کردم که در بخش

نخست از فرزندان امام کاظم که در مقابر قریش دفن شده اند بحث نموده ام و در بخش دوم از علماء مشهور و همچنین ادبا و رهبران نامدار که در آنجا مدفونند سخنی گفته ام و در ضمیمه سوم از متولیان روضه مقدسه از آغاز تا کنون، بحث شده و بالاخره در ضمیمه چهارم از اشیاء نفیس و باارزش و خزانه مقدسه بحث شده است. همه این ها برای این بوده که تصویر مطلب را برای خواننده، روشتر و بطور مستدل بیان می کند.

* * *

در پایان از مجمع علمی عراق و تولیت محترم روضه مقدسه و همچنین از مدیریت آثار ملی بخاطر همکاریشان در تهیه بخشی از منابع و مراجع این کتاب، تشکر و سپاسگذاری می نمایم و امیدوارم که بزودی مجلدات دیگر این کتاب که از جمله سلسله بحثهایی در تاریخ کاظمین است و مواد آن بصورت دست خط آماده می باشد، چاپ گردد

والله تعالی هوالموفق والمسدد و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

کاظمین

محمد حسن آل یاسین

حرم کاظمین
در زمان بنی عباس

شهادت امام کاظم و دفن آن حضرت

در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری^۱ امام موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام به شهادت رسید و پیکر مطهرش به مقابر قریش حمل شد و در آنجا که هم اکنون روضه پاکش می باشد، دفن گردید.^۲

۱ - تاریخ طبری: ۴۷۲/۶ و ارشاد شیخ مفید: ۳۲۳ و تاریخ بغداد: ۳۲/۱۳ و کامل ابن اثیر: ۱۰۸/۵ و البداية و النهاية: ۱۸۳/۱۰ و وفیات الاعیان: ۳۹۵/۴.

۲ - شرح زندگانی امام کاظم(ع) در کتب تفسیر، فقه، کلام و تاریخ زیاد است که در اینجا فرصت برای ذکر و تفصیل آن نیست و ما در اینجا گزیده هایی از آنچه خطیب بغدادی در کتاب تاریخ بغداد جلد ۲۷/۱۳ - ۳۲ گفته است اکتفاء می کنیم:

موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب «ابوالحسن الهاشمی» در سال ۱۲۸ و به قولی ۱۲۹ هجری در مدینه متولد شده است. مهدی عباسی او را به بغداد فرا خواند و سپس به مدینه باز گرداند وی تا روزگار هارون الرشید در مدینه اقامت داشت.

در رمضان سال ۱۷۹ هجری که هارون از عمره برمی گشت موسی بن جعفر(ع) را با خود به بغداد آورد و او را در آنجا محبوس کرد تا اینکه در حبس وفات نمود ...

موسی بن جعفر به سبب عبادت و تهجدش به «عبد صالح» نامیده می شد. او ←

یکی از مورخین اظهار داشته است که آن حضرت در مکانی که

→
بخشنده و بزرگوار بود اگر به کسی از طرف او ناراحتی می رسید یک کیسه هزار دیناری برایش می فرستاد. کیسه های دویست، سیصد و چهارصد دیناری درست می کرد و در بین مردم مدینه تقسیم می نمود. کیسه های دینار موسی بن جعفر (علیه السلام) ضرب المثل و زبانزد مردم شده بود و اگر نصیب کسی می گردید بی نیاز می شد ...

محمد بن عبدالله بکری گوید: برای مطالبه طلبی وارد مدینه شدم و بدهکاران جواب مرا ندادند، ناتوان شدم. با خود گفتم: خدمت ابی الحسن موسی بن جعفر (ع) بروم و شکایت حال خود را باوی درمیان گذارم. پس خدمتش رسیدم و قصه خود را عرض کردم و آن حضرت کیسه ای که در آن سیصد دینار بود به من داد ...

فضل بن ربیع از پدرش نقل می کند که چون مهدی عباسی، موسی بن جعفر (علیه السلام) را زندانی کرد شبی در خواب علی بن ابی طالب علیه السلام را دید که به او می گوید: ای محمد! (فهل عیستم ان تولیتم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم. محمد ۲۲/۱). شما منافقان اگر از فرمان خدا روی بگردانید یادر زمین فساد و قطع رحم کنید باز هم امید نجات دارید). ربیع گوید: مهدی عباسی شبانه بدنبال من فرستاد - از این موضوع وحشت زده شدم - وقتی آمدم دیدم که این آیه را می خواند - و او خوش صدا بود - رو کرد به من و گفت: موسی بن جعفر را پیش من بیاور، وقتی او را آوردم او را در بغل گرفت و با او معانقه کرد و در کنار خویش جای داد و به وی گفت: ای ابی الحسن! من امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب را در خواب دیدم که این آیه را برایم می خواند. پس به من اطمینان می دهی که بر من و یا یکی از فرزندانم خروج نکنی؟

موسی بن جعفر علیه السلام گفت: بخدا این کار را انجام نخواهم داد و این کار در شأن من نیست.

مهدی گفت: راست می گویی. ای ربیع! سه هزار دینار به او بده و وی را پیش

خود قبلاً در مقابر قریش در مدینه السلام خریداری کرده بود دفن

→ خانواده اش در مدینه بفرست ...

هارون الرشید پس از مراسم حج برای زیارت حرم پیامبر(ص) به مدینه آمد. با او مردانی از قریش و سران قبائل و موسی بن جعفر علیه السلام بود. هارون چون به قبر رسول خدا(ص) رسید سلام داد و گفت: سلام و درود بر تو ای رسول خدا، ای پسر عمو! و با این جمله بر کسانی که دوروبرش بودند افتخار می کرد. موسی بن جعفر علیه السلام نزدیک قبر رسول خدا رفت و سلام داد و گفت: درود و سلام بر تو ای پدر! رنگ صورت هارون الرشید دگرگون شد و گفت: فخر و مباهات واقعی این است ای ابالحسن ...

آن حضرت پیش سندی بن شاهک زندانی شد خواهر سندی که زنی مؤمنه بود از برادرش خواهش کرد که سرپرستی موسی بن جعفر در زندان را به وی بسپارد و سندی قبول کرد و او در زندان به آن حضرت خدمت می کرد. حکایت شده که خواهر سندی گفته است: آن حضرت پیوسته بعد از نماز عشا حمد و سپاس خدا می گفت و با او راز و نیاز می کرد تا اینکه شب بپایان می رسید و چون تاریکی شب به آخر می رسید به نماز صبح می ایستاد پس از آن کمی ذکر خدا می گفت تا خورشید طلوع می کرد. سپس می نشست تا روز بالا می آمد، سپس می خوابید و پیش از زوال ظهر بیدار می شد و وضو می گرفت و نماز می خواند تا اینکه نماز عصر را بپا می داشت و بعد مشغول ذکر خدا می شد تا اینکه نماز مغرب را می خواند آنگاه مابین مغرب و عشاء نماز می خواند و این راه و روش او بود تا زمانی که از دنیا رفت. خواهر سندی بن شاهک وقتی به آن حضرت نگاه می کرد، می گفت: بدبخت است گروهی که متعرض این مرد شود ...

موسی بن جعفر (علیه السلام) از زندان نامه ای به هارون الرشید فرستاد و در آن خطاب به هارون چنین نوشت: بدان هیچ روز سختی بر من نمی گذرد مگر اینکه همزمان با آن روز خوشی نیز از تو بپایان می رسد تا اینکه دوران عمر سر آید و روزی که پایان ناپذیر است فرا رسد و گمراهان در آن روز زیان کارند ...

گردید^۱، لکن چیزی که این مطلب را در منابع تاریخی دیگر تأیید کند نیافتیم. چنانچه این روایت درست باشد دلالت بر مقدار و میزان اهمیتی می‌کند که این سرزمین در خلال مدت کوتاهی که بیشتر از سه سال تجاوز نمی‌کند نصیب خود نموده است.

بعد از آن مدفن امام (ع) مشهور به مشهد باب التبن^۲ و مشهد موسی بن جعفر، و آرامگاه موسی بن جعفر گردید و تنها طبری در کتاب دلائل الامامه از آن به «مسجدابی ابراهیم موسی بن جعفر»^۳ نام برده است که به نظر می‌رسد لفظ مسجد تصحیف همان مشهد باشد و یا اینکه منظور از مسجد، مسجد باب التبن^۴ باشد و از باب اینکه قبر شریف امام موسی بن جعفر در نزدیکی آن واقع شده منسوب به آن حضرت می‌باشد.

از نوشته‌های مورخان بر نمی‌آید که آن محل قبلاً امتیاز ویژه‌ای داشته تا مدفن امام (ع) شود و آنچه از ساختمان و سایر آبادانیها به آن اضافه شده و تکامل پیدا کرده، در سالهای بعد بوده است لکن از روایات زیر چنین استفاده می‌کنیم که در این فاصله، تشکیلات اندکی پیرامون قبر شریف وجود داشته است:

۱ - احمد بن عبدوس از پدرش نقل می‌کند که گفت: به امام رضا (ع) عرض کردم: به قربانت گردم: زیارت قبر ابی الحسن موسی بن

۱ - اثبات الوصیة: ۱۶۴.

۲ - چون باب التبن که در قسمت شرقی حرم و نزدیک رود دجله واقع شده به این اسم، نامگذاری شده است. مراجعه شود به: معجم البلدان: ۱۴/۲.

۳ - دلائل الامامه: ۲۹۶.

۴ - صدی الفوائد: ۱۱.

جعفر (ع) در بغداد برای ما مشکل است^۱ و از پشت دیوار بر او سلام می دهیم.^۲

۲ - حسین بن یسار واسعی گفته است که از امام رضا (ع) سؤال کردم: برای کسی که قبر پدرت را زیارت کند چیست؟ فرمود: او را زیارت کنید.

حسین بن یسار واسعی می گوید، عرض کردم: چه فضیلت و کرامتی دارد؟

امام رضا (ع) فرمود: ارزش و پاداش کسی که او را زیارت کند، مانند ارزش و پاداش کسی است که جدش رسول خدا (ص) را زیارت کند. عرض کردم: اگر ترسیدم و امکان ورود به حرم برایم نبود چکار کنم؟ امام (ع) فرمود: از پشت دیوار سلام بده.^۳

۳ - امام رضا (ع) در مورد زیارت قبر پدرش ابی الحسن موسی بن جعفر گفته است: در مساجدی که اطراف قبر شریف است نماز و دعا بخوانید.^۴

این روایات و امثال آنها، دلالت بیشتری بر وجود دیوارهایی که در اطراف قبر شریف و دیوار مخصوص پیرامون آن و مساجدی که مردم در آنها نماز می خوانده اند نمی کند، و افزون بر این، اطلاعاتی در دست نداریم.

۱ - منظور سائل از مشکلات، ترس از قدرت حاکم و هجوم به زائرین بوده است.

۲ - کامل الزیارات: ۳۰۰.

۳ - کامل الزیارات: ۲۹۹.

۴ - کامل الزیارات: ۲۹۹ و من لایحضره الفقیه: کتاب الزیارات.

دفن امام جواد (ع)^۱

در آخر ذی القعدة و یا پنجم یا ششم ذی الحجة سال ۲۲۰ هجری قمری^۲ ابی جعفر امام جواد (ع) وفات یافت و در کنار تربت جدش

۱ - منابع و مآخذ زندگی امام جواد (ع) مثل منابع شرح زندگی جدش امام کاظم (ع) زیاد و غیر قابل شمارش است.

ما در اینجا به نقل آنچه کمال الدین محمد بن طلحة الشافعی در کتاب مطالب السؤل: ۷۴/۲ - ۷۵ آورده اکتفا می کنیم. او می گوید:

«ابو جعفر محمد معروف به ابی جعفر الثانی - جدش امام باقر علیه السلام نیز محمد نام داشت و کنیه اش ابی جعفر بود - امام جواد گرچه کم سن و سال بود لکن بزرگ منزلت و بلند آوازه بود. وی در شب جمعه نهم ماه رمضان سال ۱۹۵ هجری و به روایتی در دهم رجب سال ۱۹۵ هجری قمری متولد شد و ملقب به القانع و المرتضی بود.

اما مناقبش، پس اتساع نپذیرفت مراوراحلیات مجال او، و امتداد نیافت مراورا اوقات آجال او، بلکه قضا شد بر او، اقدار الهیه بقلت بقای او در دنیا، بحکم و اسجال او، پس اندک بود در دنیا مقام او، و تعجیل کرد قدومش از جهت زیارت حمام او، پس دراز نشد در او، مدت او، و ممتد نگشت ایام او، غیر آنکه حق جل و علا، تخصیص داد آن حضرت را به منقبت لائقه، و در مطالع تعظیم، به انوار بارقه مرتفعه، و در معارج تفضیل، به عقول بینه هادیه، و اگرچه در صورت، واحد نمود، اما در معانی کثیر بود و صیغه اش اگرچه صغیر بود، لکن در دلالت، کبیر بود.

(بنقل از ترجمه کشف الغمة: ۱۸۷/۳)

۲ - ارشاد: ۳۳۹، اثبات الوصیة: ۱۸۶، تاریخ بغداد: ۵۵/۳، تذکرة الخواص: ۳۶۸، الفصول المهمة: ۲۵۷، مطالب السؤل: ۷۵/۲.

ابی ابراهیم موسی بن جعفر (ع) دفن گردید.^۱

ما در منابع تاریخی به چیزی که بطور مستقل وضعیت مشهد را بعد از دفن امام جواد بیان کند دست نیافتیم، لکن آنچه بطور حتمی می توان گفت این است که قبر این دو بزرگوار جایگاه مخصوصی بوده^۲ و افراد زیادی برای زیارت این دو امام به آنجا می رفته اند و از گفته بعضی از مورخان که از آن تعبیر به «تربة ابی ابراهیم موسی» نموده - ما قبلاً آن را نقل کردیم - چنین استفاده می شود که در آنجا گنبدی بوده که شامل هر دو قبر شریف بوده است. - چون تربت بجز بر قبری که گنبد داشته باشد اطلاق نمی شود^۳ - همان طوری که از روایت مسکویه^۴ - که در آن از محسن بن وزیر بن فرات سخن می گوید - چنین استفاده می شود که افرادی در اطراف روضه مقدسه و در کنار مقابر قریش سکونت داشته اند.

در این مورد سخن ابی الحسین بن ابی البغل کاتب که دربارہ زیارت مخفیانه مقابر قریش گفته است خالی از فایده نیست. او می گوید:

«کاری را از طرف ابی منصور بن صالحان بعهده گرفتم، جریانی بین من و او پیش آمد که موجب مخفی شدن من گردید. او مرا طلبید و ترساند، از ترس پیش او نرفته و پنهان شدم. شب جمعه ای عازم مقابر

۱ - اثبات الوصیة: ۱۸۶.

۲ - در کتاب دلائل الامامه صفحه ۲۶۲ داستانی که تاریخ وقوع آن سال ۲۸۶ هجری بوده، نقل شده است و از آن استفاده می شود که حرم، بنایی مخصوص داشته است.

۳ - مشهد کاظمین: ۳.

۴ - تجارب الامم: ۱۳۱/۵.

قریش شدم و تصمیم گرفتم شب را برای دعا و راز و نیاز بیدار بمانم آن شب طوفانی و همراه با باد و باران بود، از (ابی جعفر) که متولی آنجا بود خواستم تا درها را ببندد و او تمام درها را بست و قفل نمود. نیمه شب شد - در حالی که باد و باران می آمد و مردم از جایشان تکان نمی خوردند - من دعا و زیارت و نماز می خواندم، در همین بین که مشغول عبادت بودم، صدای پایی را کنار قبر مولا موسی بن جعفر (ع) شنیدم و مردی را دیدم که زیارت کرد و سپس خارج شد من هم خارج شدم تا درباره آن مرد از ابن جعفر بپرسم، دیدم که درها به همان حالت قبلی بسته و قفل است. ابن جعفر را که مسئول آنجا بود صدا زدم و او از اطاقی که روغن چراغ در آنجا بود خارج شد بطرف من آمد...»^۱

از این حدیث تعداد بیوتات و اطاقهائی که پیرامون روضه مقدسه بوده، استفاده می شود چون وقتی برای روغن چراغ اطاق مخصوص باشد برای امثال آن، مثل فرش و اثاث و سایر موقوفاتی که احتیاج به حفظ و حراست دارد، جاهای بخصوص دیگری وجود داشته است و شاید تکرار لفظ ابواب (درها) دلیل روشنی بر وسعت بنای روضه مقدسه و بیوتاتی که اطراف آن وجود داشته، باشد.

در زمان آل بویه

در سال ۳۳۴ هجری معزالدوله بغداد را به تصرف خود در آورد و بر شوون آن تسلط پیدا کرده و امور آن را بدست گرفت. از جمله

کارهایش این بود که در سال ۳۳۶ هجری دستور داد حرم مطهر کاظمین را تجدید بنا کنند وی ساختمان تازه ای ساخت و ضریح و دو گنبد از چوب ساج روی آن دو قبر بنا کرد و دیواری به دور آن کشید سپس دستور داد تا عده ای از سربازان دیلمی که تعدادی از اهالی مرو با آنان بودند برای خدمتگزاری و حفاظت و امنیت آنجا مستقر شوند.

همین آبادی و بنای جدید باعث کثرت و ازدیاد خانه سازی در اطراف روضه مقدسه گردید و بعلت برقراری امنیت و آسایش و از بین رفتن علل نگرانی، حوزه سکونت در آنجا توسعه پیدا کرد.^۱ و این ساختمان اولین بنای بزرگی بود که بعد از دفن کاظمین علیهما السلام بر روی قبر آنان استوار گردید.

در سال ۳۵۶ هجری که معزالدوله جان سپرد ابتدا در خانه اش دفن گردید و سپس در سال ۳۵۸ جنازه اش به قبری که در مقابر قریش برایش ساخته شده بود^۲ انتقال یافت. ظاهر امر این است که دو گنبدی که بر روی دو ضریح شریف قرار داشته بزرگ بوده و فضای آنها عده بسیاری از نهانگاران و زائران را در بر می گرفته است همان طوری که روایت شیخ صدوق - که آداب زیارت امام کاظم و امام جواد^۳ را ذکر کرده - و روایت ذهبی - که در مورد اجتماع در عید غدیر سال ۳۵۲ آورده^۴ بر این مطلب دلالت دارد.

بعد از تجدید بنایی که بدست معزالدوله انجام گرفت هدایای مردم پشت سرهم تقدیم روضه مقدسه می شد. از جمله چیزهایی که گفته

۱ - صدی الفوآد: ۱۱ - ۱۲.

۲ - وفیات الاعیان: ۱۵۸/۱ و البدایة والنهایة: ۲۶۲/۱۱.

۳ - من لا یحضره الفقیه: کتاب الزیارات.

۴ - حاشیه تجارب الامم: ۲۰۰/۶ به نقل از تاریخ اسلام: ذهبی.

شده بعد از تحدید بنا به روضه منوره هدیه شده چلچراغ مربع و برنجی زیبایی بوده که بدست ابی الحسن علی بن عبدالله بن وصیف الناشی شاعر اهل بیت متوفای سال ۳۶۵ درست شده بود.^۱ الناشی مسگری چیره دست، ماهر و مبتکر بوده است.

در سال ۳۶۷ هجری بر اثر طغیان آب رودخانه دجله، سیلاب قسمتهای زیادی از طرف شرق بغداد را غرق نمود و همچنین قبوری نیز از باب التبن که در طرف غرب دجله بودند غرق گردید.^۲ و شاید همین غرق شدنهای ابی شجاع عضدالدوله را بر آن داشت که دیواری اطراف روضه مقدسه بنا کند،^۳ تا آن را در آینده از خطر غرق شدن محافظت و نگهداری کند و شاید قبلاً دیواری داشته که بر اثر طغیان آب دجله - که قبلاً ذکر شد - منهدم گشته و عضدالدوله مجدداً آن را بازسازی و استوار کرده است.

بعید نیست که عضدالدوله کارهای دیگری نیز در روضه مقدسه انجام داده باشد که مورخین آنها را ثبت نکرده اند بدلیل اینکه وی در سال ۳۶۹ هجری دستور ساختن منازل بغداد و خیابانهای آن را داد و اول از مسجدهای جامع شروع کرد که روضه مقدسه نیز در نهایت خرابی بود و او اموال زیادی برای آن خرج کرد و آنچه را که در حال خراب شدن بود از ریشه خراب، و از نو بطور اساسی و محکم استوار و بر پا ساخت و با فرش پوشاند. وی اقدام به برقراری حقوق برای خدام و مؤذنین و ائمه جماعت و قاریان قرآن نمود و همچنین مواجیبی برای غرباء و ضعفا و کسانی که به آنجا پناه می آوردند برقرار کرد که همه

۱ - معجم الادباء: ۲۸۵/۱۳.

۲ - الکامل: ۹۳/۷.

۳ - صدی الفؤاد: ۱۲.

اینها از نظر مورخین نادیده گرفته شده است.

عضدالدوله تمام این مصالح و خدمات را به کارگزاران معتمد واگذار نموده بود و نقابت علویین بر آنان اشراف داشت.^۱

بدون شک روضه کاظمین ابتداء از همین مساجد بوده است و شاید همین فراوانی ارزاق و تعیین حقوق و مقرری برای افراد انگیزه سکونت در اطراف و پیرامون روضه مقدسه را زیاد کرده است بویژه اینکه عضدالدوله بعدها دستور داد تا به افراد شریف و کسانی که مقیم آنجا هستند و نیازمندند، پاداش و جایزه بدهند و همین کار را در رابطه با روضه مقدسه نجف اشرف و کربلا و نیز مقابر قریش در بغداد انجام داد.^۲

در بین سالهای ۳۷۶ - ۳۷۹ هجری که شرف الدوله پسر عضدالدوله در بغداد بود ابوطاهر سباشی وزیر ترک زبان او، اقدام به حفر کانالی از رودخانه دجیل نمود و آب را از آنجا به طرف کاظمین جاری کرد.^۳

ابوطاهر جلال الدوله بن بهاء الدوله پسر عضدالدوله در سال ۴۳۵ هجری از دنیا رفت و در خانه اش بخاک سپرده شد و سپس تابوتش در سال ۴۳۶ از آنجا به مشهد باب التبن منتقل گردید. فرزند بزرگش ملک عزیز ابومنصور نیز که در سال ۴۴۱ وفات نمود در کنار قبر پدرش در مقابر قریش در مشهد باب التبن دفن گردید.^۴

در سال ۴۴۱ هجری شیعیان از اجرای مراسم عزاداری که هر ساله

۱ - تجارب الامم: ۴۰۴/۶ - ۴۰۵.

۲ - تجارب الامم: ۴۰۷/۶.

۳ - فرحة القرى: ۱۳.

۴ - الكامل: ۳۷/۸ و ۴۰.

روز عاشورا در حرم و اطراف آن انجام می دادند^۱ منع شدند و به دنبال آن فتنه و آشوب بزرگی بوجود آمد و کلید فتنه هائی گردید که بعداً به آن اشاره خواهد شد.

در سال ۴۴۲ هجری بین شیعه و سنی صلح و آشتی برقرار شده، شعارشان یکی گردید. علت و سبب آن این بود که ابومحمد نسوی که مردی قاتل و خونریز بود رئیس شهربانی بغداد شد و آنان متفق القول شدند و تصمیم گرفتند وقتی که بسوی آنها آمد، او را بکشند، بر مبنای این هدف گردهم آمدند و هم قسم شدند و شیعه و سنی هر دو به مقابر قریش^۲ رفتند و در حرم اذان را با «حی علی خیر العمل» گفتند.^۳ در اواخر سلطنت آل بویه و بطور مشخص در نیمه اول قرن پنجم هجری، ساختمان حرم به نهایت عظمت و شکوه و زیبایی رسید و علاوه بر دو گنبد و دو ضریح که قبلاً با چوب ساج ساخته شده بود با چراغها و محرابها و پرده هایی از طلا و نقره آرایش و مزین گردید. همان طوری که در آن روز اطراف حرم دیوار بوده و درهایی برای ورود و خروج داشته دربانان و خادمانی نیز که مسؤل دربانی و نظافت و گردافشانی بودند، داشت. همچنین خانه هایی نیز در آن ساخته شده بود که مردم (زائران) در آن اقامت می کرده اند غیر از اینها چیزهای دیگری وجود داشته که اخبار آن به ما نرسیده است.

از نصوص و روایاتی که قبلاً ذکر کردیم مطالب بالا استفاده شد و همچنین مطالب زیر را نیز از نقل مورخان درباره فتنه و آشوبی که در ربیع الاول سال ۴۴۳ اتفاق افتاد استفاده کردیم همان حادثه که ابن اثیر

۱ - الکامل: ۵۳/۸ و المنتظم: ۱۴۰/۸.

۲ - النجوم الزاهرة: ۴۹/۵.

۳ - المنتظم: ۱۴۵/۸.

بطور مشروح و مفصل از آن سخن گفته است از جمله آنچه او گفته عبارت زیر است:

«آشوبگران بطرف مشهد باب التین حرکت کردند و درهای آن را بستند و دیوار آن را شکافتند ، خدام و دربانان را تهدید نمودند و آنان ترسیدند و در حرم را باز نمودند آشوبگران پس از داخل شدن به غارت اموال حرم از چراغها و محاریب طلا و نقره و پرده ها و دیگر اشیاء پرداختند و آنچه در بیوتات و خانه ها بود به غارت بردند و چون شب شد برگشتند .

روز بعد پس از اینکه جمعیت زیاد شد ، به طرف حرم حرکت کردند و تمام آرامگاه و محتویات آنجا را آتش زدند و ضریح موسی بن جعفر و نوه بزرگوارش امام جواد (ع) همراه گنبد چوبی که روی دو ضریح مطهر قرار داشت نیز سوخت . قبرهای معزالدوله و جلال الدوله و رؤسا و وزراء و قبر جعفر بن ابی منصور و نیز قبر امین پسر هارون الرشید و مادرش زبیده که در مجاورت و مقابل حرم بودند ، سوزانده شد و کارهای زشتی انجام دادند که در دنیا مثل آن روی نداده است .

روز پنجم ماه که شد بقصد شکافتن قبر موسی بن جعفر و حضرت جواد (ع) برگشتند تا آنها را به محل مقبره احمد بن حنبل منتقل سازند اما خرابی که بر اثر آتش سوزی بوجود آمده بود مانع از شناخت قبر مطهر شد .

چون این خبر به گوش ابو تمام نقیب عباسیان و بعضی از هاشمیان و نیز اهل سنت رسید آمدند و آنها را از این عمل منع نمودند»^۱

۱ - الکامل: ۵۹/۸ . هب الله رئیس مبلغین فرقه فاطمی و متوفای سال ۴۷۰ و یا

در گزارش دیگری آمده است:

«بعضی از افراد که از خدا و رسولش نمی ترسیدند، بعد از سوزاندن گنبدها، خواستند که به نبش قبر امام موسی بن جعفر (ع) و حضرت جواد (ع) مبادرت ورزند که خداوند آنان را از این کار باز داشت.»^۱

در گزارش دیگری چنین آمده است:

«درهای مشهد باب التین شکافته شد و آنچه در آن بود به غارت رفت و نو و کهنه و قدیم و جدید آن آتش گرفت و ضریح و گنبد چوبی امام هفتم علیه السلام و امام نهم علیه السلام سوخت.»^۲

وقتی خبر آتش سوزی حرم مطهر به نور الدوله (دُبیس بن مزید) رسید این امر بر او گران آمده خشمگین شد، چون که او و خاندانش و کار گزارانش اهل نیل بودند که همه آنان شیعه بودند. او در خطبه نام خلیفه القائم بامرالله را قطع کرد که مورد عتاب قرار گرفت اما عذر

→ ۴۹۰ هجری در صفحه ۲۵۶ دیوانش قصیده ای سروده و در آن، این کار زشت را نکوهش کرده است. مطلع آن چنین است: چرا این آسمان خشک نمی شود و چرا کوهها بحرکت در نمی آیند و چرا خورشید و ستارگان تاریک نمی شوند و آنچه زیر آسمان است چرا در زمین فرو نمی رود؟ چرا زمین نمی شکافد و او را چه می شود که آرامش دریاها را بهم نمی زند؟ چرا به دنبال اشک چشم خونابه جاری نمی شود تا رودها را در خود غرق کند!

تا اینکه می گوید:

قبر موسی بن جعفر شکافته می شود پس قیامت کی بیا می شود؟ و حریم او با آتش شعله ور می شود، در حالی که آتش بر زائرین او حرام است.

۱ - النبراس: ۱۳۷.

۲ - المنتظم: ۱۵۰/۸.

آورد که: مردم تحت حکومتش شیعه هستند و آنان بر این کار متفق شده اند و او نمی تواند بر آنها سخت گیرد و فشار وارد کند همان طوری که خلیفه قدرت جلوگیری از هرزه گرانی که آن کارهای زشت و ناپسند را با حرم کردند؛ ندارد، و خطبه خواندن را بهمان حال برگزار کردند.^۱

سماوی نقل می کند که در سال ۴۴۴ هجری بساسیری و ملک رحیم به کمک هم اقدام به برپا سازی حرم و تجدید بنای آن نمودند و دو صندوق تازه بر روی هر یک از قبرها گذاشتند و پایه هایی از چوب ساج بر روی روضه منوره و نیز گنبدی از همان چوب بر آن بنا نهادند و در کنار آن از طرف جنوب تالار بزرگی و مسجدی با گلدسته بر پای ساختند.^۲

دکتر مصطفی جواد می گوید: «بساسیری بتنهائی در سال ۴۵۰ هجری هنگامی که کارش در بغداد پای گرفت اقدام به این کار کرد»^۳ و استمرار آشوبها و خرابیهای فتنه گران تا سال ۴۴۹ هجری، این گفته را تأیید می کند.

در زمان سلجوقیان

در سال ۴۶۶ هجری قسمت شرقی به همراه بخشی از قسمت غربی بغداد به علت طغیان آب دجله زیر آب رفت.

۱ - الکامل: ۵۹/۸ - ۶۰.

۲ - صدی الفؤاد: ۱۲ - ۱۳.

۳ - مشهد الکاظمین: ۷.

سیل بزرگی در شب آمد و در قسمت غربی، مقبره احمد بن حنبل و مشهد باب التین را آب گرفت و دیوارهای آن ویران گردید که شرف الدوله^۱ هزار دینار صرف بازسازی آن کرد.^۲

این عبارت بر این مطلب تأکید می‌کند که بنای حرم - بعد از ویرانی که قبلاً ذکر شد - بصورت کامل و همه جانبه، قبل از این طغیان تمام و تکمیل بوده است چون اگر بنای حرم خراب و یا نیمه تمام می بود شرف الدوله آنچه برای تکمیل آن اقتضا می‌کرد، صرف می نمود؛ بلکه این کار را بر بنای دیوار دور حرم اولویت می داد.

در ماه ذی الحجه سال ۴۷۹ هجری سلطان ملکشاه بعد از اینکه حلب و سایر شهرهای شام و الجزیره را فتح کرد وارد بغداد شد و با نظام الملک حرم موسی بن جعفر (ع) را زیارت کرد.^۳

مجد الملک ابوالفضل براوستانی قمی در سال ۴۹۰ هجری دستور تعمیر و بازسازی حرم مطهر را صادر کرد و در پی این دستور حرم تعمیر و بازسازی و دو گلدسته برای آن ساخته شد گنبد آن با کاشی کاری و خاتم کاری مزین گردید و دو صندوق جدید از چوب ساج بر روی دو قبر مقدس قرار گرفت و در کنار حرم محلی برای استراحت زائرین ساخته شد.^۴

مجد الملک مردی نیکوکار و خیر بوده و شبها زیاد نماز می خواند و خیرش به دیگران مخصوصاً علویان زیاد می رسید او در

۱ - او شرف الدوله مسلم بن قریش بن بدران حاکم موصل بود که در روز جمعه ۲۴ صفر سال ۴۷۸ کشته شد.

۲ - المنتظم: ۲۸۶/۸ و الکامل: ۱۱۹/۸.

۳ - المنتظم: ۲۹/۹ و الکامل: ۱۴۳/۸.

۴ - صدی الفوآد: ۱۴.

سال ۴۹۲ هجری به قتل رسید.^۱

در سال ۵۱۷ هجری که خلیفه از جنگ با نورالدوله برگشت آشوبگران در بغداد آشوب کرده ، وارد مقابر قریش شده و آنچه در آنجا بود غارت کردند و پنجره های آن را کنند و گنجینه ها و نفایس آنرا ربودند .

علویان شکایت این وضع را به دیوان خلافت کردند و خلیفه پس از اطلاع از جریان موقوف طی دستوری آن را محکوم کرد و نظر خادم را به آنجا فرستاد تا جنایتکاران را تأدیب کند و او این کار را انجام داد و بعضی از اموال و اشیاء به غارت رفته را بازگرداند.^۲
در گزارش فلانسی چنین آمده است:

«مقابر قریش در بغداد غارت شد و چراغهای زرنگار و پرده ها و ابریشمهای آن به تاراج رفت.»^۳

در سال ۵۵۴ هجری قمری طغیان آب بطور سهمگینی بغداد را فرا گرفت و محله های زیادی در بخش شرقی بغداد را ویران نمود و در بخش غربی نیز مقبره احمد بن حنبل و قبرهای دیگری در آب غرق شد و خانه هایی که روی قبرها ساخته شده بود فرو ریخت و اجساد مردگان بروی آب ظاهر شد و این حادثه بزرگ و مصیبت بار حرم کاظمین و محله حریبه را نیز در بر گرفت^۴

همچنین در سال ۵۶۹ آب رودخانه دجله زیاد شد و راه منطقه حریبه و حرم بسته شد و بیشتر دیوارهای اطراف حرم فرو ریخت و

۱ - الکامل: ۱۹۲/۸ .

۲ - المنتظم: ۲۴۳/۹ .

۳ - ذیل تاریخ دمشق: ۲۰۶ .

۴ - الکامل: ۶۶/۹ .

چشمه های آب از داخل بیرون زد و خانه ها و قبرها را انداخت^۱

در اواخر خلافت بنی عباس

همین که خلافت در سال ۵۷۵ هجری به الناصر لدین الله رسید اقدام به ساختن صندوق چوبی زراندود کرد و گلدسته های متعدد و رواق و تالاری تازه بنا نهاد و آنها را به بهترین شکل تزیین نمود و در اطراف حرم اطاقهایی جهت اقامت زائرین بر پا ساخت.^۲ ظاهراً منطقه حرم در این زمان مسکونی و دارای ساکنانی بوده است به گونه ای که می توان به ساکنین آن اهل مشهد موسی بن جعفر گفت کما اینکه اهل کرخ و یا اهل مختاره به ساکنین این دو منطقه گفته می شود.^۳

و نیز پیداست رواقی که خلیفه عباسی ناصر لدین الله برای حرم بنا کرد از لحاظ طرح و اندازه مانند رواقهای معمولی که برای مقبره بزرگان در آن زمان درست می کرده اند بوده است، چون این رواق یک در داشته که «دراول»^۴ نامیده می شده و به بیرون راه داشته و در دیگری نیز داشته که در ورودی به «روضه» و «در دوم» نام داشته است. و چون خلیفه ناصر لدین الله در سال ۶۰۴ هجری دستور به ساختن خانه هایی در اطراف بغداد به اسم «دارالضیافه» برای اطعام

۱ - المنتظم: ۲۴۵/۱۰.

۲ - صدی الفؤاد: ۱۳.

۳ - مرآت الزمان: ۳۵۹.

۴ - الجامع المختصر: ۱۴۶/۹.

فقراء و مستمندان داد، مشهد کاظمین نیز از جمله این طرح بود، و این مطلب هم از بعضی از متون تاریخی^۱ استفاده می شود و هم از روش ناصرالدین الله با اهل بیت و محبت و دوستی که با آنان داشته ظاهر می گردد.

در سال ۶۰۸ هجری خلیفه عباسی دستور داد تا مسند امام احمد بن حنبل در کنار حرم موسی بن جعفر (ع) در محضر صفی الدین محمد بن معد الموسوی تدریس شود.^۲ از این مطلب چنین استفاده می شود که حلقه های درس و بحث در اطراف حرم مطهر موسی بن جعفر (ع) وجود داشته است و احتمالاً علت اینکه خلیفه، مسند امام احمد بن حنبل را برای خواندن و بحث کردن انتخاب کرد برای فرو نشان دادن احساسات تند فرقه ای بوده است.

در سال ۶۱۴ هجری در بغداد، آب طغیان بزرگی نمود و در طرف شرق بغداد آب از سردابها سرازیر گشت و در حومه آن، بیشتر روستاها و نهر عیسی و سایر انهار منهدم شد و قبرستان باب التبن و همچنین باغات آن ناحیه تخریب گردید.^۳

بعد از این خرابیها ناصرالدین الله اقدام به تعمیر و آبادی مشهد نمود و سایر جاهایی را که بر اثر آب آسیب دیده بود نیز اصلاح کرد و دیوار جدیدی دور مشهد باب التبن ایجاد نمود.^۴ دور حرم کاظمین در این دوره دارای اطاقهایی ویژه نگهداری یتیمان، خصوصاً یتیمان علوی بوده است چنانکه روایت ذیل بدین مطلب اشاره دارد:

۱ - الکامل: ۳۱۹/۹.

۲ - مرآة الزمان: ۵۵۶.

۳ - الکامل: ۳۱۹/۵.

۴ - صدی الفؤاد: ۱۴.

«بدرالدین ایاز، غلام مؤید الدین قمی می گوید: شبی از شبها مؤیدالدین شیرینی نبات طلب کرد که بلافاصله ظرفها و بشقابهای زیادی از آن شیرینی را برای او درست کرده و برایش حاضر نمودند. مؤیدالدین به من گفت: ای ایاز! آیا می توانی این شیرینی را تا روز قیامت برای من پس انداز کنی؟

گفتم: سرورم! چگونه چنین می شود، آیا امکان دارد؟ گفت: آری الآن به حرم موسی بن جعفر و حضرت جواد علیهما السلام می روی و این بشقابهای شیرینی را پیش یتیمان علوی می گذاری، در این صورت برای من تا روز قیامت پس انداز می شود. ایاز می گوید: گفتم چشم. نیمه های شب بود، بطرف حرم رفتم، درهای حرم باز بود، کودکان یتیم را از خواب بیدار کردم و بشقابهای شیرینی را پیش آنها گذاشتم و برگشتم.»^۱

لازم به ذکر است که مؤیدالدین وزیر زیاد به حرم کاظمین (ع) می رفت و زیارت می نمود.^۲ بعد از ناصرالدین الله خلافت به الظاهر بامرالله رسید اما دوران خلافت او کوتاه بود و در دوران کوتاه خلافت الظاهر بامرالله، چیز مهمی ایجاد نشد، او فقط بعد از اینکه گنبد حرم امام موسی بن جعفر و امام جواد علیهم السلام در یک آتش سوزی از بین رفت، اقدام به باز سازی و تعمیر آن کرد، لکن قبل از اینکه کار را پایان برساند، از دنیا رفت و مستنصر عباسی کار نیمه تمام او را تکمیل نمود.»^۳

الظاهر بامرالله همین که خبر آتش سوزی را شنید در حرم حاضر

۱ - الفخری: ۲۸۶.

۲ - تجارب السلف: ۳۴۰.

۳ - الفخری: ۲۸۷.

شد و بشدت متأثر گردید و کوشش کرد تا علل و اسباب آتش سوزی و چگونگی وقوع آن را بشناسد لکن به نتیجه ای نرسید.^۱

در سال ۶۲۳ هجری قمری مستنصر عباسی بخلافت رسید و گلدسته را کامل کرد تالار حرم را توسعه داد، وسعت حرم را زیادتیر نمود. این طرح با نظارت فردی به نام احمد جمال الدین^۲ در سال ۶۲۴ هجری پایان رسید.^۳

از جمله کارهای مستنصر، نصب دو صندوق بزرگتر از چوب خوب و زیبا بر روی قبر امام موسی بن جعفر و امام جواد (ع) بود که ساخت آن در سال ۶۲۴ هجری به اتمام رسید و خوشبختانه یکی از آن صندوقها یعنی صندوق قبر امام هفتم تا کنون باقی مانده است.

صندوق مذکور از چوب توت ساخته شده و ضخامت تخته های آن به ۵/۵ سانتی متر می رسد صندوق مستطیل شکل، و سطح آن هموار است. طول آن ۲ متر و ۵۵ سانتی متر و عرض آن یک متر و ۸۳ سانتی متر و ارتفاع آن ۹۵ سانتی متر می باشد.

لبه های سرپوش صندوق با خط نسخ جدای از هم، در داخل کادری زیبا، تزیین شده و سر صندوق که به اندازه ۳ سانتی متر از سطح اطراف آن برآمدگی دارد با کنده کاریهای قشنگ آراسته شده است و در چهار طرف آن نوشته هایی با خطوط بزرگ و برجسته کوفی در نهایت زیبایی و ابتکار نقش بسته و این خطوط در میان طرحهایی بشکل درخت و گل که از سطح نوشته پائین تر است کنده کاری شده

۱ - تجارب السلف: ۳۴۶.

۲ - بعضی از دوستان احتمال داده اند که سید احمد آل طاووس باشد لکن

دلیل و شاهی بر این مطلب نیافتیم

۳ - صدی الفؤاد: ۱۴

است. عرض هر خط ۴۳ سانتی متر و طول آن در دو طرف کوچک صندوق ۹۰/۵ سانتی متر و در دو طرف بزرگ به ۱۸۹ سانتی متر می رسد. هر سطری از این خطوط در داخل حاشیه هایی مستطیل شکل که از خود چوبها نقاشی شده قرار گرفته، نوشته هایی که در صندوق نقش بسته عبارت است از:

الف - نوشته ای که به خط نسخ، بر روی سرپوش صندوق و از قسمت سر آن شروع می شود عبارت است از:

۱ - بسم الله الرحمن الرحيم انما یرید الله لیذهب.
۲ - عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً. هذا ما تقرّب الی (الله) تعالی بعمله خلیفته فی أرضه.

۳ - ونائبه فی خلقه سیدنا و مولانا امام المسلمین المفروض.

۴ - الطاعة علی الخلق أجمعین ابو جعفر المنصور المستنصر بالله
امیر المؤمنین ثبت الله دعوته سنة ستمائة وأربع و عشرين.^۱
ب - کتیبه هایی که به خط کوفی در اطراف صندوق نوشته شده عبارت است از:

۱ - بسم الله الرحمن الرحيم.

۲ - هذا ضریح الامام ابوالحسن موسی بن جعفر.

۳ - ابن محمد بن علی.

۱ - بنام خداوند بخشنده مهربان. خدا چنین می خواهد که رجس هر آرایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.
این صندوق کار قرابه الی الله خلیفه خدا در زمین و نائب او در میان مردم، امیر المؤمنین ابو جعفر المنصور المستنصر بالله، مولا و آقای ما و پیشوای مسلمین که اطاعتش بر تمام مردم واجب است، می باشد. خداوند دولتش را پایدار بدارد، سال ۶۲۶ هجری قمری.

۴ - الحسين بن علی بن ابی طالب علیهم السلام.^۱
صندوق فوق الذکر هم اکنون در اطاق ۱۶ ساختمان «دار الآثار
العربیة» در بغداد با شماره ۶۲۳ - ع موجود است.
(به عکسهای شماره ۱ و ۲ رجوع شود)

در سال ۶۳۵ هجری قمری، ایوان بزرگی متصل به روضه، مقابل
باب الدخول^۲ (در ورودی) بوده که دقیقاً نمی دانیم در چه زمانی ساخته
شده است و شاید از جمله کارهای مستنصر بالله که قبلاً به آن اشاره
گردید باشد.

در ماه شوال سال ۶۴۶ هجری بارانهای پیاپی باعث شد تا چاهها و
آبراهها پر شود و به رودخانه دجله سرازیر گردد که بر اثر فراوانی آب
رودخانه دجله اهالی ساحل رودخانه در غرب بغداد غرق شدند و
همچنین بر اثر جاری شدن آب از شکافی که در بالای قبر
احمد بن حنبل ایجاد شده بود، محله های حربیه، کرخ و مارستان، در
آب غرق شد و قسمتی از مسجد جامع فخرالدوله حسن بن مطلب و
قسمتی از دیوار حرم کاظمین فرو ریخت^۳

در ماه ذی الحجه همان سال، سیلابی سهمگین تر از بار اول جاری
شد و بر اثر آن یک شکاف در قورج^۴ باز شد و شکاف دیگری در
دیواره سد ایجاد گردید که بر اثر آن بغداد را آب فرا گرفت و غرب

۱ - سومر: ۵۵/۵. «آثار چوبی در مرکز آثار عربی در خان مرجان بغداد.»

این ضریح امام ابوالحسن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن ابی طالب است.

۲ - الحوادث الجامعه: ۱۰۱ و ۲۶۵.

۳ - الحوادث الجامعه: ۲۳۰.

۴ - یاقوت حموی می گوید: قُورَجَ به ضم اول و سکون دوم و فتح سوم و

چهارم، نهری بین قاطول و بغداد است. موسوعة العتبات المقدسة: ۱۲ / ۳۱.

آن تماماً زیر آب رفت و حصار و دیوار حرم کاظمین علیهما السلام خراب شد و آب بقدری روی دو ضریح شریف امام کاظم و جواد علیهما السلام جمع شد که فقط سر گنبدها پیدا بود^۱

بعد از این خرابی که بر اثر طغیان آب بوجود آمده بود، در سال ۶۴۷ هجری خلیفه دستور تعمیر و مرمت حرم مطهر را صادر کرد. کارگران به هنگام بازسازی دیوارها به ظرفی سفالین برخوردند که در آن هزار درهم قدیمی که بخشی از آنها یونانی و دارای تصاویر و بخش دیگری از سکه ها مسکوک بغداد در سال ۱۳۲ و قسمتی از سکه هایی که در واسط سکه زده بودند که مقارن همین تاریخ بود وجود داشت. جریان را به خلیفه گزارش کردند، خلیفه دستور داد بهای آنها را در بازسازی حرم مصرف کنند، مردم قسمتی از آنها را به بالاترین قیمت خریدند، و قسمتی نیز به بزرگان هدیه داده شد و آنان در عوض، بیشتر از آنچه هدیه گرفته بودند وجوهی به حرم بخشیدند.^۲

در ۱۱ ذیقعد همان سال خلیفه دستور داد دو روپوش به حرم موسی بن جعفر علیهما السلام حمل کنند و آنها را روی دو آرامگاه شریف بیاندازند در ۲۵ همان ماه اقدام به برداشتن آن کردند^۳

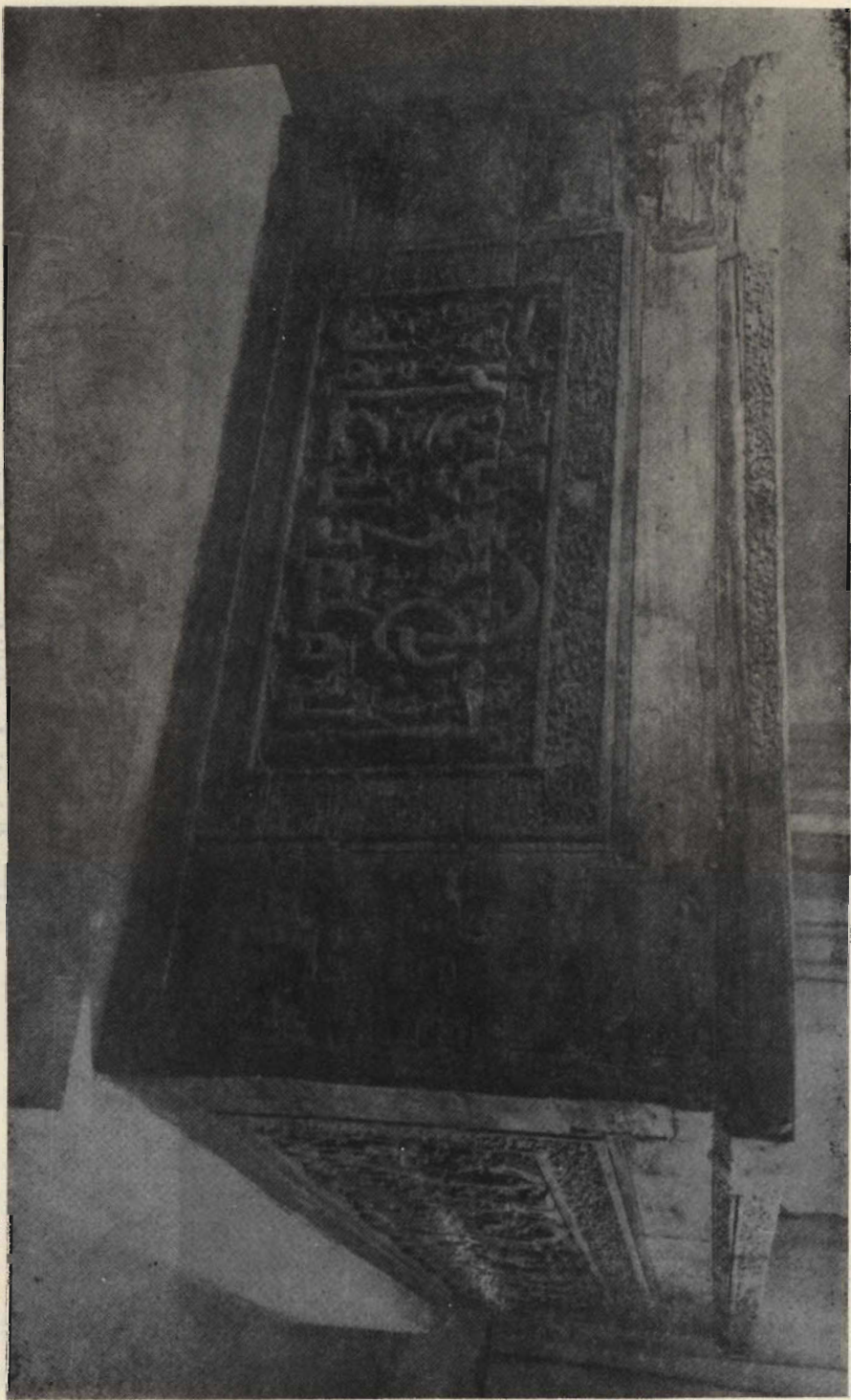
بدین گونه در خلال دوران خلافت عباسیان مشهد کاظمین پنج مرتبه تجدید بنا و بازسازی شد که سیر آن را بطور خلاصه در زیر می آوریم.

۱ - بنای اول - بعد از وفات امام کاظم (ع) بطور همزمان بنا شد که بنایی ابتدایی و کوچک بود و بیشتر از یک اطاق که قبر شریف امام

۱ - الحوادث الجامعه: ۲۳۳.

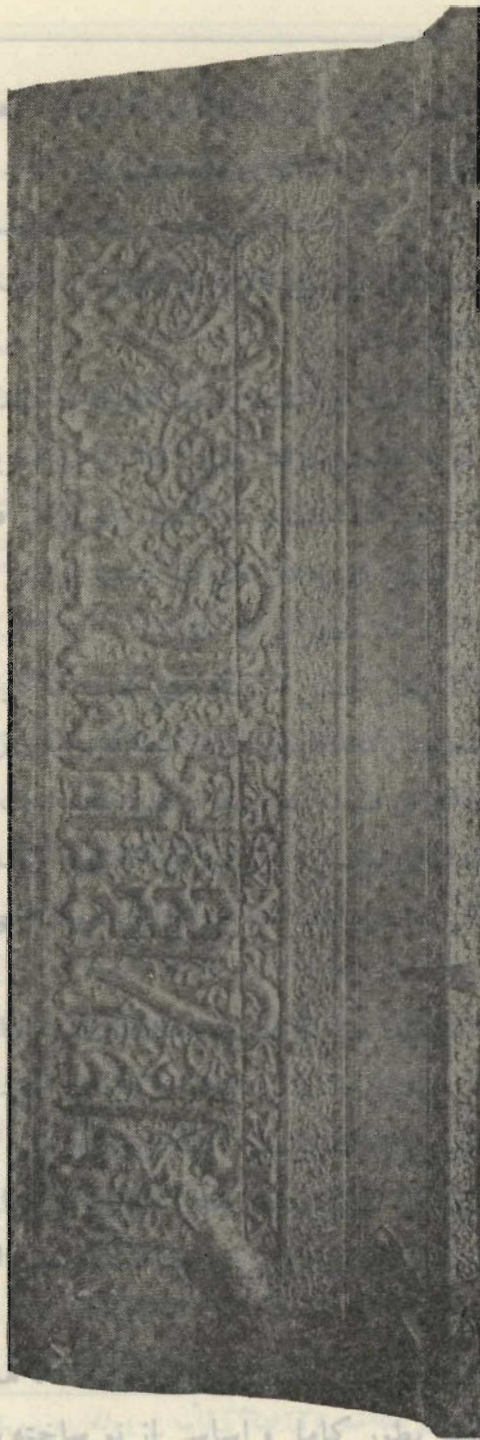
۲ - الحوادث الجامعه: ۲۴۴.

۳ - الحوادث الجامعه: ۲۴۴.



(عکس شماره ۱)

صندوق قبر امام کاظم علیه السلام که در جایگاه خاصی در رموزه - دارالاشراق المریبه - نگهداری می شود



(عکس شماره ۲)

صندوق قبر امام کاظم علیه السلام که بدستور المستنصر عباسی ساخته شده است این صندوق روز گاری روی قبر سلمان فارسی بوده است.

خبر کاظم در زمان
در آن بود، نماز
در اطراف آن،
وسائل و روغن
می خوابیدند،
آنها مسجد بان
۲- بنای
در سال ۱۳۳۶
بر روی دو قبر
کرد و دیواری
بزرگی بود که
از تصویر
وسیع بوده و
قبرهای شریف
از جمله
پس از مدتی آن
زیبایی بوده است
توجه به
اینکه در سال ۱۳
پیرانها و پرده
دیواری پیرامون
و دربان داشت
در آنها مشغول
۳- بنای
بازسازی حرم بطور کامل و اساسی از نو ساخته شد و دو صندوق

در آن بود، تجاوز نمی کرد. این بنا دارای گنبد و درهای ورودی بود، در اطراف آن، حجره ها و اطاقهای متعددی بود که در آنها اسباب و وسائل و روغن چراغ گذاشته می شد و خادمان حرم نیز در آنها می خوابیدند، مساجدی نیز پیرامون حرم وجود داشت که مشهورترین آنها مسجد باب التبن بود.

۲ - بنای دوم - بعد از استیلای معزالدوله بر بغداد ایجاد شد. او در سال ۳۳۶ اقدام به ساختن مرقد مطهر کرد و دو ضریح از چوب ساج بر روی دو قبر شریف گذاشت و دو گنبد چوبی بر فراز آنها درست کرد و دیواری به شکل دایره در اطراف کشید و این اولین ساختمان بزرگی بود که برای مرقد مطهر بر پا شد.

از نصوص تاریخی چنین استفاده می شود که دو گنبد، بزرگ و وسیع بوده و گنجایش تعداد زیادی از نماگزاران و زائران را داشته و قبرهای شریف جدای از هم در دو حجره مجزا بوده است.

از جمله هدایای نفیس و ارزنده ای که بعد از تمام شدن این بنا پس از مدتی اندک به حرم اهدا شد چراغ زرد رنگ چهار گوش و بسیار زیبایی بوده است.

توجه به ساختمان حرم با توسعه و اضافات لازم ادامه پیدا کرد تا اینکه در سال ۴۴۳ هجری به نهایت شکوه و زیبایی خود رسید و مزین به چراغها و پرده هایی شد که بیشتر آنها از طلا و نقره ساخته شده بود. دیواری پیرامون بارگاه مطهر ایجاد شد که درهایی برای ورود و خروج و دربان داشت و نگهبانان زیادی برای حفاظت از قبور اشراف و بزرگان در آنجا مشغول بودند.

۳ - بنای سوم - بنای بساسیری در سال ۴۵۰ هجری بود در این بازسازی حرم مطهر بطور کامل و اساسی از نو ساخته شد و دو صندوق

تازه روی قبرهای متبرک قرار گرفت و تالاری بزرگ به‌مراه مسجد و گلدسته ای در طرف جنوبی حرم ساخته شد. در این بازسازی هر دو گنبد به یکی تبدیل شد.

۴ - بنای چهارم - بدست مجدالملک قمی در سال ۴۹۰ هجری ساخته شد. این بنا و تعمیر شامل دو صندوق تازه از چوب ساج روی قبرهای متبرک و ساختن دو گلدسته بزرگ بود همچنین در این تعمیر گنبد مطهر با کاشی تزیین شد و محلی در جوار حرم برای استراحت زائرین و سکونت آنها ساخته شد.

شاید نامگذاری این کارها به تعمیر خالی از مسامحه نباشد چون در حقیقت این کارها مجموعاً کارهای سودمند و لازم بود که به ساختمانهای قبلی که بیشتر از چهل سال از عمر آن نگذشته بود، اضافه شد.

۵ - بنای پنجم - بنای الناصرلدين الله عباسی در سال ۵۷۵ هجری و سالهای بعد است در این بازسازی و تعمیر حرم توسعه یافت. چیزهای زیادی در خلال زمامداری طولانی ناصر و بعد از او به حرم اضافه شد این تعمیر آخرین تعمیر و بازسازی دوران عباسی و باشکوهترین آنها بود. بطور خلاصه و موجز در زیر وضعیت حرم مطهر در اواخر دوران عباسیان را از نظر شکل و عمران و آبادی و آنچه بر دیوار و حصار آن از ضمیمه ها و ملحقات گذشته است، ذکر می‌کنیم:

روی قبر امام کاظم و امام جواد علیهماالسلام یک گنبد با شکوه و بزرگ بوده است و این در حالی است که در دوران آل بویه دو گنبد داشته است.

- روی دو قبر مطهر دو صندوق از چوب خوب بوده است.

- در حرم مطهر کتابخانه وجود داشته است^۱

۱ - عبدالکریم بن طاووس مؤلف کتاب فرحة الغری می‌گوید: از داستانهای

- جایگاه خاصی ویژه یتیمان پیرامون حرم وجود داشته است.
- در حرم حلقات درس و بحث برقرار بوده
- نگهبانان زیادی در حرم بوده اند.
- صحنی - که حجره هایی داشته با یک ایوان و یا بیشتر - متصل به حرم وجود داشته است.^۱
- پیرامون دو قبر شریف تالارها و رواقهایی بوده است.
- برای استراحت زائران مکانی وجود داشته است.
- حرم، مرکزی برای جمع شدن زائرین و مشتاقان در اعیاد و مراسم مذهبی بوده است.
- حرم دارای خدمتگزار، دربان و متولی بوده که بر شئون حرم نظارت و اشراف داشته است.
- اطراف حرم، شهری آباد و مسکونی بوده که دورتادور آن دیوار و حصار داشته است.
- غیر از دیوار دور شهر مذکور حرم مطهر نیز دیوار مخصوصی^۲ داشته است.

در توصیف حرم کاظمین، یاقوت حموی می گوید:
 «قبر او [امام کاظم (ع)] معروف به مشهد باب التین، و الآن محله



زیبایی که خوانده ام، داستانی است که بخط پدرم اروانش شادا در پشت کتابی در حرم کاظمین (ع) می باشد... سید بن طاووس در کتاب اقبال صفحه ۵۹۹ یاد آور شده که نسخه قدیمی از کتاب ملاحم بطائنی در کتابخانه حرم امام کاظم علیه السلام موجود است.

۱ - الحوادث الجامعه: ۱۳۶.

۲ - الحوادث الجامعه: ۱۸۵ و ۲۳۰ و ۲۳۳.

آبادی است و دارای دیواری منحصر به فرد می باشد.^۱
 مقابر قریش در بغداد است و این مقبره مشهور و در آنجا محله ای
 است که جمع زیادی زندگی می کنند و بر دور آن، دیواری است.»^۲
 ابن خلکان در توصیف مشهد کاظمین می گوید:
 «قبر او [امام کاظم (ع)] در آنجا، مشهور و زیارتگاه است و
 حرمی با شکوه و بزرگ دارد که دارای چراغهایی از طلا و نقره و انواع
 اسباب و فرشهای کمیاب است.»^۳

همچنین در وصف مشهد کاظمین، نورالدین
 علی بن موسی بن سعید المغربی که در سال ۶۵۴ هجری با
 کمال الدین عمر بن العدیم حلبی وارد بغداد شده آورده است:
 «به مدخل حرم موسی بن جعفر که رسیدیم به خادمی از خادمان
 حرم برخوردیم که ما را در فاصله دوری پیاده کرد در بین راه نرسیده به
 حرم قبری دیدیم که زیر پای عابرین قرار داشت پرسیدیم صاحب قبر
 کیست؟ گفته شد: صاحب قبر حسین بن حجاج شاعر است که وصیت
 کرده، در مسیر راه حرم دفن شود تا به وسیله گامهای زوار حرم
 لگد مال گردد. وقتی که به در حرم رسیدیم با زواری که از اولاد امام
 کاظم (ع) بودند برخوردیم، آنها ما را امر کردند، کفشهایمان را در
 بیاوریم. داخل حرم که شدیم با چنان انبوه جمعیت و ظروف طلا و نقره
 و پرده ها و شمع ها و بوی عطر مواجه شدیم که چشمانمان ندیده بود
 وارد روضه ای که قبر [امام] کاظم (ع) در آن جا بود شدیم، قبر
 دیگری دیدیم که گفتند آن قبر، قبر محمد بن علی بن موسی بن جعفر

۱ - معجم البلدان: ۱۴/۲.

۲ - معجم البلدان: ۱۰۷/۸.

۳ - وفیات الاعیان: ۳۹۵/۴.

است اشیاء دیگری نیز در حرم دیدیم که ذکر آن بطول می انجامد و موجب خستگی می شود.»^۱

۱ - مشهد الکاظمین: ۱۰ - ۱۱ به نقل از کتاب کنوز المطالب فی اخبار آل

حرم کاظمین از
آغاز اشغال مغول تا
پایان اشغال خلفای عثمانی

حرم کاظمین از

آغاز اشغال مغول تا پایان اشغال خلفای عثمانی

این بخش از آغاز سال ۶۵۶ هجری شروع می شود زمانی که بغداد به وسیله ارتش مغول محاصره شد و هلاکو و پیروانش با استفاده از بوجود آمدن اوضاع و شرایطی که در اینجا فرصت تفصیل آن نیست، چنگال افکنده و آماده بودند تا هر چه زودتر، چون لقمه ای گوارا آن را ببلعند.

در نیمه محرم همان سال بوقا تیمور و بایجو و سونجاق بر غرب بغداد تسلط پیدا کرده و در ساحل دجله نزدیک شهر لشکر پیاده کردند و به طرف شرق بغداد شروع به تیراندازی نمودند و بعد به طرف بیمارستان عضدی اعزام شدند، و شد آنچه شد که آنها را یاد آوری نمی کنم. اشغال بغداد توسط لشکریان مغول در روز دوشنبه ۱۸ محرم^۲ یا چند روز بعد پایان گرفت و این در حالی بود که خرابی و گرسنگی و

۱ - الحوادث الجامعه: ۳۲۴ - ۳۲۵.

۲ - اقبال، سید بن طاووس: ۵۸۶ - وی همزمان دوران اشغال و رویدادهای آن می زیسته است. در تعیین روز رویدادها و اینکه در کدام یک از روزهای هفته اتفاق افتاده در کتاب (الحوادث الجامعه) خطا و اشتباه رخ داده است، در صفحه ۳۲۴ آورده که روز چهارشنبه ۹ محرم بوده و در صفحه ۳۲۶ روز یکشنبه را هفده محرم ضبط کرده است. اگر که یکشنبه هفده محرم باشد چگونه روز جمعه می تواند دوم صفر باشد که در صفحه ۳۲۷ آمده است؟

ترس بر شهر و مردم آن حاکم شده بود. از جمله آثار ناگوار این اشغال، آتش سوزی بیشتر اماکن مقدسه در شهر از قبیل مسجد (جامع الخلیفه) و حرم امام کاظم و امام جواد علیهما السلام و قبور خلفا بود.^۱ همین که امیر قراتای به بغداد رسید عمادالدین عمر بن محمد قزوینی را که مردی دیندار و با انصاف بود به قائم مقامی خود منصوب کرد و عمر بن محمد قزوینی فردی را به نام شهاب الدین علی بن عبدالله به سمت ریاست اوقاف تعیین نموده و دستور بازسازی و تعمیر مسجد (جامع الخلیفه) و حرم امام کاظم و امام جواد علیهما السلام را به وی داد.^۲

مدتی کوتاه پس از این ماجرا مؤیدالدین محمد بن العلقمی وزیر در اوائل جمادی الآخر سال ۶۵۶ هجری قمری وفات کرد و در حرم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام دفن شد.^۳

و چون خواجه نصیرالدین ابوجعفر محمد بن محمد طوسی در هیجدهم ذی الحجه سال ۶۷۲ هجری قمری از دنیا رفت در حرم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در سردابی قدیمی که کسی در آن دفن نشده بود مدفون گردید.

بعضی ها گفته اند که وی برای خلیفه ناصرالدین الله خدمت می کرده است^۴

در سال ۶۸۸ هجری، ملک شرف الدین سمنانی حاکم عراق به

۱ - جامع التواریخ: ۲/۲۹۳.

۲ - جامع التواریخ: ۲/۲۹۵ همچنین مراجعه شود به کتاب الحوادث الجامعه:

۳ - الحوادث الجامعه: ۳۳۳.

۴ - الحوادث الجامعه: ۳۸۰.

طرف کردستان عازم شد و سعد الدولة که بر او وارد بود آهنگ حرم موسی بن جعفر (ع) کرد و قبر شریف آن حضرت را زیارت نمود و پس از زیارت با قرآن استخاره ای کرد که این آیه آمد:

[يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَا كُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ] ^۱

از نتیجه استخاره خوشحال شد و صد دینار به علویان و نگهبانان حرم بخشید. ^۲ وقتی که فخرالدین بن طراح رئیس شهر واسط و بصره، در سال ۶۹۴ به قتل رسید در حرم موسی بن جعفر علیهما السلام دفن گردید. ^۳

اواخر قرن هفتم و اوائل قرن هشتم حرم مطهر از نظر آبادی و تزیین و نظم و تشکیلات به نهایت خود رسید همانطوری که نوشته دای مورخین معاصر این دوره مثل ابن بطوطه که در سال ۷۲۷ بغداد را دیده است، ما را راهنمایی می کند. ابن بطوطه می گوید:

«در این طرف، [طرف غرب] قبر موسی بن جعفر پدر علی بن موسی الرضا (ع) است و در کنار آن قبر حضرت جواد (ع) است روی این دو قبر ضریح چوبین کار گذاشته شده که سطح آن را با ورق نقره پوشانیده اند و هر دو قبر در داخل حرم قرار دارد.» ^۴

صاحب کتاب غایة الاختصار که از رجال اوائل قرن هشتم است در

۱ - سوره طه: ۸۰.

ای بنی اسرائیل ما شما را از شر دشمن نجات دادیم و از شما در وادی ایمن و کوه طور وعده خواستیم و برای قوت شما من و سلوی فرستادیم.

۲ - الحوادث الجامعة: ۴۵۷.

۳ - الحوادث الجامعة: ۴۸۵.

۴ - رحلة ابن بطوطه: ۱۴۱/۱.

شرح حال امام کاظم (ع) می گوید:

«امام کاظم در مقابر قریش دفن شده است همانجا که الآن حرم

او و نواده اش امام جواد علیهما السلام در زیر یک گنبد می باشد.»^۱

ابوالفداء متوفای سال ۷۳۲ هجری در تاریخ خود ضمن شرح حال

امام کاظم علیه السلام نوشته است:

«قبر او [امام کاظم (ع)] در آنجا مشهور و معروف است و دارای

حرم بزرگی است و در غرب بغداد (کاظمین) می باشد.»^۲

این عمران و آبادی را که مورخان فوق الذکر - هر چند که تمام

نوشته های آنها از روی مشاهده نیست - در وصف حرم ذکر کرده اند

از روزگار عباسیان برپا بوده است، اگر چه بعد از پاکسازی آثار

آتش سوزی که بر اثر اشغالگران مغول در بغداد بوقوع پیوست - همان

طور که گذشت - اصلاحات جزئی به آن اضافه شد.

همه قرائن و شواهد تاریخی - مثل شیعه بودن بیشتر وزیران و نفوذ

و اشراف خواجه نصیرالدین طوسی بر اوقاف و نقابت آل طاووس بر

علویان در عراق و مواردی شبیه آن - دلالت بر عظمت، استحکام و

زیبایی ساختمان حرم در این دوره دارد لکن متأسفانه نقشه ها و

روشهای ساختمانی آنها به تفصیل و مشروح نمی دانیم، اگر چه ترجیح

می دهیم که این فخامت و آبادی در ادامه همان بازسازی الناصرلدين الله

که در فصول پیش گذشت، باشد و چیز جدیدی بر آن افزوده نشده الا

اینکه دو صندوقی را که مستنصر دستور ساختن آنها را داد زیر یک

ضریح بزرگ قرار گرفته که ابن بطوطه از آن بعنوان «دکانه» ضریح

چوبین نام می برد و می گوید سطح آن با ورق نقره پوشانیده شده است،

۱ - غایة الاختصار: ۹۱.

۲ - تاریخ ابی الفداء: ۱۶/۲.

و این شبیه آنچه امروز در ضریحهای ائمه معصومین علیهم السلام وجود دارد می باشد، چون ضریح نقره ای را روی صندوقهای چوبی قرار می دهند.

در سال ۷۲۵ هجری آب رودخانه دجله زیاد شد تا جایی که حوالی بغداد را آب فرا گرفت و مردم شش روز در محاصره آب بودند و راهی برای خروج نداشتند. بعضی از مورخین نوشته اند که شش هزار وششصد خانه بر اثر طغیان آب در غرب بغداد زیر آب رفت^۱ و مقبره احمد حنبل نیز در آب غرق شد.^۲

بار دیگر در سال ۷۵۷ هجری - که سال بر تخت نشینی سلطان اویس بن شیخ حسن جلایری است - آب دجله طغیان کرد و بغداد را فرا گرفت و چهار هزار نفر از ساکنین آن را غرق کرد.^۳

در سال ۷۶۵ هجری خواجه مرجان، مخالفت خود را با اویس پادشاه وقتش علنی کرد و سدهای دجله را باز کرد که اطراف بغداد به مدت چهار ساعت زیر آب فرو رفت.^۴

در سال ۷۶۹ هجری سلطان اویس جلایری، اقدام به تعمیر حرم نمود و دو گنبد و دو مناره ساخت و دستور داد دو صندوق از سنگ مرمر خوب روی دو قبر قرار دادند و حرم را با کاشیهایی که سوره هایی از قرآن بر آن نوشته شده بود تزیین کرد، همچنین رواق و رباطی را که در صحن مطهر بود بازسازی کرده و اموالی بین خدام و متولیان حرم و

۱ - البدایة و النهایة: ۱۱۸/۴.

۲ - شذرات الذهب: ۶۶/۶.

۳ - تاریخ العراق بین احتلالین: ۸۳/۲.

۴ - تاریخ العراق بین احتلالین: ۱۱۰/۲.

سایر علویانی که در آنجا ساکن بودند تقسیم نمود.^۱
 تعمیر و بازسازی حرم به وسیله سلطان اویس جلایری اولین
 تعمیری بود که بعد از دوران عباسیان انجام گرفت و سبب این بازسازی
 ظاهراً آن شکافها و خرابیهایی بود که بر اثر طغیانهای پی در پی آب -
 همانطور که گذشت - در حرم ایجاد شده بود، اگر چه در نصوص
 تاریخی که قبلاً در مورد خرابی اماکن بر اثر طغیان آب در بخش غربی
 بغداد ذکر شد، از اینکه حرم کاظمین از آن جمله باشد ذکری به میان
 نیامده است.

در سال ۷۷۵ هجری قمری بغداد را آب فرار گرفت تا جایی که
 گفته شده دیوارهای شصت هزار خانه ویران گردید و سنگ فرشهای
 خیابانها خراب شد و مقبره احمد بن حنبل و ابوحنیفه و سایر قبور و
 زیارتگاهها را آب فرا گرفت بحدی که رسیدن به آنها جز با قایقها
 امکان نداشت.^۲

در روز شنبه ۱۷ ذی القعدة سال ۸۰۳ هجری قمری تیمور برای
 دومین بار بعد از یک محاصره چهل روزه فاتحانه وارد بغداد شد و در
 دهه اول ذی الحجه خارج شد و بعد از زیارت حرم امام کاظم (ع) به
 سوی شهر حله رفت.^۳

و چون بغداد در شب پنجشنبه دوازدهم شعبان سال ۸۳۶ هجری
 بدست نیروهای امیر اسبان پسر قرایوسف اشغال شد، برادرش محمد
 - شاه که امیر بغداد بود گریخت و با یک کشتی به طرف غرب رفت و
 سپس پیاده به حرم امام کاظم (ع) به همراه شاه بوداق و پسرش محمود

۱ - صدی الفؤاد: ۱۵. همچنین مراجعه شود به مجله سومر: ۵۵/۵.

۲ - العراق بین احتلالین: ۱۳۲/۲ - ۱۳۳.

۳ - العراق بین احتلالین: ۲۴۰/۲.

- جمال، رفت و سیدی که معروف به جوسقی و در حرم امام کاظم (ع) بود الاغی به وی داد و او به طرف شهر دُجیل حرکت کرد.^۱

در اوائل قرن دهم، دوران مغولان و جلایریان و ترکمنها پایان یافت و در این میان اخبار و گزارش در مورد حرم کاظمین بسیار کم است و چیز تازه ای در پیش رو نداریم - بعد از اصلاح خرابیهای مغولان - بجز بازسازی و تعمیری که سلطان اویس جلایری نمود و یک گنبد را به دو گنبد تبدیل کرد و دیگر موارد بارزی که برای حرم ساخت، که ظاهراً فرق مهمی در آن با عمارت و ساختمان قبلی نبود و جز همان دو صندوق مرمری و کاشیهائی که به سوره هائیی از قرآن کریم بر آن نوشته شده بود که شاید برای اولین بار از این نوع کاشی ها در حرم کاظمین استفاده می شد.

غیر از آنچه ذکر شد خبر و گزارشی در مورد حرم نداریم و اخبار و گزارشهای مورخین در مورد این برهه از تاریخ تاریک عراق بسیار اندک است.

دوران اولیه صفویان

با ورود فاتحانه شاه اسماعیل صفوی به بغداد در بیست و پنجم جمادی الثانی سال ۹۱۴ هجری قمری، دوران ترکمن ها پایان یافت.^۲ وی پس از مدتی که از اقامتش در عراق می گذشت، به زیارت حرم کاظمین (ع) رفت و هدایای مختلفی به کسانی که در آنجا بودند،

۱ - مشهد الکاظمین: ۱۳ و العراق بین احتلالین: ۸۴/۳.

۲ - العراق بین احتلالین: ۳۱۶/۳ - ۳۱۷.

بخشید و برای خادمان آنجا درجه و رتبه‌هایی تعیین کرد و دستور تخریب ساختمان و بنای قبلی حرم و تجدید دوباره آن را صادر نمود. این تعمیر و بازسازی تازه، توسعه روضه منوره، سنگ فرش رواقها از سنگ مرمر، نصب دو صندوق چوبی روی قبرهای شریف، تزیین حرم و دیوارهای بیرونی آن با کاشی که دارای آیاتی از قرآن و نوشته‌های تاریخی بود را شامل می‌شد.

همچنین دستور داد دو گلدسته دیگر به دو گلدسته قبلی اضافه شود و مسجد بزرگی در قسمت شمال حرم متصل به آن بنا گردد. شاه اسماعیل اجرای این طرح را به امیر خادم بیک محول کرد و خودش به ایران بازگشت.^۱

شاه اسماعیل همچنین دستور تنظیم و مرتب کردن صحنی را که حرم در آن بود صادر نمود. در صحن مذکور کاروانسرای برای حیواناتی که زائران در رفت و آمد از آنها استفاده می‌کردند بود که دستور داد آن را دورتر ببرند و در پشت صحن قرار بدهند.

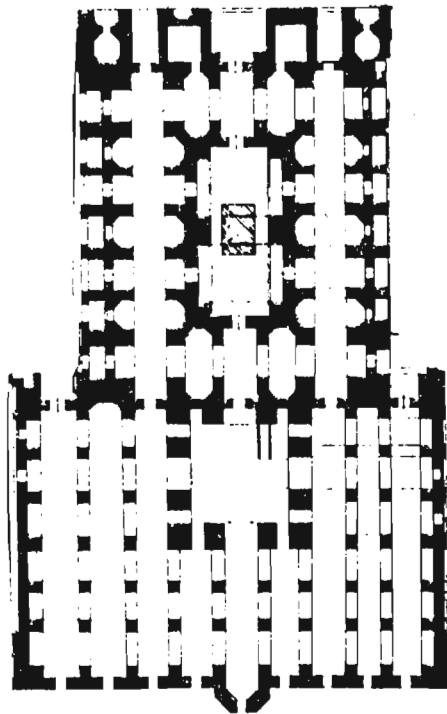
همچنین دستور داد که آنچه حرم، وسائل از قبیل فرش و چراغ - طلائی و نقره‌ای نیاز دارد تهیه کنند، و تعدادی مؤذن، نگهبان و خادم برای حرم مطهر تعیین کرد.

کار از پایه آغاز شد و پس از چندی اسکلت حرم و روضه منوره و رواقها - که همان اسکلت امروزی است - و دو گنبد و دو صندوق و مسجد تمام شد و ارتفاع گلدسته‌های چهارگانه بمقدار چند ذرع از سطح حرم بلندتر گردید.

همچنین کتیبه‌هایی از کاشی ساخته شد و در محلهای تعیین شده

نصب گردید و سنگهای مرمر نیز در جاهای خود فرش شدند و تمام آنچه را که شاه اسماعیل دستور انجام آن را داده بود با دقت و امانت و اخلاص اجرا گردید و چیزی فروگذار نشد.

آثار باقیمانده تاریخی از دوران صفویه که تا امروز پا بر جای مانده است علاوه بر اسکلت اصلی حرم و مسجد متصل به آن، سه اثر



(عکس شماره ۳)

«مساحت پیکره ساختمان دوران صفویه»

است:

اثر اول:

کاشی هائی که دورتادور دیوار داخلی روضه منوره نصب شده و در ارتفاع دو متری از سطح زمین روضه قرار دارد، تمام این کاشی ها با کتیبه ای که از نیمه دیوار غربی روضه، قسمت بالا سر مبارک آغاز می شود، تزیین شده است. سرآغاز این کتیبه آیات سوره دهر است که در قسمت میانی دیوار شرقی متصل به دیوار جنوبی پایان می پذیرد و بدنبال آن آیات شریفه سوره نبا شروع شده که در پایان دیوار شمالی خاتمه پیدا می کند و سپس سه آیه آخر سوره زمر شروع می شود و در پایان تاریخ ۹۳۵ هجری سال پایان نصب این کاشیها آمده است

از این تاریخ ظاهر می شود که کارهای عمرانی، بعد از مرگ شاه اسماعیل، در زمان شاه طهماسب پایان گرفته است. بلکه این امکان وجود دارد که تاریخ نصب این کتیبه و پایان کارهای عمرانی در سال ۹۳۶ باشد، چون سال ۹۳۶ سالی است که در آن شاه طهماسب اول حکومت عراق را از دست امیر ذوالفقار که رئیس یکی از قبائل کرد موصلی بود پس گرفت امیر ذوالفقار حاکمیت عراق را از قلمرو صفویان از سال ۹۳۰ تا اوائل سال ۹۳۶ هجری قمری جدا کرده بود.

اثر دوم:

اثر دوم کتیبه ای است که در قسمت بیرونی دیوارِ رواق شرقی، روبروی صحن می باشد این کتیبه در ایوانِ مخصوص سه گوشه که در وسط طارمه «باب المراد» چسبیده به درب اصلی طلائی گنجانده شده و بر روی آن مطلب زیر نوشته شده است:

امر کرد به ایجاد این بنای شریف، سلطان سلاطین جهان، سایه خدا بر سر خلق عالم، یاری گر دین جدش احمد (ص)، پرچمدار راه محمد (ص) ابوالمظفر شاه اسماعیل پسر شاه حیدر پسر جنید صفوی موسوی، خداوند سلطنتش را برای برپائی پرچم دین پاینده دارد و حجت و دلیلش را برای هدم و نابودی گمراهان تأیید نماید. این نوشته در ششم ربیع الثانی سال ۹۲۶ تحریر شد. (به عکسهای شماره ۴ و ۵ مراجعه کنید)

اثر سوم:

دو صندوق چوبی که هم اکنون نیز بر روی دو قبر مطهر قرار دارد. این دو صندوق، بزرگ و از نظر حجم و شکل مساوی، مسطح و از چوبی خوب است و طول هر یک سه متر و نیم و عرض آنها دو متر، و ارتفاع آنها در همین ابعاد می باشد البته این اندازه ها تقریبی است. هر یک از این دو صندوق، از چهار تخته بزرگ و هشت تخته کوچک، که متصل به تخته های بزرگ می باشد ساخته شده است، یعنی هر طرف از چهار طرف صندوق، از یک تخته بزرگ در وسط و دو تخته کوچک در دو طرف آن که کتیبه هایی با خط خوب آنرا برجسته کرده و با طرح و نقشه های زیبا مزین گردیده، ساخته شده است. تخته های بزرگ و کوچک هر کدام از قطعات کوچکی که با اشکال هندسی مختلف و متنوع بوجود آمده، ساخته شده است. این قطعات کوچک آنچنان بهم پیوسته و داخل یکدیگر و مرتبط و زیبا و مستحکم شده است، بحدی که از مجموع آنها تخته ای یک نواخت تشکیل یافته و اطراف آن تزیین و آرایش شده و در میان کتیبه ای برجسته قرار دارد.

هر یک از قطعات کوچک مذکور با اشکال هندسی و گل و

نقشه های گوناگون دیگر با کنده کاری، و نقره کوبی و رنگ آمیزی آرایش و تزیین شده است. تزیین هر یک از تخته ها تقریباً با تزیین دیگری فرق می کند و این نقش و نگار معروف به «نقش خاتم» است که دقیقترین و زیباترین نقش معروف می باشد.

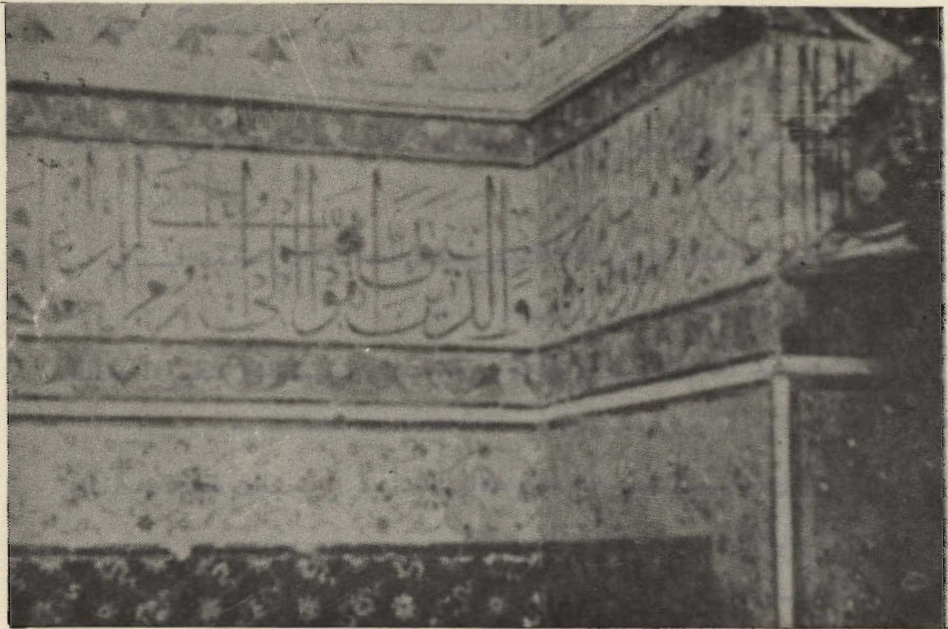
برای تزیین و نقره کوبی از چوبهای آبنوس، عناب و لیمو و ورق آهن استخوان عاج فیل، شتر، اسب، صدفها ماهی، شمشهای برنزی و فلزات طلا و نقره کاری شده و انواع رنگهای معدنی براق و روغن صندلوس و روغنهای دیگر و سایر چیزهایی که امکان توصیف آن نیست، استفاده شده است. همچنین بعضی از این تخته ها با نوشته هایی از خط نسخ با حروفی برجسته و زیبا تزیین شده و بعضی کلمات با خط کوفی به شکل نقش خاتم برای تزیین نوشته شده است.

در اینجا ابتداء نوشته هائی را که بر روی صندوق ضریح امام کاظم علیه السلام نوشته شده ذکر می کنیم:

بر روی دو تخته کوچک که به تخته بزرگ صندوق متصل است و رو بروی قبله می باشد، ستونی دهگانه بخط نسخ برجسته نوشته شده، چهار ستون در طرف راست، چهار ستون در طرف چپ و یکی در بالا و یکی در پائین است، آغاز نوشته از پائین شروع می شود و بر روی تخته دومی نیز ستون دهگانه ای به همان شکل تخته اولی که بیان گردید، نوشته شده است. آنچه در زیر می آید نوشته های تخته اولی است که در طرف راست خواننده قرار دارد:

۱ - این ضریح سید و آقای این امت، بر طرف کننده غصه ها و غمها، هفتمین معصوم از ائمه معصومین است.

۲ - گرانقدر و صاحب معجزات بزرگ و مشهور به شب زنده داری و اقامه نماز



«سمت غربی ایوان صفوی» (عکس شماره ۴)



«سمت جنوبی ایوان صفوی» (عکس شماره ۵)

- ۳ - مشهور به فضیلتها و کرامات و معروف به بندگی خدا و مواظب بر طاعات
 - ۴ - پیشوای خیر و خوبی، روزه دار، عالم و آگاه، کسی که نابود کننده باطل است.
 - ۵ - ابی ابراهیم موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین الشہید.
 - ۶ - فرزند امام واجب الاطاعة بر مؤمنین و پیشوای متقین اسدالله غالب.
 - ۷ - پدر حسنین علی بن ابی طالب (درود و تحیات خدا بر آنان باد) می باشد.
 - ۸ - ساخت این ضریح مقدس در شب تار و روز روشن ادامه یافت تا اینکه کامل شد.
 - ۹ - در ماه مبارک رمضان سال ۹۲۶ پایان گرفت.
 - ۱۰ - درود خدا بر پیامبر و سالار ما و خاندان پاکش و حمد ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است.
- تخته دوم نیز ده ستون نوشته دارد و از ابتدای پائین سمت راست آن شروع می شود و آن نوشته این است:
- ۱ - به دستور سلطان عادل کامل، احیاء کننده مراسم.
 - ۲ - شریعت مصطفوی و بر پا دارنده پرچم و آثار مذهب مرتضوی.
 - ۳ - سلطانی که سلاطین جهان را تحت الشعاع عظمت و جلال خود قرار داد.
 - ۴ - عظمت و جلالش پایدار و سایه بلند عدالتش
 - ۵ - بر تمامی اهل اسلام سایه افکنده است و موفق به توفیق خداوند منان می باشد.

- ۶ - سلطان، پسر سلطان، پسر سلطان، پسر سلطان
 ۷ - ابوالمظفر شاه اسماعیل خان حسینی.
 ۸ - خداوند آینده ملکش را مخلد دارد و سایه اش را بر سر اهل اسلام تأیید کند.

۹ - و تمام شد ساخت این (صندوق) شریف بعد از یاری و مساعدت

۱۰ - توفیقات خداوند و کمکهای شاهانه در سال...^۱
 در دو طرف سطر پایانی علائمی است، لکن واضح و روشن نیست که آیا تاریخ نوشتن آن است و یا اینکه علائم زینتی می باشد؟
 در دو طرف تخته بزرگ که وسط دو تخته کوچک قرار گرفته دو دایره وجود دارد و در میان هر کدام دایره ای است که در آن سه سطر با خط نسخ نوشته شده که عبارت است از: (لا اله الا الله - محمد رسول الله - علی ولی الله)

و میان فاصله چهار گانه ای که بین دایره و مربع استاسامی دوازده امام نوشته شده بطوری که هر سه اسم با هم جای خالی را پر می کند و از قسمتی بالا به این ترتیب آغاز می شود:

(علی حسن حسین، علی محمد جعفر، موسی علی محمد، علی حسن محمد) در دایره دومی نیز این اسامی بهمان ترتیب که در دایره اولی ذکر شد نوشته شده است.

بر روی تخته های کوچک، تخته ای که رو بروی قبله قسمت پائین پای مطهر قرار دارد ۱۴ دایره شش گوش وجود دارد که داخل هر یک، یکی از اسامی معصومین چهارده گانه با خط نسخ برجسته نوشته شده دو تا در بالا، دو تا در قسمت پائین و پنج عدد در طرف راست و پنج

۱ - تاریخ در متن ذکر نشده است. م.

عدد در سمت چپ به این شرح:

- ۱ - اللهم صلی علی محمد المصطفی.
- ۲ - و صل علی علی المرتضی.
- ۳ - و صل علی فاطمة الزهراء.
- ۴ - و صل علی الحسن المجتبی.
- ۵ - و صل علی الحسین الشہید بکربلاء.
- ۶ - و صل علی علی زین العابدین.
- ۷ - و صل علی محمد الباقر.
- ۸ - و صل علی جعفر الصادق.
- ۹ - و صل علی موسی الکاظم.
- ۱۰ - و صل علی علی الرضا.
- ۱۱ - و صل علی محمد التقی.
- ۱۲ - و صل علی علی النقی.
- ۱۳ - و صل علی الحسن العسكري.
- ۱۴ - و صل علی محمد المهدی.

در بقیه تخته ها که در جهت مخالف قبله و پاها هستند نوشته ای نیست و فقط با اشکال گوناگون زینت و آرایش شده است.

اما متن هایی که بر صندوق ضریح امام جواد علیه السلام نوشته شده با خط نسخ و حروف برجسته در یک سطر پیرامون تخته بزرگ که در قسمت سر مبارک و مطهر است، می باشد و متن نوشته، سوره مبارکه دهر بطور کامل است که از بسم الله شروع و به صدق الله العظیم و صدق رسوله الکریم ختم می شود.

و روی تخته بزرگ دیگر صندوق که در جهت مقابل قبله است کلمه «علی» با خط کوفی با عاج کنده کاری شده و جمعاً نه بار تا

مرکز تخته تکرار گردیده و کلمه محمد نیز محیط بر آن و ۹ بار تکرار شده و جمعاً هیجده دایره شش گوش، که شش تا در طرف بالا و شش تا در طرف پائین، سه عدد در طرف راست، سه تا در طرف چپ تخته قرار گرفته است.

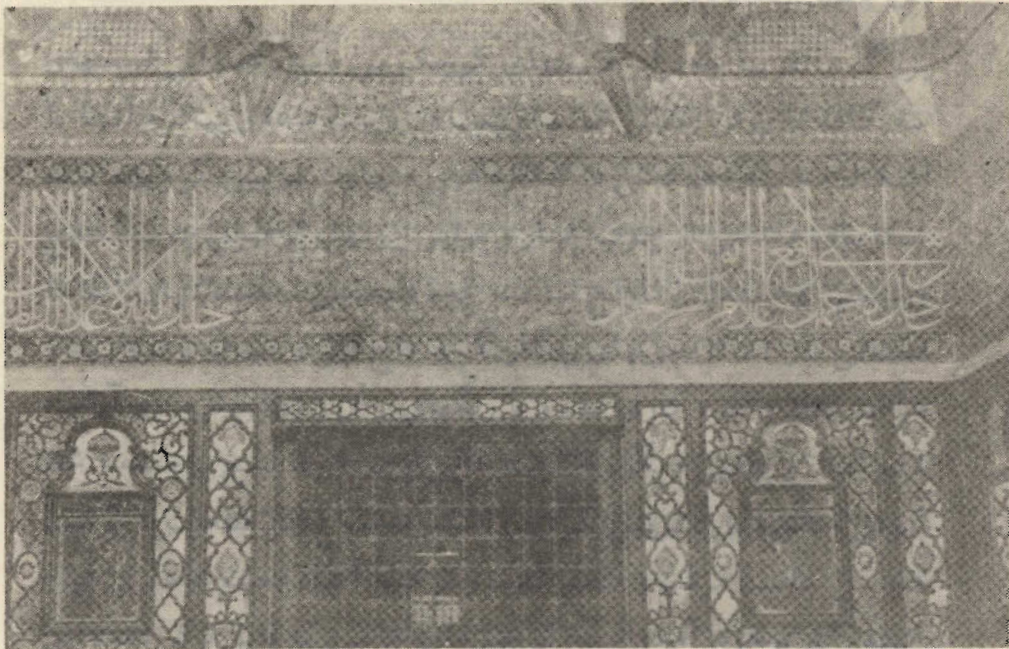
به همین روش بر روی دو تخته کوچک که متصل به تخته بزرگ است کلمه «علی» داخل دایره های شش گوش چهارده مرتبه، به این ترتیب نوشته شده است:

دو تا در بالا دو تا در پائین پنج تا در سمت راست تخته و پنج تا در طرف چپ.

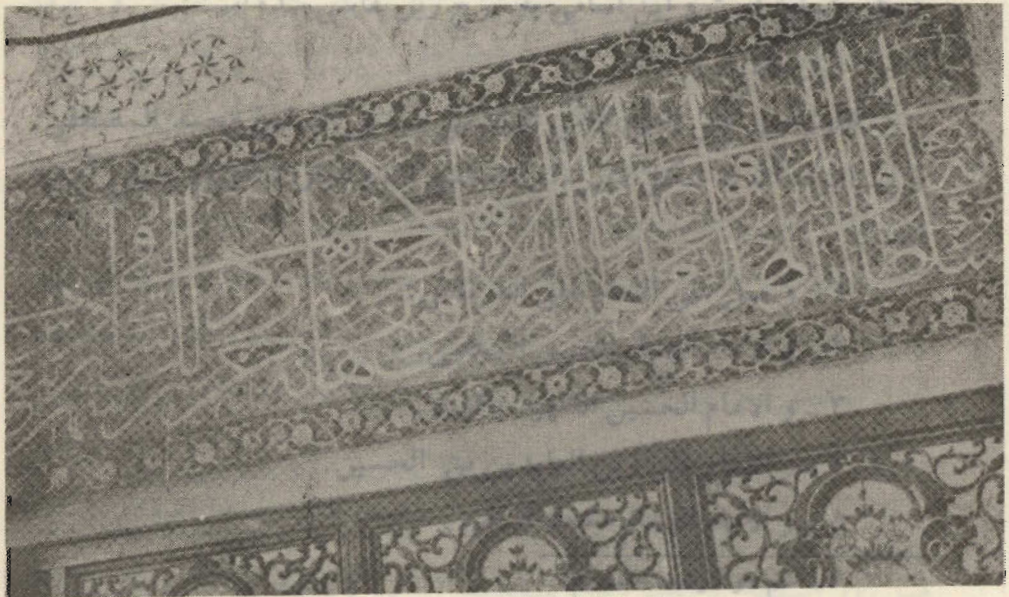
ولی در قسمت پاها و طرف قبله صندوق نوشته ای نیست و فقط دارای آرایش و زینت های رنگارنگ و کنده کاری است.^۱ ساخت هر دو صندوق در سال ۹۲۶ هجری قمری به اتمام رسیده است.

مجموعه درهای چوبی حرم نیز همزمان با ساخت این دو صندوق پایان یافته است و هم اکنون سه لنگه دراز آنها در «موزه آثار عربی» در بغداد غرفه ۲۱ به شماره های ۷۱۴۶ و ۷۱۴۷ و ۷۱۴۸ ع موجود است. این درها اکنون بدلیل قدمت و کهنسالی برداشته شده و بجای آنها درهایی از طلا و نقره نصب گردیده است. علی رغم اینکه این درها بدون تاریخ است ولی کیفیت اشکال و تزئینات آن و روش معروف به «نقش خاتم» که در آنها بکار رفته و همچنین اسلوب نوشته های نسخی و کوفی آن، شباهت زیادی به نوشته های دو صندوق مذکور دارد.

این درها تقریباً مشابه هم ساخته شده است و رویه هر لنگه آن از سه قسمت تشکیل شده که قسمت بالا پائین آن کوچک و بخش وسطی



است که یکی از این لنگه ها با شماره ۷۱۴۶ به خاطر در برداشتن نام
 (عکسهای شماره ۶ و ۷)
 نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دو زده امام، از دو لنگه
 «دو طرف از دو صندوق صفویین»



بزرگ و تقریباً سه برابر قسمتهای کوچک می باشد. همه این قسمتهای سه گانه با روش (نقش خاتم) زینت و آراسته شده و پیکره آنها با اشکال مختلف هندسی در اندازه های متفاوت تزیین گردیده است. شکلهای هندسی از چوب چنار و سایر چوبها، از قبیل چوب بنتیج و سیسم^۱ و صندل و نارنج ساخته شده و بعضی از قسمتهای آن، با قطعاتی نازک، از چوبهای رنگارنگ و عاج فیل و صدف و مروارید و فلزات مطلا و نقره کاری شده و با رنگهای برآق و روشن تزیین و آراسته شده است و بعضی دیگر، با نوشته هایی از نوع خط نسخ برجسته و خط کوفی حاشیه دار، تزیین گردیده است. مجموع این قطعات با ترتیب هندسی جالب، مرتب و منظم شده، و از همه آنها، مجموعه هنری خیره کننده ای بوجود آمده است. از چیزهای جالبی که قابل ذکر است این است که یکی از این لنگه ها با شماره ۷۱۴۶ ع بخاطر در برداشتن نام نامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اسامی دوازده امام، از دو لنگه دیگر متمایز است و این اسامی به شرح زیر نقاشی شده است:

در وسط:

اللهم صل علی النبی الامّی الهاشمی المدنی التهامی محمد المصطفی.
و پیرامون آن به شکل دایره ای، اسامی ائمه دوازده گانه، چنین آمده است:

- ۱ - و صل علی الامام علی المرتضی.
- ۲ - و الامام الهمام الحسن المجتبی.
- ۳ - و الامام الحسین الشهد بکربلا.
- ۴ - و الامام علی زین العابدین بن الحسین.
- ۵ - و الامام الهمام محمد الباقر.

۱ - اسم دو درخت است. م.

- ۶ - و الامام الهمام جعفر الصادق.
- ۷ - و الامام الهمام موسی الکاظم.
- ۸ - و الامام علی الرضا بن موسی.
- ۹ - و الامام الهمام محمد التقی.
- ۱۰ - و الامام الهمام علی النقی.
- ۱۱ - و الامام [الهمام] الحسن العسکری.
- ۱۲ - و الامام الهمام محمد المهدی.

در حواشی و کناره های این درب کتیبه ای بخط کوفی از چوب سیسم که با عاج فیل بشکل دایره طراحی شده وجود دارد و متن آن «فی حمدالله» می باشد

طول این لنگه درب ۳۱۱ سانتی متر و عرض آن ۸۸ سانتی متر و ضخامت آن به ۸ سانتی متر می رسد

لنگه درب شماره ۷۱۴۷ ع طول آن ۳۲۶ سانتی متر و عرض آن ۹۰ سانتی متر و ضخامت آن به ۸ سانتی متر می رسد و با نوشته ای بخط کوفی که متن آن «فی حمدالله» می باشد آراسته شده است.

و طول لنگه درب شماره ۷۱۴۷ ع ۳۲۶ و عرض آن ۹۰ سانتی متر و ضخامت آن به ۸ سانتی متر می رسد.

دوره نخستین ترکان عثمانی

روز دوشنبه ۲۴ جمادی الاولی سال ۹۴۱ هجری قمری، سلطان سلیمان قانونی پس از نابودی حکومت صفویان در بغداد، بغداد را به اشغال خود در آورد و در ۲۸ همین ماه پس از چهار روز به

سیروس‌سیاحت در شهر بغداد و حومه آن پرداخت و یکی از جاهایی را که مورد بازدید قرار داد حرم کاظمین بود.

سلطان سلیمان بهنگام زیارت بارگاه امام کاظم (ع) و امام جواد (ع) دستور داد از خزانه بغداد به خدام حرم هدایایی بدهند، همچنین دستور داد نواقص کوچکی را که از دوره صفویان باقی مانده بود تکمیل کنند.^۱

در ماه محرم سال ۹۶۱ هجری قمری سیدی علی رئیس از حلب برای فرماندهی کشتیهایی که در بصره لنگر انداخته بودند و به مقصد مصر حرکت می‌کردند حرکت کرد. وی در مسیرش به بغداد، مساجد و بارگاه‌های متعددی از جمله حرم کاظمین را زیارت کرد، وی یک بار دیگر در سال ۹۶۴ بهنگامی که از بغداد می‌گذشت حرم کاظمین را زیارت کرد.^۲

در سال ۹۷۸ هجری قمری ساختمان مناره‌ای که در شمال شرقی حرم مطهر واقع است تمام شد - همانطور که گذشت - اصل مناره‌های بزرگ چهارگانه در روزگار صفویان ساخته شد و ارتفاع آنها بمقدار چند متر بلندتر از سطح خود حرم بود و ساخت مناره جدید به دستور سلطان سلیم عثمانی پایان پذیرفت و آنطور که مورخین گزارش کرده‌اند این مناره سرپوشیده نبوده و سقفی که مرذن را از تابش نور خورشید و باران حفظ کند نداشته است پس از پایان کار ساختمان مناره، فضلی بن فضولی بغدادی شاعر، تاریخ‌اتمام آن را به ترکی چنین سروده است:

هَمّت کاظم و جواد قلوب بو مناره قیامنه اقدام

۱ - العراق بین احتلالین: ۲۹/۴ و ۳۴.

۲ - العراق بین احتلالین: ۷۲/۴ و ۱۰۴.

بخت سلطان سلیم دین پرور اول ملا ذجهان و قطب انام
 مظهر عدل و مظهر احسان ماحی کفر و حامی اسلام
 قلدی امداد امر عالی ایله ویردی حق بو مناره یه اتمام
 فضلی اخلاصه دیدی تاریخ (اولدی بوجانفر امناره تمام)

پایان کار ساختمان این مناره در دوران مراد پاشا والی بغداد بوده است.^۱ ظاهراً دلیل و انگیزه ای که باعث شد این مناره تأسیس و به اتمام برسد این بوده که این مناره بین حرم و مسجد واقع شده و مقابل گوشه شمال شرقی شهر که امروز مورد ازدحام ساکنین است می باشد.

اشعار فوق الذکر بر سنگ بزرگی که روی در پلکان مناره که در گوشه ایوان معروف به (طارمه باب المراد) واقع شده، نوشته شده است. در همین سال یا اندکی بعد از آن مادر سلطان سلیم، برای وضو و غسل زوآر حوض آبی احداث کرد.

دوره دوم صفویان

در روز شنبه ۲۳ ربیع الاول سال ۱۰۳۲ هجری قمری شاه عباس کبیر صفوی برای بار دوم بعد از ۹۲ ماه بغداد را فتح کرده و به سلطه

۱ - العراق بین احتلالین: ۳۵/۴ و ۱۱۲ و ۱۱۴.

از همت امام کاظم و امام جواد (ع) برای ساختمان این مناره اقدام کرد، سلطان سلیم دین پرور، آن کسی که پناه جهان و قطب مردم جهان بوده، مظهر عدالت و احسان و نابود کننده کفر و پشتیبان اسلام است، با فرمان والای او کمک کرد و خداوند این مناره را به اتمام رساند (فضلی) با اخلاص در تاریخ این ساختمان گفت: (این مناره روح افزا پایان یافت).

صفویان در آورد.

بعد از ثبات اوضاع و استقرار امنیت شاه عباس کبیر حرم کاظمین را زیارت کرد و دستور داد تا خرابیهایی که بر اثر جنگها و آشوبها و اهمال کاریها در حرم ایجاد شده بود، بازسازی کنند. از جمله کارهای بزرگی که شاه عباس انجام داد این بود که دستور داد ضریحی محکم از فولاد ساخته و روی (دو صندوق چوبی) قرار دهند تا آن را از حوادث و غارتهایی که به هنگام جنگها و هرج و مرجها و هجوم بادیه نشینان به شهر، حفظ و نگهداری کند.^۱ با توجه به حوادثی که بعداً پیش آمد و روابط سیاسی بین ایران و ترکیه عثمانی تیره شد ارسال ضریح مذکور تا سال ۱۱۱۵ هجری قمری به تأخیر افتاد.

در ماه جمادی الثانی سال ۱۱۱۵ هجری قمری کاروانی بزرگ از ایران شامل دانشمندان دینی، وزراء، سرشناسان و پیشاپیش همه شیخ الاسلام شیخ جعفر کمره ای به همراه ضریح مذکور وارد کاظمین شدند.^۲

جشن بزرگی به هنگام نصب ضریح مذکور بر پا شد که هزاران نفر از مردم ایران و عراق در آن حاضر بودند. مورخین گزارش می کنند که این ضریح بسیار بزرگ و با شکوه بوده و شامل نوشته های بسیاری از جمله سوره دهر و آیات دیگری از قرآن مجید و بخشی از قطعات شعری بوده است. از جمله کارهای صفویان در دوره دوم حکومتشان بر عراق،

۱ - صدی الفواد: ۱۶.

۲ - فوائد الرضویه: ۷۵/۱ در این کتاب شمار افراد کاروان ده هزار ذکر

دستور شاه صفی پسرشاه عباس صفوی در سال ۱۰۴۵ هجری قمری مبنی بر ایجاد بعضی از اصلاحات در حرم کاظمین است. از جمله آن اصلاحات و تعمیرات محکم سازی پایه های گلدسته های بزرگ، و کوچک کردن گلدسته های کوچک چهارگانه که در گوشه های بام حرم بود، می باشد و این کار بخاطر سنگینی گلدسته ها و عدم تحمل ستونهای دو گنبد، انجام گرفت.^۱

دوره دوم ترکان عثمانی

در ۱۸ شعبان سال ۱۰۴۸ حکومت صفویان بر عراق پایان گرفت، هنگامی که سربازان ایرانی از قوای ترکان عثمانی به فرماندهی سلطان مراد عثمانی امان خواستند. فتح بغداد به دست قوای عثمانی در ۲۳ شعبان به اتمام رسید.^۲

در همین سال سلطان مراد بهنگام تصمیم به برگشت به آستانه، مشاهد و قبور را زیارت کرد و در روز دوازدهم ماه رمضان حرم کاظمین را زیارت نمود

کتب خطی برای ما روایت می کنند که: لشکریان ترک که عده ای از فتنه جویان و آشوبگران بودند به کاظمین هجوم برده - بعد از اشغال سلطان مراد - آنچه خواستند به غارت بردند، از جمله چلچراغهای طلا و نقره ای و اشیاء روضه منوره که قیمت آنها گران و حمل آنها سنگین بود با خود بردند.

۱ - صدی الفؤاد: ۱۷.

۲ - العراق بین احتلالین: ۲۲۴/۴.



سپس قرن یازدهم پایان می پذیرد و ما هیچگونه اطلاعات دیگری از حرم کاظمین علیهما السلام نداریم.

قرن دوازدهم می آید و پایان می پذیرد در حالی که مصادر و منابع تاریخی از حرم کاظمین و مجاورانش در بی خبری محض است و خبری از اوضاع و احوال آن نداریم جز خبر هدایای گرانبهایی را که نادرشاه توسط یکی از امیرانش برای عتبات مقدسه عراق در سال ۱۱۵۳ فرستاده است. این هدایا چون به بغداد رسید والی بغداد آنها را در دفتر ثبت کرد و سپس آنها را به نماینده حکومت ایران تسلیم نمود تا در مکانهای تعیین شده قرار دهد.^۱

همچنین از اخبار این قرن روایت و گزارش عبدالرحمن سویدی است که می نویسد: حسن پاشا (متوفای ۱۱۳۵ هجری قمری) چون دید سقف حرم امام موسای کاظم (ع) بر اثر گذشت زمان و پوسیدگی چوبها، رو به خرابی است آنها را تجدید بنا کرد.^۲ برای ما روشن نیست که منظور از کلمه سقف چیست؟ شاید منظور از سقف جرم ایوانی است که سقف آن از چوب بوده است.

در سال ۱۲۰۷ کار بازسازی و ساختمان در حرم کاظمین به دستور آقا محمدشاه قاجار برای تکمیل کارهایی که صفویان در حرم آغاز کرده بودند، از نو شروع شد. این کارها شامل اتمام و تکمیل سه گلدسته بزرگ از گلدسته های چهارگانه ای بود که در روزگار صفویان ارتفاع آن بیشتر از بام حرم نبود و گلدسته چهارم در روزگار سلطان سلیم تکمیل و ساخته شد. لکن چون بدون سقف بود آن را نیز مانند سایر گلدسته های جدید مسقف نمودند.

۱ - دوحة الوزراء: ۴۶.

۲ - حدیقة الوزراء: ۶۹.

و نیز از کارهای این دوره ایجاد صحن وسیعی بود که از سه طرف یعنی شرق و غرب و جنوب، حرم را در بر می گرفت و طرف شمال حرم به (جامع الکبیر) متصل بود.

نقشه صحن با مساحت کنونی آن اندازه گیری شد و خانه هایی که داخل محدوده نقشه صحن بود خریداری گردیده و اموال زیادی برای رضایت مالکین خانه ها پرداخت شد. تنها یک خانه در گوشه جنوب غربی باقی ماند که صاحب آن راضی به فروش آن نشد و دیوار صحن از این قسمت، جدا و قطع بود و خانه مذکور مثل جمله معترضه ای بین دیوار صحن خودنمایی می کرد، تا اینکه سال ۱۲۶۶ هجری قمری هنگامی که مرض طاعون ناگهان عراق و از جمله کاظمین را فرا گرفت و اهالی و ساکنین این خانه همگی از بین رفتند و ملکیت شرعی خانه به عالم بزرگ عصر، شیخ محمدحسن آل یاسین (متوفای سال ۱۳۰۸ هجری قمری) برگشت، وی اجازه داد تا آن را جزء صحن قرار دهند.

نقل می کنند که دیواری دور این صحن جدید - به ارتفاع پنج متر با آجر و گچ - را در بر می گرفته است و ایوانهای کوچکی در سمت داخلی آن بوده است.

عمران و آبادی حرم با مرگ محمدشاه قاجار (۱۲۱۱ هجری قمری) قطع نشد و فتحعلی شاه کارهای دیگری در ادامه کارهای پیش انجام داد از جمله دورن دو گنبد را با آب طلا و شیشه های رنگارنگ میناکاری کرد و دیوارهای روضه منوره را با قطعات زیبایی از شیشه که روی چوب مثبت کاری شده بود، تزیین نمود.

از کارهای بارز فتحعلی شاه قاجار تذهیب و طلاکاری دو گنبد امام کاظم و امام جواد علیهماالسلام و گلدسته های چهارگانه کوچک بود و این کار در هنگامی بود که فتحعلی شاه تذهیب و طلاکاری گنبد

و بارگاه امام حسین علیه السلام را تجدید کرد و طلاهای قدیم آن زیاد آمد که بموجب اجازه شرعی، آنها را به کاظمین منتقل کردند و دو مرتبه آنها را صیقلی نمود و آنچه لازم بود به آن اضافه کنند، اضافه کردند و از آن روکش طلائی برای آجرهای گنبدها و مناره های حرم کاظمین (ع) ساختند این تذهیب و طلاکاری در سال ۱۲۲۹ هجری قمری به اتمام رسیده است و اشعار فارسی که بر گنبد ثبت شد حاکی از این تاریخ است:

«گنبد موسی بن جعفر بجهان زرین شد.»

کتیبه دیگری هست که اشعاری فارسی بر آن نوشته شده و مصراع آخر آن چنین است:

«بتاریخ تاریخ تعمیر شد» که موافق با سال ۱۲۱۱ هجری قمری می باشد که این سال، تاریخ اولین تذهیب و طلاکاری گنبد امام حسین علیه السلام است که فتحعلی شاه قاجار آن را بر اساس نذری که داشت انجام داده است و این کتیبه آجری طلاکاری شده تاریخ دار با بقیه کتیبه های آجری به کاظمین منتقل و بعد از جلا دادن آن، بدون توجه به تاریخی که از قبل بر آن نوشته شده در گنبد امام کاظم (ع) نصب شده است.

و از کارهایی که در اواسط قرن سیزدهم - سال معین آن را نمی دانیم - تمام شده است تجدید بنای حوضی است که در میانه صحن شمالی واقع شده و مؤسس آن مادر سلطان سلیم عثمانی است. این تجدید بنا از ثلث ماترک حاج محمدباقر بهبهانی بر اساس وصیت خود او بوده و داماد و وصی او حاج عبدالمطلب بهبهانی بر تجدید بنا نظارت داشته است.

در سال ۱۲۵۵ هجری قمری ایوان کوچکی که در رواق طارمه

جنوبی به آن باز می شود طلاکاری شد و این کار با سرمایه منوچهرخان معتمدالدوله که یکی از رجال حکومت ایران بود و حدود سال ۱۲۶۰ هجری قمری فوت کرد انجام گرفت.

در سال ۱۲۵۵ هجری قمری نیز سلطان محمود دوم پرده ای موسوم به «ستر نبوی» که از پارچه ابریشم گلدوزی شده بود به حرم کاظمین اهداء نمود که در یکی از لیالی قدر ماه مبارک رمضان همان سال بر روی ضریح انداخته شد و با جمله «جاوا باشرف ستر» تاریخ گذاری شد و شعرا با قصیده های زیبای خود در تمجید و ستایش این مناسبت اشعاری می سرودند از جمله عبدالغفار اخرس اشعاری به این مناسبت چنین سروده است:

یا امام الهدی و یا صفوة الله	و یا مَنْ هدی هُداة العبادا
یا بن بنت الرسول یا ابن علی	حَى هذا النادی و هذا المنادی
قد أتینا بثوب جدک نسعی	وأتیناک سیدی و قادا
فأتیناک راجلین احتراماً	واحتشاماً وهیبة وانقیادا
أنتمُ علّة الوجود و فیکم	قد عرفنا التکوینَ والایجادا ^۱

۱ - ای پیشوای هدایت و برگزیده خدا و ای کسی که از رهنمود او بندگان هدایت شدند.

ای فرزند دختر پیغمبر و فرزند علی (ع) ای شخصیت این مجتمع و صاحب این دعوت.

همانا با جامه جدت (ستر نبوی) را آوردیم و دسته جمعی به محضر تو ای آقا شتافته ایم.

با پای پیاده برای احترام و حشمت و هیبت تو، و برای فرمانبرداری آمدیم. شما علت و سبب وجودید و با هدایت شما هستی و وجود را شناختیم.

ولقد كنتم بها أفرادا
 ما اتَّخذتم الآ رضا الله زادا
 واكتحلثم من القيام السَّهادا
 مهَّد الأرض سطوةً والبلادا
 وسطا سطوة الاسود جهادا
 بل بهذا من القديم أَرادا
 يتوالى الأرواح والاجسادا
 تم بعزٍّ يصاحب الابدادا
 قد صدعتم بالفخر سبعا شَدادا
 رجال لم يبرحوا أمجادا

مار كنتم الى نفائس دنياً
 وانقلبتم منها وأنتم أناسُ
 ولقد قمتمُ الليالى قياماً
 إن يكونوا كما أذاعوا قَمَنُ ذا
 و محاشى الشرك بالمواضى غزاة
 حيث ان الاله يرضى بهذا
 فجزيتم عن أجركم بنعيم
 وابتغيتم رضا الاله ولا زل
 أنتم يا بنى الرسول أناسُ
 آل بيت النبى والسادة الطهرُ

۱ - به آرایش دنیا دل نبستید و در دنیا تنها بودید .

مردمانی بودید که وقتی از دنیا رفتید توشه ای جز رضای خداوند، از آن بر نگرفتید .

شبهارابه عبادت و رازونیازیام کردید و چشمانتان را بابتی خوابی سرمه زدید . اگر آنان آن طوری که دشمنان شایع کردند، پس چه کسی زمین را پر از شکوه و جلال کرد .

و شرک را با جنگجویان که در پیکار با صولت شیر بودند، از میان برد . چون خدا به این امر راضی بود، بلکه از اول همین را می خواست . اجرو پاداش خود را با نعمتهایی گرفتید که پیایی به جسم و جانهایتان می رسد . رضای خدا را کسب کردید و پیوسته با عزت و عظمت بودید . شما ای فرزندان رسول خدا! انسانهایی هستید که با سرفرازی بر هفت آسمان بالا رفتید

اهل بیت پیامبر علیهم السلام، بزرگواران پاک و مردانی که دارای همه ارزشها و بزرگواریها هستید .

فضلوا بالفضائل الخلق طراً
 ليس يُحصى عليهم المدح منى
 أنتم الذخر يوم حشرٍ و نشرٍ
 كاظم الغيظ سالم الصدر عافٍ
 قد وقفنا لدى علاك وألقينا
 مع أن الذنوب قد أوثقتنا
 و مددنا اليك أيدي محتاج
 و بكينا من الخشوع بدمع
 قد و قدنا آل النبي عليكم

مثلما تفضل الظبا الاعمادا
 ولو أن البحار صارت مدادا
 ومعاذاً إذا رأينا المعادا
 ما حوى قط صدره الأحقادا
 الى بابك الرفيع القيادا
 نرتجى الوعد نختشى الایعادا
 يرجى بفضلک الامدادا
 هو طوراً مثنى و طوراً فرادى
 زو دونا من رفدکم ارفادا

۱ - فضائل آنان بر تمام خلایق برتری دارد همچنان که آهوان برگورخران برتری دارند.

من نمی توانم مدح و ستایش آنان را بر شمارم، اگرچه آب دریاها مداد و مرکب شود.

شما ذخیره روز قیامت و پناه ما در روز معادید.
 امام کاظم فرو برنده خشم و پاک سینه که هرگز قلبش غبار کینه و حقد به خود نگرفت.

(ای امام) بالای سرت ایستاده ایم و قیود را در پیشگاه بلندت افکنده ایم.
 با اینکه گناهان ما را به بند کشیده است. و از عذاب واهمه داریم و دستان نیازمند خود را به امید بخشش و تفضل و یاری تو به سویت دراز کرده ایم.

با اینکه گناه کاریم اعتماد به بخشش و وعده تو داریم.
 و دست نیاز به پیشگاه تو بلند کردیم و امیدمان به فضل و مددکاری توست.
 و با خشوع و خضوع قطرات اشکمان دانه دانه جاری است.

ای خاندان پیامبر بر شما وارد شدیم، ما را با حمایت و کمک خود پشتیبانی کنید.

بسواد الذنوب جئنا لنمحو
 و طلبنا عفو المهيمن عنا
 موطن تنزل الملائك فيه
 أيها الطاهر الزكي أغثنا
 «علی» اتاك يا ابن علی
 مستزیداً من فضلکم حيث كنتم
 فعلیک السلام یا خیرة الخلق
 یکی دیگر از آن شعرا عبدالباقی عمری فاروقی است که چنین

سروده است:

وافتک یا موسی بن جعفر تحفة
 منها یلوح لنا الطراز الأول^۱

۱ - دیوان اخرس: ۸۱ - ۷۹

با سیاهی گناه پیش شما آمدیم تا به سفیدی غفران و بخشش، سیاهی
 گناهانمان را محو و نابود سازید.

از خداوند بزرگ می خواهیم که از خطاهای ما در گذرد و از گناهان ما
 چشم پوشی کند.

(اینجا) جایی است که ملائکه فرود می آیند و مقامی است که دلها در آن
 شادمان می گردد.

ای امام پاک و مطهر، ما را دریاب و ما را به سعادت و خوشبختی برسان.
 ای فرزند علی، علی پیش تو آمده تا از این رهگذر به خواسته ها و مرادش برسد.
 از فضل و بخشش زیاد شما می طلبم چون شما سرچشمه و معدن فضل و کرم
 و بخششید.

درود و سلام بر شما ای بهترین بندگان خدا سلامی پاینده و همیشگی.

۲- ای موسی بن جعفر (ع) موهبتی را دریافت کرده ای که از آن روش نخستین

برای ما نمودار می شود

رَقِمَتْ عَلَى الْعِنَانِ مِنْ دِيبَاجِهَا
 فَاشْتَاقَ سِتْرَ الْعَرْشِ لَوْ بِمَحَلِّهَا
 نُشِرَتْ فَفَاحَ مِنَ النَّبْوَةِ نُشْرُهَا
 اعْطِيَتْ مَالِمَ يُحِظُّ يَعْقُوبُ بِهِ
 طُوبَى لَكُمْ مِنْ وَارِثِينَ فَقَدْ غَدَتْ
 شَمَلْتِكُمْ مَعَهُ الْعِبَا بِحَيَاتِهِ
 هَذَا رِوَاقَ مَدِينَةِ الْعِلْمِ الَّتِي
 هَذَا كِتَابَ مَنْ غَدَا بِيَمِينِهِ
 هَذَا الزُّبُورُ وَذَلِكَ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ

دیباجه الشرف الذی لا یُجهل
 يوماً علی تلك الحظیره یُسبَل
 ماالمسک ممانفحاته ماالصندل
 اذجاءه بشذاالقمیص الشمال
 آثارُ جدِّکم الیکم تُنقل
 و مماته أستاؤه لک تشمل
 عن بابها قد ضلَّ مَنْ لا یدخل
 یعطى الذی یرجو غداً و یومئلاً
 بل هذاالقران المنزل

- ۱ - پرده ای که بر روی پارچه آن، دیباجه شرف و بزرگی رقم خورده است .
 پرده عرش مشتاق این است که به جای این پرده بود و روزی بر دیوار این
 بارگاه آویخته می شد .
- معطرات و بوی آن از شاخسار نبوت می دمد و عطر مشک و صندل در
 برابر آن چیزی نیست .
- هدیه ای به تو داده شد که حضرت یعقوب مانند آن بهره ور نشد چون پاره
 پیراهنی برایش آوردند .
- خوشا بحال شما ای وارثان نبوت، اکنون آثار جد بزرگوارتان به شما منتقل
 می گردد .
- در زمان حیات پیامبر با او زیرکسا بودید و پس از رحلتش نیز زیر پرده
 او قرار گرفته اید .
- این رواق، همان شهرعلم است که هرکس از در آن وارد نشودگمراه شده است .
 این همان کتابی است و هر که فردای قیامت این کتاب بدستش باشد به امید
 و آرزوی خود خواهد رسید .
- این زبورداوود و تورات و انجیل و قرآن فرستاده شده از سوی خداوند است .

هذا هو التابوت فيه سكينه
 هذا هو الستر الذي كشف الغطا
 هذا الازار يُحط عن زواره
 باهى الاله بهم ملائكة السما
 من تحت اخمص زائريه كم لها
 واتوا لبابك يحملون وسيلة
 نزلوا على الجرعاء من وادي طوى
 وتقَدَّ سوا بحظيرة القدس التي
 وافى على ايدى الملائك يُحمَل
 عن أعين بالغى كانت تكحل
 وزر به رضوى ينوء ويذبل
 فبدت على الزو راضحى تنزل
 من أجنح نُشِرَتْ وَطَّتها الأرجل
 المرسلون بها غداً تتوسل
 وتفرسوا بقبولهم فترجلوا
 رجل ابن عمران بها لاتنعل

- ۱ - این همان تابوت است که در آن آرامش و سکون است و روی دست فرشتگان حمل می شود .
- این همان پرده ای است که از چشمانی که به گناه و گمراهی آغشته شده پرده بر می دارد .
- این پوششی است که گرفتاریهایی را که سنگینی آن کوه (رضوی) را نابود می کند، از زوارش برطرف می سازد .
- خدا بوجود آنان به ملائکه آسمان مباحات کرد و در نتیجه به صورت پرتوی بر زائران فرود می آمد .
- چه بسیار بالهای فرشتگانی که زیر کف پای زائرانش پهن است و زائران پا روی آنها می گذارند .
- بر در خانه تو آمدند در حالی که با خود وسیله شفاعت حمل می کنند و فردای قیامت امید یاری و کمک دارند .
- بر ریگزاری از وادی طوی فرود آمدند و به امید قبولی اسب دواندند و پیاده شدند .
- و بارگاه پاکی را بزرگ داشتند که موسی بن عمران با کفش به آن وارد نمی شود .

وجدوا منار هدیٰ یشبُ و یשל
 فغشاهم النور القدیم الأول
 اذ شاهدوا منک الضریح و هللوا
 و توقّعوا و تخضعوا و تذللوا
 قد توجوا فیها الرؤوس و کللوا
 منک الاغاثه فی الشدائد تسأل
 و حفیدها هذا الامام الأفضل
 نسمی و نحفد بل نطوف و نرمل
 بمماته فی قبره لا یُسأل

شاموا السنّا من قبتیک و عنده
 فتهافتوا مثل الفراش و أحدقوا
 قد سبّحوا لما أتوک و کبروا
 و تزاحموا و تراکموا و توسّلوا
 جاوک فی آثار رحمة ربهم
 فاقبل هدیة أمة الهادی التي
 بضجیع حضرتک الجواد محمد
 یا کعبه الاسلام حول ضریحکم
 و حیاتکم من کنتم سُؤالاً له

۱ - از گنبد تو درخشندگی استشمام کردند و در آنجا مناره های هدایت را دیدند که می درخشند.

پس مانند پروانه به دور آن بگردش در آمدند و حلقه زدند و نور پروردگار قدیم ازلی آنان را فرا گرفت.

چون بر تو وارد شدند و ضریح تو را مشاهده کردند تکبیر گویان به تسبیح و ستایش خدا پرداختند.

ازدهام و اجتماع کردند و متوسل شدند و با چشم داشت و امید اظهار خضوع و فروتنی نمودند.

درجایی که محل آثار رحمت پروردگار است ؛ در آن تاج رحمت و کرامت بر سر می نهند، بر تو وارد شدند.

پس هدیه این امت هدایت شده را که در گرفتاریها از تویاری می طلبند بپذیر. هدیه به پیشگاه تو و حرم نواده ات حضرت محمد جواد، این برترین امام (ع). ای کعبه اسلام! پیرامون ضریح شما سعی می کنیم و آنرا در آغوش می گیریم، بلکه آنرا طواف می کنیم.

کسی که زندگی شما را سرمشق قرار دهد پس از مرگ در قبر مورد سنوالت از نخواهد گرفت.

فترحّموا یا آل بیت المصطفی و تکرّموا و تفضّلوا و تقبّلوا
صلی اللہ علیکم مارنحت ریح الصبا غصناً و هبت شمال^۱

در سال ۱۲۶۹ هجری قمری از مجموعه محتویات حرم، چلچراغی از بلور بود که با زنجیری زیبا آویزان شده و سایبانی از دیباج بر او سایه می‌افکند. عبدالباقی عمری در توصیف آن چنین سروده است:

مقام الکاظمین سماء مجد مسردقه بدیباج الجلال
امام الفرقدین بهاالشریا معلّقة بعرنین الهلال^۲

در سال ۱۲۶۹ در جدیدی برای حرم گشوده شد ولی به طور مشخص محل دقیق آن را نمی‌دانیم در پشت جلد یک کتاب خطی که در کتابخانه خلانی در بغداد هست دو بیت شعر سروده عبدالحمید کاظمی در این باره نوشته شده است:

فیازائرأبالقصد موسی بن جعفر ویاسالکابالسیرخیر المناهج
الافاطلب الحاجات یمیناً مؤرخاً فقد فتحت بالیمن باب الحوائج^۳

۱ - دیوان العمری: ۱۱۴ - ۱۱۳

پس ای خاندان محمد مصطفی! ترحم کنید و با کرم و فضل خود قبول کنید. درود و سلام و صلوات خدا بر شما باد مادامی که باد صبا می‌وزد و شاخ درختی را تکان می‌دهد.

۲ - دیوان العمری: ۱۱۶ - ۱۱۷

مقام و حرم کاظمین بلند مرتبه و بزرگ است و با ابریشم جلال و عظمت سایه شده است.

جلوتر از دو ستاره فرقدین است و ستاره ثریا با دو سر هلال ماه از آن آویخته است.

۳ - ای کسی که آهنگ زیارت قبر موسی بن جعفر (ع) را کرده ای و ای کسی که در بهترین راهها سیر می‌کنی.

خوشبختی و حاجات خود را بخواه در این تاریخ (فقد فتحت...) چون در

در همان سال (۱۲۶۹ هجری قمری) نیز سرلشکر سلیم پاشا ساختمانی را که معروف به «ولدالکاظم» بود و میان صحن قرار داشت و خراب شده بود، تجدید بنا کرد.

سلطان عبدالحمید خان پسر سلطان محمود عثمانی در خلال دوران حکومتش (۱۲۷۷ - ۱۲۵۵) برای حرم کاظمین دو جا چراغی هدیه کرد، شیخ جابر کاظمی بهمین مناسبت قصیده ای سروده است که قسمتی از آن چنین است:

صبح الهدی المبسوط موسی بن جعفر	وشمس الندی المنشور فی الکوئینورها
أجار المعالی تحت ظلّ قبابه	فطال سمواً کلّ طول قصیرها
به اطاذت أركائه و بسبطه	و قامت مبانیه و شیدت قصورها
محمد الطهر الجواد الذی له	أیاد علی جید النوال خطیرها
فهم مبدأ الفیض القدیم و ختمه	وأول وراث العلی و أخیرها
بهم لبس الدین المهابه و ارتدی	سنا شمس عز لا یغیب سفورها ^۱

خانه «باب الحوائج» به روی حاجتمندان با میمنت و مبارکی باز است.

۱ - دیوان شیخ جابر کاظمی: ۲۲۶ و صفحات ۳۵۳ - ۳۵۱ همان کتاب.

موسی بن جعفر صبح روشن هدایت و خورشید دعوت الهی است که نورش در

هستی می تابد.

بزرگوارها زیر سایه گنبد او پناه آورده و به بلندی و والائی رسیده اند.

اساس و ارکان آن به برکت وجود او و نواده اش امام جواد (ع) بالا رفته و

بر پای ایستاده است.

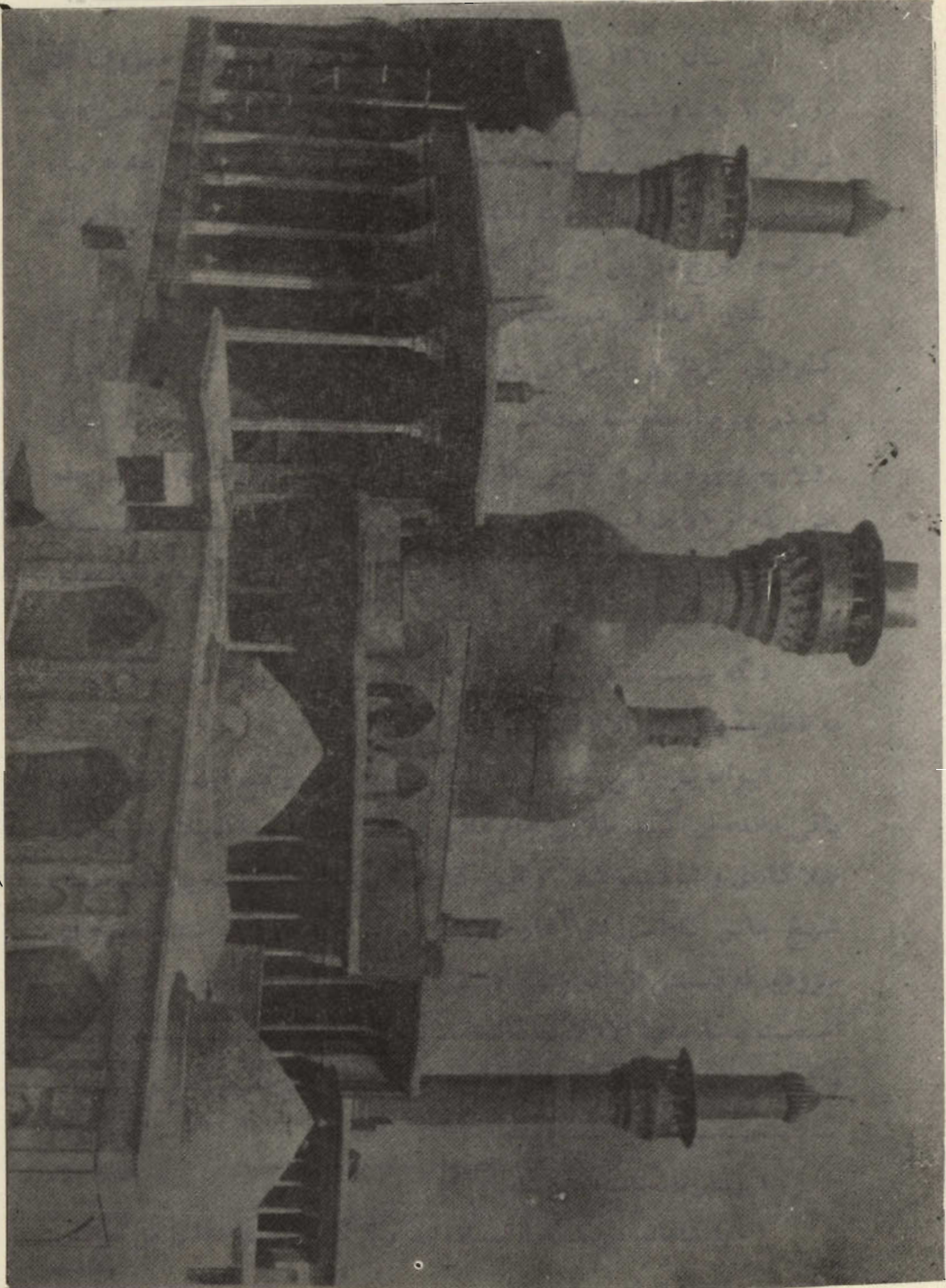
امام محمد جواد (ع) همان کسی است که دستانی با جود و بخشش دارد.

آنها سرچشمه فیض خداوند و پایان آنند و وارثین اول و آخر بزرگوارى اند.

دین بوسیله زحمات آنان توان و قدرت گرفت و خورشید شوکت و عزت

درخشید.

THE UNIVERSITY OF CHICAGO PRESS



در سال ۱۲۷۰ ناصرالدین شاه قاجار یکی از علمای معروف آن دوران را به نام شیخ عبدالحسین طهرانی مشهور به «شیخ العراقین» به عراق فرستاد تا بر اجرای نقشه های عمرانی وسیعی که شامل تجدید بنا، تعمیر و زیباسازی عتبات مقدسه بود نظارت کند و دست او را برای صرف و خرج در این امر باز گذاشت.

کار آبادانی در سال ۱۲۸۱ هجری قمری بعد از تمام شدن کارهای کربلا و سامرا در حرم کاظمین آغاز شد. از جمله کارهایی که در حرم انجام شد محکم سازی پایه های دیوار حرم و تجدید نمای رویه بیرونی دیوار و کاشی کاری آن بود. همچنین دو دکه بزرگ جلو حرم که از دو طرف جنوبی و شرقی به حرم متصل بودند، با نمای سنگ مرمر ساخته شد و داخل آنها جاهائی برای نگهداری ااثیه و امانتهای زائران ایجاد گردید.

دکه سمت شرقی بعدها با ۲۲ پایه و ستون چوبی مسقف گردید و به «طارمه باب المراد» معروف شد.

ایوان بزرگی که در وسط طارمه شرقی واقع است از طلاهای باقی مانده از گنبد طلایی امام هادی و عسکری علیهما السلام در سامراء طلاکاری و تذهیب شد^۱ و این کارها در سال ۱۲۸۵ به پایان رسید. شیخ جابر کاظمی در آغاز بهره برداری کارهای ذکر شده قصید ای سروده که قسمتی از آن چنین است:

اضحت بساحتها الاملاک قائمة تدعو لمبتهل لله بکاء
وکم من الملاء العالمین من فرق توئمها کل اصباح وامساء^۲

۱ - سفر نامه ناصرالدین شاه.

۲ - پادشاهان در پیشگاه او ایستاده اند و با گریه و زاری خدا را می خوانند.

بها اصاب الامانی کل ذی امل منا و عنا ازالت کل غمّاء
وجاوزت قبب الافلاک فی قمم قباہیم حین جازت شأ و جوزاء
و در بیت پایانی قصیده، تاریخ آغاز کار را چنین گفته است:

قل للمنیبین رشدأ من مورّخه (نادوالمهیمن هذا طور سیناء)^۱
که طبق حروف ابجد ۱۲۸۱ هجری قمری می شود.

در خلال همین دوره اولین درِ نقره ای بین ضریح و رواق جنوبی
در سال ۱۲۸۰ هجری قمری نصب شد و این در را امیر ابوالمظفر (ملقب
به عماد) به حرم مطهر تقدیم کرد.

دومین درِ نقره ای بین رواق جنوبی و ایوان قبله در سال ۱۲۸۴
نصب شد و این در را حاج سید میرزا بابا اصطهباناتی تقدیم نمود.

درِ نقره ای دیگری در همین سال بین روضه منوره و رواق شرقی
نصب شد. و شخصی به نام محسن خان پسر عبدالله خان آنرا تقدیم کرد.

همچنین در سال ۱۲۸۴ هجری قمری کار ساختن سقف برای
دکه ای که سمت جنوب حرم بود با سرمایه و خرج «حاج حسین

→ چقدر افراد زیادی از مردم جهان و از فرقه های مختلف هستند که هر صبح و
شام قلبشان بدان جهت است.

هر آرزومندی از ما در آنجا به آرزوی خود می رسد و هر غم و اندوهی زایل
و از بین می رود.

گنبد و قبه آن در بلندی و سرفرازی از گنبدگردون افلاک بلندتر و سرفرازتر
است.

از قول من به کسانی که می خواهند از تاریخ آن آگاه شوند، بگو (نادو
المهیمن ...) (۱۲۸۱ هـ) هر چه می خواهند از خدای توانا مسألت کنند که اینجا
طور سیناست!

چرچفچی بغدادی»^۱ آغاز شد و این سقف با ۱۴ پایه چوبی در سال ۱۲۸۵ هجری قمری به پایان رسید و گفته شده که مبلغ خرج شده بالغ بر دو بیست هزار بیشک ترکمی بوده است. (به عکس شماره ۹ رجوع کنید)

شیخ جابر کاظمی پایان کار آن را در آخر قصیده ای که به همین مناسبت سروده چنین آورده است:

و طال أعلاها عُلاه عَظْمًا	هذا بناء قد سما هام السماء
قد أشرق الدهرُ و كان مظلمًا	بنيرين من سنا نورهما
لدى الوجود كل جودٍ منها	هما الجوادان اللذان قد بدا
والأرض قامت و استقامت بهما	من الألى بهم برى الله الملا
و ابتداءً الفضل بهم و اختتما	و منهم الدهر أضاء نوره
عاش و قام فيهم و قوما	قومٌ على جودهم الوجود قد
مالاً عند ذى العرش نما	شاد «علی» اسمکهُ اذ بذل الحسين
«العباس» و «الصالح» طال مغنما	وسعی ذا «المهدی» و «الهادی» مع

۱ - حاج حسین پسر حاج حسن بغدادی ملقب به چرچفچی از تجار مشهور زمان خودش بود او قصد داشت که از مال خودش صحن کاظمین را درست کند اما اجل به او مهلت نداد. وی عقیم بود و فرزندی نداشت او از دست مظالم و ستمهایی که «داود پاشا» حاکم بغداد در مالیتهای ظالمانه ای که بر تجار بسته بود به سوریه مسافرت کرد و ۱۴ سال در آن دیار باقی ماند. در سال ۱۲۸۵ یا ۱۲۸۷ با عمری متجاوز از ۱۰۰ سال وفات کرد و در حرم کاظمین و ایوانی که خودش ساخته بود دفن گردید

۲ - علی نام معماری است که ناظر ساختمان سازی بوده است.

۳ - حاج مهدی استرآبادی، متولد ۱۲۱۹ هجری قمری و متوفای ۱۳۰۸ است. وی تاجر و از چهره های نیکوکار و معروف به شایستگی و درستکاری بود و در شهر کاظمین می زیست. فرهاد میرزای قاجاری وی را بخاطر لیاقت و

و مذسماوالشجوذاب قلبه ارحته^۱ (عرش به الامرش سمی)^۲

شایستگی اش با مشارکت برادرش عبدالهادی، به سرپرستی و نظارت کار ساختن صحن کاظمین برگزید.

۴ - حاج عبدالهادی استرآبادی، متولد ۱۲۲۱ هجری قمری و متوفای رجب ۱۳۱۶ است. او تاجر و مانند برادرش حاج مهدی استرآبادی معروف و مشهور به تقوی و پرهیزگاری بود و با بسیاری از خیریه ها همکاری داشت و برادرش را در امر نظارت بر ساختن صحن کاظمین - که شرح آن بعداً خواهد آمد - یاری کرد و در این راه تلاش و کوشش طاقت فرسانی که خارج از حد تصور است، انجام داد. وی ساکن کاظمین و خاندانش پیوسته تا امروز معروف بوده است.

۵ - عباس و صالح، معمارهایی بودند که در ساختمان سازی صحن کار می کردند.

۱ - دیوان شیخ جابر کاظمی: ۳۰۶، مجموع تاریخی که از این عبارت بدست می آید ۱۲۸۸ است سه عدد بخاطر اسقاط و برداشتن جیم (شجو) که قلب یعنی وسط آن است کم می شود تاریخ اصلی که ۱۲۸۵ است باقی می ماند.

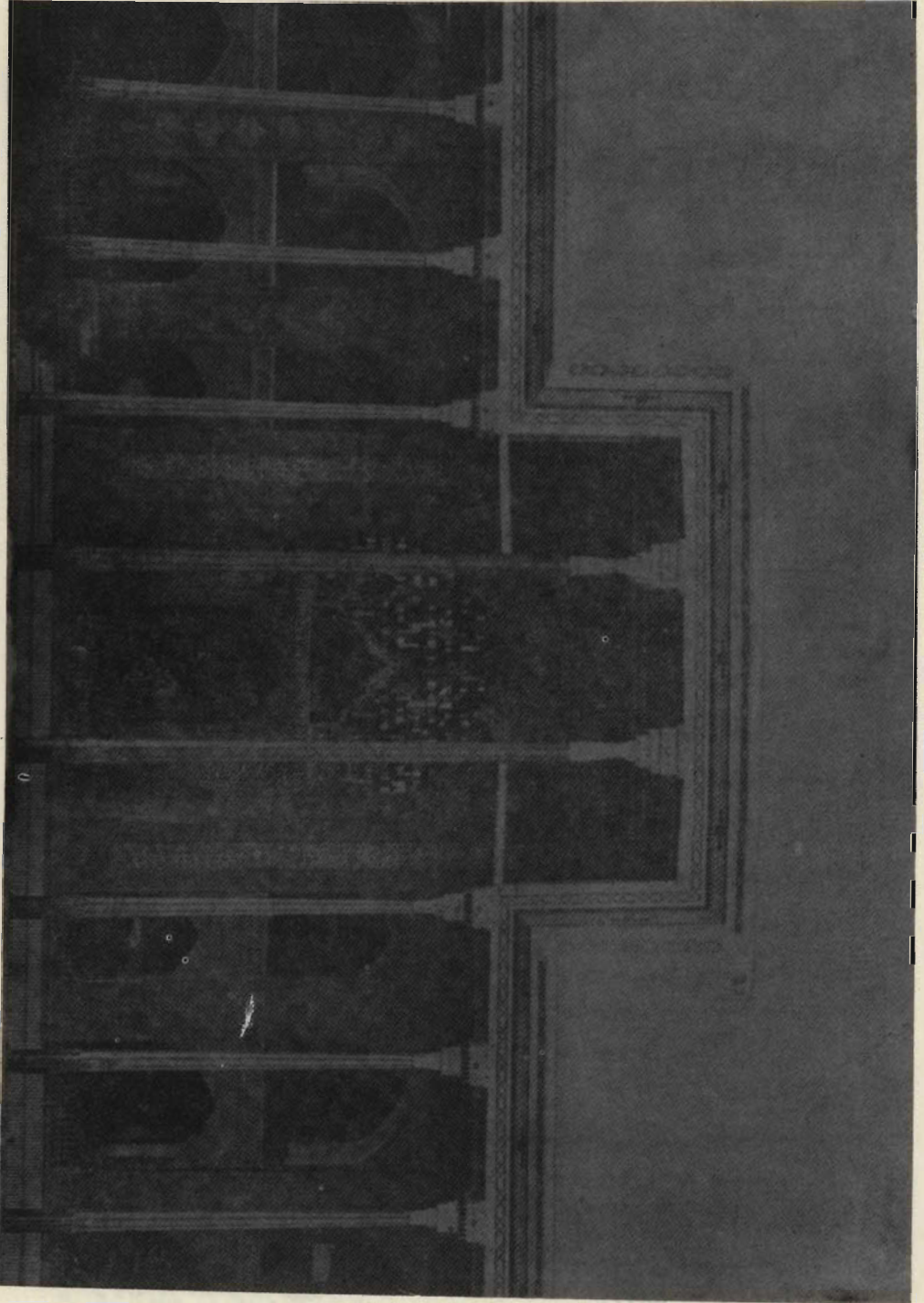
۲ - این بنائی است که تا آسمان بلند است و شکوه و عظمت آن، بسیار فراوان است.

با دو خورشید تابان که از نور آنها روزگار تاریک روشن گردیده است. دو امام بخشنده که هر فیض و بخششی در وجود، از آنان ظاهر شده است. زمین بواسطه وجود آنان ایستاده و پای برجاست و کسی که خود را به آنان برساند خداوند او را از رنج و ملالت دور می سازد.

روشنایی هستی از آنان است و فضل و کرامت از آنان شروع و به آنان ختم می شود.

قومی که وجود، با فیض و بخشش آنان هستی یافته است و به وجود آنان ایستاده و باقی است.

«علی» آنرا محکم ساخت و چون حسین بذل مال کرد در پیشگاه خدامقام یافت.



«عكس طارمه قبله»
(عكس شماره ۱)

در سال ۱۲۸۴ هجری قمری طارمه باب المراد آئینه کاری شد. شیخ جابر کاظمی این واقعه و تاریخ آن را در دو قطعه از اشعار خود سروده است، اودر یکی از آنها چنین گفته:

طال ذا الايوان كيواناً كما من جنان الخلد فاق العُرفا
و تعالی فی المعالی رفعةً بأبْنِي الطهر النبي المصطفى
زَيَّنَتْهُ بِنْتُ سُلْطَانٍ بِهِ حازت الهندُ نعيمًا وصفا
من كرام بهم المجدُ سما واغتنى الدهرُ بهم بعد العفا
قام في إتمامه الندبُ «محمد» الزاكي «الحسين» ذوالوفا
حسبه فضلاً و مجداً طال بل حسبه ربُّ البرايا و كفى
وانتفى أقصى العنا اذ أرخوا (شابه العرش صفاء بالصفاء) ^۱

و مهدی و هادی با عباس و صالح سعی و تلاش کردند و بهره زیادی بردند. و زمانی که بالا رفت و ساخته شد و حزن و اندوه قلبش را می فشرده تاریخ آنرا به این عبارت (عرش به العرش سمی) نوشتیم.

۱ - این ایوان تا کیوان قد کشیده و از غرفه های بهشت جاویدان برتر است. و مقام و درجات معنوی آن بخاطر دو فرزند پاک پیامبر برگزیده (امام کاظم و جواد علیهما السلام) متعالی است.

آنرا شاهد ختی تزیین و آئینه کاری نمود که کشور هند بواسطه او به نعمت دست یافته است.

از بزرگانی که مجد و شرف از آنان نام گرفته و روزگار با داشتن آنها توانگر شده.

محمد حسین زاکی با وفا بطور شایسته ای به اتمام آن قیام کرد. و همین فضل و شرف و سربلندی او را بس، بلکه پروردگار عالم او را کفایت می نماید.

زحمت نهائی تمام شد و در این تاریخ (شابه العرش صفاء بالصفاء) پایان

در سال ۱۲۸۴ هجری قمری نیز در تازه ای با روکش نقره ای در حرم نصب شد که محل دقیق و مشخص آن را نمی دانیم لکن این در یکی از دو دری است که قبلاً به آن اشاره شد. شیخ جابر کاظمی به این مناسبت سه قصیده سروده — و در یکی از آنها چنین گفته است:

لقد فتح الاقبال باباً الی الهدی به قدهدی اللّه المضلّ وأرشدا
 لحضرة قدس شرف اللّه تربها فعاد ثراها للملائک معبدا
 ملائکة الرحمن اذوگلوبها لزوارها قالوا ادخلوا الباب سُجّدا
 حوت فلکئی مجدٍ وقطبئی مآثرٍ وبحرئی ندی بحر الندی منماجتدی
 سمائی علی شمسئی ضحی قمری دجی یدئی قدر سیفی قضا ساعدی ردی
 امامین من فخریهما کلّ مفخر تولد ما بین الوری اذ تولدا
 جوادین قد عمّ الوجود ندهما فأضحی به جید الزمان مقلدا^۱

۱ - سعادت و خوشبختی دری به هدایت باز کرده است و خدا با آن گمراهان را هدایت و ارشاد می کند.

با حضور وجود پاک و خدا خاک آنرا گرامی داشته و عبادتگاه ملائکه شده است. فرشتگان خدا که موکل آن هستند به زوار آن می گویند: از این در سجده کنان وارد شوید.

دو ستاره مجد و بزرگی و دو قطب گرانبها را در خود جمع کرده دو دریای فیض و جود که دریاها از آن بهره می گیرند.

آنها دو آسمان بلند بالا و دو خورشید فروزان و دو ماه تابان، دو دست توانا و شمشیر قاطع و دو یاور بیچارگان هستند.

دو امام بزرگواری که هر ارزش و افتخاری با تولد آنان در آفرینش متولد شده اند.

دو بخشنده ای که جود و عطایشان تمام هستی را فرا گرفته و چون گلوبندی بر گردن روزگار می درخشد.

در ۱۴ شعبان سال ۱۲۸۷ هجری قمری ناصرالدین شاه قاجار پادشاه ایران کاظمین را زیارت کرد و از طرف مردم مورد استقبال باشکوهی قرار گرفت و علماء و فقها در حرم اجتماع کردند که ناصرالدین شاه در سفرنامه خود نام آنان را ذکر کرده است. وجد ما شیخ محمد حسن آل یاسین (متوفی سال ۱۳۱۸ ه.ق) را در طلیعه آنان نام برده است.

چهارمین درِ نقره ای سال ۱۲۹۴ در حرم مطهر نصب شد و این در بین رواق و طارمه* شرقی واقع است. طلای این در را امیر فرهاد میرزا قاجاری تقدیم کرد.

در سال ۱۲۹۶ امیر حسام السلطنه و پس از او عباس میرزا مخارج تجدید بنا و جایگزین کردن آجرهای طلائی که از دو گنبد و مناره ها از بین رفته بود، به عهده گرفت. شیخ جابر کاظمی در قصیده ای که به مناسبت تجدید بنای ساختمان صحن به نظم در آورده است به این مطلب اشاره می کند:

شاد «فرهاد» سورهاو «حسام» الجود منها قد جدّ الاثار
ذاک قد سورالجنان وهذا قد طلی القبتین فیهانضاراً^۱
مادام دیولافوا قبل از تعمیر و بازسازی، گنبدها را دیده و آنها را

* طارمه: خانه چوبی، کلبه

۱ - دیوان شیخ جابر کاظمی: ۲۲۳. در کتاب تاریخ الامامین صفحه ۷۸ این طلاکاری به فرهاد میرزا نسبت داده شده که اشتباه است.
فرهاد، دیوار اطراف حرم را ساخت و حسام سخاوتمند آثاری از حرم را تجدید بنا کرد.

آن یکی بهشت را دیوار کشید و این یکی دو گنبد را با طلا جواهر نشان کرد.

چنین توصیف کرده است:

«به درستی که بخشی از گنبدهای طلائی، روبه خرابی بود که جلوه زیبا و جذاب آن را از بین می برد»^۱.

ودر پی این مطلب عکسی را که مهندس فرانسوی آقای موکیل آن را تهیه کرده آورده است.

(به عکس شماره ۱۰ رجوع شود)

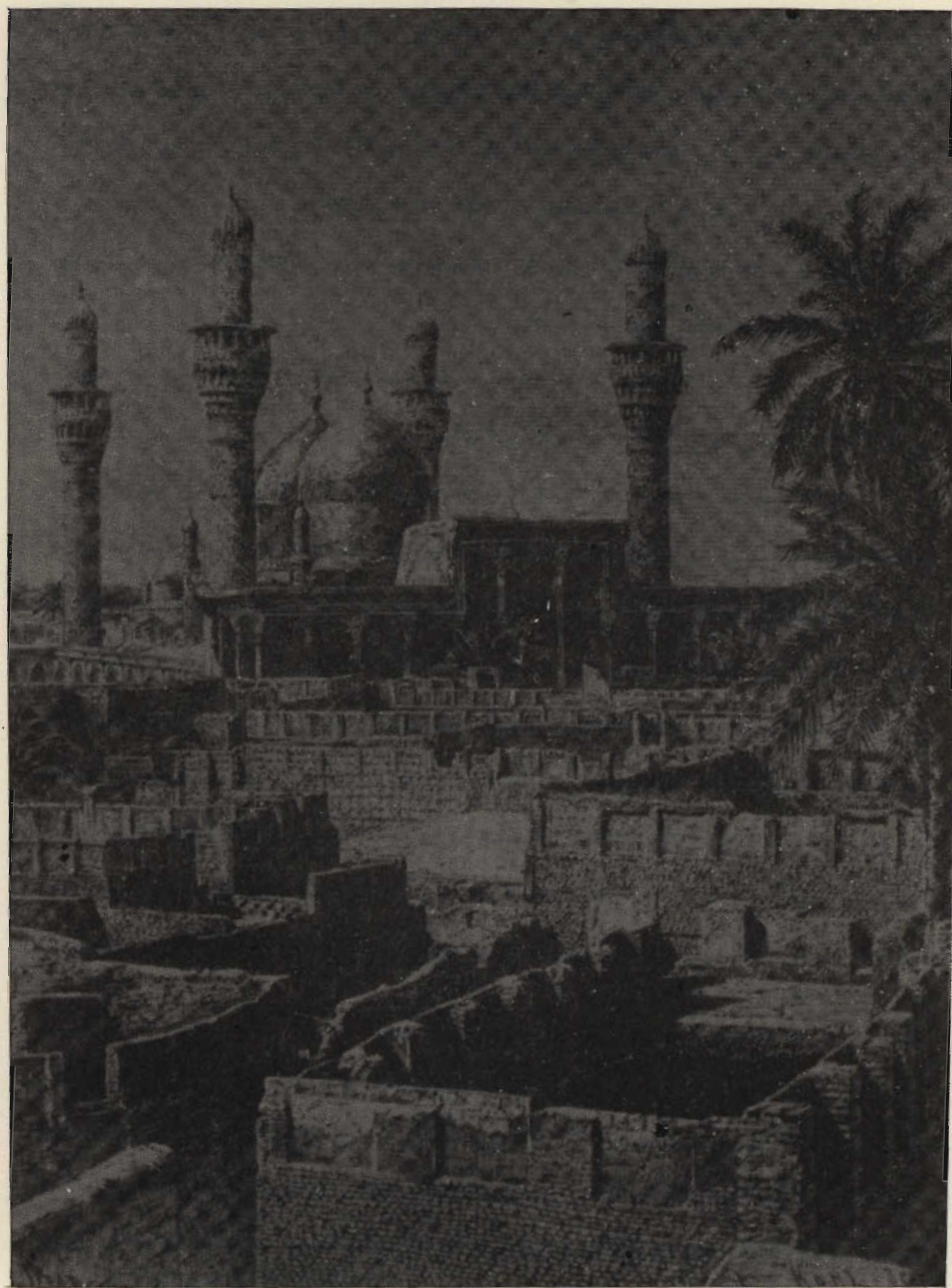
قرن سیزدهم رو به پایان بود و اصلاحات و بازسازی هایی که در روضه منوره و رواقها و ایوانهای حرم شروع شده بود به اتمام رسید و نمونه ای از هنر، زیبایی، ابتکار و دقت گردید. جای تعجب نیست که نظر مردم به ضرورت تجدید بنای صحن حرم مطهر کاظمین روی آورد، چون شکل قبلی آن متناسب و همگون با وضعیت شکوهمند حرم نبود، بویژه این که خاکی و بدون سنگ فرش و دیواره های آن از آجر معمولی بوده و قبرهای آن پایین رفته بود که عابران در آن می افتادند و نیز حوض آب وسط صحن موجب گل آلود شدن اطراف حوض شده، و جایی برای اقامه نماز نبود جز دکه بزرگی که در شمال شرقی صحن بود و نماز جماعت در آن برگزار می شد.

فرهاد میرزا قاجاری^۲ عموی ناصرالدین شاه خرج ساختن صحن

۱ - سفرنامه مادام دیولافوا، چاپ بصره: ۹۷

۲ - فرهاد میرزا پسر عباس میرزا نوه فتحعلی شاه قاجار بود، وی دارای تألیفات ارزشمندی است که بعضی از آنها چاپ شده، دو مرتبه حاکم منطقه فارس شد در سال ۱۲۸۹ ناصرالدین شاه هنگامی که می خواست برای سیاحت و گشت و گذار به خارج برود وی را نایب السلطنه کرد.

در سال ۱۲۹۴ استاندار کردستان ایران شد و در سال ۱۳۰۵ هجری قمری در طهران وفات نمود و جنازه اش در سال ۱۳۰۶ به کاظمین منتقل شد. او وصیت



(عکس شماره ۱۰)

«عکسی از حرم کاظمین در اواخر قرن ۱۳ هجری قمری»

که طرح بزرگ و عظیمی بود را متقبّل شد و دو نفر از تجار خوب کاظمین به نامهای حاج عبدالهادی و حاج مهدی استرآبادی را به مسئولیت این کار گماشت و به آنها اجازه داد هر طور که می خواهند عمل کنند این تعمیرات مشتمل بر موارد زیر بود:

الف - ساختن زیرزمینهای منظم و حساب شده در صحن و ایوانها و حجره ها برای دفن اموات.

ب - طلاکاری مناره های بزرگ چهارگانه، از جایی که مؤذن برای اذان گفتن می ایستد تا نوک آنها.

ج - ساخت حصار بلندی در صحن که متشکل از دو طبقه بود، طبقه اول زمینی مشتمل بر اطاقها و ایوانها کوچک که با سنگ مرمر سنگ فرش شده و رویه دیوارها با کاشیهای گلدار تزیین و بر دور تا دور بالای این طبقه از دیواره صحن، کتیبه زیبایی از آیات قرآن نقش بسته است. قسمت دوم حصار، دیوار بلندی است که روی دیوار قسمت خارجی طبقه اول صحن قرار گرفته و چند اطاق دور از هم در میانه دیوار وجود دارد که حصار طبقه دوم بر آنها تکیه کرده است. بر قسمت بالای دیوار نیز کتیبه ای قرآنی نقش بسته و در قسمت آخر کتیبه شمال غربی صحن - صحن شرقی - نوشته ای وجود دارد که متن

گرفته بود که بخاطر همدردی با امام موسی بن جعفر علیهما السلام جنازه اش نیم روز روی پل بغداد باشد و پس از آن بوسیله چهار حمال به مقابر قریش حمل شود لکن فقیه بزرگ شیخ محمدحسن آل یاسین بخاطر آنکه باعث اختلافات میان فرق اسلامی می شد اجازه نداد به این وصیت عمل کنند، بلکه دستور داد جنازه را به سامرا برای طواف قبر عسکریین ببرند و سپس به کاظمین ببرند و از بغداد عبور ندهند تا جایی برای اجرای وصیت وی باقی نماند. سرانجام جنازه را در غرفه سمت راست داخل صحن شریف طرف شرق باب المراد دفن کردند.

آن چنین است.

« کتبه تراب اقدام الزائرین نصرالله المشهدی خادم الروضة الرضویه سنة ۱۲۹۸. » بخط خاک پای زائرین، نصرالله مشهدی خادم حرم امام رضا علیه السلام سال ۱۲۹۸.

د - ایجاد دو پایه و ستون بزرگ در طبقه دوم صحن روی دو در اصلی که در دو طرف شرق و جنوب صحن می باشد، برای نصب دو ساعت بزرگ.

در سال ۱۲۸۷ که دوست محمد خان وزیر همراه ناصرالدین شاه برای زیارت به عراق رفته بود ساعت بزرگی هدیه کرد، اما چون جای مناسبی برای نصب آن نبود در گنجینه حرم نگهداری شد تا این که پایه آن در این تعمیر و بازسازی ساخته شد و این ساعت در سال ۱۳۰۱ بر آن نصب شد و تا امروز در طرف شرق صحن پابرجاست.

در سال ۱۳۰۳ بعد از ساخته شدن ستون دومی روی در قبله، حاج محمد مهدی بوشهری ساعت بزرگتری از ساعت اول هدیه کرد.

به هر حال، روز ۱۷ ذی القعدة ۱۲۹۶ عملیات ساختمانی در صحن شروع شد و در ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۰۱ به پایان رسید و به مناسبت پایان کار و افتتاح صحن جشن عمومی به مدت سه روز برگزار شد و گفته شده: بودجه ای که در این تعمیر خرج شد بالغ بر دویست هزار لیره عثمانی بوده است. شعرا با اشعار و قصائدشان در این مناسبت بزرگ شرکت کردند. از جمله آنان سید حیدر حلی است که قصیده ای سروده که قسمتی از آن چنین است:

حزت بالکاظمین شأناً کبیراً فابق یا صحن آهلاً معموراً^۱

۱ - ای صحن درحرم کاظمین به مقام بزرگی نائل شدی پس آباد و خرم باقی

فوق هذا البهاء تُكسى بهاءً
 انما أنت جنةٌ ضرب الله
 إن تكن فجرت بهاتيك عينٌ
 فلکم فيک من عيونٍ ولكن
 فأخترت أرضک السماء وقالت:
 بمصايحي استضيء فمن شمسى
 وهما قبستان ليست لكل
 صاغ کلتيهما بقدرته الصائغ
 حول كل منارتان من التبر
 کبرت كل قبة بهما شأناً

و لهدى الانوار تزدد نوراً
 عليها كجنة الخلد سورا
 وبها يشرب العباد نميرا
 فجرت من حواسد تفجيرا
 ان يكن مفخر فمتى استعيرا
 يبدو فيک الصباح سفورا
 منهما قبة السماء نظيرا
 من نوره وقال: أنيرا
 يجلى سناهما الديقورا
 فأبدت عليهما التكبيرا^۱

۱ - بالای این ارزش و منزلت را ارزشی پوشانده است و بر این نورها، نورمی افزاید.

همانا تو باغی هستی مانند بهشت جاویدان که خداوند دیواری بر دور آن ساخته است.

اگر در بهشت یک چشمه آب جاری است و بندگان شایسته خدا از آن آب گوارا می نوشند.

لکن در تو چقدر چشمه های زیادی است.

زمین تو بر آسمان تفاخر می کند و می گوید: اگر افتخاری هست از من عاریت گرفته شده است.

از چراغهای من نور می گیری و از خورشید من صبح تو روشن می گردد.

آن دو گنبد مطهری هستند که گنبد آسمان همتای آنها نیست.

خداوند قادر آنها را به نور خودش ساخت و آرایش کرد و گفت: بدرخشید. پیرامون هر یک از دو مناره آن را طلاهای ناب فرا گرفته که نور آن ظلمت شب را متجلی می سازد، هر یک از آن دو گنبد شأن و مقام بزرگی دارد پس به هنگام مشاهده آنها زیاد تکبیر سرده.

فغدت ذات منظرٍ لک تحکی
 کعروسِ بدت بقرطی نصاری
 بورکت من منائر قد اقیمت
 حرم آمنٌ به اودع اللہ
 طبت اماتراک مسک واما
 کلمات مرت الصبا عرفتنا
 این منها عطر الامامة لولا

شیخ سلمان آل نوح نیز قصیده ای بهمین مناسبت سروده که قسمتی از آن چنین است:

کثرة اللوم قد اهاجت غرامی
 لا تکثرن ملامی
 فاتکات اللحاظ فتک السهام^۲
 لا تخالن صبوتی لملاح

۱ - دارای منظره زیبایی است و بیانگر حالت دوشیزه ای است که از وقار زیاد احساس شرم و حیا می کند.

مانند عروسی با دو گوشواره زرنگار ظاهر شد و قلب مشتاقانش را پر از سرور و شادی می کند.

با مناره هایی متبرک شده که با پایه های عظیم و باشکوه برپا شده است. حرم امنی است که خداوند متعال حجاب نگهدارنده خود را به او سپرده است. پاک و پاکیزه ای و یا خاکت از مشک است و یا مشک بویش را از خاک تو عاریت گرفته است.

هر زمان که صبیغ با بوی خوش می گذرد به ما می فهماند که دوباره بر تو عبور کرده است.

۲ - باد صبا اگر تربت معطر تو را بوسه نزده بود، او کجا و عطر امامت کجا!
 ۲ - رفیق آرام باش و مرا زیاد سرزنش نکن چون سرزنش زیاد عشق و محبت مرا خراب می کند.

گمان نکن که اشتیاق من بخاطر زنان زیبایی است که گوشه چشمشان مانند

واعلمن ان نشوتی لابخمر
بل بصحن کساه رب البرایا
هو صحن به القباب احاطت
ای صحن به المصابیح أمست
أوقدوها جهرأ بزیت و سراً
لا تخل زینة القباب بتبر
هو نورالاله حین تجلی
فاذا ما حللت تأتي مقاماً

عَتَّقُوها من عهد سام و حام
هیبة من بهاء سامی الدعام
بالشفیعین یوم هول القیام
نیرات تزری بشهب الظلام
هی أنوارهم بدت للأنام
بل بنور سام عن الأوهام
لابن عمران خراً واهی القوام
جنة الخلد دونه فی المقام

→

تیر کشنده است.

۱ - بدان که شادی و نشاط من به شرابی که آنرا در زمان سام و حام ساخته باشند نیست.

بلکه خوشحالی من بخاطر صحنی است که پروردگار آنرا با هیبت و جلال خود پوشانده است.

صحنی که در آن گنبدها، قبر دو شفیع روز قیامت را احاطه کرده است. چه صحنی که شبها با چراغهای فروزنده خود، لشکر تاریکی را از هم می پاشد.

آنها را به طور آشکار و پنهان با روغن روشن می کنند، این نور تابان آنها است که برای مردم می درخشد.

گمان مبر که زینت و آرایش گنبد به طلا و زر است بلکه با نوری است که بالاتر از وهم و گمان است.

آن نور، نور خداست که وقتی برای موسی بن عمران تجلی کرد به زمین افتاد، با دست و پای از کار افتاده.

هنگامی که در آن فرود می آیی به مقام و جایگاهی وارد می شوی که بهشت جاودان از نظر مقام و جایگاه از آن پائین تر است.

هو بابٌ به الحوائج تقضى
 قد أتته الوفود من كل فج
 أى سور على السماوات داراً
 قد غدا للبروج أى نطاقٍ
 بنطاقٍ لما انتطقن الدرارى
 أى سورٍ أحاط بالعرش و سَعاً
 عائق العرش فى يديه عناق الصب
 كم شفى الشمُّ منه سقم سقيم
 إن رأته الموتى بطى لحدودٍ

فیه برء الآلام و الأسقام
 لیروا ما هناک من انعام
 ولکف الخضیب عاد سورا
 شهب الحق عنه لا تتوارى
 منه فیه أجوجها قد أنارا
 وعلی جملة الوجودات دارا
 صبا یمناه لافت یسارا
 و بمراءه نور الأبصارا
 تلق نشرأ تصیب فیه انتشارا

۱ - آن دری است که حوائج در آن بر آورده می شود و دردها و مرضها شفا می یابند.

کاروانهای زوآر از هر گوشه ای بدانجا می آیند تا در آنجا از نعمتها و برکاتش استفاده کنند.

کدام دیوار تا اوج فلک بالا رفته است و مانند دست بندی زیبا بر دست نوعروسان شده است.

اختران آسمان با کدام کمر بند بسته شده اند که نور و تابش آن متواری نمی شود.

ستارگان درخشان با کمر بندی بسته شده اند که ستارگان افروخته و ملتهب نورانی و تابان شده اند.

کدام حصار عرش را احاطه کرده و همه هستی را احاطه کرده است؟

چه بیماران زیادی که با استشمام رایحه آن شفا یافته و چه چشمانی که با دیدن آن نورانی شده است.

اگر مرده هایی که در قبرستان هستند آنرا ببینند زنده می شدند و در آن کت در می آمدند.

منه رَوْحٌ وَخَلَدَ الْأَعْمَارَا	وَأَعَادَ الْأَرْوَاحَ طَرَأَ إِلَيْهَا
رَصَّعَتْهُ شَهَبُ الْعُلَى فَأَنَارَا	قَبِيَّةً لِلْأَفْلَاقِ الْكَلِيلِ تَبِيرُ
فَضَّةُ الشَّهَبِ دُونَهُ مَقْدَارَا	مِنْهُ بَثَّتْ شَمْسُ النَّهَارِ نَضَارَا
وَأَزَالَتْ عَنِ الْقُلُوبِ غِبَارَا	قَدْ أَمَاطَتْ عَنِ الْعَيُونِ حِجَابَا
وَرَأَيْنَا نُورَ الْإِلَهِ جَهَارَا	فَرَأَيْنَا فِيهَا الْجَنَانَ عَيَانَا
أَلْبَسَتْهُ مِنْ نُورِهَا أَطْمَارَا	قَدْ ضَفَّتْ فَوْقَ عِلْمِ الْقُدْسِ حَتَّى
لِعَلَّاهَا لَوْ يَسْتَطِيعُ مَطَارَا	يَتَرَجَّى نَسْرُ السَّمَاءِ طَيْرَانَا
قَدْ أَمَاطَتْ عَنِ الْمَحْيَا خِمَارَا	وَتَبَدَّتْ لَنَا كَمِثْلِ عُرُوسِ
أَوْزَارِهَا مَحَالِ الْأَوْزَارَا	مِنْ نُورِ أَنْ يَزُورَهَا لِأَيَذُوقَ النَّارَ
عَرْشَ مُجَدِّهِ وَلِلْمُهَيْمِنِ زَارَا	أَتَمَسُّ النَّارُ أَمْرَاءَ مَنْ مِنْهَا

۱ - و همه جانها به اجسادشان برمی گشت و عمرها جاویدان می شدند.
 گنبد افلاک و تاج مرصعی است که ستارگان عالم بالا، آن را تزیین کرد و نورانی شده است.
 خورشید از آن نور طلایی می پراکند و نور نقره ای ستارگان در مقابل آن کم مقدار است.
 حجاب و پرده ها را از چشم کنار می زند و غبار غم و اندوه را از دلها می زداید.
 در آنجا بهشت را برای العین می بینیم و نور خداوند را به طور آشکار مشاهده می کنیم.
 آنچنان پیوسته به عالم بالاست که پوشیده از نور آن گردیده است.
 عقاب آسمانها آرزو داشت که می توانست بر بلندای آن پرواز کند.
 چون عروسی برای ما در حالی که پرده شرم و حیا را کنار زده، آشکار شد.
 کسی که قصد کند آن را زیارت کند آتش جهنم را نخواهد چشید و گناهانش محو و نابود خواهد شد.

آیا آتش، بدن کسی را که خدا را زیارت کرده و عرش بزرگواری (حرم

كعبه للفلاح شيدت فنادی
 ان تورات شمس الضحی فی حجاب
 ولتشیدها أشارت ملوک
 قد حبت شمسها و بدر علاها
 وبوقت کل اضاء سنه
 مذاجار اهل السماء و اهل
 مرقد الفرقدين ذاک و منه
 کوب الحق ضاء من ذاومن ذا

بالفلاح الهدی البدار البدارا
 ضاء نور لوجهها لا یواری
 مذلتشیدها الملیک أشارا
 بالسناء الشموش و الأقمارا
 فأرانا لیل العراق نهارا
 الأرض أضحی کل بکل مجارا
 مطلع النیرین جهراً أنارا
 موکبالجود فی البسیطة سارا

کاظمین) را مَس کرده، خواهد سوزاند؟

۱ - کعبه ایست که برای رستگاری و سعادت ساخته شده و می گوید: بسوی رستگاری و هدایت بشتابید.

اگرچه خورشید آسمان در حجابی پنهان شود و نتابد، این گنبد نور افشانی می کند و پنهان نمی شود.

برای ساخت و تعمیر این بارگاه شاهان دستور داده اند، چون خداوند هستی به ساختن آن دستور داده است.

خورشید و ماه آن، نور و روشنائی به خورشید و ماه هدیه کرده است. هنگامی که همه آنها نور افشانی می کنند، برای ما شب عراق را چون روز روشن می نمایانند.

از زمانی که اهل زمین و آسمان به آن پناه آوردند همگان در آن پناه گرفتند و آسوده خاطر شدند.

آرامگاه ستاره فرقدین آنجاست و از آنجا در مهر تابان آشکارا طلوع می کنند و روشنی می دهند.

خورشید حق از آنجا می تابد و از آنجا کاروان فیض و سخاوت در بسیط زمین حرکت می نماید.

اصطفاه واختاره مختارا	هم بنوالمصطفی الذی باری الناس
مرسل أمنع الوجود ذمارا	مبدأ فیض خاتم الرسل ازکی
من غمد بأسه بتارا	هم بنوالمرتضی الذی قد نضاه الله
کف کافیه أنشبت أظفارا	هو ذاک اللیث الذی فی المنایا
وله النص بالغدير أنارا	من له السبق فی جمیع المعالی
وأصروا واستکبروا استکبارا	کم دعا للهدی عداه فضلوا
أكبر العقل أمرها اکبارا	برزت منه للوجود امور

شیخ جابر بن عبدالغفار بلدی کاظمی هم چنین سروده است:
أنخ المطی بساحة المجد واعقل فهذا منتهی القصد

۱ - آنها فرزندان محمد مصطفایند که خداوند او را برگزید و به پیامبری انتخاب کرد.

همو که سرچشمه فیض، خاتم پیامبران و پاکیزه ترین رسولان است و حامی و مدافع هستی.

آنان فرزندان علی مرتضایند که خداوند او را چون شمشیری بران از غلاف بیرون آورد.

همان شیری که دست با کفایت او چنگالهایش را در پیکر مرگ فرو برده بود. کسی که در همه ارزشها گوی سبقت را ربوده و نص روشن و آشکار غدیر، مخصوص اوست.

چقدر دشمنانش را دعوت به حق کرد ولی آنان گمراه شدند و بر گمراهی اصرار ورزیدند و مستکبر شدند.

کارهای بزرگی از او در هستی ظاهر گردید که عقل آن را بزرگ شمرد و شگفت زده شد.

۲ - آرام کن و بر ساحت بلند شرف و بزرگی، سر فرود آر و عقال شترت را ببند که اینجا مقصد نهائی است.

فلقد هُديتَ وربَّ ذی شططِ
 فالی مَ أنت الی اللوی شغفاً
 أو ماتری نوراً سناه بدا
 فالجأ ولذ بالکاظمین تفرُّ
 مَنْ أَمَّ موسی والجواد یجدُ
 بابَ الاله اُتی ورحمته
 أفهل سواه لقصد مکرمه
 لتزجَّ عیسک نحو نائله
 فانزلُ به یا سعد انَّ به

بعد الظلال هُدی الی رشدِ
 تلوی عنانَ القود بالوخذ
 من طور موسی للهدی یهدی
 بندی سوی جدواه لایجدی
 أمنین من ضُرِّ ومن جهدِ
 من قد اُتی موسی الی رفدِ
 یرجی فیأمله أخو قصدِ
 هیهات رمت اذن صفا صلدِ
 دار النعیم و منزل السعدِ

۱ - براستی هدایت شدی وای بسا گمراهانی که بعد از ضلالت، ارشاد و هدایت می شوند.

پس به کدامین طرف مشتاقانه می روی و عنان مَرکب شتابانت را می پیچانی؟
 آیا نمی بینی که نور و روشنایی آن از طور موسی بن جعفر آشکارا می تابد
 و براه راست هدایت می کند.

به حرم کاظمین پناه بیاور تا از فضل و بخشش آن بهره مند شوی که هر
 فایده ای بجز آن بیهوده است.

کسی که به امام کاظم و جواد علیهما السلام پناه آورد از دو چیز امنیت پیدا
 می کند، یکی از ضرر و زیان و دیگری تلاش زیاد.

کسی که برای کمک خواهی به در خانه موسی بن جعفر علیهما السلام برود
 مثل این است که به درگاه رحمت خدا پناه برده است.

آیا غیر از درگاه او کسی، امید فضل و کرامت از جای دیگری دارد؟
 شتر و مرکب را به سوی درگاه او بران چون هرگز حاجتمند پاک را ناامید
 بر نمی گرداند.

در آن فرود بیا ای سعد، که آنجا سفرهٔ پر نعمت و منزلگاه سعادت است.

<p>عن أن يحيط بمدحه حمدي وعلت عن الأوهام بالبعد احرام ذى ولّه وذى وجد لتنال منها منتهى القصد سراً لاله وجهراً ما يبدى هى بيت أهل البيت والمجد بين البرية جاء من جد^۱</p>	<p>دارُ تعالی شأن ساکنها دارُ علی أوج السماء سمت فاعقد هنالك ان حلت بها واسع وطف طوعاً بحضرتها هى حضرة القدس التى ضمننت هى كعبة الآمال روض هدى آل النبى وهل كجدهم</p>
--	---

از کارهای تکمیلی این بازسازی، برداشتن استخر آب از وسط صحن و دور کردن آب و گل از محل صحن و ساختن حوضی در خارج از صحن، در قسمت شرقی بود که در سال ۱۳۰۳ به انجام رسید و هم اکنون، جزء میدان باب المراد است. شیخ جابر کاظمی بدین مناسبت قصیده ای سروده و در آخر به تاریخ اتمام ساخت حوض مذکور اشاره

۱- خانه و بارگاهی که مقام ساکن و صاحب آن از اینکه مدح و ستایش من، او را احاطه کند، بالاتر است.

خانه و بارگاهی که تا اوج آسمانها بلند است و بلند و دور از اوهام و گمانهاست.

پس اگر در آنجا فرود آمدی، احرامی چون عاشق و شیدا ببند.
و عاشقانه بر گیرد بارگاه حضرتش، سعی و طواف کن تا به سبب آن به مقصد نهایی برسی.

اینجا محضر پاک و مقدسی است که روشن شدن اسرار پنهان و آشکار الهی را متضمن است!

اینجا کعبه آمال و آرزوها و باغ هدایت و خانه اهل بیت بزرگوار است.
و آیا جدی در بین خلایق، مانند جد خاندان پیامبر آمده است؟

کرده است.

انّ هذا سلسبیل للسیبیل سائل من کوثر کلّ مسیل
سلسبیل عن ندهم سال من سلسل الدجلة لامن ماء نیل
بل من البکوثر قد آرختُهُ سلسبیل سال ذاوقف السبیل^۱

در سال ۱۳۰۹ جشن بزرگی در حرم کاظمین به مناسبت بزرگداشت مقدم شعرای خاندان پیامبر (ص) از استانبول^۲، در زمانی که حاج حسن پاشا، والی و استاندار بود، برگزار گردید و سید جعفر حلّی به همین مناسبت، قصیده‌ای خطاب به استاندار سرود که قسمتی از آن چنین است:

بشری العراق ففیک أشرق نورها هی جنّه الدنیواونت وزیرها
قد جئت من شعر النبی بطاقه نفع الخلائق نشرها وعبیرها^۳

۱ - دیوان شیخ جابر کاظمی: ۲۹۷.

این حوض از آب کوثر پر است و وقف همگان است. و همه چشمه‌ها از حوض کوثر جاری است.

آب گوارائی است از دریای جود اهل بیت که از آبشار دجله جاری است نه از رود نیل.

بلکه از کوثر جاری است و اتمام آنرا با این جمله: (سلسبیل سال ذاوقف السبیل ۱۳۰۳) تاریخ گذاشتم یعنی: حوضی که جاری شده و برای استفاده مردم وقف شده است

۲ - تاریخ العراق بین اختلالین: ۱۱۸/۸.

۳ - خوشا بحال عراق که با وجود تو نورانی شده است. عراق بهشت دنیا و تو وزیر آن هستی.

کاروان و دسته‌ای از شعرای پیامبر بر تو وارد شد که بوی خوش و معطر

فنشتمُ نشر المسک حین نشمُّها ونزورُ دارَ الخلد حین نزورُها
 هی طاقة الريحان شرف قدرها هادی الأنام بشیرها ونذیرها^۱

در سال ۱۳۱۴، پنجمین درِ نقره ای در حرم نصب گردید و آن دری است که بین روضه منوره امام جواد علیه السلام و رواق شرقی واقع است و نقره آن را حاج محمدجواد فرزند حاج محمدتقی شوشتری هدیه کرد. در سال ۱۳۲۰ شاهزاده امیر تومان - یکی از رجال دولت ایران - رواق جنوبی را با شیشه های زیبا بر روی قطعات چوب در شکل های هندسی گوناگون، آئینه کاری و تزیین کرد. شیخ مهدی مریاتی به این مناسب قطعه ای سروده و در پایان تاریخ اتمام را ذکر نموده است.

هذا نعیمُ الخلد من یاوَلُهُ یلقُ النعیمَ به ولم یربوسا
 حرمٌ منیعٌ لم یلذ فیهِ امرؤٌ یوماً فأب بنخبةٍ مایوسا
 هوجنة الفردوس لکن لاتری فیه سوی شجر الهدی مغروسا^۲

→ آنان را مردم استشمام کردند.

۱ - دیوان سیدجعفر حلی: ۲۴۲.

به هنگام بوئیدن آنان، بوی مشک و عنبر استشمام می کنیم و بهنگام دیدار

آنان بهشت جاودان را دیدار می نمائیم.

این کاروان شعراء دسته گلی هستند که پیامبر (ص) قدر و منزلت آنان را

گرامی داشته است.

۲ - اینجا بهشت نعمتها است و کسی که به آن پناه برد به نعمتهای آن

می رسد و ناراحتی نمی بیند.

حرم امن و دژ مستحکمی است و هر زمان کسی به آن پناه آورد، ناامید و

مایوس برنگشت.

آنجا بهشت فردوس است، لکن غیر از درخت هدایت نهال دیگری در آن

نمی بینی.

هو بیتُ قدس لانحس برحبه
 لوأدر كته الأنبياء لما ارتضت
 ولوذ آدم أن يكون نعيمه
 مُذ شيد منه رواقه أرخته
 الا لنصوت المتقين حسيسا
 الا به التمجيد والتقديسا
 عوض النعيم فلايرى ابليسا
 (قسماً لهذا الطور وادی موسی) ^۱
 ۱۳۲۰ هـ

تزیین رواق شرقی نیز مانند رواق جنوبی در سال ۱۳۲۱ هجری قمری پایان گرفت. (به عکس شماره ۱۱ رجوع شود)

از جمله کسانی که تاریخ این مناسبت را ثبت کرده خطیب توانا شیخ کاظم سبّتی نجفی است. وی دو قطعه به نظم در آورده که هر یک متضمن تاریخی است. که در زیر متن این دو قطعه را می آوریم:

تعنولبغداد مملوگ الوری وهی لراس المملک لالمملک تاج
 فان فیها حرماً نیراً ان جن لیل الدهر فهو السراج ^۲

۱ - آنجا خانه مقدس و پاکی است که غیر از صدا و راز و نیاز متقین، چیزی احساس نمی کنی.

اگر انبیاء آن را در زمان حیاتشان درک می کردند جز به تمجید و ستایش و بزرگداشت آن، راضی نمی شدند.

حضرت آدم دوست داشت که در نعمتهای حرم کاظمین بجای نعمتهای بهشت بود و ابلیس را نمی دید.

چون رواق آن ساخته شد تاریخ اتمام آن را با این جمله گفتم: (قسماً لهذا الطور وادی موسی). ۱۳۲۰ هجری قمری .

۲ - پادشاهان از همه جا قصد بغداد می کنند، و بغداد نه تاج سرشاه، بلکه تاج سرزمینها است.

در بغداد حرم روشن و منوری است که اگر تاریکی شب فراگیر شود او چراغی روشن است.



(عکس شماره ۱۱)

زیستگاه و درخشندگی هنر
«عکس رواق شرقی بعد از آئینه کاری»

رجوتُ مَنْ حَلَابِهِ مَلْجَأُ
والکاظمین الغیظ قلبی صبا
هما الجوادان ومغناهما
بحرزلوراد النندی سائغ
لکل مَنْ آوی لمثواهما
تُقضى به حاجاتُ کلّ الوری
ولاترى فی غیره شافياً
زیّنَ فیهِ الأرضَ مَنْ زیّنَ

ماخابَ فیهِ قَطُ لاج وراج
الیهما ولاعج الشوق هاج
بحرندی طمی سماحاً وماج
عذب اذ الأبحر ملخ اجاج
من جور ضاق فیهِ انفراج
فلا یُرى فی بابهِ ذواحتیاج
سقیم دهر ماله من علاج
السّماء أبهى زینة وابتهاج^۱

۱ - هر امیدواری که در آن فرود آید پناه داده می شود و هیچگاه امیدوار و پناهنده به آن، ناامید نشده است.

دو فرو برنده خشم (امام کاظم و جواد علیهما السلام) که دلم مشتاق آنهاست و آتش شور و شوق آن زبانه می کشد.

آنها دو بخشنده و دریای لبریز عطا و بخششند که فیض و جود آن موج می زند.

دریای گوارایی برای زوار تشنه است بهنگامی که دریاهاى دیگر تلخ و شور است.

برای کسی که از جور و ستم روزگار به تنگ آمده و به این حرم پناه آورد فرج و گشایش است.

حوائج همه مردم در آنجا برآورده می شود و در این بارگاه حاجتمندی دیده نمی شود.

غیر از اینجا جای دیگری را نخواهی دید که مریضان و دردمندان بی علاج روزگار را شفا دهد.

زمین را با آن تزیین و آرایش نموده، همان کسی که آسمان را با بهترین زینتها و درخشندگی ها تزیین کرده است.

رواقُهُ راق فذا نورُهُ
رُفِعَتْ ضَع سِتاً وتاريخه
يجلّو ظلامَ الليلِ والليلِ داج
(راق بضوء الحق لا بالزجاج) ۱
۱۳۲۷ - ۱۳۲۱+۶ هـ

ببَاب الحوائج قف وقفة
هناك يرى كلُّ ذى حاجة
حمى قداضاء بنور الهدى
ومثوى يسرّ به الناظرون
به جنّتانٍ ولكنّما
وفيه ضريحان يعلو الضراح
تنال بها الفوز بالنشأتين
قضاء حوائجه رأى عين
ففاق سنا نوره النيرين
ورؤيته قرّة الناظرين
رضى الله ثمّ جنى الجنّتين
لشأوهما ضمنا حجتين ۲

- ۱ - رواق آن بلند پایه است و این نور اوست که شب ظلمانی را روشن کرده است. بالا برده شدی، اکنون عدد شش را کم کن تاریخ آن شود (هـ ۱۳۲۱ = ۶- ۱۳۲۷) با نور حق روشن است، نه با چراغ.
- ۲ - بر درگاه باب الحوائج درنگ کن تا به رستگاری و سعادت دنیا و آخرت دست یابی.
- در اینجا هر حاجتمندی حاجات و آرزوهای برآورده خود را به رأی العین می بیند.
- پناهگاهی است که بنور هدایت روشن شده و روشنائی آن بر نور ماه و خورشید برتر آمده است.
- و منزلگاهی است که بینندگان را خوشحال می کند و دیدن آن باعث روشنائی چشم بینندگان است.
- در آن دو بهشت است لیکن اول رضوان الهی سپس دو بهشت پر از درخت.
- روی آن دو بهشت دو ضریح است که بالاترین ضریحها می باشد، چون خاک آن دو آرامگاه دو حجت خدا را در خود جای داده است.

رواقتهما راق فالدهرُمنه غدا مغرباً أفقه مشرقین
 اذا جاریوماً علیک الزمانُ فلذُ بحمی ذینک السیدین

تزیین و آئینه کاری رواق شرقی نیز به همین شکل در سال ۱۳۲۱
 پایان رسید.

مخارج این تزیین و آئینه کاری را علاء الدوله یکی از وزرای
 دولت قاجار - که در سال ۱۳۲۹ کشته شد - پرداخت کرد و پسر
 عمویش، اسدالله خان ملقب به «نظام العلماء قاجاری» را به نمایندگی
 جهت نظارت بر اجرای آن برگزید و طرحها و نقشهای آن مثل طرح و
 نقشه رواق جنوبی که قبلاً ذکر شد، بود.

در روز پنجشنبه ۱۷ جمادی الثانی سال ۱۳۲۴ اولین ضریح
 نقره ای روی دو قبر شریف امام کاظم و امام جواد علیهما السلام نصب
 شد. این ضریح با پول سلطان بیگم دختر مرحوم سید میرزا مشیر الدوله
 پدر حسن علوی شیرازی متوفای حدود سال ۱۳۰۲ درست شد. وی این
 کار را با پیشنهاد و تشویق حاج سید میرزا محمد کاظم طباطبائی تاجر
 اصفهانی - متوفای سال ۱۳۲۵ - انجام داد. (به عکس شماره ۱۲ رجوع شود)
 تاریخ شروع به کار این ضریح و همچنین پایان آن در سال

→ رواقهای آن دو بلند مرتبه است و مغربهای روزگار از آن مشرق گردیده
 است.

هرگاه زمان بر تو ستم کرد و روزگار بر تو تنگ شد، به دامان رحمت و
 عنایت این دو سید پناه ببر.

۱ - دیوان شیخ کاظم سبّتی: ۹۹ - ۹۸

۲ - همانطور که در سابق گذشت، ضریح قبلی از فولاد بوده است.
 ناصرالدین شاه در سفرنامه خود از آن یاد کرده و در وصف آن گفته است: «جداً
 بزرگ است».

۱۳۲۳ بوده و در قسمت بالای ضریح بدان اشاره شده است.

در بالای ضریح، با نقره سوره های فتح، دهر، جمعه، نسا و آیه نور و بعضی از تاریخها نوشته شده است و کل نقره ای که در این کار مصرف شده تقریباً به دویست و پنجاه هزار ۲۵۰۰۰۰ مثقال می رسد.

نقره کاری ضریح به دست سید محسن، فرزند زرگر معروف کاظمینی سیدهاشم الورد و با همکاری سید محمد علی و میرزا محمد شیرزای نجفی، انجام گرفت و حاج محمد علی نجار کاظمینی شکل چوبی آن را ساخت. سید صدرالدین صدر آن را چنین تاریخ گذاری کرده است:

مذتم حسناً جاء تاریخه (سنا الجوادین ازان الضریح)

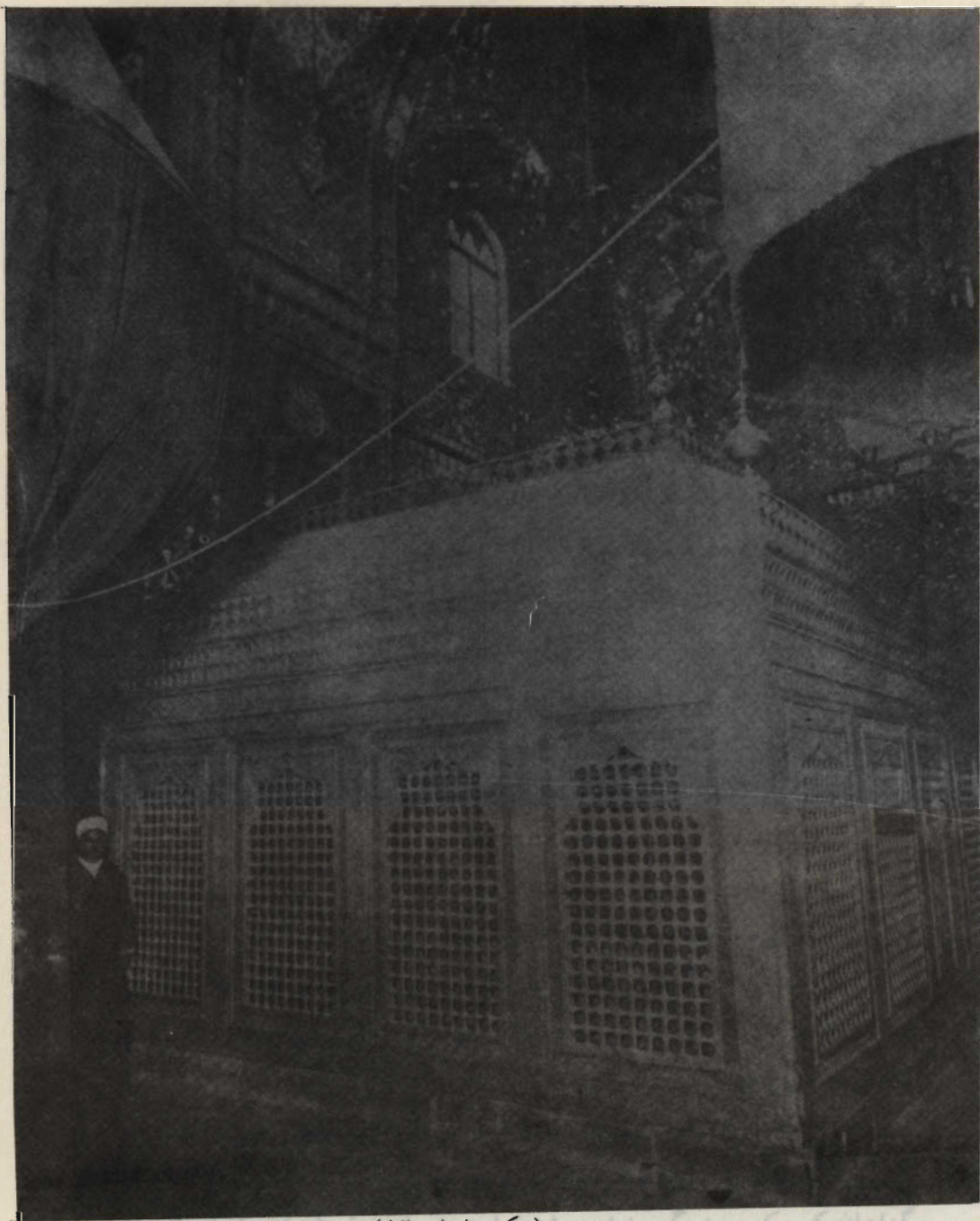
۱۳۲۴هـ

در ضریح از وسط جهت شرقی باز می شود و بر آن نوشته های زیادی با نقره نقش بسته است که در زیر، متن آن نوشته ها را می آوریم:

(بانی ضریح، علویه علیّه، عالیّه نوآبه، سلطان الحاجیه، صبیّه میرزا ابوالحسن خان حسینی مشیر الملک، به سعی و اهتمام جناب مستطاب حاجی میرزا محمد کاظم طباطبائی ناظم التجار، تمام شد ۱۳۲۴).

یا ابا ابراهیم	یا محمد بن علی الجواد قال الله تعالی:
ادخلوها بسلام آمین	سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین
لذان دهتک الرزیا	بکاظم الغیظ موسی
والدهر عیشک نکد	وبالجواد محمد
عمل سید	محمد علی زرگر ۱۳۲۴

یا کافی المهمات. یا سمیع الدعاء یا مجیب الدعوات و یا ارحم الراحمین.



گناهان کوچک و بزرگ بخشوده (عکس شماره ۱۲) حضرت جواد (ع) «عکس ضریح مطهر امام کاظم و امام جواد علیهما السلام»

انی استبقت الباب راج عفوهم قد لذت فی باب الضریح مؤملاً
 ثم اصطنعت النقش فیہ محرراً غفران ذنبی اصغراً او اکبراً
 یا موسی بن جعفر یا باب المراد ادر کنی^۱
 در سال ۱۳۲۶ هجری رواق شمالی و رواق غربی مانند آن دو
 رواق دیگر و بهمان شکل آیینہ کاری و تزیین شد و مخارج آن را حاج
 عباس علی یوف فرزند حاج لطف الله پرداخت نمود.
 در سال ۱۳۲۷ هجری ششمین در نقره ای بین روضه منوره
 حضرت جواد علیه السلام و رواق غربی نصب شد. نقره این در را یکی از
 تجار و اعیان کرمانشاه به نام امین الدوله هدیه کرد.
 در شانزدهم شعبان سال ۱۳۳۲ هجری عملیات ساختمانی طارمه
 غربی به اتمام رسید. این طارمه در سال ۱۳۰۱ هـ که کار ساختمانی

۱ - خداوند در قرآن می فرماید: ادخلوها بسلام آمینا (حجر: ۴۶) شما با
 درود و سلام و با کمال ایمنی وارد شوید. ا سلام علیکم طیبتم فادخلوها
 خالدینا (زمر: ۷۳) سلام بر شما باد که چه زندگی ابدی نصیب شما گردید حال
 در این بهشت ابد در آید و جاویدان متنعم باشید
 اگر بلاها و ناراحتیها و مصائب بر تو هجوم آورد و محنت و رنج روزگار،
 زندگی تو را تیره ساخت به امام کاظم و امام جواد علیهما السلام پناه ببر.
 ای خدائی که گرفتاریها را کفایت می کنی، ای کسی که دعا و نیایش
 بندگان را می شنوی وای خدایی که دعاهاى آنها را به اجابت می رسانی و ای کسی
 که مهربان ترین مهربانانی.

من به امید عفو و بخشش آنان پیش از همه اقدام به ساختن این در نمودم و
 نقش و نگارهای آنرا فراهم کردم به درب ضریح پناهنده شده ام و آرزو دارم که
 گناهان کوچک و بزرگم بخشوده شود یا موسی بن جعفر (ع) و یا باب المراد
 حضرت جواد (ع) مرا کمک کنید و دریابید

صحن به پایان رسید چهار دیواری بزرگی بود که با سنگ فرش شده و آماده گردیده بود تا در آینده سقف دار شود.

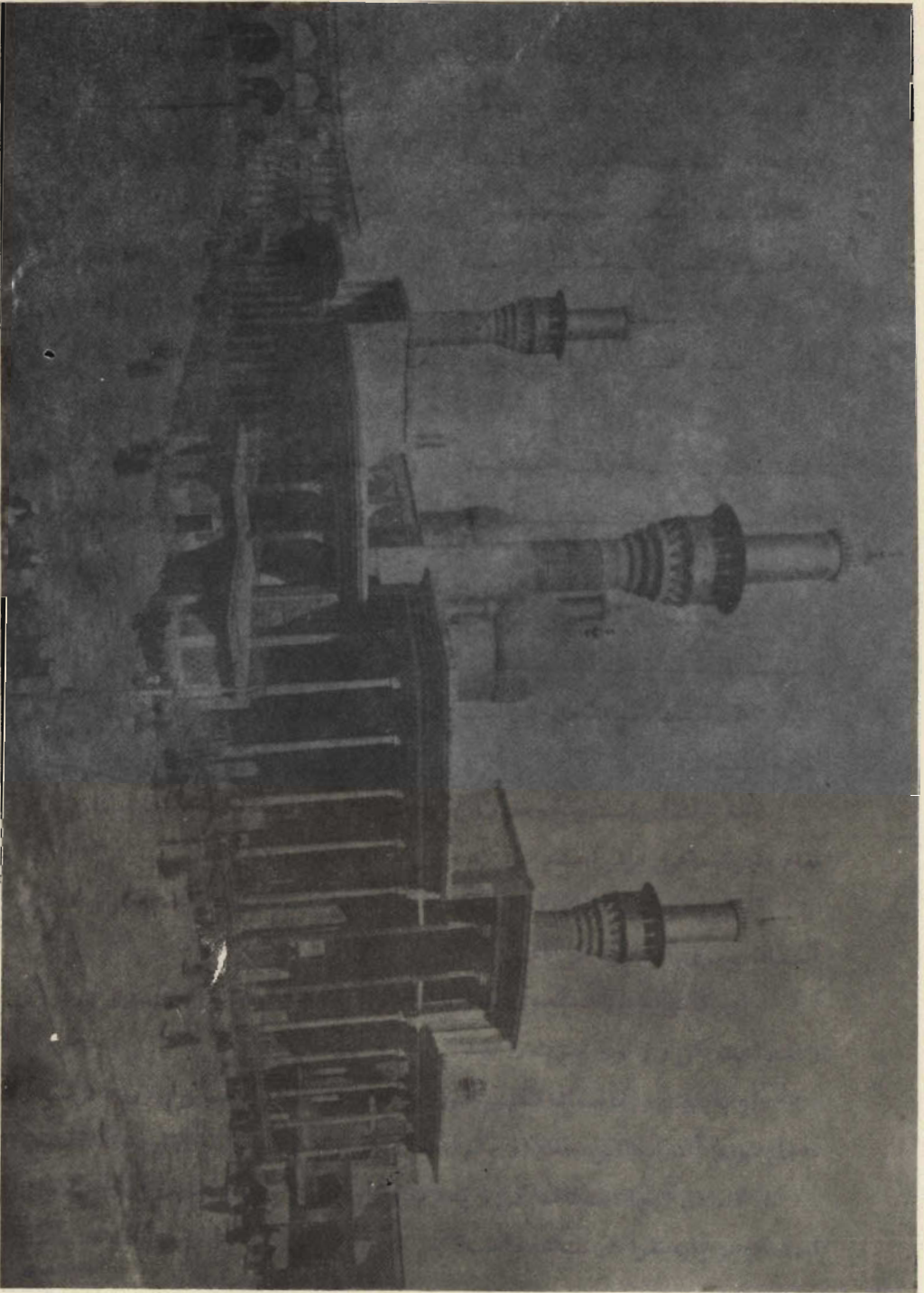
کار ساختمانی در طارمه در سال ۱۳۲۱ هـ آغاز شد؛ و حاج محمد کریم همدانی (متوفای ۱۳۲۲ هـ) مقداری از مال خود را برای شروع این کار اختصاص داد، پس از مرگ وی که اندکی بعد از شروع کار بوقوع پیوست یکی از امرای بخارا مبلغی را برای ادامه کار پرداخت نمود.^۱ و پس از او سیدحسن فرزند سیدناصر بصام کاظمینی (متوفای ۱۳۲۸ هجری) مبلغ دیگری برای ادامه کار اهداء کرد و آخرین کمکی که برای اتمام کار داده شد توسط حاج محمدابراهیم ملک التجار اصفهانی اهداء گردید.

سایر کارهای عمرانی این طارمه در همان سال ۱۳۳۲ تمام شد و با هیجده پایه چوبی کوچک و بزرگ بر پای ایستاد و سقف آن با نقش و نگارهای دلپسند و زیبایی تزئین گردید.

در بالای ایوان بزرگ که در میانه این طارمه می باشد کتیبه هایی است که در برگیرنده آیات سورۀ اعلیٰ است و در دو زاویه راست و چپ پائین آن، این جمله نوشته شده «سلام علی ابراهیم» و در وسط اسم «طغراء آل عثمان» و تاریخ انتهای ساختمان (۱۳۳۲ هـ) ثبت گردیده است. (به عکس شماره ۱۳ رجوع شود)

علماء و شعرای کاظمین در تنظیم تاریخ و سال افتتاح این طارمه به رقابت پرداخته و اشعاری سروده اند که از آن جمله شیخ محمد مهدی مریاتی چنین گفته است:

۱ - احتمالاً این کار امیر بخارا، با تشویق حاج شیخ میرزا حسین میرزا خلیل (متوفای ۱۳۲۶ هـ) انجام گرفته است و در کتاب ادباء الاطباء جلد ۱ صفحه ۱۵۰، ساخت این طارمه به او نسبت داده شده است



«عکس طارمه غربی که در طرف چپ پیدا است»

(عکس شماره ۱۳)

هَذَا هُوَ الْبَيْتُ الَّذِي رَبُّ الْهَدْيِ
هِيَ هَاتِ مَا الْبَيْتُ وَمَا مَقَامُهُ
وَهَذِهِ الشَّهْبُ عَلَى عَلْوَاهَا
يَا طَالِبَ الْمَعْرُوفِ بَلَّغْتِ أَرْخُ
وَقَفْ وَكَبِّرْ خَاضِعاً أَرْخَتُهُ
أَثْنَى عَلَيْهِ فِي الْكِتَابِ الْمُنَزَّلِ
مَا الْحَجْرُ إِلَّا دُونَ فَضْلِهِ الْجَلِيِّ
تَوَدُّ لَوْ تَهْوَى إِلَيْهِ مِنْ عُلِّ
بَابِهِ الرِّكَابَ وَانزَلْ وَاعْقِلِ
(وَسَلِّمْ اسْتَلِمَ وَحَيَّ وَادْخِلِ) ١
— ١٣٣٢ هـ

شیخ راضی آل یاسین نیز گفته:

اعْتَكَفُ فِيهِ وَقَمِ مَبْتَهَلًا
وَإِذَا مَا جِنَّتْهُ أَرْخُ
إِنَّهُ بَيْتُ عَلَى التَّقْوَى تَأْسَسُ
(أَلَا فَاخْلَعْنِ نَعْلَيْكَ بِالْوَادِي الْمَقْدَسِ) ٢

شیخ محمد سماوی نیز چنین سروده است:

- ۱ - اینجا همان خانه ای است که خداوند در قرآن از آن تمجید و ستایش کرده است.
چه خانه ای است و چه مقام و جایگاهی دارد و فضیلت و جایگاه بلند آن از مقام حجر اسماعیل برتر است.
و این خورشید تابان که از آسمان بر آن می تابد دوست داشت که از بلندای آسمان بسوی آن فرود می آمد.
ای کسی که در جستجوی فضل و کرامتی، به در این خانه که رسیدی فرود آی و استراحت کن و زانوی شترت را ببند
و بایست و خاضعانه تکبیر گوی و سلام کن و آن را ببوس و دورد فرست و داخل شو و آن را با این جمله (و سلّم استلم و حی و ادخل - ۱۳۳۲) تاریخ گذاشتم.
- ۲ - در آنجا اعتکاف کن و به دعا و راز و نیاز پرداز، چون آنجا خانه ای است که بر پایه تقوا درست شده است.

هذه السدة من يدخلها
يرتقى الداخل فيها منزلاً
فهلّموا وادخلوها سجداً
زادها الله جلالاً فغدت
فلقد نادى الورى تاريخها

نال مرضاة اله العالمين
صانه الله لآمن الداخلين
انها حطة وزر المذنبين
بركات لجميع العالمين
ادخلوها باستلام آمنين^۱
هـ ۱۳۳۲

به هنگام تعمیر و بازسازی این طارمه جریانی اتفاق افتاد و آن
اینکه: یکی از نجارها در حین انجام کار و درست کردن داربست به
منظور ساختن سقف، یکی از پاهایش از روی چوب خارج شد و سرازیر
گردید، لکن خدا مقدر کرده بود که لباسش به میخ چوبها گیر کند و
بدان وسیله از مرگ نجات یابد.

→
هرزمان به آنجا وارد شدی تاریخ آن را با این جمله بنویس (الافاخن نعلیک
بالوادی المقدس ۱۳۳۲ هـ. ق.)، یعنی کفشهایت را در این وادی مقدس و پاک
بیرون بیار

۱ - هر کس از این در وارد شود به خشنودی خداوند مهربان جهانیان دست
یافته است.

کسی که وارد آن می شود به مقامی می رسد، خداوند آن را برای امنیت و
آسایش زائرین نگهدارد.

پس بیایید و سجده کنان وارد شوید بدرستی که گناه گناهکاران در آنجا
آمرزیده می شود.

خیر و برکت آن به همه خلق عالم می رسد، خداوند بر جلال و شکوه و
عظمت آن بیفزاید.

کائنات فریاد می زنند در این تاریخ (ادخلوها باستلام آمنین) وارد آن
شوید با سلامتی و امنیت.

شیخ کاظم سبتی در این قضیه چنین سروده است:

الهی بحبّ الکاظمین حبوتنی	فقویتی نفسی وهی واهیه القوی
بجودک فاحلل من لسانی عقده	لانشر من مدح الامامین ما انطوی
نویت وان لم اشف من شانئیهم	وحسبی منهم انّ للمرء مانوی
لمرقد موسی والجواد برغمهم	اجل من الوادی المقدس ذی طوی
هوی مذاضاء النور من طوره امرو	کما انّ موسی من ذری الطور قد هوی
ولکن هوی موسی فخرالی الثری	ولما هوی هذا تعلق فی الهوا

در ماه جمادی الاول سال ۱۳۳۵ کارنامه اشغال ترکها در عراق در هم پیچیده شد و بدین صورت صفحه دیگری از تاریخ این دوره که از محرم سال ۶۵۶ آغاز شده بود پایان رسید و فصل جدیدی در تاریخ گشوده شد که کاظمین با همه نیروها و امکاناتش در این بازگشائی

۱ - دیوان شیخ کاظم سبتی: ۱۸۲.

خداوندا با دوستی کاظمین بر من منت نهادی و در حالی که سست و ناتوان بودم، توانمندم ساختی!

خدا یا بفضل و بخشش خود، عقده و گره زبانم را بگشا تا مدح و ثنای این دو امام را منتشر سازم.

تصمیم دارم هر چند که از گزند مخالفانشان در امان نبوده‌ام مرا از جانب ایشان همین قدر بس که هر کسی در گرو نیت خود است!

براستی که بارگاه موسی و جواد علی‌رغم مخالفین، با شکوه تر از وادی مقدس «ذی طوی» است.

هنگامی که نور «طور» موسی بن جعفر درخشید مردی پرت شد. همانگونه که موسی بهنگام رویت نور خدا در کوه طور پرت شد.

لکن موسی به هنگام پرت شدن به زمین افتاد ولی آن کسی که در طور موسی بن جعفر پرت شد در هوا معلق ماند.

سهیم و شریک بود.

حرم کاظمین در این فصل از تاریخ محل اجتماع رهبران و بزرگان و پایگاه مردان انقلاب و منبر و بلندگو و منادی آغاز زمان جدید بود.

حرم کاظمین با پاکی و قداست و جایگاهی که بلحاظ زمین داشت و همچنین عظمت و شکوه و زیبایی ساختمانی و خیر و برکت و معنویتی که همراه آن بود، بهترین مکان و جایگاهی بود که رهبران انقلاب اسلامی آن را برای برنامه و بحث و بیان و اعلان تصمیمات انتخاب کرده بودند، تا اینکه خداوند پیروزی را برای بندگان مؤمنش مقدر ساخت و پیروزی بزرگی نصیب آنان نمود و اشغالگران انگلیسی تسلیم اراده و خواست مردم انقلابی شدند و عراق به استقلال و آزادی عمل در شئون خود دست یافت.

وضعیت کنونی
حرم کاظمین (ع)

وضعیت کنونی حرم کاظمین

ساختمان حرم کاظمین در حال حاضر ساختمانی با شکوه و زیباست و هنر معماری اسلامی با همه اصالت، عمق و زیبایی در آن تجسم یافته است و عظمت کار هنرمندانه سازندگان آن، با همه درستی، دقت و ایمانشان در آن متبلور است و انبوه طلا و نقره و میناکاری در زوایای آن می درخشد و به گونه ای زیبا و شگفت انگیز در کنار هم قرار گرفته است که گویای خوش ذوقی و مهارت سازندگان آن می باشد. بر دیوارها و سقفهای آن انواع زینتها و آرایشها و کنده کاری های رنگارنگی وجود دارد که مثل آن در هیچیک از موزه ها و مراکز هنری دنیا پیدا نمی شود.

در حرم کاظمین - به برکت حرمت و قداست آن در بین مسلمین - خلاصه افکار صدها تن از هنرمندانی که با عقیده و اخلاص و عشق به اهل بیت می زیستند، جمع گردید تا ساختمانی جاوید ساخته شود که گذشت زمان نتواند آنرا محو کند، اموال هزاران تن از ثروتمندان که مالشان را سخاوتمندانه و از روی ایمان و عشق تقدیم می کردند جمع شد تا این بنای بلند و باشکوه ساخته شود.

نتیجه این افکار و اموال، بنای این بقعه مطهر و مبارک است که با آثار معماری و هنرهای گوناگون و رنگهای نیکو و زیبا و عظمت خود هر صاحب دلی را به خود می خواند و هر فکری را شیفته و چشمها

را خیره می سازد.

هیچ نویسنده ای هر چند چیره دست، نمی تواند گوشه ای از شکوه و جلال این بقعه مبارکه را گزارش کند و یا به کمترین درجات آن برسد و از قدیم گفته اند: (شنیدن کی بود مانند دیدن).

در این فصل سعی می کنیم گزارشی کامل از این ساختمان با عظمت ارائه نموده و شرحی مفصل برای هر یک از اطراف و جوانب و اجزاء و ویژگیهای آن بیان کنیم. تا گواه صادقی برای خواننده معاصر و تاریخی مطمئن برای نسلهای آینده باشد. آنگاه که دیدگاهها و نقشه ها بحکم تطورات هنری و پیشرفت روشهای معماری تغییر می کند و به پیش می رود.

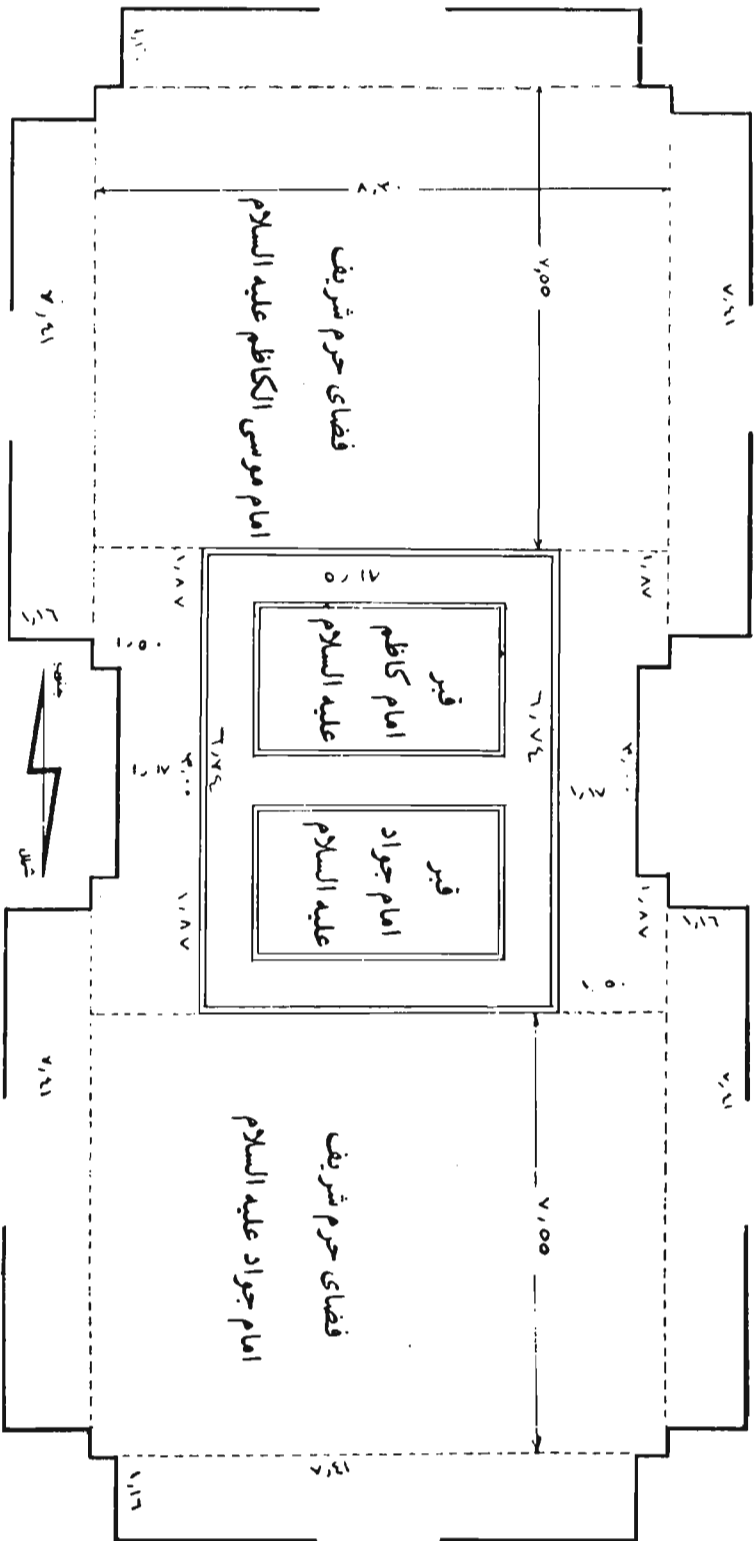
روضه

مقصود از روضه آن فضای سرپوشیده ای است که پیرامون ضریح را دربر گرفته و در اصطلاح مردم روضه نامیده می شود و به دو قسم یا دو روضه تقسیم می شود:

قسمت جنوبی که روضه امام کاظم علیه السلام، و قسمت شمالی که روضه امام جواد علیه السلام است و دو راه باریک و تنگ آنها را به هم متصل می سازد و ضریح مطهر در وسط هر دو روضه واقع شده است.

(به عکس شماره ۱۴ رجوع شود)

طول ضریح طلائی ۶/۷۶ و عرض آن ۵/۱۷ سانتی متر می باشد و ارتفاع بلندترین نقطه آن نزدیک سه متر و نیم از روی زمین برجسته است و شبکه شبکه و پنجره ای و بنحو زیبایی نقش و نگار و طراحی شده است.



«مساحت هر دو قسمت روضه نبیره حرم کاظمین» (عکس شماره ۱۴)

ساخت این ضریح طلائی برای اولین بار در سال ۱۳۲۴ همانطور که قبلاً ذکر شد تمام گردید اما بزودی بخشی از جوانب آن دچار خرابی شد که با فراخوانی مؤمنین برای تعمیر و تجدید جاهای صدمه دیده و افزایش طلای آن، درست شد و در سال ۱۳۵۹ به پایان رسید. چنانکه این تاریخ را شیخ حسن آل اسدالله با جمله «عمرالضریح» در شعر خو به نظم ذکر کرده است و انجام این کار به دست زرگری به نام سیدعباس الورد (کاظمی) تمام گردید.

ضریح بر روی پایه ای از آجر و سیمان (ساروج) بنا گردیده و از بیرون با سنگ مرمر پوشیده و ۲۲ سانتیمتر از سطح زمین روضه برآمده است و روی آن پنجره های ضریح قرار گرفته که ارتفاع هر پنجره ۱۴۲ سانتیمتر و عرض آن به ۱۰۷ سانتیمتر می رسد، در حد فاصل آنها ستونی به عرض ۲۲ سانتی متر که با طلا تذهیب شده قرار گرفته است.

در سال ۱۳۸۵ هـ کتیبه ای قرآنی به عرض ۲۴ سانتی متر در قسمت فوقانی پنجره ها نصب گردید روی این کتیبه سوره دهر و فجر با طلا نوشته شده است.

در قسمت بالای این کتیبه به ارتفاع حدود ۱۳۰ سانتی متر طرح و نقشه های مذهب به طلا دور تا دور ضریح مطهر را در بر گرفته است. تذهیب این قسمت در سال ۱۳۷۸ هـ انجام شده و قبلاً نقره ای بوده است. همانطور که گذشت، در ضریح از میانه طرف شرقی آن باز می شود و داخل ضریح دو صندوق قبر امام کاظم و امام جواد علیهماالسلام وجود دارد که توصیف و شرح مفصل آن در صفحات ۷۷ - ۶۹ این کتاب گذشت.

خرابی های پدید آمده در صندوقها در سال ۱۳۶۳ هـ تعمیر و

اصلاح شد. یکی از صندوقها با سرمایه حاج عبدالهادی چلبی کاظمینی و صندوق دیگر با مشارکت چهار نفر از تجار ایران و صرف چهار هزار دینار تعمیر و اصلاح گردید.

صندوقها بنخاطر حفاظت از گردوغبار، با شیشه های کلفت در بر گرفته شده و مخارج این شیشه ها را حاج عبدالهادی چلبی کاظمینی و حاج محمد علی ابوالصمون پرداخت کرده اند.

سقف داخلی ضریح از چوب ساخته شده و مزین به نقوش هندسی و گل بوته است و مخارج تجدید و تعمیر آنها را حاج حسن و حاج عباس امین کاظمینی پرداخت نموده و ساخت آن بدست حاج عبدالرسول مشکور نجار انجام گرفته است.

طول هر روضه ۱۰ متر و ۶۲ سانتی متر و عرض هر یک ۷ متر و ۵۵ سانتی متر می باشد و طول هر یک از دو راهی که روضه ها را به هم متصل می سازد ۶ متر و ۷۴ سانتی متر و به عرض ۱ متر و ۱۷ سانتی متر است.

سطح هر دوروضه و راهروها با سنگ مرمر خوب، فرش است و دیوارها تا ارتفاع صد و چهل سانتی متری از روی زمین نیز، سنگ مرمر می باشد و در تاریخ ۲۵ محرم سال ۱۳۷۰ بپایان رسیده است. بالای سنگهای مرمر، به عرض هفتاد و پنج سانتی متر، کتیبه قرآنی است که شرح آن در صفحات ۶۸ - ۶۷ از این کتاب گذشت، بعد از این کتیبه، آئینه کاری شروع می شود و تا درون گنبدها که با کاشی های زیبا منقوش است، ادامه دارد.

در بالای روضه ها شش دریچه برای تهویه و نورگیری وجود دارد که به پشت بام حرم باز می شود و ارتفاع هر یک حدود ۲ متر است. در قسمت بالای این دریچه ها از خارج کتیبه ای قرآنی از کاشی به عرض

۶۰ سانتی متر دور تا دور بام هر دو روزه را در بر گرفته و در سال ۱۳۸۷ هـ تجدید و تعمیر شده است.

گنبدها و چهار گلدسته کوچک، روکش طلائی دارد، همچنین قسمت بالای چهار گلدسته بزرگ از آنجا که مؤذن برای اذان گفتن قرار می گیرد تا نوک آن نیز روکش طلائی دارد.

به عکسهای شماره ۱۵ و ۱۶ رجوع شود

علی رغم اینکه نتوانستیم ارتفاع گنبدها و گلدسته ها را مشخص کنیم و شعاع آنها را ضبط نمائیم ولی از اهل فن آگاهی یافتیم که تعداد آجرهای طلائی که در گنبد به کار رفته هفت هزار عدد و هر آجری به اندازه ۲۰×۲۰ می باشد.

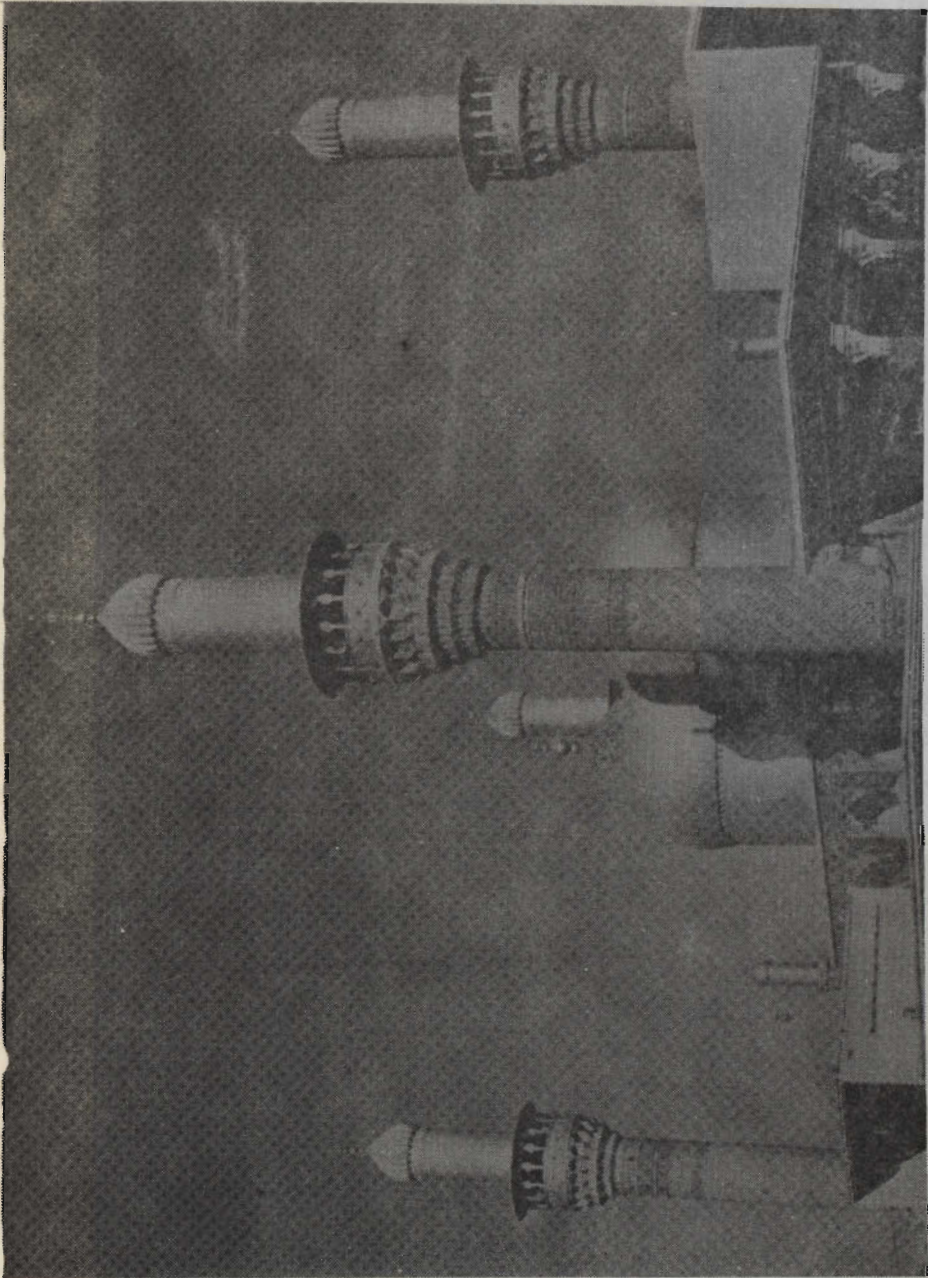
روضه مجموعاً شش درب دارد که به رواقهای اطراف حرم باز می شود، قبلاً روزه دارای سه درب و سه دریچه بود که دریچه ها برای سهولت رفت و آمد و رفاه زائرین به درب ورود و خروج تبدیل گردید. پنجره های قبر شیخ مفید و قبر خواجه نصیرالدین طوسی از فولاد ساخته شده است.

در زیر خصوصیات و ویژگیهای دربهای ششگانه را می آوریم.

۱ - درب جنوبی روزه امام کاظم (ع)

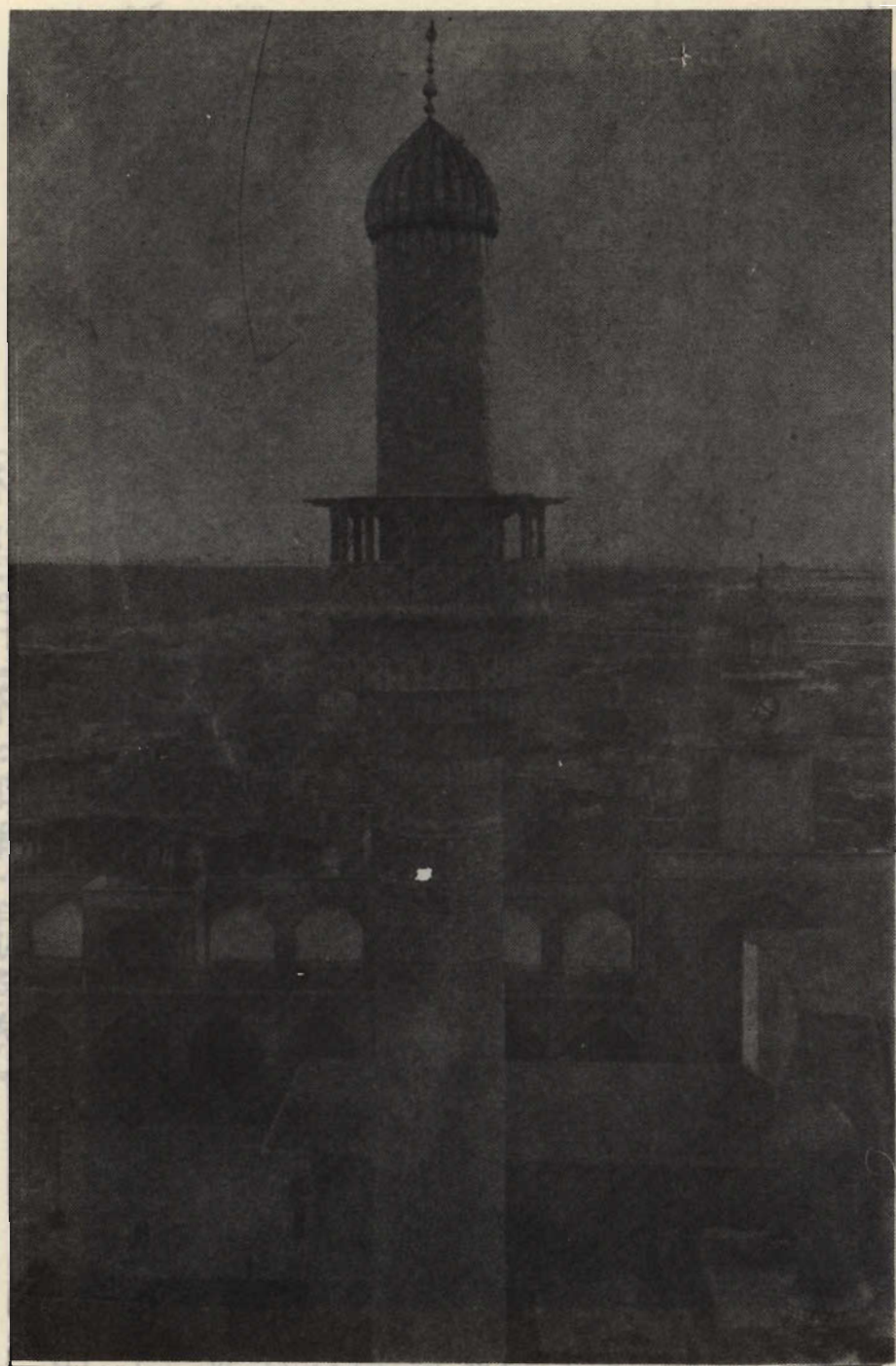
این درب طلائی و طول آن ۳ متر و ۴۰ سانتی متر و عرض آن ۲ متر است و در سال ۱۳۸۳ هـ ساخته شده است. بالای درب ورقه ای از میناست که متصل به قسمت بالای چهار چوب می باشد و اذن دخول با طلا روی آن نوشته شده است:

(اللهم انی وقف علی باب من ابواب بیوت نبیک صلواتک علیه وآله، وقد منعت الناس أن یدخلوا الا باذنه فقلت: یا أیها الذین آمنوا لا



«عکس شماره ۱۵» «عکس دو گنبد مطهر و گلدسته های طلائی»

«لا حول الا بالله»
(۱۱) «لا حول الا بالله»



(عکس شماره ۱۶)
«عکس کامل یکی از گلدسته ها»

تدخلوا بيوت النبي الا أن يؤذن لكم.

اللهم انى أعتقد حرمة صاحب هذا المشهد الشريف فى غيبته كما أعتقدها فى حضرته، وأعلم ان رسولك و خلفاءك عليهم السلام أحياء عندك يرزقون، يرون مقامى، و يسمعون كلامى، و يردون سلامى، وانك حجبّت عن سمعى كلامهم؛ و فتحتّ باب فهمى بليد مناجاتهم.

وانى أستأذنك يا رب أولاً، وأستأذن رسولك صلى الله عليه وآله ثانياً، وأستأذن خليفتيك الامامين المفروض على طاعتهما موسى بن جعفر و محمد بن على الجواد والملائكة الموكلين بهذه البقعة المباركة ثالثاً.

أدخل ياالله. أدخل يا رسول الله. أدخل يا حجتي الله. أدخل يا ملائكة الله المقرّ بين المقيمين فى هذا المشهد، فأذنا لى يامولىّ فى الدخول أفضل ما أذنتما لأحدٍ من أوليائكما فان لم أكن أهلاً لذلك فأنتما أهل لذلك) (المتبرع الحاج محمد جواد محمدرضا. الساعى الشيخ محمد حسين المؤيد. الخطاط محمد على الكاتب).

خدایا، من بر در یکی از درهای خانه های پیامبرت - درود تو بر او و خاندانش باد - ایستاده ام و تو مردم را از این که بدون اذن او وارد شوند بازداشته ای و گفته ای: «ای کسانی که ایمان آورده اید داخل نشوید خانه های پیامبر را مگر این که اجازه دهد شما را».

خدایا، من به حرمت و قداست صاحب این حرم شریف در غیبت و حضور او، اعتقاد دارم و می دانم که پیامبر و خلفاء راستین (علیهم السلام) تو، در پیشگاه تو زنده اند و روزی می خورند، آنان جای مرا می بینند و سخن مرا می شنوند و درود و سلام مرا پاسخ می گویند، ولی پرده به گوشم زده ای از این که سخنان آنان را بشنوم، لکن در فهم مرا گشوده ای تا با مناجات و راز و نیاز آنان لذت برم.

پروردگارا اول از تو اجازه ورود می طلبم و در مرحله دوم از فرستاده تو - سلام و درود خدا بر او و خاندانش باد - و بعد از جانشینان تو امام موسی بن جعفر و امام محمد بن علی الجواد که طاعتشان بر من واجب است و همچنین از فرشتگانی که موکل و نگهبان این بارگاه مبارک هستند اجازه دخول می طلبم.

آیا داخل شوم ای پروردگار من؟ آیا داخل شوم ای رسول خدا؟
آیا داخل شوم ای حجت‌های خدا؟ آیا داخل شوم ای فرشتگان مقربی که مقیم در این بارگاه هستید؟

پس اذن دخولم دهید ای سروران من، تا داخل شوم، بهترین اذنی که به یکی از دوستانتان می دهید اگر من لایق و سزاوار نیستم لکن شما سزاوار و لایق و اهل بزرگواری و خاندان کرم هستید.

«بانی: حاج محمد جواد محمد رضا. ساعی: شیخ محمد حسین مؤید. خطاط: محمد علی کاتب.»

ورقه دیگری متصل به قسمت بالای قاب وجود دارد و روی آن آیه مبارکه تطهیر نوشته شده است:

(انما یرید الله لیزهبن عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا).
همچنین روی سه طرف چهار چوب درب، یعنی راست، بالا و چپ آن، اشعار عربی زیر نوشته شده است.

قفوا استأذنوا والشموا خشعا بباب الجوائج باب الدعای قفوا، هاهنا کعبة الزائرین وطوبی لمن نحوها قد سعی

۱ - بایستید و اجازه بگیرید و خاشعانه بر درگاه باب الجوائج و جایگاه دعا بوسه زنید.

بایستید، هشیار باشید که این جا قبله گاه زائرین است و خوشا بحال کسی که در اطراف آن سعی می کند.

بموسی بن جعفر أمن المخوف
 وقفنا ببابک أرجو النجاة
 بلی، فهی واللہ بابُ الاله
 تغیب الهموم بأعتابها
 بها السيد الشافع المرتجی
 ربیع البلاد و مدرارها
 تمسک به فهو مسک التقی
 هنا روعة الدین للناظرین
 و نور یضییء شفاف القلوب
 اذا مسّه الضرُّ أو أوجعا
 فما أعظم الباب ما أوسعا
 بهاللہ الطاقه أودعا
 وللسعد فیها نری مطلقا
 لمن أبصر الحق فاستشفعا
 اذا الذنب صیرها بلقعا
 وللعلم والحلم أنقی و عا
 و سوّد دنیا المعالی معا
 و یهدی النفوس الشفا أجمعا^۱

۱ - به برکت موسی بن جعفر علیهما السلام، دلِ ترسیده آرام می گیرد و ناچار و دردمند تسکین می یابد.

بر در خانه ات - ای باب الحوائج - به امید نجات ایستاده ایم دری که بزرگ و وسیع است.

آری، به خدا قسم این در، درِ خانه خداست و خداوند لطف و رحمت خود را به وسیله آن می بخشد.

در این درگاه غمها و دردها فراموش می شوند و خورشید سعادت را می بینی که طلوع می کند.

در آن جا دوی دردها و پایگاه امیدهاست و کسی که بصیرت داشته باشد شفا می یابد.

بهار و باران رحمت شهرهاست به هنگامی که گناهان آنها را خشک و بی حاصل کرده است.

به آن جا پناه ببر که بهترین پناهگاه است و پاکترین ظرف برای علم و بردباری است.

در این جا جلال و شکوفائی دین و آقائی در دنیا برای زوار بیننده است.

این جا نور درخشنده دلهای عاشق و دلباخته و شفا و هدایت جانهاست.

رضعنا محبته فی المهاد و فی القبرنفرشهامضجعا^۱
 شعرى فارسى^۲ دو لنگه درب را در بر گرفته و جملات زیر به طور
 پراکنده در میان آنها به چشم می خورد.

يا ذا الجود و النعم يا ذا الفضل و الكرم
 يا بارى الذرّ و النسم يا كاشف الضرّ و الألم
 يا عالم السرّ و الهمم يا رب البيت و الحرم
 يا خالق اللوح و القلم يا ملهم العرب و العجم
 صنع فى اصفهان فى عهد الشيخ على الكلیدار^۳
 در گوشه های دو لنگه درب جملات زیر جدای از هم نوشته شده
 است:

«اهداء کننده و بانى طلای این درب، متمسک به ولایت ائمه
 اطهار: حاج اسماعیل حاج قاسم، ساعی: شیخ محمد حسین مؤید،
 زرگری: حاج محمد حسین پرورش، طراحى و میناسازى: شکرالله صنیع
 زاده، قلمزنى: احمد دینارى، اصفهان ۱۳۸۳ هـ. زیر نظر میرزا
 ابوالقاسم کوپائى»

۱ - دوستى و محبت آن را درگهواره با شیرمادر نوشیده ایم و در قبر با آن
 آرام خواهیم گرفت.

۲ - در متن عربى شعر فارسى نیامده است. م.

۳ - ای کسی که دارای جود و نعمتى و دارای فضل و کرمی! ای کسی که
 رویاننده دانه و برطرف کننده درد و رنجی! ای کسی که دانای پنهانی! و ای
 پروردگار کعبه و حرم! ای آفریننده لوح و قلم! و ای الهام بخش عرب و عجم! این
 در زمان تولیت شیخ علی کلیددار در اصفهان ساخته شد.

۲ - درب شرقی روضه امام کاظم

این درب نیز طلایی و به طول ۳ متر و ۴۰ سانتی متر و عرض ۲ متر می باشد و در سال ۱۳۸۴ هجری ساخته شده است. و به همان شکلی که در درب جنوبی گفتیم روی تخته ای از آبنوس اذن دخول نوشته شده و به دنبال آن نام اهداء کننده و بانی آن حاج محمد جواد حاج محمد رضا و ساعی آن جناب شیخ محمد حسین مؤید و تاریخ کتابت آن (سال ۱۳۸۴ هـ) آمده است.

همچنین روی تخته دیگری که متصل به پائین قسمت بالای چهار چوب است آیه تطهیر نوشته شده و اشعار زیر روی سه طرف چهار چوب نقش بسته است:

اقام الهدیٰ بألموسی بن جعفر	وقال: الی الفردوس من هاهنا عبیر
و صاغ له من معدن اللطف حلیة	بشهب السماء قدر ضعت لاجوهر
له الله باب ان تجلی سناؤه	لشمس الضحی قال اختفی وتسترى
عن الصدق والاخلاص فی الله صنعه	یعبّران أعیالسان المعبر
مثابة امنٍ و اعتصامٍ لمذنب	و منبع الطافٍ و یسرٍ لمعسر

۱ - هدایت، دری در حرم موسی بن جعفر (ع) گذاشت و گفت برای ورود به بهشت فردوس از این در عبور کنید.

حرم موسی بن جعفر به لطف خدا با آرایش آسمانی مزین است نه با طلا و جواهرات.

بخدا، برای حرم موسی بن جعفر (ع) دری است که اگر پرتو آن تجلی کند، به خورشید تابان می گوید: پنهان شو.

از روی صداقت و اخلاص و نیت پاک ساخته شده است.
پایگاهی امن و پناه گناهکاران و سرچشمه لطف و کرم و گشایش گرفتاری است.

فقہ بذوی الحاجات و اهتف مؤرخاً (بحاجاتک ایتی باب موسی بن جعفر) روی دو لنگه در ب تمامی آیات سوره مبارکه دهر نوشته شده و به دنبال آن جمله (صدق الله العلی العظیم به خط فضائلی در اصفهان سال ۱۳۸۳ هـ) آمده است.

جملات زیر نیز در میان حاشیه های گوناگون از بالا تا پائین دو لنگه در نوشته شده است:

یا مجیب الدعوات یا رافع الدرجات
سلام قولاً من رب رحیم سلام علی ابراهیم
در زمان حاج شیخ علی کلیددار فرزند شیخ حمید تولیت روضه کاظمین، تمام شد.

همچنین جملات زیر به طور پراکنده در گوشه های دو لنگه در دیده می شود:

(به سعی و اهتمام: شیخ حسین مؤید تحت نظر حاج میرزا ابوالقاسم کوپائی اصفهانی. طراحی و مینا کاری: شکرالله صنیع زاده، سازنده: حاج حسین پرورش. قلم زنی: احمد دیناری).

۳ - درب غربی روضه امام کاظم علیه السلام این درب از نقره و در میانه آن جملاتی با طلا نوشته شده است. طول آن ۳ متر و ۴۰ سانتی متر و عرض آن ۲ متر و در سال ۱۳۳۹ هجری قمری ساخته شده و روی چهار طرف لنگه سمت راست آن ابیات زیر نوشته شده است:

۱ - بایست و این تاریخ را هدیه بده «بحاجاتک... ۱۳۸۳ هـ» و به حاجتمندان

بگو، حاجات خود را به در خانه موسی بن جعفر (ع) ببر .

أقول لاسرتي و ذوی ودادی و من شاء النجاة من العباد
 و عند الله رام علو قدر و شاء الفوز في يوم التناد
 الاحثوا ركائبكم خفافاً الى باب الحوائج و المراد
 هناك تمسكوا بضريح قدس سما فوق الضراح بذی الأیادی
 غياث المعتفی حرز الیتامی لدى الجلی محمد الجواد
 و قفنا على باب الحوائج و قفة لنا قضیت فیها جمیع الحوائج^۱
 اشعار زیر در چهار طرف لنگه چپ نوشته شده است:

الهی بحبّ الکاظمین حبوتنی فقویت نفسی وهی و اهیه القوی
 بچودک فاحلل من لسانی عقده لأنشر من مدح الامامین ما انطوی
 نویت وان لم أشف من شانئیهم فحسبى منهم ان للمراء مانوی
 لمرقد موسی والجواد برغمهم أجل من الوادی المقدس ذی طوی
 هوی منذ اضاء النور من طورها مرو کما ان موسی من ذری الطور قد هوی
 ولكن هوی موسی فخر الی الشری ولما هوی هذا تعلق فی الهوا^۲
 جملات زیر نیز از بالا تا پائین دو لنگه در با حاشیه های
 گوناگون نوشته شده است:

انا فتحناک فتحاً مبیناً

بسم الله الرحمن الرحيم

- ۱ - به خانواده و وابستگانم و نیز هر کسی که در طلب نجات است. و در پیشگاه خدا بدنبال ارج و قرب و رهائی در روز قیامت است می گویم: بکوشید و گامهای خود را آرام و بی صدابه سوی درخانه باب الحوائج بردارید. آنجا به ضريح پاک پناه ببرید و بالاتر از آن به خدای قدرتمند. بارگاه امام محمد جواد، فریادرس درماندگان و پناه یتیمان است. بر در خانه باب الحوائج ایستاده ایم، در آنجا هر حاجتی که داشته ایم برآورده شده است.

۲ - ترجمه این اشعار در صفحه ۱۳۵ گذشت.

این در قبله حاجات و نجات همه خلق است .
هو الواقف . وقف نمود ، مرحوم
میرور حاجی محمد علی افضل
تاجر شوشتری . حسب الفرمایش
عمده التجار حاجی محمد تقی
افضل تاجر شوشتری بسعی
واهتمام سید محمد رضا معلم
عمل استاد رجب علی زرگر
کتابه شیخ علی

این در کعبه امید گدا و شاه است
قال جل شأنه : وسیق الذین اتقوا
ربهم الی الجنۃ یراحتوا اذا جاؤوها
و فتحت ابوابها و قال لهم خزنتها
سلام علیکم طبتم فادخلوها
خالدین اصدق الله عمل محمد
حسن قلم زن سنة ۱۳۳۹

روی حاجات جهان جمله بر این در گاه است

مقصد هر دو جهان حاصل از این در گاه است

قال النبی صلی الله علیه و آله مَثَلُ اهل بیته کسفینة نوح^۱
روپوش دو طرف چهار چوب این در از نقره است و روی آنها
جمله «یا باب الحوائج» کنده کاری شده است.

۴ - درب شمالی روضه امام جواد علیه السلام

این در نیز از نقره و در میانه آن جملاتی با طلا نوشته شده است .
طول آن ۳ متر و ۴۰ سانتی متر و عرض آن ۲ متر و تاریخ ساخت آن
سال ۱۳۴۰ هجری قمری می باشد در چهار طرف لنگه راست آن اشعار
زیر نوشته شده است :

ماهذه القبة الحمراء قد ظهرت و اشرق من سناها الشمس والقمر^۲

۱ - رسول خدا فرمود : مثل خاندان من مانند کشتی نوح است .

۲ - عجب گنبد گلگون و خونین رنگی است این گنبد ، که می درخشد و ماه

خورشید از پرتو آن منور می گردد .

قامت علی الفلک الاعلی قوائمها
ظننتها آنها شمس الضحی شرفت
فالعقل عاتبنی من انها خلقت
حارت عقول لعلیها فان بها
مذ کان مدفن موسی والجوادبذا
چهار طرف لنگه سمت چپ را نیز اشعار زیر در بر گرفته است:
من نورها بانته الایات والزبیر
انوارها ویدت فی الکوّن تشتهر
من نورها الشمس منها نالت الفرر
اسرار حکمة علم الله مدخر
جبریل فی لثم باب منه یفتخر^۱
فالهج به بین تهلیل وتکبیر
یووب عنه بذنب منه مغفور
فانها خیر سعی منک مشکور^۲
ذاشامخ الطورام ذاباذخ النور
هوالمقدس وادیه فزائره
ناج ابن جعفر و اعلن [فی] تحيته

۱ - پایه های آن بر جهان بالا استوار است و از نور آن آیات خداوندی آشکار است.

پنداشتم که خورشید تابان است که می درخشد و در هستی نمایان شده است. عقل مرا سرزنش کرد و گفت: خورشید از نور صاحب این گنبد خلق شده و به بزرگی رسیده است.

عقلها حیران عظمت و معنویت آن است، چون اسرار حکمت خداوند در آن پنهان است.

از زمانی که اینجا مدفن امام کاظم و امام جواد علیهما السلام شده است، جبرئیل بر در آن بوسه می زند و به آن افتخار می کند.

۲ - اینجا جایگاه بلند مرتبه طور و نور درخشنده هدایت است پس خود را در اینجا به حمد و سپاس خدا مشغول دار؛ اینجا مکان مقدسی است که زائر آن در حالی که گناهانش بخشوده شده از آن برمی گردد.

موسی بن جعفر را بخوان و در سلام و درود بروی بکوش، که این بهترین سعی و تلاش توست که در پیشگاه خدا مقبول است.

واطلب مرادک واستجد الجواد تفرز
فذا مقام علی سرآله به
باب الحوائج باب الله فاغتنموا
روی دو لنگه در از بالا تا پائین، کلمات زیر نقش بسته است:

بسم الله الرحمن الرحيم
انا فتحنا لك فتحاً مبيناً
يا امام محمد الجواد . يا باب
المراد ۱۳۴۰
روا کننده حاجات موسی جعفر
هوالموفق لكل خير
وقف نمود جناب حاجی عبدالنبی
خلف مرحمت پناه حاجی عبدالعلی
تاجر کازرانی بسعی و اهتمام
جناب حاجی عبدالرحیم تاجر
بهبهانی. عمل استاد رجب علی
ولد مرحوم حاجی فتح الله زرگر
شوشتری ۱۳۴۰ .

چه خرگهی است که حصن العباد
دانش
قال جل شانہ: و سيق الذين اتقوا
ربهم الى الجنة زمراً حتى اذا
جاؤوها فتحت ابوابها و قال لهم
خزنتها سلام عليكم طبتم فادخلوها
خالدین. صدق الله بقلم زنی
محمد حسن بن مرحوم شیخ
موسی

چه درگهی که باب المراد نامندش

شفیع خلق امام جواد خوانندش

۱ - امام جواد را بخوان و حاجت خود را از او بخواه که با خشنودی زیاد به آن خواهی رسید .

اینجا مقام بلند و با شوکتی است که اسرار خداوند بدون پرده برای بینندگان هویدا شده است

باب الحوائج، باب الله است پس فرصت را مغتنم شمرده و صبح و شام به آن وارد

شوید

قال النبی صلی علیه و آل: انا مدینه العلم و علی بابها
روپوش دو طرف چهارچوب در از نقره است و جمله «یا باب
المراد» بر آن طراحی شده است.

۵ - درب شرقی روضه امام جواد علیه السلام
این در از نقره و بطول ۳ متر و ۴۰ سانتی متر و عرض ۲ متر
می باشد و در سال ۱۳۱۴ هجری قمری ساخته شده است.
اطراف دو لنگه در را شعری فارسی در بر گرفته است^۱ و در وسط
از بالا تا پائین جملات زیر نوشته شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم	انا فتحنا لك فتحاً مبيناً
دوم تقی جواد آن یگانه که بود	بروی آنکه زنددم همی ز دین مبین
زایران این حرم را هر دم از عرش	میرسد آواز طبتم فادخلوها خالدین
برین ضیای دیده رسل ختم	بگفت چهارده چون شد پس از هزار
رسول امین	سه صد
یا قاضی الحاجات	یا کافی المهمات
البانی حاج محمد جواد بن	تمام شد این در مطهر بسعی
مرحوم حاجی محمد تقی سنه	آقا سید حسن بصام
۱۳۱۴.	

۶ - درب غربی روضه امام جواد علیه السلام
این درب نیز از نقره و بطول ۳ متر و ۴۰ سانتی متر و عرض ۲
متر و ساخته شده در سال ۱۳۲۷ هجری قمری می باشد

۱ - اشعار فارسی مورد بحث را مؤلف نیاورده است

اطراف دو لنگه درب را شعری فارسی در برگرفته است^۱ و در
 وسط هر دو لنگه در از بالا به پائین جملات زیر نوشته شده است.
 و کان سعیکم مشکورا فادخلوها بسلام آمین
 اذا جاء نصر الله والفتح و رأیت الناس یدخلون فی دین الله
 افواجاً فسیبح بحمد ربک و استغفره انه کان تواباً^۲
 ۱۳۲۷ عمل حسین نقاش، زرگر کرمانشاهی

رواقهای حرم

روضه منوره کاظمین را از چهار طرف رواقهایی در برگرفته است
 که بعضی به هم متصل و بعضی از آنها به رواق دیگر باز می شود. همه
 رواقها با مرمر خوب سنگفرش شده و آخرین بار در سال ۱۳۸۰ سنگ
 کاری آن انجام شده است
 دیوار رواقها نیز تا ارتفاع ۴ متر با سنگ مرمر تزیین شده که
 کار آن در سال ۱۳۷۵ پایان رسیده است. سقف رواقها و همچنین
 دیوارها از ارتفاع ۴ متری به بعد با بهترین اشکال هندسی آئینه کاری
 شده و تاریخ نوسازی آن در سال ۱۳۸۲ بوده است
 در اینجا شرح کاملی برای رواقها و آثار هنری و تاریخی آنها و

۱ - اشعار فارسی مورد بحث را مؤلف نیاورده است

۲ - سعی شما مقبول است. پس با درود و سلام و امنیت وارد آن شوید. چون
 هنگام فتح و پیروزی با یاری خدا فرا رسید و در آن روز مردم را بنگری که فوج، فوج
 به دین خدا داخل می شوند در آن وقت خدای خود را حمد و ستایش کن و پاک و منزّه
 دان و از او مغفرت و آمرزش طلب که او خدای بسیار توبه پذیر است

همچنین دربهای ورودی که به آنها باز می شود، می آوریم

۱ - رواق شمالی

این رواق به طول ۲۷ متر و ۹۰ سانتی متر و عرض ۴ متر و ۳۰ سانتی متر است. این رواق از طرف جنوب متصل به روضه است و دربی که قبلاً وصف آن گذشت بین روضه و این رواق است. از طرف شمالی متصل به مسجد جامع صفوی است و بین مسجد و رواق به وسیله پنجره بزرگ آهنی مشبک فاصله است

۲ - رواق غربی

این رواق بطول ۳۸ متر و ۱۵ سانتی متر و عرض ۴ متر و ۳۰ سانتی متر است.

از طرف شرق متصل به روضه منوره و دو درب که قبلاً ذکر آنها گذشت از روضه به این رواق باز می شود. از طرف غرب به طارمه صحن قریش متصل است و دربی چوبی که هیچ نقاشی و یا نوشته ای ندارد بینشان در وسط وجود دارد.

تاجری عدنی به نام «حاج فقیر» برای مصلائی بانوان نصف رواق را با چوب از هم جدا کرده بود که مدتها در بین مردم مشهور به مسجد حاج فقیر بود اما با گذشت زمان چوبها از بین رفت و دو مرتبه این مصلی مثل اول متصل به رواق گردید در وسط این رواق - از جهتی که متصل به روضه منوره است - ایوان بزرگی است که در آن قبر خواجه نصیرالدین طوسی وجود دارد و پنجره ای فولادی به طول خود ایوان آن را از رواق جدا می سازد. روی دیوارهای داخل ایوان کتیبه ای با کاشی نقش بسته و در آن چنین آمده است.

(بسم الله الرحمن الرحيم. الا ان اولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون^۱ اینجا مقبره سرور حکیمان و محققان محمد بن محمد بن حسن طوسی است. در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، به دستور شاهزاده معتمدالدوله فرهاد میرزا در سال ۱۳۰۴) تعمیر شد.
(به عکس شماره ۱۷ رجوع شود)

۳ - رواق شرقی

طول آن ۳۸ متر و ۱۵ سانتی متر و عرض آن ۴ متر ۳۰ سانتی متر است از جهت غربی متصل به روضه منوره است و بین این رواق و روضه دری است که ذکر آن گذشت. و نیز از جهت شرقی متصل به طارمه باب المراد می باشد و سه درب بین رواق و این طارمه وجود دارد که در زیر شرح آنها را می آوریم:

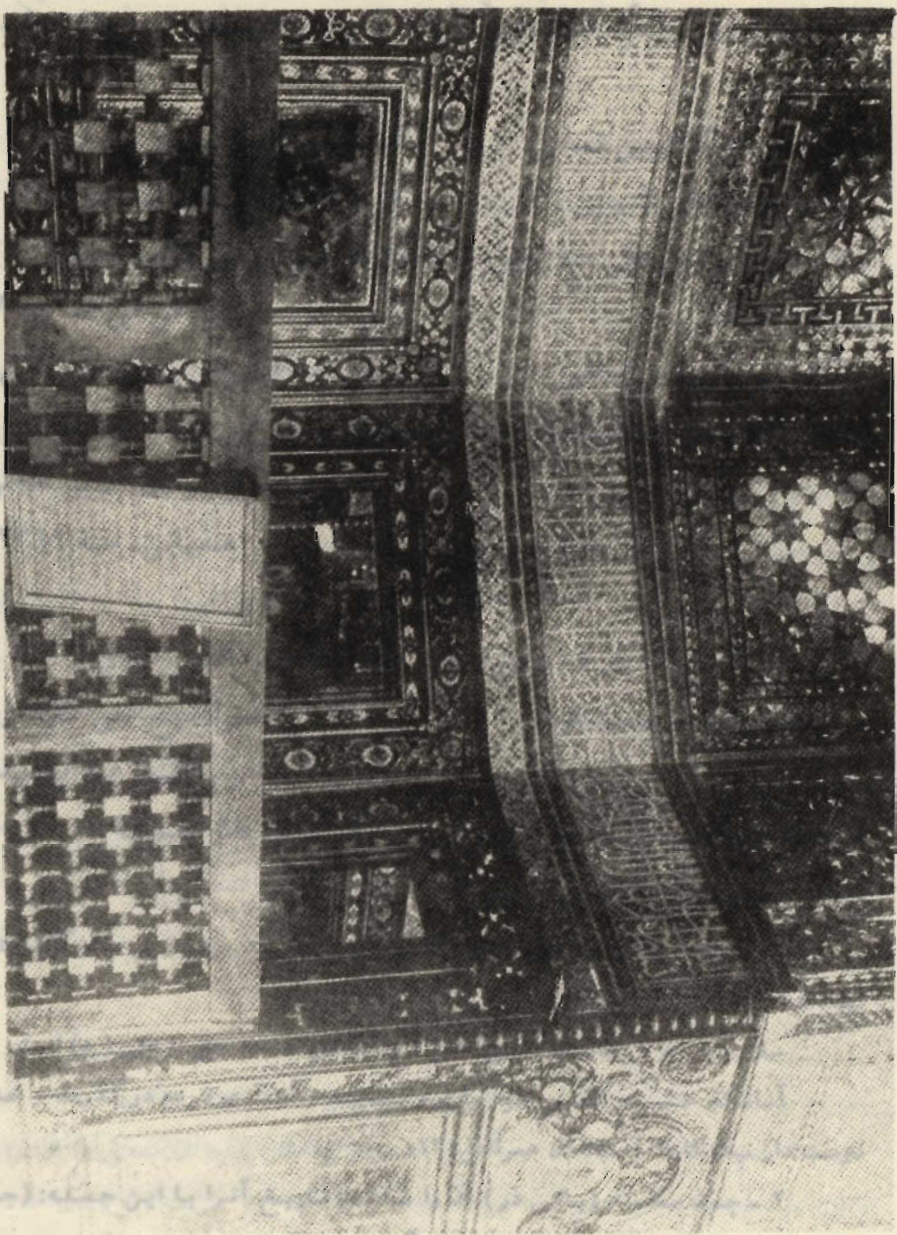
الف - درب شرقی

این درب نقره ای بطول ۳ متر و ۴۰ سانتی متر و عرض ۲ متر و در سال ۱۳۶۸ هجری قمری ساخته شده است.
روی قسمت بالای چهار چوب آن آیه مبارکه: (حتی اذا جاؤوها و فتحت ابوابها و قال لهم خزنتها سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین)^۲

۱ - یونس: ۶۲ بنام خداوند بخشنده مهربان، آگاه باشید که دوستان خدا هرگز ترس و هیچ اندوهی در دل آنها نیست.

۲ - زمر: ۷۳.

و چون بدانجا رسند همه درهای بهشت برویشان بگشایند و خازنان بهشتی تهنیت گویند سلام بر شما باد که چه زندگی نصیب شما گردید حال در این بهشت در آئید و جاودان متنعم باشید



«پنجره های قبر خواجه نصیر الدین طوسی»
(عکس شماره ۱۷)

پانکاشین باب المراد ۱۳۶۸ هجری قمری کاشان
 ولایت و دوستی علی علیه السلام در و حصار من است و هر که داخل در
 حصار من گردد از عذاب من در امان است

و روی دو لنگه درب نیز از بالا به پائین جملات زیر نوشته شده است:

قلت اذ شاده محمد آرخ	باب قدس بالکاظمین تسامی
جلّ بالکاظمین باب المراد ۱۳۶۸	شرفاً واعتلی علی النیرین
ولایة علی بن ابی طالب حصنی	سلام علی آل یس علی مع الحق
ومن دخل حصنی أمن من عذابی ^۲	والحق مع علی
بسعی استاد عباس زرگر اصفهانی،	والکاظمین الغیظ و العاقین عن
بعمل محمد علی پسند صنایع	الناس والله یحب المحسنین ^۱
و اخوان محمد باقرین عباس	
اصفهانی، سنة ۱۳۶۹.	

علی نفقه ولده المیرزا داوود	أنشی هذا الباب المبارک بوصیة
وذلك فی عصرالشیخ علی کلیدار	منالمغفورالحاج محمدالوتار
نجل المرحوم الشیخ عبدالحمید.	
و أیقنتُ انی فائز بقبولها ^۱	خدمتکما یا سیدی بخدمة

۱ - دری به پاکی و معنویت در کاظمین است که بلند مرتبه و بر ستارگان اعتلا پیدا کرده است.

سلام و درود بر خاندان یاسین. علی (ع) با حق است و حق با علی (ع) است. آنانکه خشم و غضب خود را فرو نشانند و از بدی مردم درگذرند و خدا دوست دار نیکوکاران است. آل عمران: ۱۳۴.

۲ - چون محمد (بنی در) آن را ساخت تاریخ آنرا با این جمله: (جلّ بالکاظمین باب المراد ۱۳۶۸ هجری قمری) گفتم.

ولایت و دوستی علی علیه السلام دژ و حصار من است و هر که داخل دژ و حصار من گردد از عذاب من در امان است

تمکنت منها و هی غایة مجهودی فانکما أهل المکارم والجدود^۱

ب - درب جنوبی

نقره ای، بطول ۳ متر و ۴۰ سانتی متر و عرض ۲ متر و در سال ۱۲۹۴ هجری قمری ساخته شده است بعد از ساخت ابتداء در میانه طارمه باب المراد نصب شد و بعد به محل فوق منتقل گردید تا در محل قبلی آن درب طلائی نصب شود.

در چهار چوب آن نوشته ای نیست، حواشی دو لنگه آن را شعری فارسی در برگرفته و در وسط آن طرحهایی به شکل دایره و اشکال دیگر وجود دارد که در میان آنها جملات زیر نوشته شده است.

هو الواقف علی ضمائر العباد	راقمه فرهنگ بن الوصال الطائرة
این یکزوج باب شریف را بر آستانه	الحاج معتمد الدولة فرهاد میرزا
مبار که کاظمین صلوات الله وسلامه	ابن مرحمت وغفران مآب ولیعهد
علیهما و علی آباءهما الطاهرین که	دولت علیه ایران عباس میرزا
معروفست بناب المراد بوقف بنده	طیب الله ثراه وجعل بحایب
ذلیل خاکسار کلب آستان ائمه طهار	الجنان مثواه فی سنة
علیهم السلام ۱۲۹۴	اربع و تسعین و مائتین بعد الالف
	الأول من الهجرة المقدسه المباركة

۱- این درب مبارک بنا بر وصیت مرحوم مغفور حاج محمد و تار، به هزینة فرزندش میرزا داوود و در زمان تولیت شیخ علی کلیدار نواده مرحوم شیخ عبدالحمید ساخته شد.

ای سرور انم خدمت ناچیزی در حد توانم و در نهایت سعی و کوشش برای شما انجام دادم و یقین دارم که با قول آن رستگار خواهم شد، چون شما خاندان کرم و بخشش هستید.

کتابه‌العبدالجاننی ابن الوصال یزدانی خادم سید محمد مهدی نقاش

ج - درب میانه

این درب طلائی و به طول ۳ متر و ۷۰ سانتی متر و عرض آن ۲ متر و ۸۰ سانتی متر می باشد و در سال ۱۳۸۷ هجری قمری ساخته شده است.

روی قسمت بالای چهار چوب درب، تخته مستطیل شکلی از میناست که روی آن با طلا آیه مبارکه «وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رِبْهَمَ إِلَى الْجَنَّةِ زَمْرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُوهَا وَفَتَحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طُبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ» نوشته شده است. در دو طرف درب تخته ای از مینا به طول ۲ متر و عرض نیم متر می باشد و روی آنها کلمات زیر با طلا نوشته شده است:

(اللّٰهُ اَكْبَرُ . اللّٰهُ اَكْبَرُ . لا اله الا الله و الله اَكْبَرُ . الحمد لله على هدايته لدينه و التوفيق لمادعا اليه من سبيله . اللهم اِنك اَكْرَمُ مَقْصُودٍ و اَكْرَمُ مَا تَى ، و قد اُتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا اِلَيْكَ بِا بنى بنت نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا و على آبائِهِمَا الطاهرين و اَبنائِهِمَا الطيبين . اللهم صلِّ على محمد و آل محمد ، و لا تَحْيَبْ سَعْيِي ، و لا تَقْطَعْ رَجَائِي و اجعلنى عندك و جِيهاً فى الدنيا و الاخرة و من المقربين .^۱

۱ - خدا بزرگتر از حد وصف است، خدا بزرگتر از حد توهم است، خدائی بجز خدای یکتا نیست و خدا بزرگتر از اندیشه است. ستایش خدای را که ما را براه دین خود هدایت نمود و بر آن طریقه ای که دعوت به آن کرد ما را توفیق داد که دعوتش را اجابت کنیم. پروردگارا! تو بزرگترین و عالیترین مقصودی و بزرگوارترین کسی هستی که حاجتمندان به درگاہت روی می آورند و من بدرگاہت آمده ام درحالی که بدین بارگاہ تقرّب می جویم با توسل به دو فرزند ←

تقدیم کنندہ این درب طلائی حاج عبدالرسول علی صفار. با
 مساعدت: شیخ محمد حسین موید. سازنده مینا: شکرالله صنیع زاده،
 (اصفهان)

بر روی سه طرف چهار چوب در اشعاری بزبان فارسی است و
 قصیدہ عربی زیر نیز در روی این در نوشته شدہ است:

وجه ينير ووجه يستفيض هدى	وجہ ینیر ووجہ یستفیض ہدی
ففيهما الفوز دنيأً والنجاة غدا	ففیہما الفوز دنیا و النجاة غدا
أوالسنادلظهر يبتغى سندا	اوالسنادلظہر یبتغی سندا
كان الرفيع على بابيهما سجدا	کان الرفیع علی بابیہما سجدا
تجنبًا عنه فى دنياه وابتعدا	تجنبًا عنہ فی دنیاہ وابتعدا
اعتاب شهمين ما مدالك يدا	اعتاب شہمین ما مدالک یدا

→

دختر پیغمبرت کہ درود تو بر آنان و پدران پاک و فرزندان نیکوسرشت آنان باد.
 پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست و سعیم را در این راه ناکام و امیدم
 را ناامید مگردان و مرا نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از نزدیکان خود گردان.
 ۱ - دو چہرہ حق کہ ہرگز غیر خدا را عبادت نکردند یک چہرہ می درخشد و
 دیگری ہدایت می کند.

آن دو چہرہ امام کاظم و جواد علیہما السلام است پس بہ دامن آنان چنگ
 بزن کہ سعادت دنیا و رہائی روز قیامت در این است.
 آن دو برای کسی کہ تکیہ گاہ ندارد تکیہ گاہند و پشتیبان کسی کہ
 بدنبال پشتیبان است، می باشند.
 جای تعجب نیست اگر طلا با آنکہ بلند مرتبہ است بر در خانہ آنان سجده
 می کند.

با کسی کہ در دنیا از آنان دوری گزیدہ و دور شدہ، اما برای درک مواہب
 بہ در خانہ آنان آمدہ است

فلا تسلنى حديثاً عن مقامهما هما امامان ان قاما وان قعدا
 فالشم لال رسول الله تربيتهم واعقد على حبه من تبرك العقد
 هم عدة النفس ما ارتاب بعدتهم هم كالشهور اذا احصيتهم عددا
 قد عاهدوا الله في التقوى وعاهد هم بنصره فوفى كل بما وعدا
 شاء الطغاة لها التفريق فاجتمعت شمالاً وأصبح شمل المعتدى بددا
 فكل منفى لهم أمسى لهم وطناً وكل معتقل أمسى لهم بلدا
 تحججه الناس من أقصى البلاد كما يحج للبيت يبغى الحق من قصدا
 فاعجب لغاية مظلومين قد قهرا كيف انتهت وكذا من عاش مضطهداً^۱

۱ - ای طلای درخشان راضی و شاد باش در بارگاه این دو رادمرد، مادامی که دست زائران بر تو کشیده می شود.

از مقام و منزلت آنان از من سؤال نکن، همانا آنان امامند، بایستند یا که بنشینند.

خاک درگاه اهل بیت رسول خدا را ببوس و دل خود را با دوستی او پیوند بزن که پیوند مبارکی است.

آنان نیرو و توان جانند و در این شکی نیست، و آنان همانند ماههای دوازده گانه اند هنگامی که آنان را می شماری

آنان با خدا پیمان تقوی بستند و خدا با آنان پیمان یاری بست و هر دو به آنچه وعده کردند وفا نمودند.

طواغیت جمع شدند و خواستند که مردم را از آنجا متفرق کنند، لکن اتحاد تجاوز کاران پراکنده و از بین رفت

هر تبعیدگاهی برای آنان وطن شد و هر زندانی برای آنان شهر گردید.

از دورترین جاها مردم بقصد زیارت آنان می آیند همانطوری که حق جویان خانه خدا را زیارت می کند

در شگفتی از - پایان کار این دو امام مظلوم که در زندگی مقهور واقع شدند

أن أصبحوا للورى كهفك تلوذبه وللعفاة إذا ما ابلسوا عمدا
 كم فرجت بهم جلى أشم به ضاق الزمان فامسى عيشه نکدا
 فمن دجا ليل مسرا استنار بهم ومن أضاع هدى خير بهم وجدا
 قوم هم زاد من يمشى لخالفه وفداً اذا الزاد من اعماله نفدا
 حوض الولاء وحوض الكوثر اتحدا بهم ليمتاز عن صدمن وردا
 اليهم أنهت الدنيا مفاخرها من دونهم آدم فخراً وما ولدا
 وان تلفت الدنيا لمعتصم ملء الفراغ سواهم لم تجد أحدا
 قد أحكموا العروة الوثقى بخالفهم وصلأفلم يتفصم عقدها زردا
 ما قيمة التبر ممن اذ نورخهم (سبح النضار على أبوابهم سجدا)
 ۱۳۸۷ کتبه فضائلى

→ و کسانی که فداکارانه زندگی کردند! - که چگونه قبرشان بعد از شهادت پناه دردمندان و توبه کنندگان گردید.

چه بسیار زندگیهای تنگ و گرفته ای که بوسیله آنان گشایش یافته است.
 کسی که چراغ زندگی خاموش شده بوسیله آنان روشن می گردد و کسی که هدایت و خوبی را از دست داده بوسیله آنان بدست می آورد.
 آنان توشه راه کسانی که در راه خدا حرکت می کنند و زاد و توشه خود را از دست داده اند، هستند.

حوض ولایت و امامت و حوض کوثر بوسیله آنان با هم متحد شده اند تا میان کسی که مانع می شود و کسی که وارد می گردد فرق گذاشته شود.
 مفاخر و ارزشهای جهان در وجود آنان پایان یافته است و حضرت آدم جز آنان، فخری نزاده است.

اگر جهانیان خوب توجه کنند غیر از آنها تکیه گاه محکمی نخواهند یافت.
 آنان پیوند خود را با خدا بازنجیر محکم و مطمئنی بسته اند که هیچ قطع کننده ای نمی تواند حلقه های آن را قطع کند.

در وسط دو لنگه درب اشکالی است که داخل آنها جملات زیر جای گرفته است.

الامام محمد الجواد	الامام موسی بن جعفر
محمد بن علی جواد الاثمه	موسی بن جعفر باب الحوائج
قل لاأسألکم علیہ اجرأ الا الموده	انما یرید اللہ لیذهب عنکم الرجس
فی القربی ^۳	اهل البیت و یتطهروا ^۲
قلمزنی: احمد دیناری و خطاطی:	زرگری و طلاکاری حاج محمد
حبیب اللہ فضائلی، بنظارت حاج	حسین پرورش، میناسازی
میرزا ابوالقاسم کوپائی بمساعی	شکر اللہ صنیع زاده، ماهداء
الشیخ مؤید فی عهد الحاج	الحاج عبدالرسول علی الصفار
فاضل الکلیدار	

(به عکس شماره ۱۸ رجوع شود)

درب وسط این رواق از طرفی که متصل به روضه منوره می باشد ایوان بزرگی است که در آن مرقد پاک شیخ مفید است و بین رواق و ایوان پنجره ای فولادی قرار دارد که آن دو را از هم جدا می سازد.

۱- خاک زردارچه ارزشی دارد در پیشگاه آنان که در تاریخشان می گوئیم:
«طلای ناب بر درگاه آنان سجده کنان و تسبیح گوی است»

۲- احزاب: ۳۳.

خدا چنین می خواهد که رجس هر آرایش را از شما اهل بیت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.

۳- شوری: ۲۳.

بگو من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید.

روی شبکه های پنجره فولاد کلمات زیر بطور جداگانه با فولاد نوشته شده است:

(یاالله. یارحیم. یا حکیم. یاحلیم. یاعلیم. یا کریم. یاالله. یامحمد. یاعلی. یافاطمه. یاحسن. یاحسین. یاعلی. یامحمد. یاجعفر. یاموسی. یاعلی. یامحمد. یاعلی. یاحسن. یامهدی. هولاء. ائمتی. و سادتی. وقادتی. وشفعائی. فی یوم. القيامة. هذا. مرقد الشيخ المفید. علیه. الرحمة^۱.)

سنة ۱۳۲۸. یاالله.)

بدنبال کلمات فوق، نوشته ای فولادی به اندازه طول پنجره آمده

که مشتمل بر اشعار زیر در رثاء شیخ مفید است:

لاصوت الناعی بفقدک انه یوم علی آل الرسول عظیم
ان کنت قد غیبت فی جدث الثری فالعدل والتوحید فیک مقیم
والقائم المهدی یفرح کلما ثلثت علیک من الدروس علوم^۲

۱ - ای خدا، ای مهربان، ای حکیم، ای بردبار، ای دانا، ای بخشنده.

یامحمد، یاعلی، یافاطمه، یاحسن، یاحسین، یاعلی بن الحسین، یامحمد بن علی یا جعفر یا موسی، یا علی بن موسی، یا محمد بن علی، یا علی بن محمد، یاحسن بن علی، یامهدی. اینها پیشوایان و سروران و راهنمایان و شفیعان من در روز قیامتند. اینجا آرامگاه شیخ مفید علیه الرحمة است.

۲ - نه تنها مصیب زده در فقدان تو فریاد و ناله کرد، بلکه فقدان تو بر

خاندان پیامبر سنگین آمد.

اگر تو در زیر خاک پنهان شدی، همانا عدل و توحید نیز با تو پنهان شده است.

و امام مهدی علیه السلام هر زمان که درسی از علوم در نزد تو خوانده

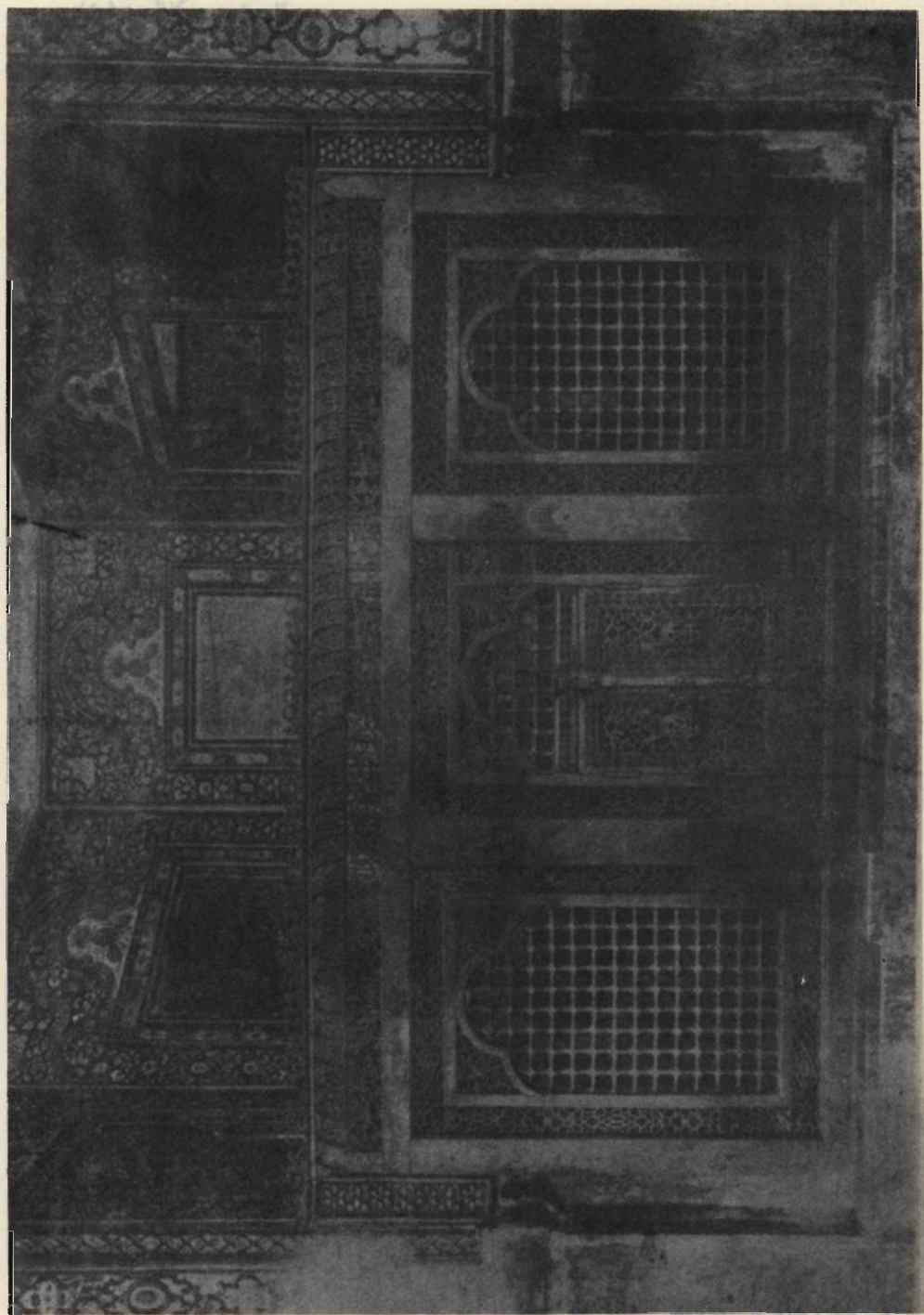
می شد، شاد می گردید.



(عکس شماره ۱۸)

«عکس درب طلائی که درمیانہ طارمہ باب المراد است»

(عکس شماره ۱۸) و طارمہ باب المراد است



(عکس شماره ۱۶) «پنجره های میر سیخ معین»

در اطراف پنجره فولاد کلمه «یا الله» سه مرتبه و کلمه «یا محمد» دو مرتبه و کلمه «یا علی» نیز دو مرتبه نوشته شده است. در قسمت بالا داخل ایوان قطعه سنگ مرمری است که جملات زیر بر آن حفر و کنده شده است:

(اینجا قبر شیخ مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان بن عبدالسلام تلکبری بغدادی است. یازدهم ذی العقده سال ۳۳۶ بدینا آمد و شب سوم ماه مبارک رمضان سال ۴۱۳ از دنیا رفت و در این مکان کنار قبر استادش، شیخ فقیه ابوالقاسم جعفر بن قولویه قمی متوفای سال ۳۶۸ دفن گردید). (به عکس شماره ۱۹ رجوع شود)

۴ - رواق جنوبی

این رواق بطول ۲۸ متر و عرض ۴ متر و ۳۰ سانتی متر و از طرف شمال متصل به روضه است و بین روضه و این رواق دربی قرار دارد که شرح آن گذشت. از طرف جنوب نیز متصل به طارمه باب القبله بوده و بین رواق و طارمه باب القبله سه درب است که شرح آنها را در زیر می آوریم:

الف - درب شرقی

این درب چوبی است و هیچ طرح و یا نوشته ای ندارد. در بالای آن مثلثی بزرگ از کاشی که کلمات زیر بطور جداگانه در بین نقوش آن آمده است، وجود دارد.

موسی ابن جعفر والجواد و من هما سیر الوجود
 هذا ملاذ الخائفین و ذاك میأوی لئو فئودا

۱ - امام کاظم و امام جواد علیهما السلام کیستند؟ آنها رمز و راز وجودند.

سنة ۱۳۶۰.

در وسط مثلث فوق اشعار زیر نیز نوشته شده است:

لذباب للجوادین غدا	صدر أهل الدین فیہ منشرح
تسجد الأملاک فی اعتابه	و به من لاذبالخیر ریح
قلتُ للسائل عن تاریخه	(لذباب للجوادین فتح) ^۱

ب - درب غربی

این درب چوبی است و هیچ نوشته ای در آن نیست بالای آن کاشی معرقی است که در وسط آن ابیات زیر نوشته شده است:

باب قدس للجوادین به	کل هم للبرایا ینجلی
بالا مامین ثری أعتابه	شرفاً فوق الثریا یعتلی
ایها السائل عن تاریخه	(قم فبشر فاتح الباب علی) ^۲

→ این (امام کاظم علیه السلام) پناه بی پناهان است و آن (امام جواد علیه السلام) پناهگاه واردین است.

۱ - به بارگاه جوادین (امام کاظم و جواد علیهما السلام) پناه ببر. دل مؤمنان در این آستانه روشن می شود.

پادشاهان در آستانش سجده می کنند. و هر کس بخوبی به آنجا پناه آورد سود خوبی برده است.

به کسی که از تاریخ آن پرسید گفتم: به درگاه جوادین پناه ببر که باز است.

۲ - بارگاه پاکی برای امام کاظم و امام جواد علیهما السلام است که در آن هر غم و اندوهی برطرف می شود.

بارگاهی که شرافت آستانش بالاتر از ثریا است.

ای کسی که از تاریخ این نوشته می پرسی برخیز و بشارت باد که بازکننده

در علی است.

بعد از این اشعار آمده است: مورخ و نویسنده، شیخ جعفر نقدی
سال ۱۳۵۷ هجری قمری

ج - درب میانه

این درب طلائی، بطول $\frac{3}{5}$ متر و عرض ۲ متر و ۶۰ سانتی متر می باشد و در سال ۱۳۸۳ هجری قمری ساخته شده است. ورقه مستطیل شکلی از مینا متصل به قسمت بالای چهار چوب است که روی آن با طلا جملات زیر نوشته شده است:

(الله اکبر. الله اکبر. لا اله الا الله والله أكبر. الحمد لله على هدايته
لدينه و التوفيق لما دعا اليه من سبيله. اللهم انك اكرم مقصود و اكرم
مأتي، و قد أتيتك متقرباً اليك بابني بنت نبيك صلواتك عليهما و علي
آبائهما الطاهرين و ابنائهما الطيبين اللهم صل على محمد و آل محمد
و لاتخيب سعيي ولا تقطع رجائي واجعلني عندك وجيهاً في الدنيا و
الآخرة و من المقربين^۱.)

۱ - خدا بزرگتر از آن است که توصیف شود، خدا بزرگتر از آن است که در وهم آید، و خدایی بجز خدای یکتا نیست. ستایش خدای را که ما را براه دین خود هدایت نمود و بر آن طریقه ای که دعوت به آن کرد، ما را توفیق داد که دعوتش را اجابت کنیم.

پرورد گارا! تو بزرگترین و عالیترین مقصودی و بزرگوارترین کسی هستی که حاجتمندان بدر گاهت روی می آورند. من بدر گاهت آمده ام در حالی که بدین بارگاه تقرب می جویم با توسل به دو فرزند دختر پیغمبرت که درود تو بر آنان و پدران پاک و فرزندان نیکوسرشت آنان باد. پرورد گارا! بر محمد و آل محمد درود فرست و سعیم را در این راه ناکام، و امیدم را ناامید مگردان و مرا نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از نزدیکان خود گردان.

اهدا کننده حاج عبدالرسول علی الصفار، با مساعدت شیخ محمدحسین مؤید، سال ۱۳۸۳.

در دو طرف راست و چپ درب دو تخته متصل به چهار چوب است که روی اولی نوشته شده:

(یا ابا جعفر مولانا محمد بن علی البرالتقی الجواد علیه السلام) و روی دومی نوشته شده: (یا ابا ابراهیم مولانا الامام الهمام موسی بن جعفر الکاظم علیه السلام).

زیر قسمت بالای چهار چوب ورقه ای متصل به آن است که روی آن با طلا آیه مبارکه: (و سيق الذين اتقوا ربهم الى الجنة زمراً حتى اذا جاؤوها و فتحت أبوابها و قال لهم خزنتها سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين) نوشته شده بر روی سه طرف دیگر چهار چوب شعری فارسی وجود دارد.

قصیده زیر نیز پیرامون دو لنگه در نوشته شده است

باب تجلی نوره و ضیاؤه و بدا امام الناظرین بهاؤه
 قد صیغ من ذهب یضیء و فضة تزهو فأشرق حسنه و رواؤه
 بهر العقول جماله و کماله و حکى النجوم صفاؤه و نقاؤه
 هو آیه فی الفن ابداع صنعه فکر انار له السبیل و لاؤه^۲

۱- شعر مورد بحث در متن عربی کتاب ذکر نشده است. م.

۲- دری که نور و روشنی آن، در پیش چشم بینندگان آشکارا متجلی است. از طلایی که می درخشد و نقره ای که می تابد، ساخته شده و زیبایی و دلربایی آن درخشان است.

کمال و زیبایی آن عقلمها را خیره و مبهور کرده است و صفا و روشنایی آن بیانگر درخشندگی ستارگان است.

باب تود الشمس لو هی اثبتت	فیه فاین سناوہا و سناوہ
باب الکرامۃ والامامۃ والهدی	وعلیہ نوراللہ جل ثناوہ
باب الحوائج ما دعا متضرع	بحماہ الا واستجیب دعاوہ
باب المراد وما أتاه مروع	الا وزال بلاوہ و عناوہ
باب الرجاء و فیه یزدھر المنی	ما جاءہ راج وخاب رجاوہ
باب العطاء و ما استجار بظلیہ	مستعطف الا وزید عطاوہ
فی بقعۃ سعدت بأقدس مرقد	قد ناطح السبع الشداد بناوہ
باق علی مر العصور وانہ	یوحی بمختلف العظاۃ بقاوہ ^۱

→ آن در، معجزه ای در هنر است، اندیشه و فکر کسی آن را ساخته که راه او را «ولایت» روشن کرده است.

۱ - دری که خورشید دوست داشت که در آن ثابت بود، درخشش خورشید کجا و درخشش این در کجا؟

در کرامت، امامت و هدایت که بر آن نور خداوند بزرگ تابیده است. باب الحوائج را هیچ گرفتاری به یاری نطلبید، مگر اینکه دعایش مستجاب شد.

و هیچ وحشت زده ای بر باب المراد (امام جواد علیه السلام) وارد نشد، مگر اینکه گرفتاری و دردهایش زایل گردید.

در گاه امیدواران که آرزوها در آن می شکند و هیچ امیدواری وارد آن نشد که ناامید بر گردد.

بارگاہ عطا و بخشش است و هیچ طالب عطا و بخششی به سایه آن پناه نیاورد، مگر اینکه عطا و بخشش اش افزون گردید.

در بقعه و بارگاهی که با پاکترین قبرها سعادتمند شده است و بنای آن را آفریننده هفت آسمان بلند کرده است.

در طول گذر زمان باقی مانده و باقی آن را در آینده نیز با پندهای گوناگون بشارت می دهد.

فَكَأَنَّ هَذَا الْقَبْرَ سَفَرُهُ خَالِدٌ
 هُمُ الَّذِينَ بِفَضْلِهِمْ قَامَ الْهَدْيُ
 وَ هُمُ الَّذِينَ تَشَرَّفَتْ وَ تَقَدَّسَتْ
 آلُ النَّبِيِّ وَ انْهَمُ خُلَصَاؤُهُ
 هُمُ فَرَعُ دُوحَتِهِ وَ عَيْبَةُ سِرِّهِ
 فِيهِمْ تَجَسَّدَ عِلْمُهُ وَ كَمَالُهُ
 وَ بِهِمْ تَجَلَّى عَدْلُهُ وَ جِهَادُهُ
 بَيْتُ النَّبُوَّةِ وَ الْإِمَامَةِ حَيْثُ قَدْ
 لَلَّهُ بَيْتُ أَيْنَمَتِ أَثْمَارِهِ

و كَانَ مِنْ طَاقُوا بِهِ قِرَاؤُهُ
 وَ بَدَتْ مَعَالِمُهُ وَ رَفَّ لَوَاؤُهُ
 أَرْضُ الْعِرَاقِ بِقَبْرِ هُمُ وَ سَمَاوُهُ
 دُونَ الْأَنْبَاءِ وَ انْهَمُ خُلَفَاؤُهُ
 وَ الْمَرْءُ يَحْمَلُ سِرَّهُ أَيْنَاؤُهُ
 وَ بِهِمْ تَجَسَّمُ عِزُّهُ وَ مِضَاؤُهُ
 وَ بِهِمْ تَمَثَّلُ زَهْدُهُ وَ سَخَاؤُهُ
 بَلَغَ الْكَمَالَ رِجَالُهُ وَ نِسَاؤُهُ
 فِي الْخَافِقِينَ وَ أُورِفَتْ أَفْيَاؤُهُ^۱

۱ - گویا این قبر کتاب جاویدانی است و طواف کنندگان آن خوانندگان

این کتابند.

آنان کسانی هستند که با فضل و دانش آنان هدایت قوام یافته و پرچمهای
 آن آشکار شده و به اهتزاز درآمده است.

آنان کسانی هستند که زمین و آسمان کشور عراق بوسیله بارگاه آنان
 شرافت و ارزش پیدا کرده است.

آنان اهل بیت پیامبر و مخلصین راستین وی و جانشینان اویند.

آنان شاخه ای از درخت تنومند وی و گنجینه اسرار اویند و اسرار انسان را
 فرزندانش نگهداری می کنند.

دانش و کمال پیامبر در وجود آنان تجسم یافته و اراده و عزم و خواسته وی
 بوسیله آنان تحقق پیدا کرده است.

عدالت و جهاد او به سبب آنان متبلور شده و زهد و بخشش وی نیز بوسیله
 آنان نمایان شده است.

آنان خاندان نبوت و امامتند و زن و مرد این خاندان به کمال رسیده اند.

چه خاندانی که، میوه های آن در خاور و باختر جهان روئیده و سایه های آن

سبز و خرم شده است!

وتفجرت أنهاره و تلالأت
وسرت الی کل الشعوب هبائه
- بیت جمیع الکائنات لأجله
انواره و تقدست آلاؤه
وترددت ما بینهم أصداؤه
قامت و کل العالمین فداؤه^۱
جملات زیر نیز روی دو لنگه در نوشته شده است:

حاج عبدالرسول صفار	بانی این در طلائی
با مساعدت شیخ موید	متمسک به ولایت ائمه اطهار (ع)
من شهر علمم و علی دروازه آنست	رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
و بادوستی او گناه ضرر نمی رساند	دوستی علی حسنه است.
شیخ علی کلیدار	در اصفهان در زمان
و قلمزنی: احمد دیناری و نظارت:	به زرگری حاج محمد حسین
حاج میرزا ابوالقاسم کوپایی	پرورش طراحى و مینا
به اتمام رسید	سازی: شکرالله صنیع زاده

طارمه ها

اطراف رواقهای شرقی، غربی و جنوبی را سه طارمه وسیع در
برگرفته است این طارمه ها سقف دار و مستطیل شکل و بوسیله

۱ - و نهرهای آن جاری شده و انوار آن متجلی و ارزشهای آن متعالی گردیده
است.

خاندانی که بخشهای آنان میان همه مردم جریان دارد.
خاندانی که همه کاینات بخاطر آنها ایجاد شده و همه جهانیان طفیلی
آنهاست

نرده های آهنی مشبک، از صحن جدا می شود و زوار در آنها خود را از گرمای تابستان و باران و سرمای زمستان حفظ می کنند و موقع ازدحام جمعیت در آنجا می نشینند و از راهروهای دو طرف طارمه از آنجا وارد رواقها می گردند و اسباب و وسایل خود را در آنجا می گذارند. اما رواق شمالی به هیچیک از طارمه محدود نمی شود چون دیوار آن متصل به مسجد صفوی است که شرح آن در صفحه ۶۱-۶۲ گذشت.

در زیر بطور اجمال خصوصیات طارمه های سه گانه را می آوریم:

۱ - طارمه شرقی «طارمه باب المراد»

طول این طارمه ۴۹ متر و عرض آن ۵ متر و ۲۰ سانتی متر می باشد. اصل آن در سال ۱۲۸۱ هـ ساخته شد و در سال ۱۳۷۶ هـ بعد از اینکه چوبهای آن پوسیده شده بود تجدید بنا گردید و ستونهای چوبی آن - که ۲۲ عدد بود - به ده ستون تقلیل پیدا کرد و سقف آن آئینه کاری شده و کتیبه ای از کاشی نزدیک سقف در امتداد طول آن نصب و آیاتی از قرآن کریم بر آن نوشته شد. سیدعلی هاشمی تاریخ این تجدید بنا را در اشعاری که به همین مناسبت سروده، آورده است:

ایوان قدس بالجوا	دینِ سمتِ مباهجه
فاق علی وادی طوی	و شرفت معارجه
جُدّد فی عهد علی	مَنْ زکت نتائجه ^۱

۱ - ایوان پاک و مطهری در جوادین (حرم کاظمین) می باشد که درخشنده گی آن باشکوه است.

از وادی طوی برتر و درجات آن بلند است.

در زمان تولیت علی تجدید بنا شد.

السادن النذب الذی مرضیة مناهجه
 مَن جَاءه أرخ (به تُقضى له حوائجه) ^۱
 در وسط این طارمه و چسبیده به دیوار حرم ایوان طلائی بزرگی
 است که ناصرالدین شاه قاجار پادشاه ایران در سال ۱۲۸۵ هجری قمری
 طلای تذهیب کاری آنرا اهدا کرده است. بر سر در ایوان این جمله با
 طلا نوشته شده: (شیده السلطان بن السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه
 قاجار ۱۲۸۵) زیر این کتیبه در طرف راست و چپ ایوان در میان دو
 حاشیه تزیین شده این جمله نوشته شده است: (السلطان بن سلطان ناصر
 الدین شاه قاجار) روی سه طرف دیوار درون ایوان کتیبه ای است که
 روی آن جملات زیر با طلا بچشم می خورد

اللهم صلّ علی المصطفى محمد .

و المرتضى علی .

و البتول فاطمة .

و السبطين الحسن و الحسين .

و السجاد علی بن الحسين .

و الباقر محمد بن علی .

و الصادق جعفر بن محمد .

و الکاظم موسی بن جعفر .

و الرضا علی بن موسی .

و الجواد محمد بن علی .

و الهادی علی بن محمد .

۱ - همان تولیتی که آثارش پاکیزه و راه و روشش مورد رضایت است.

هر کس به آنجا آمد (این تاریخ ابه تقضی له حوائجه ۱۳۶۷ هجری قمری) را

به او هدیه بده)، حاجاتش برآورده می شود.

و العسکری الحسن بن علی.
و الحجة القائم المنتظر المهدي.

۲ - طارمه جنوبی «طارمه قبله»

این طارمه بطول ۴۷ متر و ۲۰ سانتی متر و عرض ۶ متر، اولین بار در سال ۱۲۸۵ ساخته شد و سپس در سال ۱۳۷۷ تجدید بنا گردید و پایه های چوبی چهارده گانه آن به هشت پایه بتونی تبدیل و سقف آن با شیشه و آئینه کاری مزین گردید و کتیبه ای از آیات قرآن در قسمت بالای سقف داخلی آن نوشته شد. سیدعلی هاشمی تاریخ تجدید این بنا را در شعری که بهمین مناسبت سروده، آورده است:

ایوان قدس بالجوادین سما	بحسنه فاق الرياض الزاهية
قدجدوا بناه وأشرقت	فيه المرايا كالشموس الضاحية
انظر لعرشه وارحه (کما	يحمل عرش، مجده ثمانية) ۱

در وسط این طارمه ایوان بزرگی مزین به طلا و آئینه کاری متصل به دیوار حرم وجود دارد که از وسط آن، درب رواق، طلایی باز می شود و این ایوان در سال ۱۲۵۵ هجری قمری به خرج حمدشاه قاجار شاه ایران طلاکاری شد، این در حالی بود که این طارمه هنوز ساخته نشده بود.

در قسمت بالای ایوان دو حاشیه طلایی در طرف چپ و راست

۱ - ایوان پاک و مطهری برای حرم کاظمین برپا شد که با حسن و زیبایی خود بر باغهای سرسبز و خرم برتری یافته است.

بنای آن را تجدید کردند و آئینه ها در آن مانند خورشید تابان می درخشند. به سقف آن نگاه کن و تاریخ تجدید بنا را بنویس همچنان که سقف باشکوهش روی هشت پایه استوار است.

وجود دارد که روی حاشیه طرف راست نوشته شده است: (قال الله تعالی: ان الله و ملائکته یصلون علی النبی) و روی حاشیه سمت چپ نوشته شده است: (یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما)^۱.

اما در دو حاشیه ای که در دو گوشه بالای ایوان واقع است و در آن نام (طغراء آل عثمان با تاریخ ۱۳۲۲) آمده است ارتباطی به ساخت اولیه طارمه و تجدید بنای آن و تذهیب و آئینه کاری آن ندارد و صرفاً بنخاطر رضایت و خوشنودی حاکمان ترکیه و یا ترس از آنان نوشته شده است.

در سال ۱۳۷۹ هجری قمری مجدداً طلاهای این ایوان صیقل و جلا داده شد و آئینه کاری آن که سطح آن بر اثر تغییر آب و هوا زنگ گرفته بود نیز تجدید گردید.

۳ - طارمه غربیه «طارمه قریش»

این طارمه به طول ۳۷ متر و عرض ۶ متر و ۵۰ سانتی متر می باشد و تاکنون بهمان شکل اولیه که در صفحه ۱۲۷ این کتاب گذشت بوده و تغییری پیدا نکرده است.

صحن

از طرف شرق و غرب و جنوب فضایی وسیع و بزرگ حرم را احاطه کرده که صحن نامیده می شود. این صحن با سیمان فرش شده و در اطراف آن نماز برگزار می شود و زوار فقیر و محروم شب و روز در

۱ - خدا و فرشتگانش به روان پاک پیامبر درود می فرستند. شما هم ای اهل ایمان بر او صلوات و درود بفرستید و با تعظیم و اجلال بر او سلام گوئید.

آنجا بسر می‌برند. دیواری بزرگ و ضخیم که «دیوار صحن» نامیده می‌شود آن را از خیابانهای اطراف جدا می‌سازد، از زمانی که ساخته شده (۱۳۰۱) تا کنون دست نخورده باقی مانده و چیز قابل ذکری در آن بوجود نیامده است جز ترمیم و تجدید بعضی از آجرهای دیوار و گشایش چند درب بین صحن و راهروهای متصل بدان برای جلوگیری از ازدحام جمعیت و سهولت در رفت و آمد زوآر.

دیوار صحن همانطور که پیداست از بیرون عادی و معمولی و از آجر می‌باشد و هیچ گونه تزیین و نقشی ندارد لکن از درون دست عنایت مردان هنرمند و نیکوکار متوجه آن شده و آن را بصورت نمونه ای از قشنگی و زیبایی و عظمت درآورده و جلوه ای کامل از معماری و هنر اسلامی است.

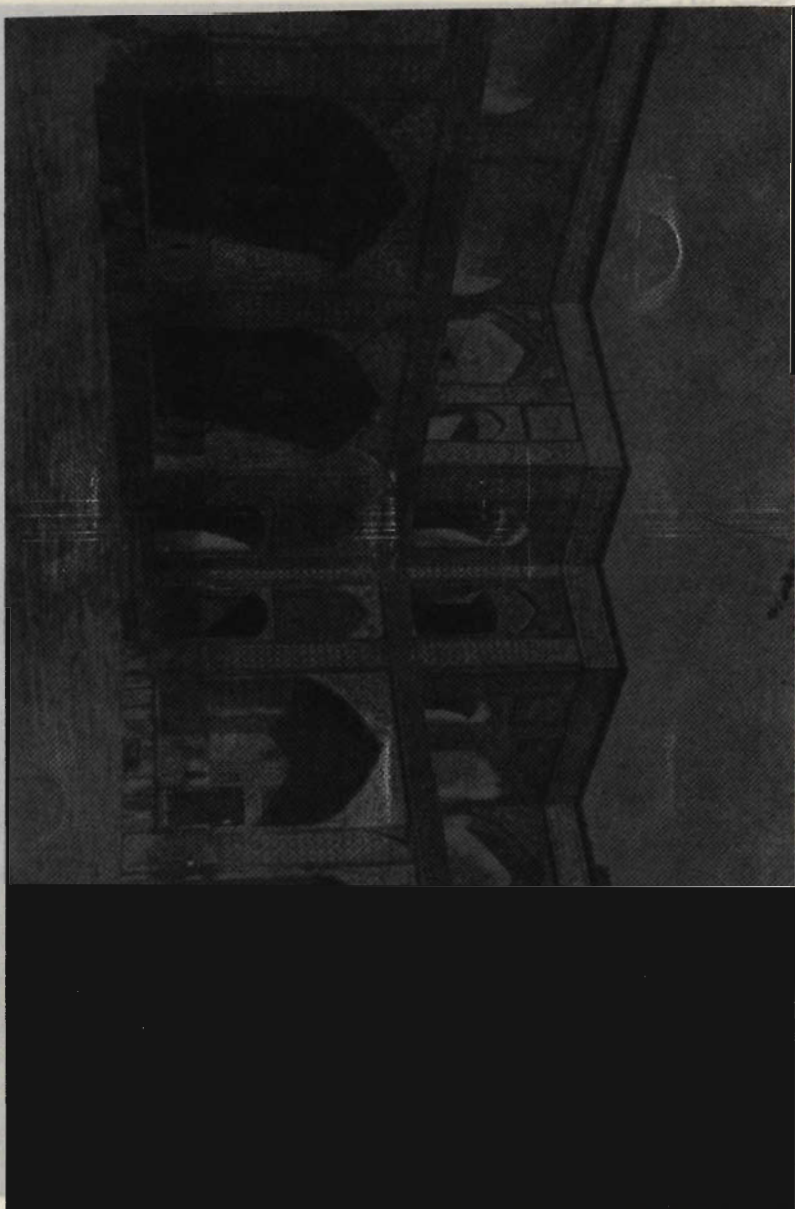
در اطراف و قسمت داخلی صحن حجره هایی قرار دارد و جلوی هر حجره ایوانی مخصوص آن ساخته شده که اطراف آن بنا کاشی پوشیده شده است. (به عکس شماره ۲۰ رجوع شود)

دربهای مختلف و پراکنده - که هم اکنون به ده عدد می‌رسد - بین این حجره ها و صحن شریف برای ورود و خروج طبیعی ایجاد گردیده است و دربهای اصلی سه گانه که در وسط دیوار شرقی، جنوبی و غربی قرار دارد به شکلی جالب و منظم خودنمایی می‌کند چون اطراف آنها را کاشی تزیین شده احاطه کرده و دارای ارتفاعی بلند است، حجره های بزرگی نیز روی هر یک از ایوانهای سه گانه به اندازه امتداد سقف راهروهای متصل به درب وجود دارد و روزنه هایی برای هر یک از این حجره ها به داخل صحن و بیرون آن قرار داده شده است.

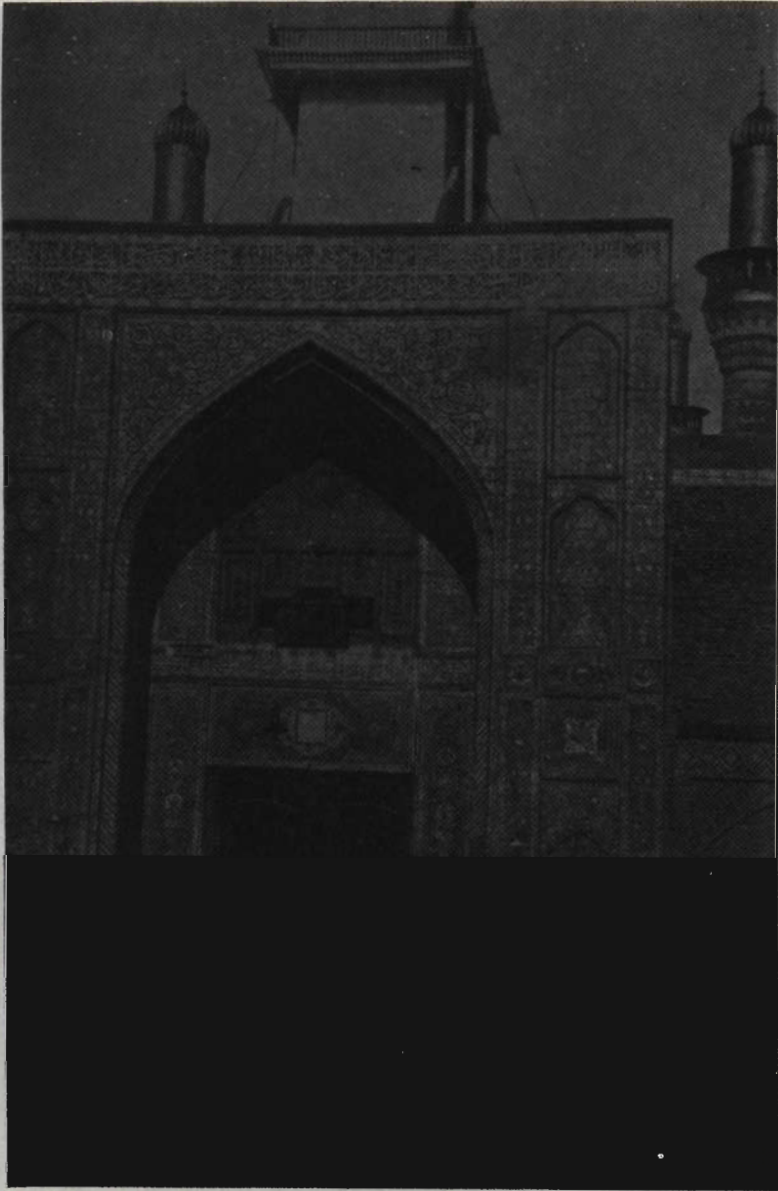
(به عکس شماره ۲۱ رجوع شود)

در زیر خصوصیات را که هم اکنون در چهار طرف دیوار صحن

«عکس گوشه ای از دیوار داخلی صحن»
(عکس شماره ۲۰)



۱۳۱ (تاریخ بهار) ناصرالدین شاه
«... با طاقچه»
بدقیال این جنلات دو بیت شعر فارسی نوشته شده است
لا - دو بیت شعر مذکور در متن نیامده است.



سقف راهروهای متصل به در روزنه‌هایی برای هر یک
(عکس شماره ۲۱) از این حجره‌ها به داخل عکس شده است.

«عکس باب القبله از بیرون»

در زیر تصویر عیاشی را که هم اکنون در چهار طرفه دیوار سخن

موجود است می آوریم:

۱ - دیوار شمالی

طول این دیوار ۱۲۱ متر و ۲۰ سانتی متر است و غرفه ها و اطاقهای آن ۱۱ عدد می باشد هفت عدد از اطاقهای مذکور در قسمت شرقی و چهار عدد در قسمت غربی آن قرار دارد. اطاقهای وسطی به دیوار مسجد جامع صفوی متصل می باشد.

در این قسمت از دیوار شمالی دو درب باز می شود یکی از «صحن المراد» که به «باب الجواهریه» معروف است و دومی از «صحن قریش» که معروف به «باب قریش» است و هیچ گونه نوشته و یا متن تاریخی روی آنها نیست.

۲ - دیوار شرقی

طول این دیوار ۱۳۴ متر و تعداد اطاقهای آن ۲۲ عدد می باشد و سه درب در آن واقع شده است:

الف - «باب الفرهادیه» که در گوشه شمال شرقی دیوار واقع شده است. روی قسمت داخلی آن از طرف صحن چیزی نوشته نشده لکن روی قسمت بیرونی آن آیات اول سوره مبارکه فتح نوشته شده و پس از آن عبارات زیر آمده است:

باب فرهادیه

ناصر الدین شاه

السلطان

۱۳۰۰

بدنبال این جملات دو بیت شعر فارسی نوشته شده است^۱

۱ - دو بیت شعر مذکور در متن نیامده است. م

ب - دربی که در بین وسط دیوار و شمال آن واقع است، بر روی آن از داخل چیزی نوشته نشده است لکن در بالای قسمت بیرونی آن روی کاشیها آیات زیر نوشته شده است:

(قال الله تعالى: قل لا أسألكم عليه أجراً إلا المودة في القربى، و قال عزوجل أيضاً: قل ما سألتكم من أجرٍ فهو لكم و قال جل شأنه أيضاً: انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهر كم تطهيراً. صدق الله).

پس از آیات فوق در وسط جمله «باب الرجاء» یعنی «در امید» نوشته شده است این درب در بنای اصلی و اولیه دیوار نبود و در سال ۱۳۷۶ هجری قمری باز شد

ج - درب بزرگی که در وسط دیوار است و «باب المراد» نامیده می شود. از داخل و خارج روی سر در آن نوشته های زیر به چشم می خورد.

در قسمت بالای سر در از داخل صحن سوره مبارکه الضحی بطور کامل روی کاشی نوشته شده و چنین می نماید که از کتیبه های جدید باشد. در قسمت میانه زیر حجره و بالای طاق در جملات زیر به چشم می خورد:

(قد أمر بعمارة هذا الصحن و هو الذي افتخرت به غرفات الجنان الأشرف الأرفع الأمجد و الامتد الدولة فرهادميرزا، أدام الله عزه و جلاله و اقباله، بجاه محمد و آله الطاهرين سنة ثمان و تسعين و مائتين بعد الألف من الهجرة النبوية المقدسة؛ عليه آلاف الثناء التحية).^۱

۱ - دستور تعمیر این صحن را - که غرفه های بهشت بدان افتخار می کنند - عالیمقدار، بلند مرتبه و بزرگوار، معتمدالدوله، فرهاد میرزا در سال ۱۲۹۸ هجری قمری صادر کرد، خداوند عزت و شوکت او را به آبروی محمد و خاندان پاکش،

در بالای درب نیز از بیرون آیات زیر روی کاشی نوشته شده است:

(قال الله تبارك و تعالی عزوجل: «و سيق الذي اتقوا ربهم الى الجنة زمراً حتى اذا جاؤوها و فتحت ابوابها و قال لهم خزنتها سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين، وقالوا: الحمد لله الذي صدقنا و عدنا و أورثنا الأرض نتبواً من الجنة حيث نشاء فنعم أجر العاملين، و ترى الملائكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد ربهم، و قُضِيَ بينهم بالحق و قيل: الحمد لله رب العالمين. صدق الله العلی العظيم، و صدق رسوله النبی الکریم).^۱

در وسط زیر حجره نیز آیه ۷۳ سوره مبارکه زمر و اسم نویسنده آن نصرالله مشهدی و سال کتابت آن (۱۲۹۹) نوشته شده است.

بعد از نوشته فوق قطعه سنگی از مرمر بالای چهار چوب در نصب است و روی آن اشعاری کنده شده که نتوانستیم آن را بخوانیم.

در گوشه جنوبی این دیوار درب کوچکی قرار دارد و به

→
پایدار بدارد.

۱ - سوره زمر: ۷۵ - ۷۳

و متقیان خدا ترس را فوج فوج بسوی بهشت برند و چون بدانجا رسند همه درهای بهشت را برویشان با احترام بگشایند و خازنان بهشتی بتهنیت گویند: سلام بر شما باد که چه عیش ابدی نصیب شما گردید، حال در این بهشت ابد درآیید و جاودان متنعم باشید. و گویند ستایش خدای را که وعده لطف و رحمتش را بر ما محقق فرمود و ما را وارث همه سرزمین بهشت گردانید تا هر جای آن را بخواهیم منزل گزینیم (بلی آن روز) پاداش نیکوکاران بسیار نیکو خواهد بود.

وای پیامبر در آن روز فرشتگان را مشاهده می کنی که گرداگرد عرش با عظمت الهی درآمده و به تسبیح و ستایش خدا مشغولند و میان اهل بهشت و دوزخ بحق حکم شود و گویند سپاس و ستایش خاص خداوند جهانیان است.

ساختمانی که «تکیه بکتاشیه» نام دارد، و الان کتابخانه عمومی «جوادین» در آن جای گرفته، باز می شود بالای درب مذکور قطعه سنگی نصب گردیده که بر روی آن جملات زیر بفارسی کنده شده است:

(بسم الله الرحمن الرحيم. نواب مستطاب اشرف امجد ارفع
والاشاه زاده حاجی فرهاد میرزا معتمدالدوله فرمان...^۱ مملکت فارس
دامت شوکته؛ این تکیه را بنا و حُستبالله وقف فرمودند بر طایفه بکتاشیه
خاصه، و احدى از طوایف دیگر را در اینجا حق توقف و سُکنا نخواهد
بود شهر صفر ۱۲۹۸)

به دنبال جملات فوق اشعاری فارسی نوشته شده که متضمن تاریخ
آن است.^۲

۳ - دیوار غربی

طول این دیوار ۱۳۵ متر و ۴۰ سانتی متر می باشد و اطاقهای آن
۲۳ عدد و دو درب در آن واقع شده است.

الف - دری که در گوشه جنوب غربی واقع شده و «باب صافی»
نامیده می شود بر این درب هیچ گونه نوشته ای از داخل و خارج وجود
ندارد.

ب - دری بزرگ که در میانه دیوار واقع است و
«باب صاحب الزمان» نام دارد و در بالای آن از داخل و خارج
نوشته هایی وجود دارد. در قسمت بالای درب از داخل آیه نور روی
کاشی نوشته شده و در وسط بالای طاقِ در، متن زیر آمده است:

۱ - در متن چنین است.

۲ - مؤلف اشعار فارسی را نیاورده است. م.

(الحمد لله رب العالمين. قد تم هذه الصحن الأقدس باهتمام عالينهاهان رفيع... حاجب الحرمين الشريفين جناب المستطاب حاج محمد مهدي أمين التجار و جناب جلالت مآب حاجي محمدحسن و كيل الدولة، مشرف صحن شريف اين تراب استان: محمدتقي کرمانشاهی).
در بالای درب از قسمت بیرون آیه تطهیر و آیه ولایت روی کاشی نوشته شده است همچنين در وسط، زیر روزنه های حجره سوره قریش آمده است:

(بسم الله الرحمن الرحيم. لایلاف قریش. ایلافهم رحلة الشتاء و الصيف. فلیعبدوا رب هذا البيت. الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف. صدق الله العلی العظيم. سال ۱۲۹۸) در دنباله این نوشته قطعه سنگ مرمر نصب است که روی آن بیت زیر کنده کاری شده است
یالها کعبه لتنبیل مراد من ضجیعین کاظم و جواد^۱

۴ - دیوار جنوبی

طول این دیوار ۱۳۵ متر و تعداد اطاقهای آن ۲۰ عدد و دارای سه درب است.

الف - دربی که در وسط ثلث شرقی دیوار است این درب قبلاً

۱ - قریش: ۴ - ۱.

بنام خدای بخشنده مهربان، برای آنکه قریش انس و الفت گیرند. الفتی که در سفرهای زمستان و تابستان ثابت و برقرار بماند. پس باید یگانه خدای کعبه را پرستند. که به آنها هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطر ایشان را ایمن ساخت.

۲ - آرامگاه امام کاظم و امام جواد علیهما السلام چه کعبه خوبی برای رسیدن به مراد و آرزوهاست.

نبوده و در سال ۱۳۶۰ هجری قمری گشوده شد. در قسمت داخلی آن نوشته ای نیست لکن در قسمت خارجی آن آیات زیر روی کاشی نوشته شده است:

(بسم الله الرحمن الرحيم. وسيق الذين اتقوا ربهم الى الجنة زمراً حتى اذا جاؤوها و فتحت ابوابها و قال لهم خزنتها سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين. صدق الله العلي العظيم).

زیر این آیه شریفه، در وسط جمله «باب المغفرة» ثبت گشته است.

ب - دربی که در وسط ثلث غربی دیوار است این درب نیز قبلاً نبوده و در سال ۱۳۷۵ هجری قمری گشوده شده و در قسمت داخلی آن نوشته ای نیست، ولی قسمت بیرونی آن روی کاشی آیات زیر نوشته شده است:

خدای بزرگ می فرماید:

قل لاأسألكم عليه أجراً إلا المودة فى القربى^۱.

همچنین می فرماید: قل ما سألتكم من أجر فهو لكم^۲.

و نیز می فرماید:

انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيراً^۳.

صدق الله.

۱ - سوره شوری: ۲۳.

بگو من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید.

۲ - سوره سبأ: ۴۷.

بگو آنچه من از شما مزد رسالت خواستم آنهم برای شما باشد.

۳ - احزاب: ۳۳.

خدا چنین می خواهد که پلیدی هر آرایش را از شما خانواده نبوت ببرد و

زیر آیات فوق در وسط جمله (باب الرحمة ۱۳۷۵) نوشته شده است.

ج - درب بزرگی است که در وسط دیوار واقع گشته و «باب القبلة» نام دارد و از داخل و خارج دارای نوشته هایی می باشد. در بالای قسمت داخلی درب، روی کاشی آیه الکرسی تا «و هو العلی العظیم» و بعد از آن جمله (الحمد لله علی التوفیق ۱۲۹۸) نوشته شده، و در وسط بالای طاق درب روی کاشی متن زیر نوشته شده است:

(فی آیام دولة السلطان الأعظم و الخاقان الأکرم؛ السلطان ابن السلطان ابن السلطان؛ الخاقان ابن الخاقان؛ أبو المظفر ناصر الدین شاه قاجار؛ خلد الله ملکه و... علی العالمین بره و عدله و احسانه. و بنی هذا الصحن الشریف سنة ثمان و تسعین و مائتین بعد الألف من الهجرة المقدسة ۱۲۹۸)^۱

و سوره والضحی روی کاشی در بالای قسمت خارجی این درب ثبت شده است. همچنین آیات زیر، بر روی کاشی بالای طاق درب نوشته شده:

(قال الله تبارک و تعالی و عزوجل جلاله: و قالوا الحمد لله الذی صدقنا وعده وأورثنا الأرض نتبواً من الجنة حیث نشاء فنعم أجر العالمین)^۲

شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.

۱ - در روزگار دولت و حکومت ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۹۹ هجری قمری ... ساختمان این صحن ساخته شد.

۲ - زمر: ۷۵ - ۷۴.

و گویند ستایش خدای را که وعده لطف و رحمتش را بر ما محقق فرمود و ما را وارث همه سرزمین بهشت گردانید تا هر جای آن بخواهیم منزل گزینیم (بلی آنروز) پاداش نیکوکاران بسیار نیکو خواهد بود.

وترى الملائكة حاقين من حول العرش يسبحون بحمد ربهم وقضى بينهم
بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين. وقال تبارك و تعالی: سلام عليكم
طبتم فادخلوها خالدین.)^۱

۱ - وای رسول در آن روز فرشتگان را مشاهده کنی که گرداگرد عرش با
عظمت الهی درآمده و به تسبیح و ستایش خدا مشغولند و میان اهل بهشت و دوزخ
بحق حکم شود و گویند سپاس و ستایش خاص خدای جهانیان است.
سلام بر شما باد که چه زندگی ابدی نصیب شما گردید حال درین بهشت
درآیید و جاودان متنعم باشید.

پیوستهای کتاب

پیوست اول: فرزندان امام کاظم علیه السلام

پیوست دوم: نقباء و متولیان حرم

پیوست سوم: بزرگانی که در حرم مدفونند

پیوست چهارم: موزه حرم

فرزندان امام کاظم علیه السلام

طبق آنچه علمای نسب و تاریخ روایت می کنند امام کاظم علیه السلام تعداد زیادی دختر و پسر قریب به ۴۰ نفر داشته است که ما در زیر نام فرزندان پسر ایشان را بر اساس حروف الفباء می آوریم:

۱ - ابراهیم اصغر

۲ - ابراهیم اکبر

۳ - احمد

۴ - اسحاق

۵ - اسماعیل

۶ - جعفر

۷ - حسن^۱

۸ - حسین

۹ - حمزه

۱۰ - داوود

۱۱ - زید

۱۲ - سلیمان

۱ - در کتاب ارشاد شیخ مفید و مناقب ابن شهر آشوب شماره هفت دوبار

تکرار شده است.

- ۱۳ - عباس
 ۱۴ - عبدالرحمن
 ۱۵ - عبدالله
 ۱۶ - عبیدالله
 ۱۷ - عقیل
 ۱۸ - علی
 ۱۹ - فضل
 ۲۰ - قاسم
 ۲۱ - محمد
 ۲۲ - هارون
 ۲۳ - یحیی^۱

بعضی از علمای نسب دو تن دیگر به این تعداد افزوده اند:^۲

- ۲۴ - سالم
 ۲۵ - سعید

تصمیم نداریم در اینجا شرح کامل زندگی این بزرگان و تفصیل احوال آنان و محل زندگی و دفنشان را بیان کنیم، چون ورود در این موضوع، بحث را از چهار چوب اصلی آن که تحقیق تاریخی پیرامون مشهد کاظمین است، خارج می کند. آنچه در اینجا مقصود ماست بحث و بررسی پیرامون چند تن از اولاد امام کاظم علیه السلام است که در حرم کاظمین دفن شده اند و اینکه محل دفنشان کجاست، تا مقدار صحت و درستی انتساب بناهایی که در وسط سمت جنوب شرقی صحن

۱ - در تنظیم این فهرست از ارشاد: ۳۲۳ و مناقب ابن شهر آشوب: ۳۸۳/۲

و عمدة الطالب: ۱۸۵ استفاده کردیم.

۲ - جامع الانساب: ۸۳/۱ نقل از کتاب احسن الکبار.

شریف موجود است و آن مکان به «اولاد الکاظم علیه السلام» معروف است، دانسته شود.

در صفحات پیشین یاد آوری کردیم که سرلشکر «سلیم پاشا» در سال ۱۲۶۹ هجری قمری این بناها را ساخت و از شعری که بهمین مناسبت گفته شده است - قبلاً ذکر شد - برمی آید. که این عملیات ساختمانی بر اثر کشف قبر ناشناخته و یا مکانی که قبلاً از نظر مردم ناشناخته باشد نبوده، بلکه تعمیر و بازسازی جایی بوده که خرابی عارض آن شده بود و سابقه ساختمانی معلومی داشته است.

این ساختمان عبارت است از یک اطاق مستطیل شکل بزرگ که قسمت بیرونی دیوارهای آن با کاشی پوشیده شده و روی آن دو گنبد کوچک با روکش کاشی قرار داشت که بر اثر مرور زمان بیشتر کاشیهای دیوار آن ریخته، و خراب شده و آن را بصورت برهنه و زشتی در آورده بود. در روز اول ماه ربیع الاول سال ۱۳۷۱ بدلیل عدم ثبوت اینکه محل دفن فرزندان امام کاظم علیه السلام است بطور کلی خراب گردید.

ما چون در صدد بحث جامعی در مسایل مختلف مربوط به حرم، هستیم ناچاریم درنگی کوتاه در این موضوع داشته باشیم تا مقدار صحت و سقم این ادعا را بدانیم:

تاریخ نگاران و علماء نسب - آن اندازه که آثارشان بما رسیده است - در اسامی کسانی از اولاد امام کاظم علیه السلام که در این محل دفن شده اند اختلاف کرده اند و نیز در تعیین تعداد آنان اختلاف دارند، همچنین در اینکه چه کسانی از فرزندان امام کاظم در قبرستان معروف به «مقابر قریش» مدفونند اختلاف دارند.

در زیر خلاصه ای از این نظریات مختلف را برای شناخت نظریه

درست تر و بهتر آن می آوریم:

تابلو زیارتنامه که در این بقعه نصب شده است این دو قبر را به اسماعیل و ابراهیم دو پسر امام کاظم علیه السلام نسبت می دهد.

سید مهدی قزوینی تصریح می کند^۱ «نسبت این دو قبر به اسماعیل و ابراهیم معروف نیست، و سپس می گوید: بعضی از مورخین می گویند: یکی از این دو قبر، قبر عباس بن موسی فرزند امام کاظم است که وی در علم رجال مورد مذمت واقع شده است.»^۲

مامقانی روایت می کند که: «عامه مردم خیال می کنند او - یعنی احمد بن موسی بن جعفر علیهما السلام - در جوار قبر پدر بزرگوارش در صحن حرم مدفون است. و این خیال و وهم است و منشاء درستی ندارد.»^۳

آلوسی می گوید: «در صحن جامع کاظمین اطاق کوچکی که در آن قبر ابراهیم و برادرش جعفر، دو فرزند امام کاظم می باشند وجود دارد.»^۴

سید جعفر بحرالعلوم در تعلیقه ای که بر تابلو زیارتنامه ای که این دو قبر را به اسماعیل و ابراهیم نسبت می دهد، نوشته، چنین آورده است: «شاید کسی که معروف به اسماعیل است عباس بن موسی باشد که مورد مذمت برادرش امام رضا علیه السلام واقع شده است و آنچه در بین مردم شایع است، از اینکه جدم بحرالعلوم طاب ثراه بهنگامی که از حرم کاظمین خارج می شد، از زیارت این قبر اعراض کرد و چون به ایشان

۱ - فلک النجاة.

۲ - در این مورد به کتاب تنقیح المقال جلد ۲ صفحه ۱۳۰ مراجعه شود.

۳ - تنقیح المقال: ۱/۹۷.

۴ - تاریخ مساجد بغداد: ۱۱۶.

در این مورد تذکر داده شده ایشان توجهی نکرد، این مطلب را تأیید می‌کند.^۱

از مجموع اسنادی که گذشت برمی‌آید که یکی از این دو قبر از ابراهیم فرزند امام کاظم علیه السلام می‌باشد، همانطوری که این اسناد در تعیین قبر دوم اختلاف دارند که آیا قبر اسماعیل است؟ و یا اینکه احمد یا عباس و یا جعفر؟

لکن متولی کنونی حرم کاظمین علیهما السلام شیخ فاضل کلیدار تأکید می‌کند که قبرهای اینجا هیچ وابستگی به فرزندان امام کاظم علیه السلام ندارد و در هنگام خرابی بقعه به دو قطعه سنگ مرمر برخورد کرده است که روی هر یک از آنها اسم شخصی که در آنجا مدفون است نوشته شده بود و آنطور که از اسم و لقب آنها ظاهر می‌شود، از ایرانیهای متأخر بوده اند.^۲

همچنین معروف است که اسماعیل در کشور مصر مدفون است^۳ و قبر احمد در شیراز یکی از شهرهای ایران می‌باشد.^۴

اما چیزی که این احتمال را تقویت کند که عباس و جعفر در این مکان مدفونند در دست نداریم، بلکه از کناره گیری و اعراض سید بحر العلوم که قبلاً نقل شد. نفی این مطلب تأکید می‌شود و اعراض و کناره گیری سید بحر العلوم بخاطر قدح و ذم عباس نبوده، چون اگر بدین دلیل بود، گناه ابراهیم چه بوده است که مورد اعراض و

۱ - تحفة العالم: ۳۳/۲.

۲ - باعث تأسف است که این دو سنگ مانند چیزهای دیگر حرم بر اثر

خرابی و تجدید بنای دوباره آن ضایع و از بین رفته است.

۳ - رجال بحر العلوم: ۱۱۶/۲ و جامع الانساب: ۴۵/۱.

۴ - مراجعه کنید به تحفة العالم: ۲۹/۲ و جامع الانساب: ۷۵/۱.

کناره گیری واقع شود؟

از اعراض سید مهدی بحر العلوم و همچنین گفتار شیخ فاضل کلیدار تولیت حرم از دو سنگ مرمر، شک و تردید ما در صحت انتساب این دو قبر به فرزندان امام کاظم علیه السلام تقویت می گردد، همانطوری که اهمال و عدم توجه کتب زیارات قدیمه از یاد کرد این مکان و کسانی که در آن مدفونند موجب عدم قبول این مطلب می شود. و چون که عدم دفن اسماعیل و احمد و عباس و جعفر در این مکان به حد قطع و یقین رسید بحث در تعیین قبر ابراهیم بی مورد و منتفی نمی باشد، زیرا دفن وی در مقابر قریش ثابت و حتمی است آنچنان که صاحب کتاب غایة الاختصار^۱ و شیخ محمد سماوی در کتاب صدی الفوآد^۲ و سید جعفر بحر العلوم^۳ بدین مطلب تصریح کرده اند و کلام شیخ مفید در ارشاد^۴ به آن اشاره دارد.

۱ - غایة الاختصار: ۸۷ - ۸۸، در این کتاب چنین آمده است: «(ابراهیم) به یمن رفت و در ایام ابی السرایا بر آن دیار غالب آمد و گفته می شود که وی به طرفداری برادرش امام رضا علیه السلام قیام کرد و این خبر به مأمون رسید لکن او را بخشید و تعقیب نکرد.

در بغداد وفات کرد و قبرش در قبرستان قریش نزدیک قبر پدر بزرگوارش امام کاظم علیه السلام در یک قسمت جداگانه معروف است» همچنین بهنگام یاد کرد موسی پسر ابراهیم می گوید: «قبر او در مقابر قریش کنار قبر پدرش ابراهیم جدش امام کاظم علیهما السلام می باشد.»

۲ - صدی الفوآد: ۵۸، نویسنده این کتاب تاریخ وفات ابراهیم را سال ۲۰۶

آورده است.

۳ - تحفة العالم: ۲۳/۲.

۴ - الارشاد: ۳۲۴ - ۳۲۵، شیخ مفید می گوید: «حکومت یمن را بعهدہ

لزوم بحث ما را بر آن می دارد تا با این متون تاریخی همگام شویم و تأکید کنیم که ابراهیم در «قبرستان قریش» مدفون است و لو اینکه تصریح و تأکید نسب شناس معروف «ابن عنبه داوودی» و علمای دیگر این فن مبنی بر وجود دو فرزند از امام کاظم به اسم ابراهیم اکبر و اصغر را نمی دیدیم.

سید مهدی بحرالعلوم در تعلیقه ای که بر کلام ابن عنبه داوودی نگاشته است می گوید:

«ظاهر این است که ابراهیم متعدد است چنان که نویسنده کتاب «عمدة الطالب» و دیگر علمای نسب شناس تصریح کرده اند، چون آنان از دیگران نسبت به این امر آشناترند و در کلام دیگران هم کسی تصریح نکرده است که ابراهیم نام یک نفر از فرزندان امام کاظم علیه السلام است، بنابراین در متون تاریخی تعارضی مبنی بر تعدد نیست.»^۱

بنابر تعدد اسم ابراهیم، شناسایی ابراهیم مدفون در حرم کاظمین از ابراهیم دیگر مشکل می شود همانطوری که شناسایی ابراهیمی که یار و همکار ابی السرایا بود و اینکه آیا ابراهیم اکبر بوده است و یا اصغر مشکل می گردد.

وقتی به کتابهای نسب شناسی مراجعه می کنیم اختلاف نظر می بینیم مثلاً: شیخ «ابوالحسن عمری» و «ابن شدقم» این نظریه که یار و همکار ابی السرایا ابراهیم اصغر بوده است را ترجیح می دهند و ابن شدقم وی را به «مجاب» و «مرتضی» نامگذاری کرده است و

گرفت و مدتی در آنجا اقامت گزید، تا اینکه عاقبت ابوالسرایا شکست خورد و برای ابراهیم از مأمون امان گرفته شد.»

«ابونصر بخاری» و شیخ عبیدلی را می بینیم که می گویند: ابراهیم همکار ابوالسرایا، ابراهیم اکبر بوده و عده ای از علمای اخیر به تبعیت از این دو قائل به این شده اند.^۱

علی رغم اینکه مورخین گذشته در بحث از انقلاب ابراهیم، تصریح به اینکه نام وی ابراهیم اکبر بوده و یا ابراهیم اصغر نکرده اند اما از گفته هایشان چنین استفاده می شود که وی در یمن بوده و متذکر نشده اند که از آنجا دور شده باشد.^۲

طبری در حوادث سال ۲۰۲ هجری قمری می گوید:

«در این سال ابراهیم بن موسی بن جعفر بن محمد علیهم السلام با مردم حج بجا آورد و آنان را به ولایتعهدی برادرش بعد از مأمون فرا خواند... ابراهیم بن موسی به یمن رفت و حمدویة بن علی بن عیسی بن ماهان بر آنجا حاکم شد.»^۳

این مطلب را توقف نسب شناسان در عقب و دنباله ابراهیم اکبر تأیید می کند و اکثر آنان بر این هستند که وی فرزندی نداشته است و لکن در یمن و جاهای دیگر عده ای به وی منتسبند ولی شکی نیست که ابراهیم اصغر فرزند و دنباله داشته است و همانطور که می دانیم فرزندان و دنباله وی در عراق می باشند.^۴

بسیدهدی بحرالعلوم این قول که ابراهیم یار و همکار ابی السرایا

۱ - در این باره مراجعه کنید به: عمدة الطالب: ۱۹۰ و سرالسلسلة العلویة:

۳۷. و رجال بحرالعلوم: ۴۲۴/۱ - ۴۳۰ و ۱۱۱/۳ - ۱۱۴ و نزهة اهل الحرمین: ۳۷.

۲ - تاریخ طبری: ۵۳۶/۸ و ۵۴۰ و ۵۴۱ و کامل ابن اثیر: ۱۷۷/۵ و ۱۷۸ و

۱۹۳ و البدایة و النهایة: ۲۴۶/۱۰ و ۲۴۹.

۳ - تاریخ طبری: ۵۶۷/۸.

۴ - سرالسلسلة العلویة: ۳۷ و ۴۳ و عمدة الطالب: ۱۹۰.

- که بریمن حاکم شد - در کربلا مدفون است را ترجیح می دهدومی گوید:
 «وی معروف به «ابراهیم مجاب» و در رواق حرم امام حسین
 علیه السلام مدفون است.»^۱

سید حسن صدر در بعضی از نوشته هایش در نام صاحب صندوقی
 که در کربلا منسوب به ابراهیم بن موسی است اشاره به وجود اختلاف
 می کند و اینکه آیا وی ابراهیم بن محمد عابد فرزند امام کاظم است و
 یا ابراهیم المرتضی پسر دیگر امام کاظم علیه السلام، تشکیک
 می نماید.^۲ لکن در نوشته دیگر خود بطور جزم و یقین می گوید:
 صاحب قبری که در رواق امام حسین علیه السلام است ابراهیم مجاب
 فرزند محمد عابد پسر امام موسی بن جعفر علیهما السلام می باشد.^۳
 به هر حال، از مجموع آنچه که گذشت بدست می آید که: امام
 کاظم علیه السلام دو فرزند به نام ابراهیم داشته است و ابراهیم همکار و
 یار ابی السرایا ابراهیم اکبر می باشد و در صورت صحت دفن وی در
 عراق، محل دفنش کربلا می باشد همانگونه که سید مهدی بحر العلوم این
 قول را ترجیح داده است.

ولی ابراهیم اصغر همان کسی است که ملقب به «مرتضی» است
 آنگونه که بعضی از نویسندگان بر آن تصریح داشتند.^۴ و همانگونه که
 نویسنده کتاب غایة الاختصار می گوید: در «مقابر قریش» مدفون است.^۵

۱ - رجال بحر العلوم: ۱۱۱/۳.

۲ - نزهة اهل الحرمین: ۳۷.

۳ - حاشیه رجال بحر العلوم: ۱۱۳/۳ بنقل از کتاب تحية اهل القبور بالمأثور.

۴ - عمدة الطالب: ۱۹۰ و رجال بحر العلوم: ۴۲۴/۱ - ۴۳۰ بنقل از ابن شدقم

نسب شناس و ج ۱۱۳/۳ بنقل از سید حسن صدر.

۵ - غایة الاختصار: ۸۷.

به گمان قوی قبر ابراهیم اصغر ملقب به «مرتضی» همان قبری است که الآن معروف به «مرقد المرتضی» نزدیک صحن شریف حرم کاظمین می باشد و ملقب شدن وی بعدها به مرتضی تنها باعث این اشتباه شده که مردم تصور کنند وی همان «شریف مرتضی» فقیه معروف می باشد، و حال آنکه به اجماع تاریخ نگاران سید شریف مرتضی علی بن حسین در سال ۴۳۶ وفات کرده و در خانه خود دفن گردید و بعداً جسد مبارکش به کربلا انتقال یافت.^۱

نتیجه بحث این است که ابراهیم اصغر معروف به مرتضی در حرم کاظمین مدفون بوده و قبرش همان قبری است که منسوب به شریف مرتضی می باشد و هیچیک از اولاد امام کاظم علیه السلام در صحن حرم امام کاظم دفن نشده است.

این مطلب خلاصه آن چیزی است که تاکنون توانسته ایم آنرا انتخاب کنیم و شاید در تحقیقاتی که در آینده نزدیک منتشر می شود و نیز کتب خطی که چاپ خواهد شد اطلاعات بیشتری بدست آید که ما را به قطع و یقین برساند.

۱ - عمدة الطالب: ۱۹۴ و الدرجات الرفیعة: ۴۶۳ همچنین مراجعه کنید به

نقباء و سرپرستان

نقابت آنطور که ماوردی تعریف می کند عبارت است از: «نهادی که برای حفظ اصل و نسب خاندانهای بزرگ و شریف به سرپرستی کسی که از حیث شرافت و بزرگی و نسب با آنان برابر نیست، ایجاد شده تا وی از آنان بخوبی حمایت کند و سرپرستی نماید و امر و دستور او در میان آنان نافذ باشد...»

ولایت و سرپرستی این نقابت به سه طریق صحیح است: از طرف خلیفه که تسلط بر همه کارها و امور دارد، و یا کسی که خلیفه امر نقابت را به او می سپارد مثل: وزیر اجرایی و یا امیر و حاکم منطقه، و یا از طریق نقیبی که ولایت عمومی دارد...»

نقابت بر دو قسم است: خاصه و عامه.

نقابت خاصه :

عبارت از مجرد نظارت، و بدون حکم و یا اقامه حدّی می باشد و علم و دانش در آن معتبر نیست و نقیب در این نقابت موظف به حفظ دوازده حق در میان اهلس می باشد

اول: حفظ و نگهداری نسب آنان از کسانی که در میان آنان وارد شده اند و از آنان نیستند و کسانی که خارج از آنان هستند لکن از آنها بحساب می آیند تا بدین وسیله نسب آنان مصون و سالم باقی

بماند و نسلشان حفظ شود.

دوم: تشخیص طبقات و شناخت نسب آنان تا نسلهایی از آنها بر وی پوشیده نماند و نسبی تداخل در نسب دیگری نکند و اصل و ریشه آنها را در دفترش با مشخصات آن ثبت نماید.

سوم: شناخت اولادی که برای آنها از دختر و یا پسر متولد می شود و ثبت آن در دفترش، و همچنین شناخت کسانی که از آنان می میرند و یادآوری آن، تا نسب کسی که متولد می شود ضایع نشود و نیز کسی مدعی نسب فردی که از دنیا رفته است نگردد.

چهارم: وا داشتن آنان به آداب و اخلاقی که موجب ازدیاد شرافت خانوادگی و کرامت تبار و نژاد آنان گردد، تا عظمت و بزرگی در میان مردم زیاد شود و احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله در میانشان محفوظ بماند.

پنجم: آنان را از کار و کسبهای پست دور نگهدارد و از خواسته های ناپاک بازشان دارد تا کسی از آنان کوچک و حقیر نشود و مظلومی از آنان خوار نگردد.

ششم: آنها را از ارتکاب گناه باز دارد و از هتک حرمت آنان مانع شود تا نسبت به دین که یاور آنهاست غیرتمندتر و نسبت به منکرات باز دارنده تر باشند، تا کسی زبان به بدگویی آنها نگشاید و انسانی آنان را ملامت نکند.

هفتم: آنان را از تسلط بر عامه مردم و افراط و جور بر آنان باز دارد، چون این کارها آنان را به عداوت و دشمنی و کینه توزی می کشاند و باعث دوری و نفرت می شود. نقیب باید آنها را به عطف و مهربانی و نزدیکی دعوت کند تا مردم بهتر به آنان روی آورند و مردم نسبت به آنان پاکتر گردد.

هشتم: نقیب باید یار و یاور آنان در گرفتن حقوقشان باشد تا حقی از آنها ضایع نگردد، همچنین نقیب باید کسی را که برگردن آنان حقی دارد یاری کند تا مانع حق وی نشوند و عدل و انصاف را بین خود و دیگران رعایت کنند، چون روش عادلانه این است که عدل و انصاف در مورد آنان رعایت شود و آنها را به رعایت انصاف در مورد دیگران وادار سازد.

نهم: نقیب وظیفه دارد به نمایندگی از آنها سهم حقوق آنان را از سهم ذوی القربی از فیه و غنائم جنگی مطالبه کند و آن را بین آنها طبق مقررات الهی تقسیم کند.

دهم: از ازدواج دختران آنان بجز با کفو و هم شأنشان بخاطر شرافت خانوادگیشان بر سایر مردم، جلوگیری کند تا نسب آنان حفظ شود و حرمت خانوادگی آنها مصون بماند.

یازدهم: کجی خطا کاران را بجز در حدود الهی و تا جایی که منجر به تعطیل حدود و از میان رفتن خونی نشود، راست کند و ببخشد، و از لغزش آنان چشم پوشی کند و پس از نصیحت آنها را از خطا کاری بر حذر دارد.

دوازدهم: مراقبت کردن از اوقاف آنها بوسیله نگهداری اصل آن و آماده سازی زمینه رشد و فروع آن و اگر در آمد موقوفات بدست او نرسیده، مأموران را وادار به جمع آوری نماید و بهنگام تقسیم محصول موقوفات مراعات سهم هر یک را بکند و برتری و اولویت مستحقین را اگر وقف خاص است در نظر بگیرد و نیز اگر مشروط به ویژگی و صفت خاصی شده است آنرا رعایت کند تا مستحق بی بهره نگردد و غیر مستحق بی بهره ور نشود.

نقابت عامه :

علاوه بر مواردی که در نقابت خاصه ذکر کردیم شامل موارد پنجگانه زیر است

اول: قضاوت و داوری در موارد اختلاف آنها.

دوم: ولایت و سرپرستی بر اموال یتیمان آنها.

سوم: اجرای حدود بر آنها در آنچه مرتکب شده اند.

چهارم: تزویج زنان بی شوهری که برای آنها سرپرستی معین نشده

و یا معین شده ولیکن آنها را از ازدواج باز می دارند.

پنجم: ایجاد ممنوعیت در تصرفات مالی بر کسانی که دیوانه اند و

یا دچار کمبود عقل شده اند و رفع این ممنوعیت بهنگامی که به حد

رشد و سلامتی اولیه برگشتند.

نقیب با این موارد پنجگانه دارای منصب نقابت عامه می گردد و

صحت نقابت و ولایتش مشروط بر این است که عالم و مجتهد باشد تا

حکمش صحیح و قضاوتش نافذ باشد.^۱

در زمان خلفای بنی عباس کسی که دارای این مقام بود

«نقیب الطالبيين» یا «نقیب العلویین» نامیده می شد و سپس در

دورانهای بعد «نقیب الاشراف» نام گرفت.

مقصود از اشراف در این اسم، هر کسی است که منسوب به

اهل البیت باشد، چه سید حسنی باشد یا سید حسینی و چه علوی از

خاندان محمد بن حنفیه و یا فرزندان دیگر علی بن ابی طالب (ع) باشد،

یا از خاندان جعفر بن ابی طالب یا عقیل و یا عباس بن علی باشد^۲ اگر

۱ - الاحکام السلطانیة: ۹۲ - ۹۴ چاپ مطبعة محمودی مصر.

۲ - الشرف المؤید: ۴۴.

چه خلفای فاطمی در مصر اسم شریف را فقط بر نسل امام حسن و امام حسین (ع) منحصر کردند.

اهمیت منصب نقابت در طول گذشت قرون پابرجا بوده و نقباء همه از بزرگان و از بهترین افراد این خاندان بوده اند.^۱ وظایف و حقوقی که نقیب در زمان بنی عباس داشته و ما آنها را به نقل از ماوردی بیان کردیم، تا قرن نهم هجری باقی و اجرا می شده است. قلقشندی نسخه ای از متن یک حکم (نقابة الاشراف) را ضبط کرده که در آن اشاره به وظایف و شرایط نقیب شده و بعد از دیباچه حکم در آن چنین آمده است:

و چون عترت پاک نبوت وارثان وحی بودند که تمام امتیازات وحی به ایشان می رسید و اعضای خاندانی بودند که نشانه های بزرگی برای ایشان فراهم بود و خداوند خویشاوندی آنان را با پیامبر خواسته و به امتیازاتی که شایسته بودند تخصیص داده است، نظیر تصرف ایشان بر هدایایی را که خداوند به ایشان هدیه کرده و به نفع آنان جمع آوری می شود.

بجهت اینکه در این کار برکاتی وجود دارد که رسول خدا را راضی می کند و خداوند پاداش آن را برای کننده آن می نویسد. و بودن رئیس و سرپرست بر آنها ضروری است تا به آنان نظام و سازمان دهد و افتخارات آنها را عظمت و شکوه بخشد و نسب آنها را حفظ نماید و با ارزشهای خود اصالت آنان را جلا دهد و با مدیریت خود سرمایه آنها را بارور سازد، و در زیر سایه این شجره مبارکه بدنبال باروری آنان باشد و از نسل آنان نگهداری کند و با شجاعت و دلیری از شرافت خانوادگی آنان در مقابل ادعای مدعیان دفاع نماید و از

تشکیلات حراست کند و پیوسته در اکرامشان بکوشد و آنان را به ارزشهای اخلاقی وا دارد و با حمایت‌های گوناگون آنان را یاری دهد و جلوگیری از کارهای بد افراد بزهکار در صورتی که حرف شنوایی نداشته باشند، را بعهده گیرد و با او مطابق ضرب المثل زیر رفتار کند:

- بینی ات از توست اگر چه بریده باشد -

و وقتی یک نفر از بین این سلسله که به او اشاره شده، دارای امتیازات ظاهری و باطنی و بلند نظری است، حسن انتخاب اقتضا می‌کند که منصب «نقابت طالبین» به او واگذار شود همانگونه که روش نقبای پیشین بوده است.

پس همه کارهای خیری که موجب خرسندی، حضرت زهرا سلام الله علیها را فراهم می‌کند، برای آنان انجام دهد و با همکاری خانواده و نزدیکان خود آنچه سزاوار است انجام دهد و فرزندان‌شان را حفظ کند و اسناد و مدارکشان را بنویسد و وقفهایشان را ثبت و ضبط نماید و به افراد منصف آنان اعتماد کند و محصولاتشان را بارور سازد و غلات آنها را با برنامه ریزی زیاد نماید و در همه اوقات خود را به مساوات و برابری با آنان وادار سازد و آنان را وارد کند تا از کارهای زشت دوری کنند، و کارهای خوب و زیبا انجام دهند تا توانایی و قدرت را با خوشرفتاری و افتخارات را با ارزشها همراه سازند و هر کاری که نقیب با آنها از خوبی و بدی انجام می‌دهد برفع و ضرر خود اوست و نتیجه آن به او برمی‌گردد و خداوند او را از پشت سر و چپ و راست با لطف و کرم خود حفظ کند.»^۱

زمان نقابت در کاظمین - طبق مدارک موجود - به اواسط قرن پنجم هجری قمری برمی‌گردد یعنی روزگاری که کاظمین شهری مستقل

و دارای هستی ویژه خود شد و این بر اثر آشوبها و ناآرامی‌هایی بود که نواحی شهرها، مخصوصاً بغداد را فرا گرفته و خرابی و نابودی در آن فراگیر شده بود بحدی که در اواسط این قرن - قرن پنجم - مابین بازار اسلحه فروشان و محله «رصافه» و «سوق العطش» [بازار تشنگان] چهار سوی خرسی و زاهر [مربعة الخرسی والزاهر] محدوده داخل آنها و راههای آن خرابیهای بزرگی بوجود آمده بود بطوری که نقص و خرابی هر دیوار ایستاده‌ای را انداخت و مسجدها را خراب کرد. بین دروازه بصره «عتابی» و «خلد» و خیابان «دارالرقيق» از طرف غرب، آسیب کلی دید و دو مسجد جامع بغداد و محله رصافه که قهلاً از خرابی در میان شهر بودند در میان دشت واقع شدند.^۱

همین خرابی باعث شد کاظمین که یکی از محلات بغداد بود تبدیل به شهری جداگانه شود و این یکی از علل اساسی نیاز به نقیب ویژه برای آن غیر از نقیب بغداد بود علاوه بر این علویین در حد زیادی در این شهر یو به گسترش و ازدیاد بودند.^۲

رسالت نقیب در شهر کاظمین به آن دوازده وظیفه‌ای که ماوردی ذکر می‌کند محدود نمی‌شد بلکه از جمله وظایف و مأموریت‌های نقیب - اگر بزرگترین و شاخص‌ترین آنها نباشد - اشراف و نظارت بر خود حرم کاظمین از جهت آبادانی و سازماندهی و مراقبت کردن از خدمه آن و آمادگی کافی برای رفع نیازمندی‌زائرین بود و قبل از این طرح،

۱ - مختصر مناقب بغداد: ۳۳. همچنین مراجعه کنید به مجلة الاقلام - سال اول شماره دوم ۱۴۱ - ۱۵۱ و شماره سوم ۶۴ - ۷۲.

۲ - تجارب الامم: ۴۰۷/۶ و المنتظم: ۱۹۴/۸ و ۲۱۲ و ۲۴۳/۹ و الکامل:

همه این امور بعهده ناظری ویژه بود که «قیم»^۱ نامیده می شد ولی قدرت نقیب و شرایط و اهمیت وی را نداشت.

و این چنین، نقیب کاظمین به کارهای متعدد علویین و کارهای زیاد حرم و کارهای شهر و توسعه آن، قیام می کرد و از این نقطه نظر است که نقابت دارای اهمیت زیاد و مقام و منزلت نقیب قابل ملاحظه بود. و از آنجا که اداره حرم و تولیت آن از برجسته ترین کارهای نقیب و وظایف او - از روزی که نقابت در این شهر پای گرفت - بود موضوع نقابت ضرورتاً به موضوع حرم پیوند می خورد و مندرج در تاریخ آن است و از توابع بحث تاریخ حرم و تکمله های آن است که غفلت از آن جایز نیست.

علیرغم کوششهایی که در مسیر دست یافتن به اسامی نقباء از جهت سیر تاریخی آنها کردم، پیوسته در هنگام بحث فاصله هایی مشاهده کردم که توان و قدرت جلوگیری از آن را نداشتم. و این تقصیر من نیست، بلکه تقصیر آندسته از مورخین است که از آن غفلت کرده و ثبت نکرده اند

در زیر، اسامی نقبایی را که به اسم آنها دست یافته ایم ذکر می کنیم:

۱ - ابن جعفر القیم

طبری شیعه وی را در حدیث ابی الحسین بن ابی البغل کاتب، ذکر کرده و در آن از زبان ابی الحسین چنین آمده است:
«کاری از ابی منصور بن صالحان بگردن گرفتم، بین من و او

ماجرایی پیش آمد که موجب پنهان شدن من شد. مرا خواست، ترسیدم، مکث کردم و از ترس پنهان شدم و سپس شب جمعه آهنگ مقابر قریش نمودم و قصد کردم شب جمعه را در آنجا برای دعا و نیایش بمانم، شب طوفانی و بارانی بود، پس از «ابن جعفر قیم» خواستم تا درها را ببندد...»^۱

از این خبر و نیز از سایر منابع چیزی که ما را بر شخصیت این مرد و اینکه بر نقابت او تصریح کند بدست نیاوردیم، و شاید نقابت در این دوره برای حرم مقرر نبوده و فردی خاص مسئول و ناظر بر حرم بوده که «قیم» نامیده می شد. و همواره کلمه قیم در میان عراقیها تا امروز بهمین معنا استعمال شده است.

علاّمه مجلسی^۲ بهنگام نقل این خبر نام او را «ابوجعفر قیم» ذکر می کند که حتماً در یکی از این دو خبر اشتباهی رخ داده است.

۲ - شریف محمد بن محسن بن یحیی بن ابی عبدالله جعفر التواب بن امام ابی الحسن علی الهادی (ع)
 عمیدی از وی یاد کرد و درباره او گفته است:

«محمد بن محسن یحیی صوفی، نقیب مقابر قریش بود.»^۳ ابو نصر سهل بن عبدالله بخاری نسب شناس معروف در کتابش از - بهنگام یاد آوری نام پدرش محسن - وی یاد کرده و گفته است: «فرزندان محمد بن محسن به «بنی المحسن» معروفند و نواده ای برای محسن فقط ز نسل محمد است، و محمد نقیب مقابر قریش بوده و نقابت وی در

۱ - دلائل الامامة: ۳۰۴.

۲ - بحار الانوار: ۸۰/۱۳.

۳ - المشجر الکشاف: ۲۵.

فرزندانش باقی است.»

و خاندان «نازوک» که بعضی از آنها ساکن مقابر قریش بودند با این نقیب قرابت و نزدیکی داشته اند چون جد آنان علی، برادر یحیی، جد نقیب بوده است.^۱ و بدین جهت از ساکنان قدیمی حرم کاظمین می باشند.

علیرغم اینکه تاریخ دقیق در گذشت این نقیب را نمی دانیم ولی به احتمال قوی در ربع سوم قرن پنجم هجری بوده است.

۳ - شریف محمد بن محمد بن محسن بن یحیی بن جعفر بن الامام علی الهادی (ع)

در بین مورخین کسی را که تصریح به نقابت وی کند نیافتیم، لکن در گزارش عمیدی نسب شناس - که قبلاً در یاد کرد پدرش محمد گذشت - نشانه ای مبنی بر نقابت در میان فرزندان وی باقی بوده، بخصوص اینکه او پسر بزرگ پدرش بوده است.

همچنین در آنچه که از سیدعلی آل طاووس نقل شده به این مطلب یعنی نقابت محمد بن محمد اشاره دارد، چون خودش از او حدیث نقل می کند که متن آن چنین است:

«از جمله آنچه در یک نسخه قدیمی بدست آوردیم این عبارت است: حدیث کرد ما را شریف ابوالحسن محمد بن محمد بن محسن بن یحیی بن رضا، خداوند او را تأیید کند، روز جمعه پنج روز به آخر ذیحجه سال ۴۰۴ هجری قمری در حرم کاظمین - بر ساکن آن درود باد - گوید حدیث کرد مرا پدرم رضی الله عنه...»^۲

۱ - عمدة الطالب: ۱۸۹.

۲ - مهج الدعوات: ۲۶۵.

۴ - شریف علی بن محمد بن محسن بن جعفر بن علی الامام الهادی (ع) معروف به ابی طالب علوی

ابن نجار از او نام برده و می گوید:

«نقیب حرم باب التبن، از قاضی ابا الحسین محمد بن علی بن مهتدی و کسانی دیگر استماع حدیث کرده و اندکی حدیث نیز گزارش نموده است. ابوالقاسم مبارک بن محمد بن حسین و ابوطاهر سلفی از وی روایت نقل کرده اند و ابوعبدالله حسین بن محمد بلخی از وی روایاتی نوشته است و من نسب او را بخط خودش نقل کردم... عتیق بن حسن ما را خبر داد که سلفی به وی گفته است که از ابی طالب علوی سال تولدش را پرسیدم گفت: سال چهارصد و سه هجری قمری بوده است...»

در کتاب ابی غالب شجاع فرزند فارس ذهلی که بخط خودش بود خواندم که گفت: شریف ابوطالب علی بن محسن علوی نقیب حرم مقابر قریش در روز چهارشنبه نوزدهم محرم سال پانصد هجری قمری در حالی که صد سال از عمرش می گذشت وفات کرد.»^۱

صاحب کتاب عمدة الطالب از وی نام برده و می گوید: «وی فاضل، متدین و حافظ قرآن و کنیه اش ابوالقاسم بود.»^۲

عمیدی نیز از وی نام برده و گوید: «ابوطالب، نقیب حرم در عراق مردی سالخورده است در سال ۴۰۳ متولد شد و در سال ۴۹۹ در گذشت، سلفی از او درباره «ابن مهدی» روایات محدود و مختصری

۱ - تاریخ ابن نجار - فتوکبی قسمتی از آن در کتابخانه مرکزی تحقیقات

اسلامی در بغداد: ورق ۱۷ - ۱۸.

۲ - عمدة الطالب: ۱۸۹.

نقل کرده است.^۱

۵ - شریف محمد بن علی بن محمد بن محسن بن یحیی بن جعفر بن
علی الهادی (ع)

عمیدی از وی نام برده و گوید:

«وی عالم و نسب شناس و نقیب مقابر قریش بود.»^۲

۶ - شریف ابوالفضل علی بن ناصر بن محمد بن الحسن بن احمد بن
قاسم بن محمد بن عبدالله بن جعفر بن عبدالله بن محمد بن علی بن ابی
طالب (ع)

ابن نجار در کتابش^۳ وی را ذکر کرده و بعد از اینکه نسب او را
آورده، گفته است:

«ابوالفضل علوی محمدی، نقیب حرم باب التین، این چنین نسب
او را بخط محمد بن علی بن فولاد طبری دیدم، سلفی نیز به همین گونه
نسب او را در کتابش آورده است. وی ساکن کرخ و عالم به نسب ها
بود. از ابامحمد حسن بن علی جوهری استماع حدیث نموده و مقدار
اندکی روایت نقل کرده است. ابو معمر انصاری و ابوطالب بن خضیر و
ابوطاهر سلفی از وی روایت می کنند.» «نوشته محمد بن ناصر یزدی را
خواندم که گفته است از ابوالفضل علوی محمدی سال تولدش را
پرسیدم، گفت: در سال ۴۴۳ متولد شدم.»

«نوشته ای بخط ابی البرکات عبدالوهاب فرزند مبارک انماطی

۱ - المشجر الکشاف: ۲.

۲ - المشجر الکشاف: ۲۵.

۳ - قسمتی از تاریخ ابن نجار: ورق ۵۵ - ۵۶.

دیدم که گفته است: شریف ابوالفضل علوی محمدی در روز پنجشنبه سوم شوال سال ۵۱۵ در گذشت و روز جمعه بعد از اینکه در خانه طاهر در نهر دارس نماز بروی خوانده شد در مقابر قریش دفن گردید و من در تشییع او حاضر شدم و تا محل قبرش با او رفتم.»
ابن دبیشی و ابوسعبد بن سمعانی از احمد فرزند وی نام برده و گفته اند:

«احمد نقیب علویین در کرخ بود و پدرش نقیب علویین محمدی در مشهد موسی بن جعفر علیهما السلام بود.»^۱
عمیدی در تاریخ خود از وی یاد کرده و او را ابوالفضل علی بن محمد الحسن... نامیده است بدون اینکه ناصر را در سلسله نسب ذکر کند و بعد از آن گفته است: «نقیب مشهد باب التبن در بغداد بود.»^۲

۷ - شریف ابومحمد حسن بن محمد بن علی بن ابی الضوء علوی.
ابن تغری بردی وی را از در گذشتگان سال ۵۳۷ ذکر کرده و گفته است:

«و در این سال (۵۳۷) حسن بن محمد بن علی بن ابی الضوء، شریف ابومحمد حسینی بغدادی نقیب مشهد موسی بن جعفر علیهما السلام در بغداد در گذشت. وی پیشوایی فاضل، فصیح و شاعر بود، او بر مذهب قوم (شیعه) و در تشیع، غالی بود.»^۳
سیدعلی خان مدنی مشهور به ابن معصوم از وی نام برده گوید:

۱ - ذیل تاریخ بغداد ابن دبیشی: ۲۰۰/۳ و تاریخ ابن سمعانی: ۶۲/۲. این دو کتاب خطی و عکس آنها در مرکز تحقیقات اسلامی در بغداد موجود است.

۲ - المشجر الکشاف: ۲۱۸.

۳ - النجوم الظاهرة: ۲۷۱/۵.

«شریف ابومحمد حسن بن ابی ضوء علوی حسینی، نقیب مشهد باب التبن در بغداد سیدی بزرگوار و دانشمندی فاضل و ادیب و شاعر و راوی خوب، عظیم الشأن و جلیل القدر بود. عماد کاتب در «الخریده» از وی نام برده است. نامبرده در سال ۵۳۷ در گذشت.»^۱

عمیدی نام وی را محمد ذکر کرده است^۲ اما در عبارتی که از کتاب «تهذیب الانساب» تالیف شیخ الشرف بن جعفر نقل شده، اسم وی احمد ثبت شده است.

۸ - علی بن علی معروف به فاخر علوی

نقیب در مشهد موسی بن جعفر علیهماالسلام بوده و حوالی سال ۵۶۹ در گذشته است.^۳

۹ - شریف فخرالدین محمد بن محمد بن عدنان بن مختار علوی

ابن فرات از وی یاد کرده و گفته است:

«در شانزده ربیع الاول این سال، شریف فخرالدین، نقیب مشهد باب التبن در بغداد فرستاده خلیفه عباسی الناصرالدین الله، با دو محموله از نفت و دو محموله از نیزه و دست نوشتی با مبلغ بیست هزار دینار که از تجار برای دیوان حکومت قرض کرده بود به همراه پنج نفر از نیزه داران چیره دست به سلطان صلاح الدین رسید. سلطان صلاح الدین هدایای خلیفه را گرفت... سلطان صلاح الدین با فرستاده ناصرالدین الله»

۱ - الدرجات الرفیعة: ۵۲۳ همچنین مراجعه شود به وفیات الاعیان: ۴/۳۸.

۲ - المشجر الکشاف: ۱۶۰.

۳ - این مطلب را دوست گرامی دکتر مصطفی جواد سلمه الله بطور شفاهی به من گفت و یادآوری نمود که آنرا از کتاب خطی (تاریخ ابن دبیشی) نقل می کند.

مکرر بر اسب سوار می شد و میدانهای جنگ را به وی نشان می داد تا لشکریانش را مشاهده کند. شریف فخرالدین مدتی پیش سلطان صلاح الدین ماند و سپس اجازه برگشت گرفت و مراجعت نمود.^۱
 عماد اصفهانی این مسافرت وی را در حوادث سال ۵۸۶ هجری آورده و تصریح به نقابت وی در مشهد موسی بن جعفر علیهما السلام کرده است.^۲

ابن فوطی در شرح زندگی وی گفته است:

«نقیب فخرالدین ابوالحسین محمد بن عمیدالدین ابی جعفر محمد بن ابی نزار عدنان بن مختار علوی عبیدلی کوفی، از خاندانی معروف به فضل و نجابت و شرافت بود...

فخرالدین به بغداد رفت و در آنجا وزیر شرف الدین علی بن طراد زینبی با دختر وی ازدواج کرد و در بغداد از حجة الاسلام ابی الخشاب استماع حدیث نمود.

در هفتم ربیع الاول سال ۶۰۳ الناصر لدین الله او را به منصب نقابت گمارد و وزیر نصرالدین ناصر بن مهتدی وی را بر این منصب نشانند و متن حکم نقابت وی را مکین الدین قمی نوشت.

سیره و روش کار نقیب فخرالدین ابوالحسین محمد خوب بود. وی در شعبان سال ۶۰۷ هـ از نقابت عزل شد و در سیزدهم ربیع الاول سال ۶۱۲ در سن ۸۱ سالگی در گذشت.»^۳

همچنین ابن دبیشی در شرح زندگی وی گفته است:

«در سال ۶۰۳ هجری سرپرستی و نقابت علویین را بعهدہ

۱ - تاریخ ابن الفرات: جلد چهارم - جزء اول: ۲۱۱.

۲ - الفتح القدسی: ۱۹۴.

۳ - تلخیص مجمع الآداب: ۴/ق ۳۶۵ - ۳۶۶.

گرفت... وی در سال ۵۳۱ بدنیا آمد و در آخر عمر شنوائیش را از دست داد و در ربیع الاول سال ۶۱۲ درگذشت.»^۱

۱۰ - عزالدین عدنان بن معمر بن مختار کوفی
آل مختار خاندانی معروف در نقابت بوده^۲ و نقابت نجف کوفه و کاظمین را بعهدہ داشتند.^۳ ابن ساعی می گوید:

«عزالدین عدنان در روز پنجشنبه یازدهم ربیع الاول سال ۶۰۶ از نقابت مشہد موسی بن جعفر عزل شد.»^۴

وی آغاز نقابت عزالدین عدنان را ذکر نکرده است

ابن فوطی در شرح زندگی وی گفته است:

«نقیب عزالدین ابونزار عدنان بن ابی عبداللہ معمر بن عدنان بن مختار علوی اهل کوفه، استاد ما تاج الدین ابن انجب در تاریخ خود از وی نام برده و گفته است: عزالدین نقیب مشہد موسی بن جعفر علیهما السلام بود و در ربیع الاول سال ۶۰۶ هـ از نقابت عزل شد. وی سیدی جلیل القدر و دانشمند بود. در سال ۵۷۰ هـ متولد گردید و در روز شنبه چهارم شعبان سال ۶۲۵ هـ درگذشت و در خانه اش نزدیک «باب المراتب» بر ساحل رود دجله دفن گردید.»^۵

۱ - المختصر المحتاج الیه: ۱/۱۲۸ - ۱۲۹.

۲ - المختصر المحتاج الیه: ۱/۱۲۸.

۳ - ماضی النجف و حاضرها: ۱/۲۱۰.

۴ - الجامع المختصر: ۲۸۵/۹.

۵ - تلخیص مجمع الآداب: ۴/۴ ق/۲۳۸.

۱۱ - نجم الدین ابونصیر محمد بن موسوی

خاندان موسوی از خاندان‌هایی بودند که از زمان عباسیان در کاظمین سکونت گزیدند. این خاندان، بزرگوار و معروف به شرافت و افتخار بودند. صاحب کتاب غایة الاختصار از این خاندان یاد کرده و گفته است:

«خاندان موسوی از خاندان‌هایی است که اسباب بزرگی و ریاست در آنان جمع بود و برای مدتی نقابت علوین و منصبهای گوناگون مثل امیری و سرپرستی حجاج، قضاوت و داد خواهی در میان آنان بود آنان بهنگام عدم حضور سلاطین در عراق نایب السلطنه در بغداد بودند. خاندان موسوی گسترده و دارای ساختمانها و منازل با شکوه واحوالات وسیع، آبرومند و مشهور و خوشنام بودند.»^۱

نجم الدین ابونصیر محمد از این خاندان بلند پایه بود. نواده اش هبة الله بن حسن موسوی در کتابش «المجموع الرائق» که آن را در سال ۷۰۳ هـ تألیف کرده، دعاهای ایام هفته روایت شده از امام موسی بن جعفر علیه السلام را از وی نقل کرده و گوید:

«این دعاها را از روی نوشته جد مادریم، نجم الدین ابن نصیر محمد بن الموسوی - خداوند او را رحمت کند - نقیب مشهد کاظمین نقل کردم.»^۲

۱ - غایة الاختصار: ۸۲.

۲ - مجله الاقلام: ۱۴۳/۱۱ - سال اول.

۱۲ - شریف جلال الدین محمد مصطفیٰ فرزند رضی الدین علی آل طاووس

نویسنده کتاب غایة الاختصار از وی نام برده و گوید:

«جلال الدین ملقب به «المصطفیٰ» سیدی جلیل القدر، زاهد و در خانه اش دور از مردم بود وی خبره، صاحب نظر و بزرگ منش و بلند مرتبه بود. بین من و او آشنایی در حد رفاقت و دوستی وجود داشت، از سوی ابن جوینی رئیس دیوان حکومت نقابت به وی پیشنهاد شد اما او از قبول آن امتناع ورزید، وی نقابت بغداد و مشهد را بر عهده داشت ولی از آن دست شست. - خدا رحمتش کند - در سال ۶۸۰ درگذشت.»^۱

مقصود از مشهدی که بعد از بغداد ذکر شده مشهد کاظمین است و ظاهراً نقابتی که وی از قبول آن سرباز زده نقابت طالبیین بوده است، و شاید عدم قبول نقابت از سوی وی بعد از درگذشت پدرش رضی الدین نقیب طالبیین در سال ۶۶۴ بوده است. همانطور که ظاهر می شود، امتناع وی از قبول نقابت طالبیین در بغداد و کاظمین که رئیس دیوان حکومت به وی پیشنهاد کرد بعد از فوت پدرش بوده است.

۱۳ - شریف نجم الدین بن ابی جعفر هندی حسینی

صاحب کتاب غایة الاختصار از وی ضمن شرح حال خاندان هندی حسینی نام برده و گفته است:

«از آنان، نجم الدین بن ابی جعفر است که نقیبی پاک و پاکیزه بود وی نقابت طالبیین در مقابر قریش را در زمان ابن جوینی (متوفای سال ۶۸۱ هجری) بر عهده داشت. سپس به سمت منشی دربار حکومت

منصوب، و بعد از مدتی از این سمت عزل گردید. وی ساکن و مقیم شهر حله بود فقر در زندگی او آشکار بود یک خط می نوشت و می گفت این شعر است و فرقی بین آنها نیست. وی فرزندی بنام عبدالله داشت و یکی از پسرعموهایش محمد بن منصور بود.^۳

۱۴ - امین الدین هندی جوهری

نویسنده کتاب الحوادث الجامعه در بخش رویدادهای سال ۶۷۴ گفته است:

«در این سال، امین الدین مبارک هندی جوهری از نقابت مشهد، موسی بن جعفر علیهما السلام عزل گردید...»

یکی از شعراء بهنگامی که وی نقیب کاظمین بوده درباره او چنین گفته است:

رأیت فی النوم امام الهدی	موسی حلیف الهم والوجد
يقول: ماتنکبني نكبة	الامن الهند اولسندي
تحکم السندي في مهجتي	وحکم الهندی فی ولدی
فلعنة الله على من به	یحکم السندي والهندي (۲) (۳)

۱ - غاية الاختصار: ۵۸.

۲ - موسی بن جعفر علیهما السلام، پیشوای هدایت و یار غمها و شادبها را در خواب دیدم می گفت: هیچ بلا و مصیبتی بر من وارد نشد مگر از هندی و یا سندی. سندی بن شاهک بر من ظلم و ستم کرد و هندی در میان فرزندانم ستم روا می دارد. پس لعنت خدا بر کسی که سندی و هندی را مأمور بر ارتکاب چنین عملی می کند.

۳ - الحوادث الجامعه: ۳۸۵.

۱۵ - نجم الدین علی بن موسی

نویسنده کتاب الحوادث الجامعه در وقایع سال ۶۷۴ نوشته است:
 «و در این سال امین الدین هندی جوهری از نقابت مشهد
 موسی بن جعفر علیهما السلام عزل شد و نجم الدین علی بن موسی برای
 نقابت تعیین گردید.»^۱

۱۶ - محمد بن ابراهیم بن محمد بن علی حسینی

ابن فوطی از وی نام برده و می گوید:
 «محبی الدین، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن ابی طریف محمد بن
 علی معروف به ابن منکر علوی، حسینی زیدی، نقیب مشهد موسی بن
 جعفر علیهما السلام بود. وی از اصحاب و دوستان نقیب، الطاهر
 رضی الدین ابی القاسم علی بن علی بن طاووس حسنی و از فرزندان
 سادات و نقباء بود، وی شخصیتی نجیب و آقامنش داشت، بهمین خاطر
 و به سبب قرضهایی که برای رفع نیازمندیهای مردم کرده بود ناتوان و
 مریض شد.»^۲

۱۷ - سید عبدالکریم آل طاووس

ابو فوطی زندگی او را شرح داده و گفته است:
 «غیاث الدین، ابوالمظفر، عبدالکریم بن جمال الدین احمد بن
 موسی بن جعفر بن طاووسی حسنی، فقیه، دانشمند، نسب شناس،
 جلیل القدر، شریف و خوشنام و حافظ قرآن بود. و من در میان اساتید

۱ - الحوادث الجامعه: ۳۸۵.

۲ - تلخیص مجمع الآداب: ۳۹۹/۵ چاپ هند.

خود مانند او در حفظ آثار و احادیث و اخبار و داستانها و اشعار ندیدم، وی در این زمینه ها مطالب را جمع آوری و تدوین کرد و شجره نامه ها را گرد آوری نمود. او از علم و دانش مردم استفاده می کرد و خانه اش مرکز پیشوایان و اشراف بود، و بزرگان، استانداران و نویسندگان از نور شمع وجود او و نظریاتش بهره مند می شدند. در کتابخانه اش کتابی به نام «الدر النظیم فی ذکر من تسمی بعبدالکریم» دیدم و در مورد سالروز تولدش از نزدیکانش پرسیدم گفتند تولدش در شعبان سال ۶۴۸ هـ بوده است. وی در روز شنبه ۲۶ شوال سال ۶۹۳ در گذشت.^۱

شیخ آقا بزرگ تهرانی از کتاب تکلمه امل الامل سیدحسن صدر نقل می کند که وی نقابت مشهد کاظمین را بعهدہ گرفت، و در حاشیه بعضی از کتابها^۲ بر این مطلب تصریح شده است. و شهرت وی به نقیب در میان نوشته های بعضی از نویسندگان معاصرش، این مطلب را تأیید می کند.^۳

وی نقابت دیگری غیر از نقابت مشهد موسی بن جعفر علیهماالسلام نداشته است و مؤید این مطلب سکونت وی در کاظمین^۴ است. ملقب شدن وی به کاظمی^۵ بخاطر ادامه سکونت وی در آنجا می باشد.

۱ - تلخیص مجمع الآداب: ۴/ق/۲/۱۱۹۴.

۲ - بحر الانساب: چاپ اونست سال ۱۳۸۵ هجری قمری/ ۴۳.

۳ - الحوادث الجامعه: ۴۸۰.

۴ - تلخیص مجمع الآداب: ۴/ق/۲/۸۷۸.

۵ - مقابس الانوار: ۱۶.

۱۸ - رضی الدین علی بن غیاث الدین عبدالکریم آل طاووس نویسنده کتاب بحر الانساب از وی نام برده و بعد از ذکر نسب آن بزرگوار گفته است:

«رضی الدین و پدرش غیاث الدین نقیبهای مشهد امام موسی بن جعفر و امام جواد علیهم السلام بودند، این پدر و پسر دو دانشمند نسب شناس بودند و گفته و نوشته آنها مورد قبول و اعتماد واقع می‌شد - رحمت واسعه خداوند بر آنان باد - ^۱

۱۹ - تقی الدین حسن علوی

نویسنده کتاب غایة الاختصار درباره وی گفته است:

نقیب، ابو طالب تقی الدین حسن، نقابت را در مقابر قریش چندین بار بعهده گرفت. وی زاهد و پارسا بود و در مدینة السلام سکونت داشت، او خیر خواه، متدین و دارای فضل بود و خط زیبایی داشت و فرزندانش در بغداد هم اکنون موجودند.^۲

۲۰ - جمال الدین احمد بن حسن علوی

او سید جمال الدین احمد بن تقی الدین حسن بن علی محیصی است. ابن المهنّا عبیدلی در کتاب تذکرة الانساب^۳ از وی نام برده و او

۱ - بحر الانساب: رکن الدین موصلی: حاشیه صفحه ۴۳.

۲ - غایة الاختصار: ۹۴.

۳ - این کتاب در کتابخانه شیخ محمد سماوی در نجف اشرف بود و الان

نمی دانم پس از درگذشت وی چه کسی آن را خریده است.

را به صورت زیر وصف کرده است:
 «او سیدی دانشمند، با کمال، آبرومند، موجه، شاعر و نقیب
 مشهد کاظمین بود.»

۲۱ - مؤید الدین نسابة

نویسنده کتاب غایة الاختصار گفته است:

«نقیب مؤید الدین، نسب شناس، جوانی خوش سیما و با اخلاقی
 پسندیده است و منسوب به طریقه سیداحمد رفاعی بزرگ می باشد. وی
 انسانی دلیر، شجاع و زیرک است، پس از ورود به بغداد به نقابت مشهد
 کاظمین تعیین گردید و سپس عزل شد و به شهر واسط رفته و در آنجا
 نقابت را بعهده گرفت و تا امروز عهده دار نقابت واسط است. پدرش
 زنده و در خانه اش با زهد و پارسائی دور از مردم زندگی می کند،
 خداوند روزگار وی را نیکو گرداند و او را یاری کند.»^۱

۲۲ - علی بن علی بن حسینی

ابن مهنا عبیدلی با همین اسم در شجره نامه بزرگش از وی نام
 برده و با اسم (نقیب مقابر قریش) او را وصف کرده است. عبیدلی
 فرزند وی محمدابوالفتوح را نیز نام برده و بدون اینکه تصریح به نقابت
 وی کند گفته است:

«او از خاندان نقابت قریش می باشد.»

۲۳ - محمد بن ابی بکر طاووسی

او، محمد بن ابی بکر بن احمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد طاووسی است. ابن مهنا عبیدلی در شجره نامه بزرگش از وی یاد کرده و گفته است: «نقیب مشهد کاظم علیه السلام.»

۲۴ - علی بن عبدالکریم بن احمد علوی حسینی حنبلی

او نقیب بود و در مشهد موسی بن جعفر علیهما السلام موعظه می کرد. او روافض (شیعیان) را دشنام می داد ... وی در زمان طوفان و سیلاب سال ۷۲۵ نقیب بود و دست مردم را می گرفت تا مقبره احمد بن حنبل، که آب آن را احاطه کرده ولی هنوز داخل آن نفوذ نکرده بود، مشاهده کنند. او در سال ۷۴۹ هجری به مرض طاعون درگذشت و در مشهد کاظمین دفن گردید.^۱

۲۵ - جلال الدین ابوالحسن علی بن محمد بن ابی المظفر، هبةالله

موسوی

نویسنده کتاب عمدة الطالب از وی یاد کرده و گفته است: «او کریم و سخاوتمند بود و نقابت مشهد موسی الکاظم علیه السلام را برعهده داشت.»^۲

چنانچه جدّ وی هبةالله که از رجال مطلع قرن هشتم بوده، می باشد، وی نزدیک به نیم قرن با جدش فاصله داشته است.

۱ - روایت دکتر مصطفی جواد بنقل از تاریخ ذهبی.

۲ - عمدة الطالب: ۲۰۱.

۲۶ - صفی الدین حسین بن علی موسوی

وی نوه نقیب سابق است و نویسنده کتاب عمده الطالب بعد از یاد کرد پدرش گفته است:

«پسرش ابو عبدالله، صفی الدین حسین نقیب مشهد موسی بن جعفر علیه السلام با شاهی، دختر محمود ازدواج کرد.»^۱

۲۷ - شیخ عبدالحمید کلیدار

وی شیخ عبدالحمید فرزند شیخ طالب شبلی تولیت حرم کاظمین بود.^۲

روز هفت ذی القعدة سال ۱۲۸۲ هجری قمری متولد شد و روز بیست و ششم ذی الحجه سال ۱۳۳۶ هجری قمری در گذشت.

بعد از گذشت بیشتر از چهار قرن که کاظمین نقیبی نداشت وی با وجود اینکه علوی نسب نبود - و آنطور که گفتیم منصب نقابت ویژه علویین است - به موجب حکمی صادره از استانبول به نقابت برگزیده شد و ظاهراً دلیل این کار این بود که والی بغداد در آن روزها صدور چنین فرمانی را از نیروهای عثمانی درخواست کرده بود تا بدینوسیله نقیب الاشراف بغداد را که با وی اختلاف داشت، خشمگین و ناراحت سازد. هنگامی که شیخ عبدالحمید حکم نقابت را دریافت کرد سید محمد قزوینی تلگراف تبریکی که متضمن دو بیت شعر زیر بود برای وی فرستاد:

ملک الانام حباک من الطافه رتباً بها قد نلت منه نصیباً

۱ - عمده الطالب: ۲۰۱.

۲ - بیوگرافی وی را به تفصیل در قسمت «متولیان حرم کاظمین» آورده ایم.

باب الحوائج صرت بواباً له فلذا ارتضاک علی حماہ نقیبا^۱

۱ - شعراء الحلة: ۲۵۹/۵، یعنی:

خداوند تو را شایسته لطف خود یافت و تو با لطف او به مقامی بلند رسیدی.
تو دربان باب الحوائج شدی بهمین دلیل از نقابت تو بر کسانی که در پناه
اویند، خوشنود گردید.

متولیان حرم

وظیفه نظارت و اشراف بر حرم و عنایت و توجه به شئون آن در سرلوحه وظایف نقیب و از کارهای اساسی او بوده است - همانطور که گذشت - و حرم در طول زمانی که کاظمین از وجود سادات نقباء و بزرگان برخوردار بوده، مورد کمال توجه و اهتمام نقباء قرار گرفته است. فهرست اسامی نقبائی که نامشان ذکر شد به اواخر قرن هشتم پایان می پذیرد، چون بعد از این تاریخ به اسم نقیبی و یا اشاره به کسی که نقابت را در مشهد کاظمین بعهده داشته باشد، دست نیافتیم. شاید دلیل توقف نقابت، نابسامانی اوضاع اداری عراق در این زمان و بعد از آن بوده، و درگیری شدیدی که بین گروههای بانفوذ آن روز برای تصاحب قدرت و حکومت وجود داشت، مجالی برای حکومتهای آن دورانها برای فکر کردن به این مناطق و اجرای شایسته امر نقابت باقی نگذاشته و در نتیجه شهرکاظمین و حرم آن بدون نقیبی که آنرا اداره کند و بر شئون اجتماعی آن اشراف و نظارت داشته باشد، باقی مانده است. وقتی که صفویان در سال ۹۱۴ هجری قمری به اشغال عراق پایان دادند اقدام به تشکیل اداره دینی بزرگی بنام «مشيخة الاسلام» در مقابل مشيخة ترکیه که مرکز آن در استانبول بود، نمودند و مرکز اصلی آن را در کاظمین قرار دادند، و اداره آن را به دانشمند فاضلی به نام شیخ عبدالله قندیل سپردند و لوازم و امکاناتی که مناسب این مرکز بزرگ

مورد توجه بود در اختیار این اداره گذاشتند و از وظایف اصلی این اداره مدیریت و کارهای حرم مطهر بود. و با توجه به وجود این اداره نیازی به منصب نقابت باقی نماند.

و به دنبال خاتمه روزگار صفویان و افتادن قدرت در عراق به دست ترکان عثمانی، مرکز شیخ الاسلام و سایر تشکیلات آن ملغی شد و آستانه مقدسه بدون نقیبی که به کارهای آن برسد، باقی ماند. پس ناچار از تعیین کسی برای قیام و انجام این کار بودند که از میان مردم شهر کاظمین و ساکنین آن نباشد، چون اشغالگران به آنها اعتماد نداشتند و از آنها مطمئن نبودند که امر و نهی حکومت اشغالگر را اجرا کنند.

شیخ علی کلیدار می گوید: بدلیل دشمنی و کینه ای که بین ربیعه، متولی حرم مکه، و بین بزرگان مکه در آن روز ایجاد شده بود او را وادار کردند تا به شام مهاجرت کند. و او ارتباط محکم با حکومت عثمانی برقرار کرد و سپس با کاروان نظامی ترکان عثمانی به بغداد آمد، و نیروهای اشغالگر در ثلث آخر قرن دهم هجری، بخاطر اعتمادی که به وی داشتند و برای جبران وفاداری او بدانها و همچنین به خاطر سابقه وی در تولیت حرم مکه، وی را برای تولیت حرم کاظمین تعیین کردند.^۱

۱ - نمی دانیم در آن زمان کسی که سرپرست این کار بوده چه نام و عنوانی داشته است. شیخ رشید کلیدار می گوید: عنوان وی «نقیب اشراف المشهد الکاظمی» بوده است. بعد از این، لقب «کلیدار» را بروی گذارده است، کلیدار کلمه فارسی است مرکب از دو کلمه «کلید» بمعنای مفتاح و «دار» بمعنای صاحب است یعنی کسی که کلید پیش اوست این کلمه در سالهای اخیر به کلمه «سادن» تغییر نام یافته است. سادن در لغت به خادم کعبه گفته می شود و جمع آن «السَدَنَة» است. سَدَانَةُ الْكَعْبَةِ: یعنی خدمت به آن و سرپرستی کارها و باز و بست درهای آن.

مراجعة شود به لسان العرب: ۲۰۷/۱۳.

لکن شیخ رشید کلیدار می گوید: همراهی «ربیعہ» با کاروان نظامی بمنظور جواب به درخواست برادرش «شیخ محمد شیبی» متولی کعبه مکرمه بود که بخاطر پیری قادر نبود به سفر با کاروان ادامه دهد و بخاطر دشمنی و کینه بین وی و بزرگان مکه نبوده است.

بهرحال، سلسله خاندان متولیان در کاظمین از «ربیعہ» شروع و پیوسته تاکنون ادامه یافته است. لکن آنچه موجب تأسف است این است که، ما اسامی متولیانی که از نسل ربیعہ بوده و بعد از وی تولیت را برعهده داشته اند، بتفصیل نمی دانیم چون حکم تولیت آنان از بین رفته و معلومات و دانسته های فرزندان این خاندان با همدیگر در این مورد متضاد است.

اسامی متولیانی را که بدانها دست یافتیم، با مختصری از شرح حال آنها در زیر می آوریم، تا این بحث را کمال بخشیم و حق تاریخ را ادا کنیم و از زحمات و تلاشهایی که آنان در این مسیر انجام داده و از آن حفظ و نگهداری کرده اند سپاسگزاری نمائیم و از فوائد و بهره هایی که بدست توانای بعضی از آنان به شهر و وطن رسید قدردانی کنیم:

۱ - ربیعہ (فوق الذکر)

۲ - جواد

۳ - فرزند وی احمد بن جواد

۴ - فرزند وی علی بن احمد

این سه تن را نواده آنها، شیخ عبدالنبی فرزند علی کاظمی، در شرح حال خود نام برده است و لابد آنها از متولین حرم بوده اند. لکن ما به حکمی برای تولیت آنها یا نام و توضیحی در مورد آنها بر خورد نکردیم.

۵ - شیخ عبدالنبی بن علی بن احمد بن جواد، معروف به کاظمی
وی در سال ۱۱۹۸ هجری قمری در کاظمین متولد شد و در نزد
سید محمدرضا شبر و فرزندش سید عبدالله شبر و شیخ اسدالله، صاحب
مقابس تلمذ و شاگردی نمود. سید حسن صدر در کتاب تکمله
أمل الآمل نقل می‌کند که وی کتاب مطول را نزد شیخ
محمد حسن آل یاسین خوانده و دائماً مشغول کار بوده و گنجینه‌ای از
کتابهای بزرگ و خوب داشته است.

در سال ۱۲۴۴ از عراق به روستائی به نام «جوّیا» از روستاهای
بشاره در جبل عامل لبنان هجرت کرد و در آنجا ساکن شد و در آن
بلاد ریاست و زعامت کرد و بزرگان و دانشمندان جبل عامل به علم و
فضل او اعتراف کردند. وی در بیشتر علوم و فنون ید طولائی داشت و
نوشته‌های زیاد و ارزشمند وی گواه این مطلب است.

در همان روستای (جوّیا) در ذی القعدة سال ۱۲۵۶ هجری قمری
درگذشت و در همانجا دفن گردید. روی سنگ مرقد وی ابیات زیر
نوشته شده است:

یا مرقداً بین ثراه العلاء	سقیة صوب البریا مرقد
ینمی الیک الفضل فاهنابه	تاجاً ففیه الشرف الاوحد
فلاعلاک الغیث منهله	لطف و فیض الله لاینفد ^۱

وی آثار گرانقدر و نوشته‌های مفیدی دارد که از جمله آنها آثار

۱ - ای قبری که در میان ارزشهای بلند جای داری تو خشکیها را سیراب کردی.
درخت فضیلت از تو می‌روید پس بر تو گوارا باد مانند تاجی که در بزرگی و
شرافت بی‌مانند است.

باران جز تو سرچشمه‌ای ندارد و لطف و بخشش خداوند پایان‌ناپذیر است.

زیر می باشد.

- ۱ - تکمله نقدالرجال. نوشتن آن در شب سه شنبه نیمه ربیع الثانی سال ۱۲۴۰ به پایان رسیده است.
- ۲ - اختصار الاقبال. در سال ۱۲۵۴ پایان گرفته است.
- ۳ - الغرة فی شرح الدرّة. در علم کلام.
- ۴ - کشکول.
- ۵ - مطاعن.
- ۶ - تدوین حواشی شیخ بهائی بر نجاشی.
- ۷ - تحفة المسافر.
- ۸ - الحق الحقیقی. رد بر اخباریون.
- ۹ - شرح قواعد علامه، تا آخر کتاب طهارت.
- ۱۰ - العقود المنثورة. در فقه.
- ۱۱ - فصل الخطاب. در اصول.
- ۱۲ - شرح بر کتاب خلاصة الحساب شیخ بهائی.
- ۱۳ - شرح منظومه سبزواری.
- ۱۴ - مناسک حج.
- ۱۵ - الاقبال، در اعمال سال.
- ۱۶ - منظومه ای در اصول عقاید.
- ۱۷ - حاشیه بر کتاب «مطالب النفس و مسائلها» در فلسفه از ملاحمزه گیلانی.^۱

۶ - احمد بن عبدالنبی

- ۱ - این شرح حال را از کتابهای الکرام البرره: ۸۰۰/۲ - ۸۰۲ و معارف الرجال: ۸۳/۲ بر گزیدیم.

۷ - محمد بن احمد بن عبدالنبی

یکی از این دو تن بعد از سفر شیخ عبدالنبی به جبل عامل متولی حرم بوده است. و به هنگامی که طاعون کاظمین را در بر گرفته بود، هر دو به مرض طاعون در سال ۱۲۴۶ در گذشتند.

۸ - عبدالرزاق بن محمد بن احمد بن عبدالنبی

در سال ۱۲۴۶ هجری قمری تولیت حرم کاظمین را بعهدہ گرفت و نیز در سال ۱۲۵۱ به افتخار تولیت حرم امیرالمؤمنین علیه السلام نائل آمد، سپس قضاوت شهر حله را پذیرفت.

وی بهنگام تولیت حرم امیرالمؤمنین علیه السلام، در نجف ساکن شد^۱ و کارهای حرم کاظمین را به فرزندش طالب سپرد. شیخ جابر کاظمی قصیده ای سروده و به شیخ طالب منصب پدرش را در نجف اشرف و نیابت وی از طرف پدرش در تولیت حرم کاظمین را تبریک و تهنیت گفته است، در آن قصیده چنین آمده:

ألفت مهجتي الغرام وأنتي لي قلب يطيق حمل الغرام
بأبي جيرة نأواعن فوادی وجفوسی ظلماً بغير اجترام
و در پایان گفته است:

هاکها طالب خیار نظام بخیار الشهور شهر الصیام
فابتداء الكتاب عون لمن قال وفي قوله اختتام الكلام
قال أرخ (مفتاح أزکی جنان) بیدی طالب سلیل الکرام)^۲

۱ - دلم با عشقی مانوس شد و قلب من کی می تواند تحمل چنان عشقی را

داشته باشد.

پدرم فدای آن همسایگانی که مرا از دلم دور کردند و بدون جرم و گناه به من

←

شیخ عبدالرزاق در سال ۱۲۶۲ هجری قمری در گذشت.

۹ - طالب بن عبدالرزاق

وی در سال ۱۲۳۰ هجری بدینیا آمد و تولیت حرم کاظمین را پس از مرگ پدرش در سال ۱۲۶۲ هجری بعهدہ گرفت او قبل از مرگ پدرش - همانطور که گذشت - نائب وی در تولیت حرم بود.

دشمنان وی جمع شدند و از او در دستگاه حکومت عثمانی بدگونی کردند که در نتیجه وی سال ۱۲۸۰ و در زمان حکومت عمرپاشا بر عراق، از تولیت برکنار شد اما هنگامی که مدحت پاشا حکومت عراق را بدست گرفت تلاش زیادی برای برگرداندن شیخ طالب به تولیت کاظمین انجام داد و او در سال ۱۲۸۶ هجری دومرتبه تولیت را بعهدہ گرفت، شیخ جابر کاظمی قصیده ای بهمین مناسبت سروده و در آن گفته:

طالب الخیر نال نحج الأمانی	بعدهما أتعبت سواه طلابا
لیٹ غاب قدغاب عنه ومذآب	حمی فی الحفاظ ذاک الغایا ^۱

→
ستم روا داشتند.

اینست همان طالب برگزیده و منضبط که در بهترین ماه یعنی ماه مبارک رمضان انتخاب شده است.

و آغاز نامه یاری می کند که نویسنده در پایان چه باید بگوید.

گفت بنویس: کلید پاکترین بهشتها بدست شیخ طالب نواده بزرگواران است.

۱ - جوینده خوبی (شیخ طالب) بعد از اینکه به زحمت افتاد به آرزوها و

خواسته هایش رسید.

شیر بیشه ای که اندک زمانی از بیشه غایب شد و زمانی که برگشت آن بیشه را

مورد حمایت قرار داد.

وشهاب ما غاب حتی رأینا
 وسحاب قد عاودالروض لَمَّا
 عادل للمنصب الذی قد تحلّی
 منصب خصّه به الله قدماً
 آب للجنة التي خلد الله
 فهورضوانوهو یسقی منالرضوان
 مشرقافی سماء ذاک المشهابا
 فقدالروض فی الظماء السحابا
 فیه انّی یصدّ عنه احتجابا
 وحبالله فیه ذاک الجنابا
 بها فی نعیمه من انابا
 منحلّروضهاأکوابا^۱

هنگامی که حکومت ترکیه (عثمانیها) تصمیم گرفت هیأتی برای مذاکرات صلح بین خود و حکومت ایران، به ریاست سرلشکر علی پاشا به ایران بفرستد، شیخ موسی کاشف الغطاء و شیخ طالب کلیدار نیز به دلیل اعتماد به هوشمندی و کارآیی آنها در این هیأت برگزیده شدند.^۲ شیخ طالب در ششم شوال سال ۱۲۹۲ هجری درگذشت. سید حسین هندی کاظمی در تاریخ وفاتش گفته است:

ناداه موسی مرحباً یطالباً للخلدارخ (فی جوارالکاظم)^۳

۱ - و ستاره ای که غایب نشد تا اینکه او را در آسمان درخشان دیدیم. و ابری که به باغ و سبزی برگشت بعد از اینکه باغ در تشنگی باران بود. به مقامی رسید که قبلاً بدان مفتخر بود تا از آن حفاظت و نگهداری کند. منصبی که خداوند از قدیم ویژه او قرار داده بود و او را شایسته آن مقام دید. به بهشتی برگشت که هر که به آن پناه آورد خداوند تا ابد او را از نعمتهای آن بهره مند می‌کند.

آنجا باغ رضوان است و او هر کسی را که در آن فرود آید از آب گوارای آن می‌نوشاند.

۲ - گفته شیخ رشید کلیدار بنقل از کتاب ناسخ التواریخ.

۳ - موسی بن جعفر صدا زد: ای طالب خوش آمدی به بهشت ابدی در کنار امام (ع) که جمله (فی جوارالکاظم) به حساب حروف ابجد ۱۲۹۲ می‌شود.

۱۰ - عیسی بن عبدالرزاق

وی تولیت را بعد از درگذشت برادرش شیخ طالب بعهدہ گرفت. پسر برادرش بنام حسن فرزند شیخ طالب به این دلیل که تولیت ارثی است و پسر از پدرش آنرا به ارث می برد با وی به معارضه برخاست ولی بعداً با هم به توافق رسیدند که شیخ حسن رئیس امور شهرداری باشد و شیخ عیسی تولیت حرم را عهده دار گردد.

شیخ حسن فرزند شیخ طالب بعد از گذشت شش ماه از مرگ پدرش درگذشت و برادرش عبدالحمید در آن ایام بچه کوچک و نابالغی بود. تولیت شیخ عیسی بر حرم تا آخر عمرش ادامه پیدا کرد. وی در شب چهارشنبه ۲۴ ذی القعدة سال ۱۳۰۴ هجری قمری وفات کرد.

شیخ جابر کاظمی در دیوان شعرش قصیده ای به مناسبت مراسم عروسی شیخ عیسی سروده و دامادی او را به برادرش شیخ طالب تبریک گفته است. بیت اول قصیده این است:

أت مثل قرن الشمس حوراء کاعباً چهاراً ولم تر قبر قیباً مراقباً^۱

۱۱ - عبدالحمید بن طالب

وی در هفتم ذی القعدة سال ۱۲۸۲ هجری متولد شد و در ده سالگی، پدرش درگذشت، ۲۲ ساله بود که عمویش شیخ عیسی متولی حرم فوت کرد.

بعد از مرگ عمویش، استاندار، مصطفی عاصم پاشا حکمی مبنی

۱ - دیوان شیخ جابر کاظمی: ۸۹ - ۹۱. بانویی چشم فراخ با پستانهای برجسته

همتای خورشید آشکارا آمد، در حالی که هیچ نظیر و مانندی نداشت.

بر سپردن تولیت به شیخ علی فرزند شیخ عیسی صادر کرد اما شیخ عبدالحمید به این حکم اعتراض نموده، از حکومت خواست تا تولیت را به وی واگذار کنند، چون وی صاحب اصلی حق تولیت است و تولیت عمویش شیخ عیسی در آن ایام، بنخاطر کوچکی و طفولیت او بوده است. بدنبال پیگیری و استمرار شیخ عبدالحمید در مطالبه حق خود، استاندار دستور داد حکمی مبنی بر اشتراک شیخ علی و شیخ عبدالحمید در سرپرستی تولیت، صادر کنند و طی نامه ای به پایتخت ترکیه خواستار صدور اصولی در این زمینه شد، لکن وزارت اوقاف طی نامه ای طرح مشارکت در تولیت را رد کرد و درخواست نمود که تولیت به یکی از آن دو واگذار شود.

نامه وزارت اوقاف بعد از تغییر استاندار سابق یعنی مصطفی عاصم پاشا به استاندار جدید، محمد سری پاشا رسید و او شیخ عبدالحمید را بعنوان متولی و شیخ علی فرزند شیخ عیسی را بعنوان رئیس خدام انتخاب کرد. کار بهمین منوال ادامه داشت تا اینکه حاج حسن پاشا والی عراق شد وی شیخ علی را از ریاست خدام عزل کرد و به وزارت اوقاف نوشت که وی را بعنوان متولی حرم معین کنند، لکن وزارت اوقاف چند سالی جواب آن را بتعویق انداخت و شیخ عبدالحمید همچنان متولی بود و کارهای مربوطه را انجام می داد تا اینکه سال ۱۳۱۹ هجری شروع شد. در این سال دستوری مبنی بر تعیین شیخ علی بعنوان متولی و محرومیت شیخ عبدالحمید، آمد. لکن تولیت شیخ علی بیش از دو سال طول نکشید و دومرتبه بعد از دو سال تولیت به شیخ عبدالحمید برگشت و شعرا و نویسندگان بهمین مناسبت نامه ها و سروده هایی گفتند و نوشتند. از جمله آن نامه ها، نامه ای از شیخ عبدالحمین حویزی است که در آن نوشته است:

«خداوند بر سایر خلق منت گذاشت که تو را به آرزویت رساند و خیر و خوبی را در وجود تو قرار داد... و زمام امور حرم را بتو سپرد و بندگانش را در پیرامون با عزت تو جمع کرد چون تو به دودمان ولایت و شاخسار زعامت چنگ زده ای و خالصانه به دو سید و پیشوا یعنی امام کاظم و امام جواد علیهماالسلام خدمت کردی...»

قصیده ای نیز از خود حویزی در دنباله نامه است که در آن آمده:
 و طاب لنا الزمان وقد فرهنا من الاقبال فی عیش رغید
 حمدنا الدهر حیث به حمید اتاه النصر من «عبد الحمید»
 فعاد البشر حسین اتاه یسعی بیوم صار ذلک یوم عید^۱
 و در آخر قصیده چنین می گوید:

أیا بحر الندی الطامی وطود الهدی السامی الممنع بالصعود
 لقد عمقت بک الدنیا و کانت تلذّب قبل عصرک بالولود^۲
 سید محمد قزوینی نیز به همین مناسبت قصیده ای سروده که قسمتی از آن چنین است:

بشری «حمید» الفعل فی رتبة فُقتَ ملوک الأرض من أجلها^۳

۱ - روزگار به کام ما شد و از اینکه زندگی راحت به ما روی آورده شادمان شدیم.

روزگار را ستایش می کنیم چون در آن حمید است و نصرت و یاری برایش از سوی عبد الحمید آمد.

شادی بازگشت بهنگامی که او آمد و امروز روز عید و شادی گردید.

۲ - ای دریای بخشنده فراگیر و کوه سربلند هدایت، قوی و شکست ناپذیر. دنیا از چون تو عقیم است در حالی که قبل از زمان تو بسیار زاینده نام گرفته بود.

۳ - بشارت ترا ای شیخ عبد الحمید نیکو کار، به مقامی که بخاطر آن بر

خذه ا فقد وافتكم مياسةً كغداة تختال في دلها
 لم ترض الاك قريناً لها فزدتها حسناً الى شاكلها^۱
 و در پایان قصیده درباره تاریخ آن چنین می گوید:
 انعامه تاریخه (أبشروا رداً الأمانات الى أهلها)^۲
 بعضی از شعرای کاظمین گفته است:

للملك الأعظم دامت يدُ قد طوقت في فضلها منك جيدُ
 أعاد مفتاح جنان الهدى اليك يارضوانها فهو عيدُ
 فانعم قرير العين فيها ودمُ واسلم مدى الدهر بعيش حميدُ
 در تاریخ آن آمده است:

بورک يومُ أرخوه (به عدت قرير العين عبد الحميد)^۳
 سيد احمد صالح قزوینی نیز در این باره چنین سروده است:
 بشرى حميد الفضل بل كل من قد كان مثلي يتولاه
 هذى مفاتيح كنوز الهدى بهن قد أتحنفك الله

→ پادشاهان زمین فائق آمدی.

۱ - آنرا بگیر که بدون توجه به دیگران بتو وفادار ماند مانند، دوشیزه ای که با ناز و کرشمه خودنمایی کند.

راضی نیست غیر از تو کسی همنشین او باشد، چون تو بر جمال و زیبایی صورت او افزودی.

۲ - جایزه او تاریخ اوست (مژده باد شما را که امانتها به صاحبانش رد شد).

۳ - امروز عید است چون کلید بهشت هدایت به تو باز گردانده شد.

پس در آن ای نور چشم متنعم باش و پیوسته با سلامت زندگی نیکویی داشته باش.

مبارک باد روزی که در تاریخ آن گفته اند (آن روز عبد الحمید شادمان و مسرور بازگشت).

موئیدالازلتفی نصره فیکنری مانتمناہ^۱
 شیخ عبدالحمید روز پنجشنبه ۲۵ ذی الحجہ سال ۱۳۳۶ هجری
 قمری در گذشت، او امتحان خوبی با شرکت عملی خود در جهاد با
 انگلیسیها داد و مجاهدین را رهبری کرد و بازویی قوی برای قهرمان
 جهاد سید مهدی فرزند سید حیدر کاظمینی بود.

۱۲ - علی بن عبدالحمید

وی در سال ۱۳۱۸ هجری قمری بدنیا آمد و در اوائل سال ۱۳۳۷
 هـ بعد از مرگ پدرش تولیت را بعهدہ گرفت و مدتی نزدیک به ۴۸
 سال در این مقام باقی ماند و در خلال آن تلاش زیادی در مسیر عمران
 مشهد کاظمین انجام داد. در طول مدت تولیت طولانی وی تحولات و
 آبادانی های بزرگی حاصل شد که اگر سعی و اهتمام و همکاری او
 نبود، بوجود نمی آمد.

علی بن عبدالحمید روز پنجشنبه دهم ماه صفر سال ۱۳۸۵ هجری
 قمری در گذشت و به مناسبت چهلمین روز در گذشت وی مجلس بزرگی
 در صحن حرم کاظمین منعقد گردید. که در آن تعدادی از شعرا و
 نویسندگان شرکت جستند. شیخ حسن اسدالله کاظمی قصیده ای در
 یاد بود وی سروده و در اول آن قصیده آمده است:

۱ - شعراء الحله: ۹۹/۱ و شعراء الکاظمیه - المخطوط - و اوراق آل الکلیدار.

بر شیخ عبدالحمید بزرگوار، بلکه بر همه کسانی که مثل من او را دوست
 می دارند مبارک باد.

اینها کلیدهای گنجهای هدایت است که خداوند آنها را بتو هدیه داده است.
 مادامی که خدا را یاری می کنی خدا تو را تأیید کند و ما در تو آرزوهای خود
 را می یابیم.

یحق علينا أن نهيد لك الذكري
 وننشر من أيامك الغرماطوت
 ونذکر عهداً کان نضرأوزاهراً
 وماذ کر تک تامفس الاتوؤدت
 دهانی الأسی فاستشعرتُمشاعری
 الی أن تجاری الدمع والشعربالیکا
 همچنین وی تاریخ سال وفات علی بن عبد الحمید را در شعر زیر
 گفته است:

يقولون لي: قدمات من كان جامعاً
 فقلت لهم: مامات من شاع ذكروه
 جميع صفات الفضل والنبيل والمجد
 بكل مكان من ثناء ومن حمد

۱ - بر ما واجب است که یاد ترا با قلبهای شیفته و چشمان اشکبار گرامی
 بداریم.

و سرگذشت ایام پرافتخار زندگی تو را که بر صفحات زرین کتاب بزرگواری
 نقش بسته منتشر سازیم.

و روزگاری را که سبز و خرم بود یاد آوری کنیم و ما ایام سبز پربار تو را
 هرگز فراموش نخواهیم کرد.

و دل به یاد تو نمی افتد مگر اینکه بی صبرانه در فقدانت دلگیر و عزادار
 می شود.

دلداری ها بر مصیبت تو مرهم می گذارد ولی عواظم آن را احساس می کند و
 در نتیجه دهانم به شعر گشوده می شود و چشمانم می گرید.

تا اینکه گریه با شعر و اشک جاری می گردد و بهترین گریه ها، گریه ای است
 که شعر و اشک را در خود جمع کند.

۲ - بمن می گویند: آن کسی که جامع همه صفات خوب و بزرگووار و بافضیلت
 بود، درگذشت.

به آنان گفتم کسی که یادش در هر جایی به خوبی و ستایش نام برده می شود

وما فقدتُه في العلي ذكرياته من الباقيات الصالحات والولد
 فيا فجة دهباء أرخ (بيومها عليّ أوى الفردوس في جنة الخلد) ^۱
 همچنين سيد عبدالرسول كفائي در رثای وی قصیده ای سروده و
 در آن چنین گفته است:

أبكى الأسي قلبى عليك تفجعا فتفجرت لك عين شعري أدمعا
 هي ذوب احشائي تسيل قوافياً متفجرات في مصابك هُمعاً
 بكر النعمي فراح يند بللنهي ندباً بروح الفضيلة قد نعي ^۲
 وی در قصیده دیگر چنین گفته است:

إذا فلب البدر في ليلة فمن بعده النجم لم يافل
 ومن نسله صالح فاضل فذلك فخر الأب الأفضل
 وأن يخل من أسد غابهُ فليس بخالٍ من الأشبل
 فمذ حل في الخلد أرخه (نزیداً بروضة قدس علی)

هرگز نمی میرد.

۱ - و کسی که از خود فرزند صالحی و باقیات الصالحاتی بر جای گذاشته است
 نام و یادش در بزرگواری، از بین نمی رود.
 چه مصیبت سخت و دردناکی، تاریخ آن روز را بنویس (آن روز علی در بهشت
 جاودان به فردوس جای گرفت).

۲ - قلبم سوگوارانه بر تو می‌گرید و اشک از چشمان شرم جاری شده است.
 اینها خون دل من است که سیل وار به شکل قافیه در مصیبت تو جاری گردیده
 است.

صبحگاهان پیک مرگ شروع به شیون و زاری برای شیفتگان کرد، چنان شیونی
 که روح فضیلت غمین شد.

هرگاه ماه شب چهارده افول کند بعد از او ستاره هایی است که افول نمی‌کنند.
 کسی که فرزندان او شایسته و بافضلند، موجب مباهات و افتخار اوست که افضل

۱۳ - فاضل بن علی بن عبدالحمید

وی در سال ۱۳۴۴ هجری قمری متولد شد و در مدارس جدید درس خواند و بخشی از مراحل آن را پشت سر گذاشت. در سال ۱۳۷۰ از جانب پدرش نایب التولیه شد و سپس بعد از وفات پدرش تولیت را بعهده گرفت و حکم دولتی تولیت او در تاریخ ۱۹۶۴/۷/۷ میلادی صادر شد. وی هم اکنون تولیت مشهد کاظمین را برعهده دارد - خداوند او را از خطا و اشتباه حفظ کند.

از آنهاست.

اگرچه بیشه از شیر تهیست لکن خالی از بچه شیر نیست.
زمانی که در سرای ابدی شتافت نوشتم علی (در این تاریخ انزیلاً بروضة قدس
علی ۱۳۸۵ هجری قمری) به باغ پاک بهشت فرود آمد.

اسامی افراد مشهوری که در حرم کاظمین مدفونند

همانطور که در مقدمه کتاب گذشت منصور عباسی، زمینی به شکل دایره در کنار شهری که خود آن را ساخت برای گورستان عباسیان و سایر بزرگان انتخاب کرد و اسم «مقابر قریش» را بر آن نهاد. با توجه به اینکه قبل از هر کسی مخصوص قریشیان است.

و اولین کسی که در آن دفن گردید جعفر اکبر فرزند خود ابی جعفر منصور عباسی بود که در سال ۱۵۰ هجری درگذشت.^۱ پس از وی، هیثم بن معاویه کارگزار منصور در بصره متوفای سال ۱۵۶ هجری^۲ و عامر بن اسماعیل مسلی متوفای سال ۱۵۷ هجری^۳ و نصر بن مالک متوفای سال ۱۶۱ هجری^۴ و ابو عبیدالله معاویه بن عبدالله اشعری متوفای سال ۱۶۹ یا ۱۷۰ هجری، دفن گردیدند.^۵

بنا به روایتی، قاضی القضاة ابویوسف انصاری متوفای سال ۱۸۲ هجری نیز در این محل دفن شده است.^۶ همچنین کسان دیگری که احتیاجی به ذکر نام آنها نمی بینیم.

۱ الی ۴ - تاریخ طبری: ۳۲/۸، ۵۰، ۵۲، ۱۴۰.

۵ - وفیات الاعیان: ۲۵/۶.

۶ - تلخیص مجمع الآداب: ۴/ق ۵۵۳/۳. مورخین گذشته مثل خطیب بغدادی و امثال وی محل دفن ابو یوسف را ذکر نکرده اند و در مورد شک و تردید تاریخ نگاران در محل قبر وی مراجعه کنید به زهر الربیع: ۲۶۵ و مجله لغة العرب البغدادیه: ۶/۷۵۴.

امام کاظم موسی بن جعفر علیه السلام که در سال ۱۸۳ هجری به شهادت رسید در مقابر قریش بخاک سپرده شد همانگونه که در کنار وی نواده اش امام جواد محمد بن علی علیه السلام که در سال ۲۲۰ هجری به شهادت رسید، دفن شد.

با گذشت زمان این مکان یعنی مقابر قریش منسوب به امام کاظم علیه السلام گردید و شمار مدفونین در آن بخاطر مجاورت امام کاظم و امام جواد علیهما السلام و تبرک جستن و شفاعت آن دو بزرگوار، زیاد شد.

اگر کتابهای تاریخ و شرح حال را بررسی کنیم اسامی افرادی را خواهیم دید که در حرم کاظمین دفن شده اند که تعداد آنها از شمارش بیرون است و کتابهای بزرگ قادر نیست اسامی آنها را در خود جای دهد. از جمله این مدفونین، شمار مهمی از علماء، ادبا، متفکرین، پادشاهان، رؤسا، وزراء، فرماندهان نظامی و طبقات دیگری از مردم می باشند.

افراد مشهوری که در زمان عباسیان در این بارگاه مقدس دفن شده اند عبارتند از:

- ۱ - محمد امین فرزند هارون الرشید، متوفای سال ۱۹۸ هجری.^۱
- ۲ - مادر امین، زبیده همسر هارون الرشید، متوفای سال ۲۱۶ هجری.^۲
- ۳ - ابراهیم بن محمد، معروف به «ابن عائشه» که در سال ۲۱۰ هجری کشته شد.^۳

۱ - الکامل: ۵۹/۸.

۲ - تاریخ طبری: ۶۰۴/۸.

- ۴ - عبیدالله فرزند عبدالله بن طاهر، متوفای سال ۳۰۰ هجری.^۱
- ۵ - سلیمان محمد نحوی، معروف به حامض (ترش)، متوفای سال ۳۰۵ هجری.^۲
- ۶ - محمد بن قاسم انباری نحوی، متوفای سال ۳۲۷ یا ۳۲۸ هجری.^۳
- ۷ - علی بن اسحاق بغدادی، شاعر، مشهور به زاهی (درخشنده)، متوفای سال ۳۵۲ هجری.^۴
- ۸ - حسن بن محمد مهلبی، وزیر، متوفای سال ۳۵۲ هجری.^۵
- ۹ - معزالدوله امیر آل بویه، متوفای سال ۳۵۶ هجری.^۶
- ۱۰ - علی بن عبدالله ناشی، متوفای سال ۳۶۵ هجری.^۷
- ۱۱ - جعفر بن محمد قمی، معروف به ابن قولویه، متوفای سال ۳۶۸ هجری.^۸
- ۱۲ - حسین بن حجاج شاعر، متوفای سال ۳۹۱ هجری.^۹

۱ - وفيات الاعيان: ۳۰۶/۲.

۲ - وفيات الاعيان: ۱۴۰/۲.

۳ - وفيات الاعيان: ۴۶۴/۳.

۴ - وفيات الاعيان: ۵۳/۳.

۵ - وفيات الاعيان: ۳۹۴/۱.

۶ - وفيات الاعيان: ۱۵۸/۱.

۷ - معجم الادبا: ۲۸۲/۱۳.

۸ - رجال شيخ طوسي: ۴۵۸.

۹ - وفيات الاعيان: ۴۲۷/۱.

ابن خلکان می گوید: حسین بن حجاج وصیت کرد که وی را «پائین پای موسی بن جعفر علیه السلام دفن کنند و بر سنگ قبرش آیه (وکلهم باسط ذراعیه بالو صید) را بنویسند.

- ۱۳ - ابوعلی بن ابی جعفر استاد هرمز، مشهور به سرلشکر، متوفای سال ۴۰۱ هجری.^۱
- ۱۴ - محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید، متوفای سال ۴۱۳ هجری.^۲
- ۱۵ - جلال الدوله امیر آل بویه، متوفای سال ۴۳۶ هجری.^۳
- ۱۶ - ابو منصور بن جلال الدوله، معروف به الملک العزیز، متوفای سال ۴۴۱ هجری.^۴
- ۱۷ - علی بن افلح عبسی شاعر، متوفای سال ۵۳۵ یا ۵۳۶ یا سال ۵۳۷ هجری.^۵
- ۱۸ - علی بن صدقه، وزیر، متوفای سال ۵۵۲ هجری.^۶
- ۱۹ - محمد بن عبدالکریم انباری، نویسنده احکام و فرامین، متوفای سال ۵۵۸ هجری.^۷
- ۲۰ - محمد بن حسن، معروف به ابن حمدون، نویسنده، متوفای سال ۵۶۲ هجری.^۸
- ۲۱ - امیریزدن ترکی، متوفای سال ۵۶۸ هجری.^۹
- ۲۲ - سعد بن محمد تمیمی، شاعر معروف به حیص بیص، متوفای

۱ - المنتظم: ۲۵۳/۷.

۲ - رجال نجاشی: ۲۸۷.

۳ - الکامل: ۳۷/۸.

۴ - الکامل: ۴۰/۸.

۵ - وفيات الاعیان: ۶۹/۳.

۶ و ۷ - المنتظم: ۱۷۹/۱۰ - ۲۰۶.

۸ - وفيات الاعیان: ۱۶/۴.

۹ - المنتظم: ۲۴۲/۱۰.

سال ۵۷۴ هجری.^۱

۲۳ - ابوطالب علی بن بخاری، متوفای سال ۵۹۳ هجری.^۲

۲۴ - محمد بن محمد کرخی، حافظ، منشی، متوفای سال ۵۹۸ هجری.^۳

۲۵ - احمد بن علی بخاری، قاضی القضاة، متوفای سال ۵۹۹ هجری.^۴

۲۶ - حسن بن نصر، معروف به ابن ناقد، متوفای سال ۶۰۴ هجری.^۵

۲۷ - یحیی بن محمد علوی، نقیب طالبین بصره، متوفای سال ۶۱۳ هجری.^۶

۲۸ - ناصر بن مهدی علوی، وزیر، متوفای سال ۶۱۷ هجری.^۷

۲۹ - یعقوب بن صابر بغدادی، شاعر، متوفای سال ۶۲۶ هجری.^۸

۳۰ - نصرالله بن ابی الکریم، معروف به ابن اثیر جزری، متوفای

سال ۶۳۷ هجری.^۹

۳۱ - یحیی بن ابی الفرج شیبانی، نویسنده، متوفای سال ۵۹۴ هجری.^{۱۰}

و هزاران هزار مدفون دیگر که شمارش آنان میسر نیست.

۱ - وفيات الاعیان: ۱۰۸/۲.

۲ - الکامل: ۲۳۹/۹.

۳ - وفيات الاعیان: ۲۹۲/۵.

۴ و ۵ - الجامع المختصر: ۸۵ - ۱۱۴.

۶ - مرآت الزمان: ۵۳۶.

۷ - مرآت الزمان: ۵۸۱.

۸ - الکامل: ۳۴۵/۹.

۹ - وفيات الاعیان: ۳۲/۵.

۱۰ - وفيات الاعیان: ۴۳/۶.

بعد از عصر عباسیان شمار مدفونین در مشهد کاظمین بشکل قابل توجهی رو به افزایش گذاشت، بعد از قرن دهم هجری بحدی زیاد شد که از شمارش خارج است و تعیین و شمارش آنها از جمله محالات است.

دوست داشتم که اسامی افراد معروف و مشهوری که در حرم کاظمین مدفونند و از دفنشان اطلاع داریم، بخاطر بزرگداشت نام و یادشان ذکر کنم. لکن پیگیری این بحث موجب خروج از موضوع این کتاب و نیازمند نوشتن دهها جلد کتاب است.

در اینجا بخاطر ضرورت و اختصار و تنها به ذکر سه تن از این مدفونین تاریخی که پیوسته از قرون اولیه اسلام تا کنون معروف و مشهور بوده اند، اکتفا می کنیم:

۱ - قبر ابن قولویه قمی

وی ابوالقاسم، جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه است. پدرش ملقب به مَسَلَمَه از بهترین یاران و اصحاب عالم بزرگوار سعد بن عبدالله اشعری قمی بود. ابوالقاسم از افراد ثقه و مورد اعتماد بزرگان شیعه در فقه و حدیث می باشد. او از پدر، برادر و سعد بن عبدالله اشعری روایت کرده و گفته است: از سعد بیشتر از چهار حدیث نشنیدم. شیخ مفید فقه را از وی فرا گرفت. آنچه مردم درباره نیکبها و فقاہت وی گفته اند، او بالاتر از اینها بوده است. او کتابهای خوبی دارد که عبارتند از:

- ۱ - کتاب مداوای تن.
- ۲ - کتاب نماز.
- ۳ - کتاب جمعه و جماعات.

- ۴ - کتاب نماز شب.
 - ۵ - کتاب شیر دادن.
 - ۶ - کتاب صداق و مهریه.
 - ۷ - کتاب قربانیها.
 - ۸ - کتاب صرف.
 - ۹ - کتاب وطی بملک الیمین (تزییح از راه خرید کنیز).
 - ۱۰ - کتاب بیان حیوانات حلال گوشت و حرام گوشت.
 - ۱۱ - کتاب تقسم زکات.
 - ۱۲ - کتاب العَدَد.
 - ۱۳ - کتاب العَدَد فی شهر رمضان.
 - ۱۴ - کتاب رد بر ابن داوود در شمار روزهای ماه رمضان.
 - ۱۵ - کتاب زیارات^۱.
 - ۱۶ - کتاب حج.
 - ۱۷ - کتاب روز و شب.
 - ۱۸ - کتاب قضاوت و ادب حاکمان.
 - ۱۹ - کتاب شهادت.
 - ۲۰ - کتاب عقیقه.
 - ۲۱ - کتاب تاریخ ماهها و حوادثی که در آنها بوقوع پیوسته است.
 - ۲۲ - کتاب نوادر.
 - ۲۳ - کتاب زنان (این کتاب را پایان نرسانده است)^۲.
-
- ۱ - این کتاب در سال ۱۳۵۶ هجری قمری در نجف اشرف چاپ سنگی شده است.
- ۲ - رجال نجاشی: ۸۹ - ۹۰، همچنین مراجعه کنید به کتاب خلاصة الاقوال: ۱۶.

۲۴ - کتاب اربعین.^۱

۲۵ - کتاب الفطرة.

۲۶ - فهرست آنچه از کتابها و اصول روایت کرده است.^۲

تلعکبری و شیخ مفید و حسن بن عبیدالله و احمد بن عبدون و ابن عزور از وی روایت می کنند.^۳

وی در سال ۳۶۸ هجری درگذشت^۴ - رحمت خدا بر او باد - و در پائین پای امام کاظم علیه السلام دفن شد.^۵ مقبره وی پیوسته تا کنون مشهور بوده و داخل ایوانی که معروف به ایوان شیخ مفید است قرار دارد.

۲ - قبر شیخ مفید عکبری

او محمد بن محمد بن نعمان بن عبدالسلام بن جابر بن نعمان بن سعید بن جبیر بن وهب بن هلال بن اوس بن سعید بن سنان بن عبدالدار است که نسبش به یعرب بن قحطان می رسد.^۶

شیخ طوسی می گوید: «کنیه وی ابا عبدالله و معروف به «ابن المعلم» و از جمله متکلمین شیعه است. ریاست شیعه امامیه در زمان حیاتش به وی رسید. او در علم کلام و فقه پیشوا و دارای ذهنی خوب،

۱ - معالم العلماء: ۲۶.

۲ - فهرست شیخ طوسی: ۴۲ - ۴۳.

۳ - رجال طوسی: ۴۵۸.

۴ - رجال شیخ طوسی: ۴۵۸ و رجال ابن داوود: ۸۸.

۵ - فوائد الرضویه: ۷۸/۱.

۶ - رجال نجاشی: ۲۸۳ - ۲۸۴.

دقیق و حاضر جواب بود.»^۱

ابن حماد حنبلی درباره می می گوید:

«رئیس علم کلام، جدل و فقه؛ با اهل هر عقیده و فکری مناظره می کرد و در دولت آل بویه با عظمت و کرامت بود... وی صدقه و کارهای خیر زیاد انجام می داد و خشوع باشکوهی داشت و نماز و روزه فراوانی بجا می آورد و خوش لباس بود... عضدالدوله بارها به زیارت وی رفت. او پیرمردی متوسط القامه، لاغر و سبزه بود، ۷۶ سال عمر کرد... جنازه اش نمایان بود و هشتاد هزاران تن در تشییع جنازه اش شرکت کردند.»^۲

ابن ندی درباره وی گوید:

«او پیشوایی در علم کلام شیعه، دقیق، زیرک و ذهنی تیز داشت،

من او را دیدم و وی را خبره و زبردست یافتم.»^۳

ابن حجر عسقلانی گوید:

«او (شیخ مفید) در راه کسب علم، ریاضت، خشوع و سختی

زیادی می کشید و گروهی از علم و دانش وی بهره بردند و شاگردی او نمودند. بحدی در مذهب امامیه ماهر و خبره و چیره دست بود تا آنجا که گفته شده است: او بر گردن هر شیعه حقی و منتهی دارد.»^۴

نویسنده کتاب «تاریخ دول الاسلام» گفته است:

«شیخ مفید جلال و عظمت زیادی در دولت آل بویه داشت... او

فروتن، متعبد و خداجوی بود.»^۵

۱ - فهرست شیخ طوسی: ۱۵۷ - ۱۵۸.

۲ - شذرات الذهب: ۱۹۹/۳.

۳ - فهرست ابن ندیم: ۲۵۲.

۴ - لسان المیزان: ۳۶۸/۵.

۵ - تاریخ دول الاسلام: ۱۹۱/۱.

نجاشی در رجال خود درباره وی گفته است:

«فضل و برتری شیخ مفید در فقه، کلام، حدیث، علم و اعتماد و وثاقت، مشهورتر از آن است که وصف شود.»^۱

شیخ مفید نزد بیش از پنجاه تن از بزرگان عصر خود^۲ درس خوانده و از آنان روایت می‌کند و بیشتر از دویست کتاب کوچک و بزرگ^۳ نوشته که بعضی از آنها در ایران و عراق چاپ شده است.

وی روز یازدهم ذی القعدة سال ۳۳۶ و به روایتی سال ۳۳۸ هجری به دنیا آمد و در شب جمعه سه شب باقیمانده از ماه رمضان سال ۴۱۳ هجری درگذشت و ابوالقاسم علی بن الحسین مشهور به سید مرتضی در میدان اشنان بر وی نماز گذارد جمعیت نمازگزار آنقدر زیاد بود که میدان اشنان با تمام وسعت و بزرگیش بر مردم تنگ شده بود.^۴

نجاشی می‌گوید:

روز درگذشت شیخ مفید از روزهایی بود که باشکوه‌تر از آن دیده نشده، مردم زیادی برای نماز بر پیکر وی جمع شده و موافق و مخالف بر او می‌گریستند.^۵

شاعر، مهیار دیلمی قصیده‌غزایی در مرثیه وی سروده که در اول

۱ - رجال نجاشی: ۲۸۴.

۲ - الشيخ المفید: این کتاب نوشته همین نویسنده است که هنوز چاپ نشده است.

۳ - فهرست شیخ طوسی: ۱۵۸ و شذرات الذهب: ۱۹۹/۳. ما بحث مفصلی تحت عنوان «فهرست مصنفات شیخ مفید» کرده ایم که بزودی انشاءالله چاپ و به بازار عرضه خواهد شد.

۴ - رجال نجاشی: ۲۸۷.

۵ - فهرست شیخ طوسی: ۱۵۸.

آن چنین آمده است:

ما بعد یومک سلوة لمعللِ منی ولا ظفرت بسمع معذلِ
سوی المصاب بک القلوب علی الجوی فیدُ الجلید علی حشا المتململِ
وتشابه البا کون فیک فلم یبین دمع المحق لنا من المتعملِ^۱

شاگردش سید شریف مرتضی نیز قصیده ای در رثای وی سروده که چند بیت اول آن چنین است:

من علی هذه الدیار اقاما؟ أوصفا ملبس علیه و داما؟
عج بنا نندب الذین تولوا باقتیاد المنون عامأفعاماً^۲

همچنین عبدالمحسن صوری شاعر، قطعه ای در رثای شیخ مفید گفته که در آن آمده:

تبارک من عمّ الانام بفضله وبال موت بین الخلق ساوی بعدله
مضی مستقلاً بالعلوم «محمد» وهیهات یا تینا الزمان بمثله^۳

به عکس شماره ۲۶ در صفحه ۱۸۰ این کتاب مراجعه شود.

۱ - دیوان مهیار: ۱۰۳/۳.

برای من پس از امروز هیچ چیز باعث دلداری و تسلی بخش نیست و ملامتی از کسی گوش نخواهیم کرد.

مصیبت تو دلها را در جوش و خروش با هم برابر کرد زیرا دست قدرتمند در برابر خار و خاشاک در لرزش است.

همه گریه کنندگان درباره تو هسانند و گریه آنکه برآستی می‌گرید با آنکه تصنی می‌گرید تشخیص داده نمی‌شود.

۲ - دیوان شریف مرتضی: ۲۰۴/۳.

آن کیست که در گیتی جاوید زیست؟ یا کدام جامه فاخر جاودانه ماند؟
لختی مهلت تا بر دوستان و درگذشتگان بگیریم.

۳ - دیوان الصوری: ۱/۲۰، خطی، کتابخانه مجمع علمی عراق.

بزرگوار است خدایی که بخشش و فضلش شامل همه مردم است.

۳ - قبر خواجه نصیرالدین طوسی

او، محمد بن محمد بن حسن، نصیرالدین طوسی فیلسوف است^۱، صبحگاه روز شنبه یازدهم جمادی الاول سال ۵۹۷ متولد شد^۲ در طوس نشو و نما کرد و در همان جا مشغول به تحصیل علم گردید^۳ و از معروفترین اساتید وی، معین الدین سالم بن بدران مصری و کمال الدین موصلی را می توان نام برد.^۴

خواجه نصیرالدین با ناصرالدین محتشم حاکم قهستان و وزیر علاءالدین محمد سلطان اسماعیلیه ارتباط برقرار کرد. گفته می شود که ناصرالدین محتشم از خواجه نصیر دعوت کرد تا در کنار او باشد.

خواجه نصیر مدتی چند در دستگاه ناصرالدین محتشم اقامت گزید و در خلال این مدت کتاب «اخلاق ناصری» را تألیف نمود و آنرا به اسم «ناصر» نامگذاری کرد.^۵

ابن فوطی در کتاب الحوادث الجامعه می گوید:
«قلعه الموت که بدست لشکر مغول فتح شد، خواجه نصیر از آنجا آزاد گردید... وی در خدمت علاءالدین بود... و بعد در دستگاه سلطان مغول حاضر شد و از پیشگاه او بهره برد.^۶»

→ محمد (مفید) آن یگانه دانشمند درگذشت و هیئات که روزگار مانند او برای ما بیاورد.

۱ - فوات الوفيات: ۱۸۶/۲.

۲ - فوائد الرضویه: ۶۰۵/۲.

۳ - روضات الجنات: ۵۸۲.

۴ - فوات الوفيات: ۱۸۸/۲.

۵ - روضات الجنات: ۵۸۲.

۶ - الحوادث الجامعه: ۳۱۴.

خواجه نصیر با لشکریان مغول وارد بغداد شد و با بزرگان عراق ارتباط برقرار کرد و سپس به شهر حله - که در آن روزها از مراکز بزرگ علمی بشمار می آمد - رفت و چند سالی در آنجا اقامت گزید و در این مدت بین خواجه و بزرگان و شخصیت‌های این شهر مناقشات علمی و سنوالم و جوابهای ارزشمندی بوقوع پیوست.^۱

«خواجه نصیر بعنوان وزیر، برای هلاکوی مغول کار می کرد بدون اینکه در امور مالی دخالتی داشته باشد خواجه آنچنان در اندیشه و فکر هلاکو نفوذ کرده بود که بدون اجازه وی نه بر مرکب سوار می شد و نه به مسافرت می رفت...»

هلاکو وی را سرپرست و متولی اوقاف سراسر کشور قرار داد. او در هر شهر نماینده ای داشت که در آمد اوقاف را جمع آوری می کرد و یک دهم آن را برای خواجه می فرستاد تا صرف کسانی که در رصدخانه او مشغول کار بودند و سایر نیازمندیهای رصدخانه نماید... مسلمانان او وجود او بهره مند می شدند... وی با آنها با نیکی رفتار می کرد و کارهایشان را انجام می داد و از اوقافشان حمایت می کرد و با وجود همه اینها انسانی فروتن متواضع و خوش برخورد بود.^۲»

«وی در مراغه گنبد و رصدخانه بزرگ و باشکوهی برپا ساخت و کتابخانه بزرگ و وسیعی در آن ایجاد کرد و آنرا از کتابهایی که از بغداد، شام و جزیره العرب آورده بود، پر کرد بعدی که جمع آن به بیش از چهارصد هزار جلد رسید. و در رصدخانه فلاسفه و منجمین را بکار گماشت و برای مخارج آن اوقافی قرارداد.»^۳

۱ - بحار الانوار: ۲۵/۲۰ و روضات الجنات: ۱۴۸.

۲ - فوات الوفيات: ۱۸۸/۲.

۳ - فوات الوفيات: ۱۸۶/۲.

«ابزار و آلاتی که در این رصدخانه بکار گرفته می شد شگفت انگیز بود. این ابزار مشتمل بر یک کره متشکل از چند دایره جای از هم و بنام (ذات الحلق) و مربعی برای اندازه گیری و سنجش ارتفاع و دایره بروج برای سنجش دگرگونیهای زمستانی و تابستانی، بود. کار خواجه نصیرالدین در این رصدخانه ها اخراج تقویم های فلکی جدید بود که معروف به زیج ایلخانی و اشاره به اسم هلاکو - ایلخان اول - داشت. این تقویمها کم کم عمومی شد و در اطراف قاره آسیا حتی چین منتشر گردید.^۱»

تاریخ آغاز کار برای ساختن این رصدخانه سال ۶۵۷ هجری و پایان آن سال ۶۷۲ هجری بوده است.^۲

در سال ۶۶۲ هجری خواجه نصیرالدین محمد طوسی به بغداد رسید تا اوضاع و احوال اوقاف را مورد بررسی و نظر قرار دهد... سپس در «واسط» و «بصره» فرود آمد و نامه های زیادی از عراق بخاطر رصدخانه جمع آوری نمود.^۳

دو مرتبه در سال ۶۷۲ هجری با سلطان «اباقاخان» به بغداد برگشت و اوضاع و احوال اوقاف را مورد بررسی قرار داد و آنها را اصلاح کرد^۴ و قرارداد ماهانه ای تعیین نمود و آیین نامه ای در وقف وضع کرد و در این سفر عده زیادی از شاگردان و یارانش با او همراه بودند.^۵

۱ - تاریخ العرب نوشته فلیپ حتی و دوستانش: ۴۶۱/۲.

۲ - الحوادث الجامعه: ۳۴۱.

۳ - الحوادث الجامعه: ۳۵۰.

۴ - الحوادث الجامعه: ۳۷۵.

۵ - فوات الوفيات: ۱۸۹/۲.

خواجه نصیر - رحمت خدا براو باد - روز عید غدیر ۱۸ ذی الحجه سال ۶۷۱ هجری در گذشت و در حرم موسی بن جعفر علیهما السلام - در سردابی قدیمی ساز و خالی که گفته شده برای خلیفه عباسی ناصرالدین الله ساخته شده بود، دفن گردید.^۱

خواجه نصیر تعدادی کتاب بزرگ از لحاظ کمی و کیفی نوشته و از خود برجای گذاشت که بعضی از آنها در عراق، ایران و هند چاپ شده است.

به عکس شماره ۱۷ در صفحه ۱۶۱ این کتاب مراجعه شود.

موزه حرم

حرم کاظمین - در طول زمانهای گذشته - موزه نفیسی داشته که دارای آثار هنری گرانبھائی خارج از حساب و ارزش گذاری، بوده است. منابع تاریخی می گویند از جمله این نفایس در قرن چهارم هجری، چهل چراغ برنجی چهار گوش ابتکاری و در نهایت زیبایی بوده که بدست ابی الحسن علی بن عبدالله بن وصیف ناشی، شاعر اهل بیت متوفای سال ۳۶۵ هجری، ساخته شده است. ناشی برنز کار ماهر و مبتکری بوده است.^۱

در نیمه اول قرن پنجم هجری در حرم چلچراغها و محرابهایی از طلا و نقره، پرده های قیمتی و چیزهای ارزشمند دیگری بوده است.^۲ در اوائل قرن ششم هجری در حرم اشیائی نفیس^۳ و چلچراغهایی از نقره و پرده هایی از ابریشم خالص بوده است.^۴

در قرن هفتم هجری گنجینه نفایس حرم علاوه بر آنچه داشت تعدادی کتاب نفیس خطی به آن اضافه شد که از جمله آنها کتب زیر است:

-
- ۱ - معجم الادبا: ۲۸۵/۱۳.
 - ۲ - الکامل: ۵۹/۸.
 - ۳ - المنتظم: ۲۴۳/۹.
 - ۴ - ذیل تاریخ دمشق: ۲۰۶.

۱ - نسخه ای کهن از کتاب ملاحم بظائنی.^۱
 ۲ - کتاب منیةالداعی و غنیةالواعی. این کتاب را ابن یلمیش وقف کرده است. و دستخط سعید رضی الدین علی بن طاووس و اسم کسی که این کتاب را بر او خوانده، بر روی کتاب بچشم می خورد.^۲
 ۳ - کتابی که بر پشت جلد آن خط سید احمد آل طاووس است.^۳
 این موزه پیوسته در حال افزایش بوده و در ایام حکومت صفویان به اوج شکوفایی خود رسید، چون پادشاهان صفوی آثاری از هنر ایرانی که در انواع سجاده ها، پرده ها و شعمدانها تجسم یافته بود به همراه اشیاء گرانبهای دیگری به آن اهداء کردند.

در سال ۱۱۵۳ هجری قمری هدایای نادرشاه - پادشاه آن روز ایران - به عتبات مقدسه عراق رسید.^۴ لکن نوع این هدایا و اینکه چه مقداری از آنها برای حرم کاظمین بوده را بطور مفصل نمی دانیم.
 هنگامی که وهابیون در سال ۱۲۱۶ هجری به نجف اشرف هجوم بردند و مردم را کشتند و اموالشان را غارت نمودند و کارهای ناشایست انجام دادند، خزانه نجف اشرف از ترس غارت وهابیون انتقال داده شد و به خزانه حرم موسی بن جعفر علیهماالسلام ضمیمه گشت.^۵ و از این ضمیمه فهمیده می شود که در حرم کاظمین خزانه ای بوده که اشیاء ارزشمند و نفیسی که مردم هدیه می کردند در آنجا نگهداری می شده است و با وجود زیادی و قیمتی بودن آن از امنیت خاصی

۱ - اقبال سید بن طاووس: ۵۹۹.

۲ - سلسله الکتاب: ۲۰/۱.

۳ - فرحة الغری: ۱۲۳.

۴ - مراجعه کنید به صفحه ۹۱ متن این کتاب.

۵ - دوحة الوزراء: ۲۱۷.

برخوردار بوده که اشیاء نفیس خزانه نجف اشرف را نیز در خود جای داده و نگهداری کرده است. بزرگان و کسانی که عمرشان زیاد است نقل می‌کنند که درون ضریح نقره‌ای، دو صندوق بوده که نسخه گرانقدری از قرآن مجید که از موقوفات حرم بوده، در آن جای داشته است اما اکنون از حال خزانه چیزی نمی‌دانیم و من از شیخ فاضل کلیدار متولی کنونی حرم از محتویات خزانه سؤال کردم، وی گفت چیز ارزشمند مهمی الان در آن وجود ندارد و یادآوری نمود که چیزهای مهمی که الان موجود است در موارد زیر خلاصه می‌شود:

دو شمشیر که با یاقوت و سنگهای قیمتی آراسته شده و توسط «انورپاشا» وزیر جنگ ترکیه اهدا شده است.

چهار شمعدان نقره‌ای که توسط ناصرالدین شاه قاجار هدیه شده است.

تعداد ۲۱ نسخه از قرآن مجید که بعضی از آنها خطی و بعضی دیگر چاپی می‌باشند.

فهرستها

فهرست اعلام و اشخاص

فهرست جاها و شهرها

فهرست منابع و مأخذ

فهرست موضوعات

فهرست اعلام، اشخاص

- آدم: ۱۲۰
 آقا بزرگ تهرانی: ۲۲۹
 آل بویه: ۲۶، ۳۰، ۲۵۷
 آل طاووس: ۵۸، ۲۱۶
 آل طاووس، عبدالکریم: ۲۲۶، ۲۲۸
 آل طاووس، احمد: ۲۲۶
 آل یاسین محمدحسن: ۱۶، ۶۳، ۲۳۶
 آل نوح: ۱۱۰
 آلوسی: ۲۰۰
 آیه الکرسی: ۱۹۳
- آ
 ابن خلکان: ۱۵، ۵۰، ۲۵۱
 ابن حجر: ۲۵۷
 ابن حماد حنبلی: ۲۵۷
 ابن حمدون، محمد بن حسن: ۲۵۲
 ابن جعفر: ۲۶
 ابن جعفر القیم: ۲۱۴، ۲۱۵
 ابن جوینی: ۲۱۴
 ابن دبیشی: ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱
 ابن ساعی: ۲۲۲
 ابن شدقم: ۲۰۳، ۲۰۵
 ابن شهر آشوب: ۱۹۷، ۱۹۸
 ابن عایشه ابراهیم بن محمد: ۲۵۰
 ابن عمران: ۸۹، ۱۱۱
 ابن عنبه داوودی: ۲۰۳
 ابن فرات: ۲۲۰
 ابن فوطی: ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۶۰
 ابن منکر، محمد بن ابراهیم: ۲۲۶
 ابن مهدی: ۲۱۷
 ابن نافذ: ۲۵۳
- الف
 اباقاخان: ۲۶۲
 ابلیس: ۱۲۰
 ابن انجب: ۲۲۲
 ابن بطوطه: ۵۷
 ابن تغری بردی: ۲۱۹
 ابن اثیر: ۳۰، ۲۰۴، ۲۵۳

- احمد بن حنبل: ٣١، ٣٧
 ابن نجار: ٢١٧، ٢١٨
 احمد بن موسى بن جعفر: ١٩٧،
 ابن نديم: ٢٥٧
 ٢٠٢، ٢٠٠
 ابراهيم: ١٣٠، ١٧٦، ١٩٧، ٢٠٠،
 اخمينيان: ١٣
 ٢٠٣، ٢٠٤، ٢٠٥، ٢٠٦
 اربلى: ١٤
 ابوالفداء: ٥٨
 اسحاق: ١٩٧
 ابوالفضل براوستاني: ٣٤
 اسدالله: ١٢٥، ١٤٢، ٢٣٦، ٢٤٥
 ابوحنيفه: ٦٠
 اسماعيل صفوى: ٦١، ٦٢، ٦٣، ٦٤،
 ابوالحسن خان: ١٢٦
 ٧٠، ٦٥
 ابوالصمون: ١٤٣
 اسماعيل بن موسى بن جعفر: ١٩٧،
 ابوطالب على بن بخارى: ٢٥٣
 ٢٠٠، ٢٠١، ٢٠٢
 ابوالفتوح محمد: ٢٢٩
 اسماعيل: ١٣٣، ١٥٠
 ابوالقاسم: زياد است
 اشعري معاوية بن عبدالله: ٢٤٩
 ابومنصور بن جلال الدوله: ٢٥٢
 افضل: ١٥٣
 ابويوسف انصارى: ٢٤٩
 الورد عباس: ١٤٢
 ابى البغل: ٢١٤
 امير اسبان: ٦٠
 ابى البركات: ٢١٨
 امير تومان: ١١٩
 ابى الحسين: ٢١٤
 امير ذوالفقار: ٦٤
 ابى الحسين ابى البغل: ٢٥
 امير يزدن: ٢٥٢
 ابى الخشاب: ٢٢١
 امين: ٣١، ١٤٣
 ابى السرايا: ٢٠٢، ٢٠٣، ٢٠٤، ٢٠٥
 امين التجار محمد مهدى: ١٩١
 ابى غالب: ٢١٧
 امين الدوله: ١٢٩
 ابى منصور: ٢١٤
 امين الدين: ٢٢٥، ٢٢٦
 ابى منصور بن صالحان: ٢٥
 امين بن هارون الرشيد: ٢٥٠
 احزاب: ١٩٢
 انبارى محمد بن عبدالكريم: ٢٥٢
 ابى بن عبدوس: ٢٢
 انبارى نحوى محمد بن قاسم: ٢٥١
 ابى منصور بن صالحان: ٢٥
 ابى منصور بن صالحان: ٢٥

انجیل: ۸۸

انصاری ابومعمر: ۲۱۸

اهل البيت:

ایلخان: ۲۶۲

پ

پاشانور: ۲۶۸

پاشاحسن: ۲۴۲

پاشاعلی: ۲۴۰

پاشا عمر: ۲۳۹

پاشامحمدسری: ۲۴۲

پاشامصطفی عاصم: ۲۴۱، ۲۴۲

پرورش محمدحسین: ۱۵۰، ۱۶۹،

۱۷۹

ب

بایجو: ۵۵

بحرالعلوم، سیدجعفر: ۲۰۰، ۲۰۱،

۲۰۲

بحرالعلوم سیدمهدی: ۲۰۲، ۲۰۳،

۲۰۴، ۲۰۵

ت

تابوت: ۸۸

تقی الدین: ۲۲۸

تلعکبری: ۱۷۳، ۲۵۶

تمیمی سعدبن محمد: ۲۵۲

تورات: ۸۸

تیمور: ۶۰

بخاری ابونصر: ۲۰۴، ۲۱۵

بخاری احمدبن علی: ۲۵۳

بدرالدین ایاز: ۳۷

بساسیری: ۳۳، ۴۷

بطاننی: ۴۹

بکری: ۲۰

بلخی ابو عبدالله: ۲۱۷

بنی هاشم: ۱۴

بوقاتیمور: ۵۵

بهائی، شیخ: ۲۳۷

بههانی عبدالمطلب: ۸۳

بههانی محمدباقر: ۸۳

بیگم: ۱۲۵

ج

جابر شیخ: ۹۲، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹،

۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۵، ۱۱۷،

۱۱۸، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۱

جبرئیل: ۱۵۵

جعفر بن ابی طالب: ۲۱۰

جعفر بن محمد (ع): ۷۰، ۷۱، ۷۶،

۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۰

حسین بن علی علیہ السلام: ۷، ۵، ۷۰ ،
 ۸۳، ۱۷۰، ۲۰۵، ۲۱۱
 حسین بن موسی: ۱۹۷
 حسین بن یسار: ۱۳۳
 حسین چرفچی: ۹۶، ۹۷
 حلی، سید حیدر: ۱۰۸، ۲۴۵
 حمدویہ: ۲۰۴
 حمزہ بن موسی: ۱۹۷
 حمید شیخ: ۱۵۲
 حویزی عبدالحسین: ۲۴۲

خ

خاقان: ۱۹۳
 خطیب بغدادی: ۱۳، ۱۹۰، ۲۴۹
 خلانی: ۹۱
 خواجہ مرجان: ۵۹
 د
 داوود: ۱۶۴
 داوود پاشا: ۹۷
 داوود بن موسی: ۱۹۷
 دبیس بن مزید: ۳۲
 دیناری، احمد: ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۶۹،
 ۱۷۹

جعفر بن منصور: ۱۴، ۱۵، ۳۱، ۲۴۹
 جعفر بن موسی: ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۲
 جعفر حلی: ۱۱۸، ۱۱۹
 جعفر کمرہ ای: ۷۹
 جلال الدین، نقیب: ۲۲۴
 جلال الدین علی بن محمد: ۲۳۰
 جلال الدولہ (ابوطاھر): ۲۹، ۳۱، ۲۵۲
 جمال الدین احمد بن حسن: ۲۲۸
 جنید صفوی: ۶۴
 جواد: ۲۳۵
 جواد امام محمد بن علی
 جوسقی: ۶۰

ح

حاج فقیر: ۱۵۹
 حبیب اللہ: ۱۶۹
 حامض سلیمان بن محمد: ۲۵۱
 حسام السلطنہ: ۱۰۳
 حسن بن علی علیہ السلام: ۷۰، ۷۵،
 ۱۷۰، ۲۱۱
 حسن بصام: ۱۳۰، ۱۵۷
 حسن پاشا: ۸۱، ۱۱۸
 حسن علوی: ۱۲۵
 حسن بن موسی: ۱۹۷
 حسن بن محمد نقیب: ۲۱۹
 حسین بن حجاج: ۵۰، ۲۵۱

- ذ
- سبتی، کاظم: ۱۲، ۱۲۵، ۱۳۵
- سبزواری، ملاهادی: ۲۳۷
- سعد بن عبدالله اشعری: ۲۵۴
- سعدالدوله: ۵۷
- سعید: ۱۹۸
- سلجوقیان: ۱۳، ۳۳
- سلفی: ۲۱۷، ۲۱۸
- سلمان (فارسی): ۴۵
- سلمان (شیخ): ۱۱۰
- سلیم: ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۸۳
- سلیم پاشا: ۱۹۹
- سلیمان: ۷۶، ۷۷
- سلیمان بن موسی: ۱۹۷
- سماوی: ۳۳، ۲۲۸
- سماوی محمد: ۱۳۳، ۲۲۰
- سمعانی: ۲۱۹
- سندی بن شاهک: ۲۱
- ش
- شبر عبدالله: ۲۳۶
- شبر محمد رضا: ۲۳۶
- شرف الدوله: ۲۹
- شرف الدین سمنانی: ۵۶
- شریف مرتضی: ۲۰۶، ۲۵۸، ۲۵۹
- شکرالله: ۱۵۰، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۹
- شوری (قرآن): ۱۹۲
- ز
- زاهی: ۲۵۱
- زبور: ۸۸
- زبیده: ۳۱، ۲۵۰
- زرگر: ۱۲۸، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۳
- زید بن موسی: ۱۹۷
- س
- ساسانیان: ۱۳
- سام: ۱۱۱
- سبأ: ۱۹۲
- سبأشی: ۲۹

ظ

ظاهر (خليفه عباسى): ٣٨
ضحى (قرآن): ١٨٨

شيبى: ٢٣٤

شيخ الشرف: ٢٢٠
شيخ العراقين: ٩٥

ع

عباس: ٩٧، ٩٨، ١٢٩، ١٤٣، ١٦٣
عباسيان بنى عباس: ١٤، ١٥،
١٧، ٣١، ٣٦، ٤٢، ٥٨، ٦٠،
٢١٠، ٢١١، ٢٢٣، ٢٤٩، ٢٥٤
عباس (شاه): ٧٨، ٧٩، ٨٠
عباس بن على: ٢١٠
عباس بن موسى: ١٩٨، ٢٠٠، ٢٠١، ٢٠٢
عباس ميرزا: ١٠٣، ١٦٤
عبدالباقي: ٨٧، ٩١
عبدالحميد: ٩١
عبدالحميد خان: ٩٢

عبدالحميد، شيخ: ١٦٤، ٢٤١،
٢٤٢، ٢٤٣، ٢٤٥، ٢٤٨
عبدالحسين: ٩٥
عبدالدار: ٢٥٦
عبدالله: ١٩٨
عبدالله خان: ٩٦
عبدالرحمن: ٨١، ١٩٨
عبدالرحيم: ١٥٦
عبدالرسول: ١٤٣، ١٦٦، ١٦٩، ١٧٦،
١٧٩

ص

صالح: ٩٧، ٩٨
صدرالدين: ١٢٦
صدرحسن: ٢٠٥، ٢٢٧، ٢٣٦
صدوق شيخ: ٢٧
صفار: ١٦٦، ١٦٩، ١٧٦، ١٧٩
صفى، شاه: ٨٠
صفى الدين: ٢٣٠
صلاح الدين: ٢٢٠، ٢٢١
صنيع زاده: ١٦٦، ١٦٩، ١٧٦، ١٧٩
صوفى، محمد بن محسن: ٢١٥

ط

طالب: ١٣٣، ٢٣١، ٢٣٨، ٢٣٩، ٢٤١
طاووسى محمد بن ابى بكر: ٢٣٠
طبرى محمد بن جرير: ١٣، ١٤، ٢٠٤
طبرى (شيعى): ٢٢، ٢١٤
طبرى: ١٣٠، ١٨٣
طوسى شيخ الطائفة: ٢٥٦، ٢٥٧، ٢٥٨
طوسى خواجه نصير: ٥٦، ٥٨، ١٤٤،
١٦٠، ١٦١، ٢٥٠، ٢٥٦
طهماسب: ٦٤، ٢٦١، ٢٦٢، ٢٦٣

- عبدالرزاق: ٢٣٨، ٢٣٩، ٢٤١
 عبدالعلی: ١٥٦
 عبدالغفار: ٨٤، ١١٥
 عبدالکریم بن طاووس: ٤٨
 عبدالمحسن صوری: ٢٥٩
 عبدالنبی: ١٥٦، ٢٣٥
 عبدالوهاب: ٢١٨
 عبدالهادی: ٩٨، ١٠٧، ١٤٣
 عبیدلی: ٢٠٤، ٢٢٨، ٢٢٩، ٢٣٠
 عبیدالله: ١٩٨
 عتیق: ٢١٧
 عثمان، عثمانی: ٥٣، ٧٦، ٧٧، ٧٩،
 ٨٠، ١٠٨، ١٨٣، ٢٣١، ٢٣٤،
 ٢٣٩
 عزالدین عدنان: ٢٢٢
 عضدالدوله: ٢٨، ٢٩
 عضدی: ٥٥
 عقیل: ١٩٨
 عقیل بن ابی طالب: ٢١٠
 علاءالدین محمد: ٢٦٠
 علاءالدوله: ١٢٥
 علویان: ١٤، ٢٩، ٣٤، ٣٥، ٣٨،
 ٥٧، ٥٨، ٦٠
 علی علیه السلام: ٧٠، ٧٢، ٨٤، ٨٧،
 ١١٥، ١٦٣، ١٧٠، ١٧٣، ١٧٥،
 ١٧٩، ١٨٠
 علی بن احمد: ٢٣٥
 علی بن اقلح: ٢٥٢
 علی بن صدقه: ٢٥٢
 علی بن طاووس: ٢٦٦
 علی بن عبدالله: ٥٦
 علی بن عبدالله، شاعر: ٢٨
 علی بن عبدالحمید: ٢٤٥، ٢٤٦
 علی بن طراد: ٢٢١
 علی بن علی: ٢٢٩
 علی بن محمد نقیب: ٢١٧
 علی بن موسی بن جعفر: ١٩٨
 علی بن ناصر: ٢١٨
 عماد (امیر ابوالمظفر): ٩٦
 عماد اصفهانی: ٢٢١
 عمیدی: ٢١٥، ٢١٦، ٢١٧، ٢١٨،
 ٢٢٠، ٢٢١
- ف**
- فاخرعلوی: ٢٢٠
 فارس ذهلی: ٢١٧
 فاروقی: ٨٧
 فاضل بن علی: ٢٤٨
 فاطمه علیها السلام: ٧١، ١٨٠
 فتحعلی شاه: ٨٢، ٨٣، ١٠٤
 فخرالدوله: ٥٧
 فخرالدین: ٢٢٠، ٢٢١

ک

- کاتب محمد علی: ۱۴۷، ۱۴۸
 کاشف الغطاء: ۲۴۰
 کرخی محمد بن محمد: ۲۵۳
 کرمانشاهی محمد تقی: ۱۹۱
 کاظم (ع) امام هفتم:
 کاظمی علی: ۲۳۵
 کاظمی عبدالنبی: ۲۳۶
 کفائی عبدالرسول: ۲۴۷
 کلیددار رشید: ۲۳۴
 کلیددار فاضل: ۱۶۹، ۲۰۱، ۲۰۲،

۲۶۷

- کلیددار طالب: ۲۴۰
 کلیددار عبدالحمید: ۲۳۱
 کلیددار علی: ۱۵۰، ۱۵۹، ۱۷۹،
 ۲۳۴، ۲۴۲
 کمال الدین موصلی: ۲۵۰
 کوپائی: ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۶۹، ۱۷۹
 کوریکالزو: ۱۲

گ

گیلانی ملاحمزه: ۲۳۷

ل

لطف الله: ۱۲۹

فرثیان: ۱۳

- فضل بن ربیع: ۲۰
 فضل بن موسی: ۱۹۸
 فضائلی: ۱۵۲، ۱۶۹
 فضلی: ۷۷، ۷۸
 فرق دین (ستاره): ۱۱۴
 فرهاد میرزا: ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۶۰،
 ۱۶۴، ۱۸۸، ۱۹۰
 فرهنگ: ۱۶۴
 فلیپ حتی: ۲۶۲
 فولاد طبری: ۲۱۸

ق

- قائم با مرالله: ۳۲
 قاسم بن موسی: ۱۹۸
 قراتای (امیر): ۵۶
 قرا یوسف: ۶۰
 قریش: ۱۴
 قزوینی، احمد صالح: ۲۴۴
 قزوینی عماد الدین: ۵۶
 قزوینی محمد: ۲۳۱، ۲۴۳
 قلقشندی: ۲۱۱
 قلم زن: ۱۵۳
 قلانسی: ۳۵
 قولویه: ۱۷۳، ۲۵۱، ۲۵۳

- محمد بن طلحه: ۲۴
- محمد خان: ۱۰۸
- محمد مهدی بوشهری: ۱۰۸
- محمد تقی: ۱۱۹، ۱۵۷
- محمد جواد: ۱۱۹، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۷
- محمد بن حنیفه: ۲۱۰
- محمد کاظم: ۱۲۵، ۱۶۳
- محمد علی: ۱۲۶، ۱۶۳
- محمد رضا: ۱۴۷، ۱۴۸
- محمد بن موسی بن جعفر: ۱۹۸
- محمد عابد: ۲۰۵
- محمد بن محمد نقیب: ۲۱۶
- محمد بن علی نقیب: ۲۱۷، ۲۱۸
- محمد بن منصور: ۲۲۵
- محمد بن احمد: ۲۳۸
- محمود: ۶۰، ۸۴، ۹۲، ۲۳۱
- مراد: ۸۰
- مدنی سید علی خان: ۲۱۹
- مسکویه: ۲۵
- مسلی عامر بن اسماعیل: ۲۴۹
- مسلمه: ۲۵۴
- مستنصر: ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۵
- مشیرالدوله: ۱۲۵
- مشهدی نصرالله: ۱۸۹
- مشیرالملک: ۱۲۶
- م
- مأمون: ۲۰۲
- ماوردی: ۲۰۷
- مویذ الدین قمی: ۳۸، ۵۶
- مویذالدین: ۲۲۹
- مویذ محمد حسین: ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۶
- ۱۷۹
- مبارک انماطی: ۲۱۸
- مبارک بن محمد: ۲۱۷
- مبارک هندی: ۲۲۵
- مجدالملک: ۴۸
- مجلسی، علامه: ۲۱۵
- محسن: ۱۲۸
- محسنی بن وزیر بن فرات: ۲۵
- محسن خان: ۹۶
- محمد صلی الله علیه وآله: ۷۰، ۷۵، ۹۱، ۱۱۵، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۸
- محمد باقر: ۱۶۳
- محمد بن معد: ۳۷
- محمد شاه: ۶۰، ۸۱، ۸۲
- محمد شاه قاجار: ۱۸۰
- محمد حسن آل یاسین: ۸۳، ۱۰۳
- ۱۰۷
- محمد حسن: ۱۵۶

میرزا حسین: ۱۳۰	مصطفی جواد: ۳۳، ۲۲۰، ۲۳۰
میرزا خلیل: ۱۳۰	مفید (شیخ): ۱۴، ۱۹، ۱۴۴، ۱۶۹،
میرزا محمد: ۱۲۶	۱۷۲، ۱۹۷، ۲۰۲، ۲۵۲، ۲۵۴،
	۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰
ن	معزالدوله: ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۴۷، ۲۵۱،
ناشی علی بن عبد اللہ: ۲۶۶	معتمدالدوله: ۸۴، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۸۸،
نادر شاه: ۸۱، ۲۶۶	۱۹۰
نازوک: ۲۱۶	معاویہ: ۲۴۹
ناصرالدین شاه: ۹۵، ۱۰۳، ۱۰۴،	معین الدین سالم مصری: ۲۵۰
۱۰۸، ۱۲۵، ۱۶۰، ۱۸۱، ۱۸۷،	معلم، محمدرضا: ۱۵۶
۱۹۳، ۲۶۸	مغول: ۵۳، ۵۵
ناصرالدین محتشم: ۲۶۰	مکین الدین: ۲۲۱
ناصرین مهدی: ۲۵۳	ملک التجار: ۱۳۰
ناصرین مہدی: ۲۲۱	منصور دوانیقی: ۱۳، ۱۴، ۲۴۹
ناصرلدين الله: ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۸،	منوچهر: ۸۴
۵۶، ۵۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۶۳	موکیل: ۱۰۴
ناظم التجار: ۱۲۸	موسی شیخ: ۱۵۶
نجاشی: ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸،	مهدی موعود عليه السلام: ۷۱، ۷۶،
نجم الدين: ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۶	۱۷۰، ۱۸۰
نسوی ابو محمد: ۳۰	مهدی استرآبادی: ۹۷، ۹۸، ۱۰۷،
نصر اللہ: ۱۰۸	مهدی مریاتی: ۱۱۹، ۱۳۰
نصرین مالک: ۲۴۹	مهدی عباسی: ۱۹، ۲۰
نظام العلماء: ۱۲۵	مہلبی: ۲۵۱
نظر خادم: ۳۵	مہیار دیلمی: ۲۵۸، ۲۵۹
نعمان: ۱۷۳	مہیمن: ۹۶، ۱۱۳
نقاش محمد مهدی: ۱۶۵	میرزا بابا: ۹۶

- نقاش حسین: ۱۵۸
نقدی، شیخ جعفر: ۱۷۵
نوح پیامبر: ۱۵۳
نورالدوله: ۳۲، ۳۵
نورالدین: ۵۰
هارون الرشید: ۱۹، ۲۱، ۳۱، ۲۵۰
هبة الله: ۳۱، ۲۳۰
هزمز: ۲۵۲
هلاکو: ۵۵، ۲۶۱، ۲۶۲
هندی، حسین: ۲۴۰
هیثم: ۲۴۹

و

- و تار، محمد: ۱۶۴، ۱۶۵
وصال: ۱۶۴
وکیل الدولة محمد حسن: ۱۹۱
ه
هاشم: ۱۲۶
هاشمی علی: ۱۸۰
هادی: ۹۷
و تار، محمد: ۱۶۴، ۱۶۵
وصال: ۱۶۴
وکیل الدولة محمد حسن: ۱۹۱
ه
هاشم: ۱۲۶
هاشمی علی: ۱۸۰
هادی: ۹۷
هارون بن موسی بن جعفر: ۱۹۸
یزدانی: ۱۶۵
یزدی محمد بن ناصر: ۲۱۸
يعرب بن قحطان: ۲۵۶
يعقوب (پیامبر): ۸۸
يعقوب بن صابر: ۲۵۳
یحیی: ۲۱۶
یحیی بن موسی بن جعفر: ۱۹۸

فهرست جاها و شهرها

باب الرحمة: ۱۹۳	۱
باب صاحب الزمان: ۱۹۰	استانبول: ۱۱۸، ۲۳۱، ۲۳۳
باب صافی: ۱۹۰	استراباد: ۹۷، ۹۸، ۱۰۷
باب الفرهادیه: ۱۸۷	اصطهبان: ۹۶
باب القبله: ۱۹۳	اصفهان: ۱۲۵، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۶۶
باب المراتب: ۲۲۲	۱۷۹
باب المراد: ۶۴، ۷۸، ۹۵، ۹۸	الموت: ۲۶۰
۱۱۷، ۱۰۷	انگلیس: ۱۳۶
باب المغفره: ۱۹۲	ایران: ۸۴، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۶۵، ۱۸۲
بازار اسلحه فروشان: ۲۱۳	۲۰۱، ۲۴۰، ۲۶۳
بخارا: ۱۳۰	
بصره: ۵۷، ۲۴۹، ۲۶۲	ب
بغداد: ۱۲، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۵	باب التبن: ۲۲، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲
۳۷، ۴۱، ۴۲، ۴۷، ۵۵، ۵۶	۳۷، ۴۷، ۴۹، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹
۵۹، ۶۰، ۶۱، ۷۶، ۷۷، ۷۸	۲۲۰
۹۱، ۹۷، ۱۰۷، ۱۲۰، ۱۲۸	باب الحوائج موسی بن جعفر
۲۰۲، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۲۳	باب الجواهریه: ۱۸۷
۲۲۴، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۶۱، ۲۶۲	باب الدخول: ۴۱۱
بوشهر: ۱۰۸	باب الرجا: ۱۸۸

د

دارالآثار: ٤١، ٤٣، ٧٢
 دار الرقيق: ٢١٣
 دارالضيافة: ٣٦
 دجله: ٢٢، ٢٨، ٣٣، ٣٥، ٤١، ٥٩،
 ١١٨، ٢٢٢
 دجيل: ٢٩، ٦١
 دمشق: ٣٥، ٢٦٦
 ديلم: ٢٧

ر

رصافه: ٢١٣
 رضوى: ٨٩
 روضه
 رواق: ٩٦، ١٠٣، ١٢٣، ١٢٤، ١٢٥،
 ١٢٩، ١٥٨، ١٥٩، ١٦٩، ١٧٣،
 ١٨٠

س

سامراء: ٩٥
 سوريه: ٩٧
 سوق المعش: ٢١٣
 سيناء: ٩٦

ش

شام: ٢٣٤، ٢٦١

ت

تركيه: ١٨٣، ٢٣٣، ٢٤٠، ٢٦٨
 تكيه بكتاشيه: ١٨٩
 توثه: ١٣

ف

فارس: ١٠٤، ١٩٠
 فرانسه: ١٠٤

ج

جامع بغداد، مسجد: ٢١٣
 جامع الخليفه مسجد: ٥٦
 جامع صفوى: ١٥٩
 جامع الكبير: ٨٢
 جبل عامل: ٢٣٦، ٢٣٨
 جزيرة العرب: ٢٦١
 جوبا: ٢٣٦

ح

حريه: ٣٥
 حله: ٦٠، ٢٢٥، ٢٣٢، ٢٤٥، ٢٦١

خ

خان مرجان: ٤١

ک	شوشتر: ۱۵۶، ۱۵۳، ۱۱۹
کازرون: ۱۵۶	شونیزیه: ۱۳، ۱۴، ۱۵
کاظمین:	شیراز: ۲۰۱، ۱۲۵
کتابخانه جوادین: ۱۹۰	
کربلا: ۲۹، ۹۵، ۲۰۵، ۲۰۶	ص
کرخ: ۳۶، ۲۱۹	صحن قریش: ۱۸۷
کردستان: ۵۷، ۱۰۴	صحن المراد: ۱۸۷
کرمانشاه: ۱۵۸	
کوثر: ۱۱۸، ۱۶۸	ط
کوه طور: ۵۷، ۱۱۶	طارمه: ۶۲، ۷۸، ۸۳، ۹۵، ۹۸، ۹۹
	۱۰۳، ۱۲۹ - ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۴
ل	۱۵۹، ۱۶۰، ۱۷۳، ۱۸۰
لبنان: ۲۳۶	طور: ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۳۵، ۱۵۴
	طوی: ۸۹، ۱۵۴
م	ع
مختاره: ۳۶	عقرقوف: ۱۲
مراغه: ۲۶۱	عراق: ۱۲، ۱۳، ۵۶، ۶۴، ۷۹، ۸۰،
مرقد المرتضی: ۲۰۶	۸۱، ۸۲، ۹۵، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۱۸،
مربعه الخرسی: ۲۱۳	۱۳۵، ۲۳۳، ۲۳۹، ۲۵۹، ۲۶۲،
مرو: ۲۷	۲۶۳، ۲۶۶
مسجد حاج فقیر: ۱۵۹	
مشهد الرضا (ع): ۱۰۸	
مصر: ۲۰۱، ۲۱۰، ۲۱۱	ق
مقابر قریش: ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۱،	قم (قمی): ۳۴، ۴۸
۲۷، ۳۰، ۳۵، ۵۰، ۱۰۷، ۱۹۹،	قورج: ۴۱
۲۰۲، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۱۹،	قهستان: ۲۶۰

نیل: ۱۱۸	۲۵۰، ۲۴۹، ۲۲۹
	مقبره احمد بن حنبل: ۳۱، ۳۳، ۳۵،
و	۲۳۰، ۵۹
وادی ایمن: ۵۷	مکه: ۲۳۴
واسط: ۵۷، ۲۲۹، ۲۶۲	موزه: ۱۹۵
	موصل: ۳۴
هـ	میدان اشنان: ۲۵۸
همدان: ۱۳۰	
هند: ۱۰۱، ۲۶۳	ن
	نجف: ۲۹، ۱۲۰، ۲۲۸، ۲۳۸، ۲۵۵،
ی	۲۶۶
یمن: ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵	نهر عیسی: ۳۷

فهرست منابع و مأخذ

نویسنده

- | | |
|-----------------------------|---|
| ابن نجار | ۱ - تاریخ ابن النجار |
| محمد حسن آل یاسین | ۲ - تاریخ الکاظمیة |
| ابن سمعانی | ۳ - ذیل تاریخ بغداد |
| ابن مهنا عبیدلی | ۴ - تذکرة الانساب |
| | ۵ - دیوان: عبدالمحسن صبوری |
| ابن دبیثی | ۶ - ذیل تاریخ بغداد |
| محمد حسن آل یاسین | ۷ - شعراء الکاظمیة |
| محمد حسن آل یاسین | ۸ - زندگی و تألیفات شیخ مفید |
| مصطفی جواد | ۹ - مشهد الکاظمین |
| منسوب به علی بن حسین مسعودی | ۱۰ - اثبات الوصیة |
| ماوردی | ۱۱ - الاحکام السلطانیة |
| شیخ مفید | ۱۲ - الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد |
| سید علی آل طاووس | ۱۳ - الاقبال |
| محمد باقر مجلسی | ۱۴ - بحار الانوار |
| رکن الدین موصلی | ۱۵ - بحر الانساب |
| ابن کثیر دمشقی | ۱۶ - البداية و النهایة |
| ابن فرات | ۱۷ - تاریخ |
| ابی الفداء | ۱۸ - تاریخ |

- ۱۹ - تاریخ بغداد خطیب بغدادی
 ۲۰ - تاریخ الامم و الملوك محمد بن جریر طبری
 ۲۱ - تاریخ العراق بین احتلالین عباس عزای
 ۲۲ - تاریخ عرب فلیپ حتّی
 ۲۳ - تاریخ مساجد بغداد آلوسی
 ۲۴ - تجارب الامم مسکویه
 ۲۵ - تجارب السلف ابن سنجر
 ۲۶ - تحفة العالم سید جعفر بحر العلوم
 ۲۷ - تذکرة الخواص سبط ابن جوزی
 ۲۸ - تلخیص مجمع الآداب ابن فوطی
 ۲۹ - تنقیح المقال مامقانی
 ۳۰ - الجامع المختصر ابن ساعی
 ۳۱ - جامع الانساب روضاتی
 ۳۲ - جامع التواریخ رشیدالدین همدانی
 ۳۳ - الحوادث الجامعة منسوب به ابن فوطی
 ۳۴ - خلاصة الاقوال علامه حتّی
 ۳۵ - الدرجات الرفیعة سیدعلی خان مدنی
 ۳۶ - دلائل الامامة طبری
 ۳۷ - دلیل تاریخی علی مواطن الآثار مدیریت آثار ملی بغداد
 ۳۸ - دوحه الوزراء لکر کوکلی
 ۳۹ - دیوان سید جعفر حتّی
 ۴۰ - دیوان سید حیدر حتّی
 ۴۱ - دیوان شریف مرتضی
 ۴۲ - دیوان شیخ جابر کاظمی
 ۴۳ - دیوان عبدالباقی عمری
 ۴۴ - دیوان عبدالغفار اخرس

- ٤٥ - ديوان مهيار ديلمي
 ٤٦ - ديوان المؤيد داع الدعاء
 ٤٧ - ذيل تاريخ دمشق ابن قلانسي
 ٤٨ - رجال ابن داوود حلي
 ٤٩ - رجال بحر العلوم
 ٥٠ - رجال شيخ طوسي
 ٥١ - رجال نجاشي
 ٥٢ - سفرنامه ابن بطوطة
 ٥٣ - سفرنامه مدام ديولافوا
 ٥٤ - سفرنامه ناصرالدين شاه
 ٥٥ - روضات الجنات خوانساري
 ٥٦ - زهرالربيع سيد نعمة الله جزائري
 ٥٧ - سرالسلسلة العلوية بخاري
 ٥٨ - شذرات الذهب ابن عماد حنبلي
 ٥٩ - الشرف المؤبد نبهاني
 ٦٠ - شعراء حله علي خاقاني
 ٦١ - شعراء الغري (نجف) علي خاقاني
 ٦٢ - صبح الاعشى قلقشندي
 ٦٣ - صدى الفؤاد شيخ محمد سماوي
 ٦٤ - عمدة الطالب داوودي
 ٦٥ - غاية الاختصار منسوب به ابن زهرة
 ٦٦ - فتح القدسي عماد اصفهاني
 ٦٧ - الفخرى ابن طقطقي
 ٦٨ - فرحة الغري سيد عبدالكريم آل طاووس
 ٦٩ - الفصول المهمة ابن صباغ مالكي
 ٧٠ - فلك النجاة سيد مهدي قزويني

- ٧١ - فهرست شيخ طوسي
٧٢ - فوائد الرضوية
٧٣ - فوات الوفيات
٧٤ - كامل التاريخ
٧٥ - كامل الزيارات
٧٦ - كرام البررة
٧٧ - كشف الغمة
٧٨ - لسان العرب
٧٩ - ماضي النجف و حاضرها
٨٠ - مجالس المؤمنين
٨١ - المختصر المحتاج اليه من تاريخ بغداد
٨٢ - مرآة الزمان
٨٣ - المشجر الكشاف
٨٤ - مطالب السؤل
٨٥ - معارف الرجال
٨٦ - معالم العلماء
٨٧ - معجم الادباء
٨٨ - معجم الادباء الاطباء
٨٩ - معجم البلدان
٩٠ - مقابس الانوار
٩١ - مناقب آل ابي طالب
٩٢ - المنتظم
٩٣ - مهج الدعوات
٩٤ - نبراس
٩٥ - نجوم الزاهرة
٩٦ - نزهة اهل الحرمين
- ابوجعفر محمد بن حسن طوسي
شيخ عباس قمي
ابن شاكر كتبي
ابن اثير
ابن قولويه قمي
شيخ آقابزرگ تهراني
علي بن عيسى اربلي
ابن منظور
شيخ جعفر محبوبة
قاضي نورالله شوشتری
ابن دبيشى
سبط ابن جوزى
عميدى
ابن طلحة شافعى
شيخ محمد حرزالدین
ابن شهر آشوب
ياقوت رومى
شيخ محمد خليلى
ياقوت حمومى
شيخ اسدالله شوشتری
ابن شهر آشوب
ابن جوزى
سيدعلى آل طاووس
ابن دحية
ابن تغرى بردى
سيد حسن صدر

٢٩٠ _____ تاريخ حرم كاظمين (ع)

ابن خلكان

٩٧ - وفيات الاعيان

٩٨ - مجله - الاقلام -

٩٩ - مجله - سومر -

١٠٠ - مجله - الكتاب

نشریه کتابخانه عمومی امام حسن

در كاظمين

١٠١ - مجله - لغة العرب

فهرست موضوعات

صفحه	عنوان
۵	مقدمه ناشر
۷	مقدمه مترجم
۹	تقدیم
۱۱	مقدمه مؤلف
۱۷	حرم کاظمین در زمان بنی عباس
۱۹	شهادت امام کاظم و دفن آن حضرت
۲۴	دفن امام جواد (ع)
۲۶	در زمان آل بویه
۳۳	در زمان سلجوقیان
۳۶	در اواخر خلافت بنی عباس
۵۳	حرم کاظمین از آغاز اشغال مغول تا پایان اشغال خلفای عثمانی
۶۱	دوران اولیه صفویان
۷۶	دوره نخستین ترکان عثمانی
۷۸	دوره دوم صفویان
۸۰	دوره دوم ترکان عثمانی
۱۳۷	وضعیت کنونی حرم کاظمین
۱۴۰	روضه
۱۴۴	۱ - درب جنوبی روضه امام کاظم (ع)

- ۱۵۱ - ۲ - درب شرقی روضه امام کاظم (ع)
- ۱۵۲ - ۳ - درب غربی روضه امام کاظم (ع)
- ۱۵۳ - ۴ - درب شمالی روضه امام جواد (ع)
- ۱۵۷ - ۵ - درب شرقی روضه امام جواد (ع)
- ۱۵۷ - ۶ - درب غربی روضه امام جواد (ع)
- ۱۵۸ رواقهای حرم
- ۱۵۹ ۱ - رواق شمالی
- ۱۵۹ ۲ - رواق غربی
- ۱۶۰ ۳ - رواق شرقی
- ۱۶۰ الف - درب شرقی
- ۱۶۴ ب - درب جنوبی
- ۱۶۵ ج - درب میانه
- ۱۷۳ ۴ - رواق جنوبی
- ۱۷۳ الف - درب شرقی
- ۱۷۴ ب - درب غربی
- ۱۷۵ ج - درب میانه
- ۱۷۹ طارمه ها
- ۱۸۰ ۱ - طارمه شرقی «طارمه باب المراد»
- ۱۸۲ ۲ - طارمه جنوبی «طارمه قبله»
- ۱۸۳ ۳ - طارمه غربی «طارمه قریش»
- ۱۸۳ صحن
- ۱۸۷ ۱ - دیوار شمالی
- ۱۸۷ ۲ - دیوار شرقی
- ۱۹۰ ۳ - دیوار غربی
- ۱۹۱ ۴ - دیوار جنوبی
- ۱۹۵ پیوستهای کتاب

- ۱۹۷ پیوست اول: فرزندان امام کاظم (ع)
- ۲۰۷ پیوست دوم: نقباء و متولیان حرم
- ۲۰۷ نقباء و سرپرستان
- ۲۰۷ نقابت عامه
- ۲۱۴ ۱ - ابن جعفر القیم
- ۲۱۵ ۲- شریف محمد بن حسن بن یحیی بن ابی عبدالله جعفر التواب بن امام ابی الحسن علی الهادی (ع)
- ۲۱۶ ۳- شریف محمد بن محمد بن محسن بن یحیی بن جعفر بن الامام علی الهادی (ع)
- ۲۱۷ ۴ - شریف علی بن محمد بن محسن بن جعفر بن علی الامام الهادی (ع) معروف به ابی طالب علوی
- ۲۱۸ ۵ - شریف محمد بن علی بن محمد بن محسن بن یحیی بن جعفر بن علی الهادی (ع)
- ۲۱۸ ۶- شریف ابوالفضل علی بن ناصر بن محمد بن الحسن بن احمد بن قاسم بن محمد بن عبدالله بن جعفر بن عبدالله بن جعفر بن علی بن ابی طالب (ع)
- ۲۱۹ ۷- شریف ابو محمد حسن بن محمد بن علی بن ابی الضوء علوی
- ۲۲۰ ۸ - علی بن علی معروف به فاخر علوی
- ۲۲۰ ۹ - شریف فخرالدین محمد بن محمد بن عدنان بن مختار علوی
- ۲۲۲ ۱۰ - عزالدین عدنان بن معمر بن مختار کوفی
- ۲۲۳ ۱۱ - نجم الدین ابونصیر محمد بن الموسوی
- ۲۲۴ ۱۲ - شریف جلال الدین محمد مصطفی فرزند رضی الدین علی آل طاووس
- ۲۲۴ ۱۳ - شریف نجم الدین بن ابی جعفر هندی حسینی
- ۲۲۵ ۱۴ - امین الدین هندی جوهری
- ۲۲۶ ۱۵ - نجم الدین علی بن موسوی
- ۲۲۶ ۱۶ - محمد بن ابراهیم بن محمد بن علی حسینی

- ٢٢٦ - ١٧ - سيد عبدالكريم آل طاووس
- ٢٢٨ - ١٨ - رضى الدين على بن غياث الدين عبدالكريم آل طاووس
- ٢٢٨ - ١٩ - تقى الدين حسن علوى
- ٢٢٨ - ٢٠ - جمال الدين احمد بن حسن علوى
- ٢٢٩ - ٢١ - مؤيد الدين نسابه
- ٢٢٩ - ٢٢ - على بن على بن حسينى
- ٢٣٠ - ٢٣ - محمد بن ابى بكر طاووسى
- ٢٣٠ - ٢٤ - على بن عبدالكريم بن احمد علوى حسينى حنبلى
- ٢٣٠ - ٢٥ - جلال الدين ابوالحسن على بن محمد بن ابى المظفر،
هبة الله موسى
- ٢٣١ - ٢٦ - صفى الدين حسين بن على موسى
- ٢٣١ - ٢٧ - شيخ عبدالحميد كليدار
- ٢٣٣ متوليان حرم
- ٢٣٥ ١ - ربيعه
- ٢٣٥ ٢ - جواد
- ٢٣٥ ٣ - احمد بن جواد
- ٢٣٥ ٤ - على بن احمد
- ٢٣٦ ٥ - شيخ عبدالنبي بن على بن احمد بن جواد، معروف به كاظمى
- ٢٣٧ ٦ - احمد بن عبدالنبي
- ٢٣٨ ٧ - محمد بن احمد بن عبدالنبي
- ٢٣٨ ٨ - عبدالرزاق بن محمد بن احمد بن عبدالنبي
- ٢٣٩ ٩ - طالب بن عبدالرزاق
- ٢٤١ ١٠ - عيسى بن عبدالرزاق
- ٢٤١ ١١ - عبدالحميد بن طالب
- ٢٤٥ ١٢ - على بن عبدالحميد
- ٢٤٨ ١٣ - فاضل بن على بن عبدالحميد

- ۲۴۹ پیوست سوم: بزرگانی که در حرم مدفونند
- ۲۵۴ ۱ - قبر ابن قولویه قمی
- ۲۵۶ ۲ - قبر شیخ مفید عکبری
- ۲۶۰ ۳ - قبر خواجه نصیرالدین طوسی
- ۲۶۵ پیوست چهارم: موزه حرم

